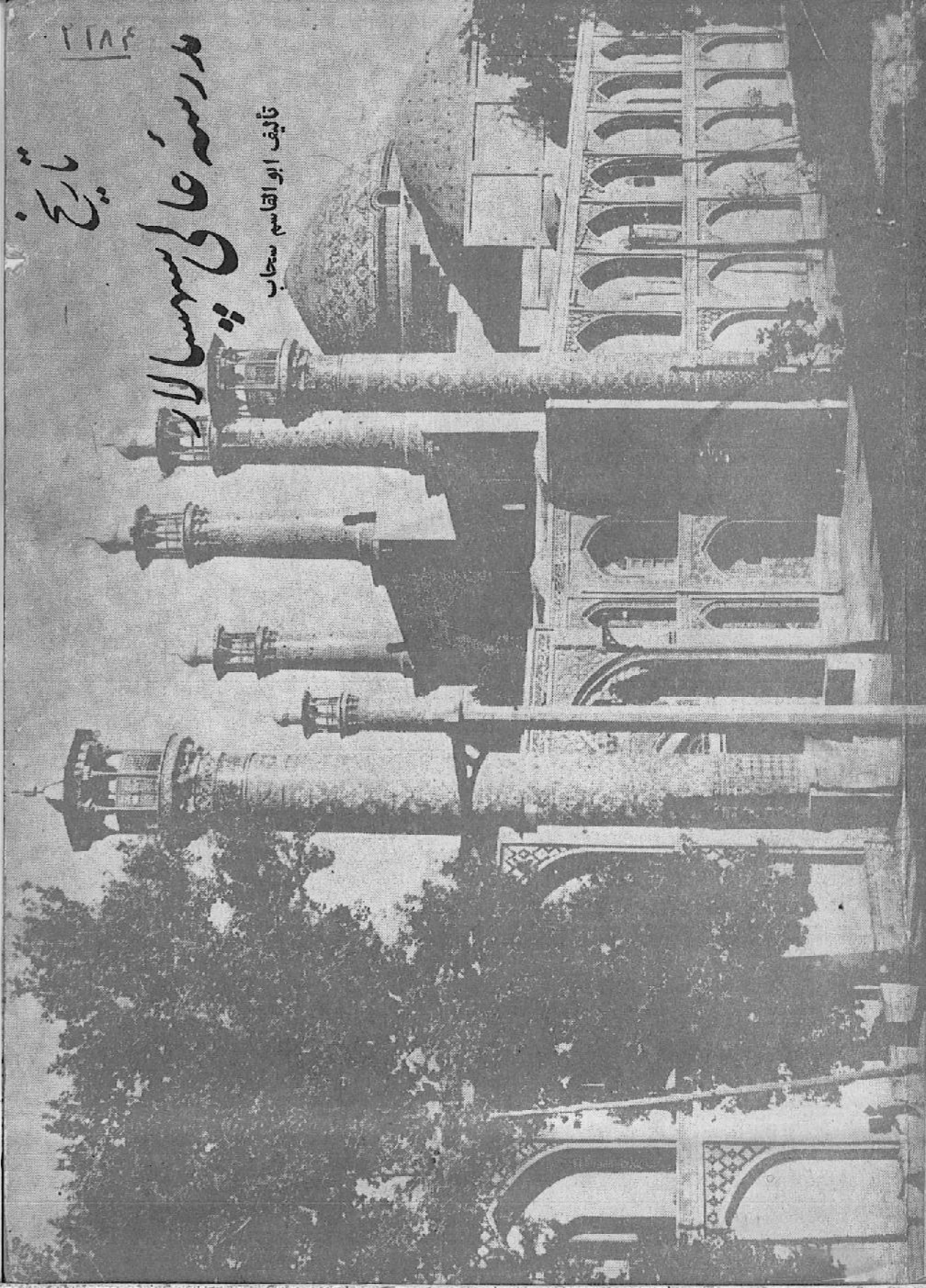


تاریخ

۱۲۸۴

مدرسه عالی سہمسالارہ

تالیف ابو القاسم سحاب



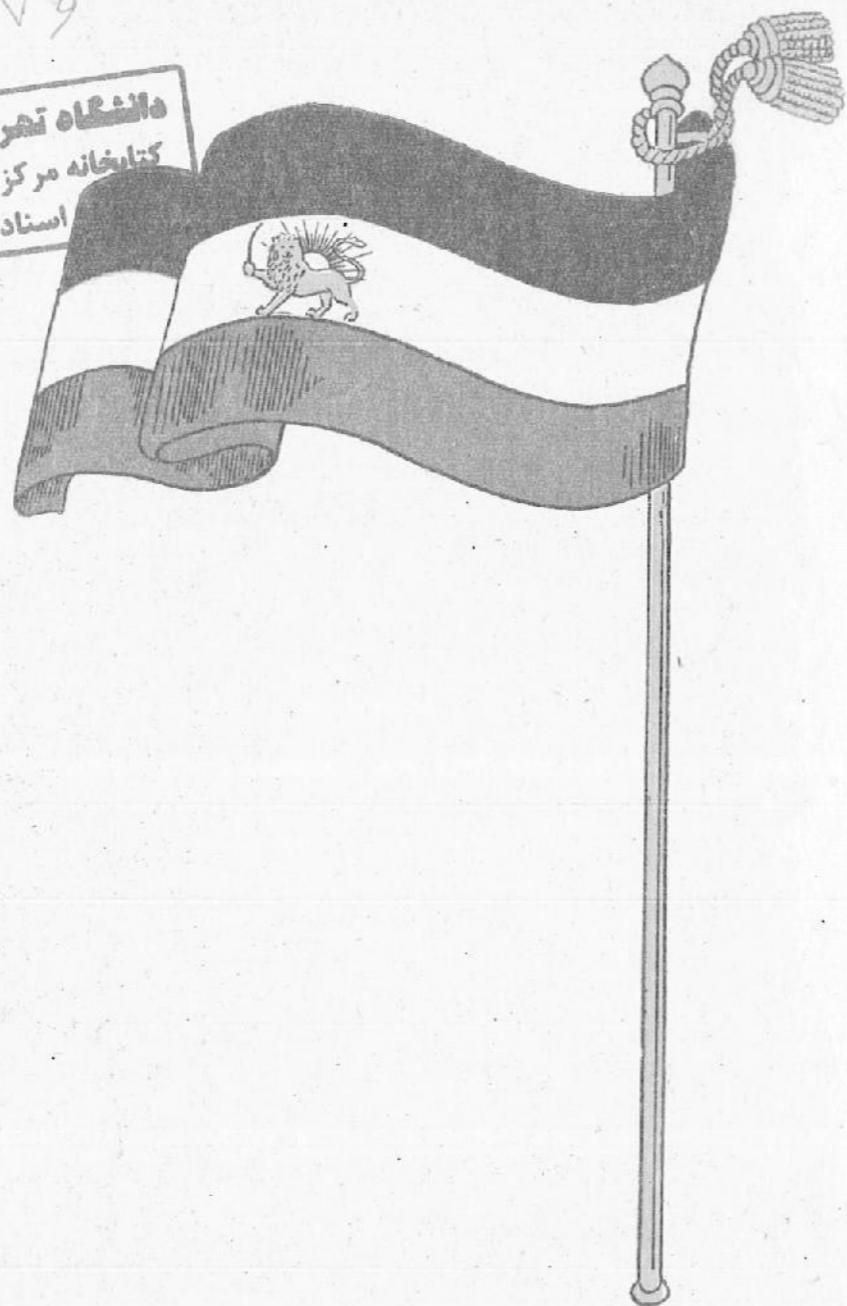
۱۹۴۱

تاریخ مدرسه سپهسالار  
 این کتاب که در خرداد ۱۳۰۰ در تبریز  
 چاپ شد و مقدمه آن بهشتی است و در تبریز  
 چاپ شده است و در تبریز  
 شماره ۷۴۲۵ و شماره ۱۳۰۰  
 ۱ - ۱۳۸۹۲

کتابخانه  
 شماره ۱۳۰۰  
 ۱۳۸۹۲

کتابخانه  
 شماره ۱۳۰۰  
 ۱۳۸۹۲

۴۸۷۹



مرحوم میرزا حسینخان سپهسالار بانی مسجد و مدرسه  
عالی سپهسالار در ایران آثار زیادی از خویش بیادگار گذارده است  
طرح پرچم سه رنگ ایران باینصورت، نیز از کارهای  
این مرد بزرگ و وطنخواه است.



۴۸۷۹



مرحوم میرزا حسینخان سپهسالار بانی مسجد و مدرسه  
عالی سپهسالار در ایران آثار زیادی از خویش بیادگار گذاشته است  
طرح پرچم سه رنگ ایران باینصورت، نیز از کارهای  
این مرد بزرگ و وطنخواه است.



## بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و ستایش خداوندی را سزااست که آدمی را بزبور دانش  
آراسته و به نیروی بیان برتری بخشیده و درود فراوان بروان پاک پیغمبر  
ستوده ای که باب معرفت بروی جهانیان گشوده و چراغ هدایت براه  
آدمیان گذاشته است

استاد بشر نبی امجد ختم همه انبیا محمد (ص)  
و تحیات بی شمار نثار ارواح طیبه اولاد امجاد او باد که پیشوایان  
دین و مروجین مذهب و آفتابینند خصوصاً آفتاب سپهر ولایت و کاروان  
سالار تقوی و شرافت اسدالله الغالب علی بن ابیطالب علیه السلام .  
اما بعد بر رأی منیر صاحبان دانش و بینش پوشیده نماند که دیر زمانی  
است این بنده در صدد بر آمد که تاریخی برای بنای مدرسه عالی  
سپهسالار و سرگذشت بانی آن و جریان امور این مؤسسه شریف  
تدوین نماید زیرا جای دریغ بود که چنین بنای عظیم و رفیع دارای  
تاریخ مدونی نباشد و بالاینکه در دنیای متمدن معمول است که هر بنا  
و مؤسسه ای را با نگاشتن تاریخ آن و وقایعی که بخود دیده است  
جزء بجزء معرفی میکنند و کوچکترین اطلاع مربوط بآنرا در  
معرض اطلاع عموم میگذارند، نسل جوان را کمتر اطلاع و وقوف از  
کیفیت این مدرسه و بانی و منظور موجد و چگونگی وضع فعلی آن  
بود و مخصوصاً آگاهی بترجمه احوال مرد مسلمان و خیر خواه و  
سیاست پیشه ای را که در تمام عمر خود بامصائب و مشکلاتی روبرو بوده  
و در زدو خورد ها و کشمکش هایی که معمولاً در کار های سیاسی و

اجتماعی روی میدهد مقاومت شدید کرده و در میان طوفان حوادث و تحریکات حسودان و مغرضان توانسته است مصدر خدمت های بزرگی واقع شود و پس از خود نیز بنای جاویدانی بیادگار گذاشته که مرکز ترویج دین و دانش است برای نسل معاصر و آینده واجب و لازم است چه گفته اند تاریخ گذشتگان آئینه عبرت برای آیندگان است و «چهره امروز در آئینه فردا خوش است»

با اینکه رنج فراوان در تدوین این کتاب بکار بردم و کوشش کردم که حقایق را برشته تحریر در آورم و هر یک از ارباب فضل که آنرا دیدند ستودند چاپ و انتشار آن در طی سالیان دراز مقدور نگردید و نواب تولیت و وزارت فرهنگ وعده ها دادند و نامه های رسمی و غیر رسمی ردوبدل کردند ولی آن گفته ها و نوشته ها جامه عمل بخود نپوشید تا در این اوان که بیمن همت و تدبیر شاهنشاه دانش پرور و دل آگاه اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی شهریار جوان بخت ایران آب رفته بجوی باز آمد و آتش فتنه که سالها اشتعال داشت خاموش گردید و کشور کهن سال ایران فرجوانی از سر گرفت و فرمان مبارک شاهنشاه نیابت تولیت این کاخ رفیع اسلامی بمصلح بزرگوار وفیلسوف عالی مقدار حضرت سیدالعراقین تفویض گردید و این شخصیت مهم و مشهور باصلاحات بسیاری در اندک مدت توفیق حاصل کرد ، نگارنده را نیز مساعدت و تشویق فرمود که این کتاب را که سالها در گوشه خاموشی مانده بود چاپ و در دسترس همگان بگذارم .

در این کتاب کوشش شده است که بطور ایجاز ترجمه حال و خدمات مرحوم میرزا حسینخان سپهسالار و مختصری از احوال کسانی از رجال و معاریف که با او پیوستگی داشته اند و چگونگی ایجاد بنا و تصرفات و تحولاتی که در آن شده نوشته شود و همچنین

( ب )

صورت و قفنامه ها و تعریفی از کتابخانه نفیس مدرسه سپهسالار و تراجم احوال نایب التولیه ها و مدرسین و ائمه جماعت و درآمد و هزینه سالیانه را نگاشتم و یک قسمت را نیز بوضع فعلی مدرسه و شرح حال استادانی که اکنون بافاضا مشغولند و مختصری از اصلاحات جدید که بدست توانای علامه حجة الاسلام حضرت سیدالعراقین انجام شده از قبیل تنظیم امور مدرسه و پیشرفت دروس و ایجاد درمانگاه و نصب بلندگو و تنظیم فهرست برای کتابخانه و توازن درآمد و هزینه و تهیه آب مشروب و روشنایی و پاکیزگی برای ساکنان مدرسه اختصاص دادم و بسیار سرافرازم که این کتاب بترجمه حال شخصیتی چون مرحوم سپهسالار آغاز گردید که جزء شخصیت های ممتاز قرن اخیر ایران بشمار میرود و کارهای نیک او را همه می ستایند و انجام آن هم شرح خدمات شخصیتی است که امروز در ممالک اسلامی ممتاز و انگشت نماست و پادشاهان و رؤسای جمهور کشور های اسلامی و سران و رجال علمی و سیاسی خاور او را با دیده تجلیل و تکریم مینگرند و شهریار ایران که پرچم دار دانش و پشتیبان دین است همواره او را مورد عنایت شاهانه قرار میدهند و سرپرستی این سید جلیل القدر در این مؤسسه دینی نوید میدهد که بزودی مدرسه عالی سپهسالار در امور مربوطه بخود به پیشرفت ها و ترقیات شایانی نائل شود و توجهات شهریار دانش پرور و کاردانی مصلح بافضل و هنر، این مؤسسه را بعظمت و شئونی که درخور آن است موفق دارد و باسط علم و دانش و تربیت مجتهدان و حامیان دیانت موجب ترویج دین و رونق کشور و دعا گوئی شاهنشاه و باعث شادمانی روان پاک بانی گردد و بفتح ملک و ملت این دستگاہ عظیم دینی و علمی سامان بندد

باش تا صبح دولتت بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است

طهران آذرماه ۱۳۲۹ ابو القاسم سحاب

( ج )

## بخش اول

زندگانی مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار

(۱۲۴۱ - ۱۲۹۸ هجری قمری)

مرحوم حاج میرزا حسین خان سپهسالار  
فرزند مرحوم میرزا نبی خان امیر دیوان  
قزوینی او آخر سال ۱۲۴۱ هجری در قزوین  
متولد شد. پدرش میرزا نبی خان از رجال دربار قاجاریه فرزند ابوالقاسم  
خان مازندرانی است که بقزوین آمده و در آنجا سکونت گزیده و بعداً  
فرزندان او بقزوینی اشتهار یافته اند پسردیگرا و ابراهیم خان میراخور  
محمد شاه بود (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰).

امیر دیوان دوره محمد شاه مراتبی طی نموده و ترقیات قابل  
ملاحظه‌ای کرده چنانکه ابتداء بحکومت خمه، اصفهان و فارس رسیده  
بعدها وزیر دیوانخانه (عدلیه) شده و در هر کار ابراز لیاقت کرده است.  
بین میرزا نبی خان و میرزا تقی خان امیر کبیر فراهانی روابط  
صمیمانه‌ای برقرار بود و امیر باو محبت و مودتی مخصوص داشت بهمین  
جهت موقعی که امیر با ناصرالدین شاه از تبریز بطهران می‌آمد (۱۲۶۴)  
در قزوین دوپسر میرزا نبی خان میرزا حسین خان و بجیبی خان را خواسته  
مورد عواطف قرار داد و آنها را با خود بطهران آورده و در ترتیب آندو



مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار

اهتمام نمود. امیر دیوان برای خدمت بایران چهار فرزند شایسته از خویش بیادگار گذاشت که هر يك بنوبت خود باین کشور خدمتی نموده اند.

یکی از آنها مرحوم حاج میرزا حسین خان سپهسالار است که از رجال بزرگ و وطنخواه و وزیرای کافی و کاردان ایران بشمار میرود. دیگری یحیی خان (مشیرالدوله) است که او نیز از بزرگان رجال و وزیرای معروف ایران است.

مرحوم سپهسالار فرزند اول میرزانبی خان و مشیرالدوله فرزند دوم (۱) او بوده و مادر این دو پسر قزوینی است.

۱ - یحیی خان مشیرالدوله (۱۲۴۳ - ۱۳۰۹ قمری) برادر کوچکتر سپهسالار در اوایل سال ۱۲۴۳ در قزوین متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی با اتفاق برادرش سپهسالار با اروپا رفت و پس از تکمیل تحصیلات بایران باز گشت و در قزوین بود تا میرزاتقی خان امیر کبیر او را با برادرش تهران آورد. در همان هنگامی که سپهسالار کارپرداز بمبئی شد مشیرالدوله وارد مشاغل در باری گشت.

در سال ۱۲۷۳ به بطر و کرد و در سال ۱۲۷۵ باستانبول مأموریت رفت و از سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی نشان مجیدی دریافت داشت و پس از مراجعت از استانبول به معتدالملك ملقب شد.

یحیی خان در موقع صدارت سپهسالار در سال ۱۲۸۸ مدیر مشورت خانه شاهی بوده و در اواخر همین سال وزیر مخصوص و سرکشیچی باشی اردو شده و ضمناً پدامادی شاه نائل گردید.

یحیی خان در سال ۱۲۹۱ با ناصرالدین شاه بفرنگ رفت و پس از بازگشت والی فارس و بعداً در سال ۱۲۹۴ ایالت مازندران باو واگذار شد.

پس از فوت سپهسالار در سال ۱۲۹۹ - یحیی خان معتدالملك ملقب به مشیرالدوله شده و بسمت وزیر عدلیه انتخاب گردید. در همین هنگام مشغول انعام بنای مسجد و مدرسه سپهسالار بوده و در سال ۱۳۰۲ بوزارت امور خارجه و بعد وزارت تجارت و مجدداً بوزارت دادگستری منصوب شد.

یحیی خان در ماه جمادی الثانی سال ۱۳۰۹ هنگامی که در تهران مرض انفلوانزا شیوع یافته بوده باین مرض بدرود زندگانی گشت و نعش او را به مشهد فرستادند و در جوارقبر برادرش سپهسالار بخاک سپردند.

در تمام خاک هند انجام میداد و در حقیقت کارپرداز بجای سفیر کبیر کنونی بود.

سپهسالار زمان اقامت در بمبئی سفری بکلکته نموده و اوضاع آنجا را بخوبی تحت نظر و مطالعه در آورد و اطلاعات مفیدی از این سیروسیاحت برای خود و هموطنانش اندوخته و بر بسیاری از رموز و اسرار سیاسی و طرز رفتار کارکنان دولت بریتانیا در آن سرزمین آگاهی پیدا نموده و بر مطالعات و تجربیات خود افزود.

سپهسالار پس از اینکه این مأموریت را در هندوستان انجام داد با جوانی، کار پیران مجرب و مردان آزموده را نموده و برای دولت متبوعه خویش اهمیت و آبرویی احراز کرد و خدمات او مورد توجه و منظور نظر دولت شده و وجودش را لایق و قابل استفاده زیاده تر از آن دیدند و بهمین جهت بر حسب تمایل شاه و پیش نهاد صدر اعظم وقت (میرزا آقا خان اعتمادالدوله نوری) که بعد از قتل و تقی امیر کبیر بصدارت رسیده و شخص اول دولت بود سپهسالار را بطهران احضار نمودند. اوائل ۱۲۷۱ قمری هجری سپهسالار بارتبه

ژنرال قونسولگری  
سپهسالار در تقلیس  
این هنگام حکومت روس تزاری کمال

نیرو و اقتدار را داشت و بین دول اروپا موقعیت مهمی را دارا بود.

سپهسالار در این مأموریت نیز مانند گذشته لیاقت و کفایت خوبی بخرج داده تجربیاتی که در مأموریت هندوستان اندوخته و معلوماتی که در آن مورد فرا گرفته بود در اینجا بکار برد، مشارالیه در این مأموریت هم از طرز رفتار کارکنان روسیه و وضع سیاست و کردار ایشان آگاهی تمام یافته ضمناً از روش سیاسی دولت مزبور که در آنوقت نفوذی فوق العاده در وطن ما داشت اطلاع پیدا کرد.

در این سفر نیز سپهسالار برای ازدیاد آبرو و حیثیت دولت



متبوعه خود از هیچ کوششی فروگذار نکرد و در انجام وظائف مرجوعه موفقیت شایانی یافت و بالاخره پس از چهار سال که در تقلیس مأمور مقیم بود بمرکز احضار و از طرف دولت نسبت بزحمات و خدماتیکه انجام داده بود قدر دانی و تشویق بعمل آمد.

مأموریت سپهسالار  
در استانبول  
در ۱۲۷۵ (سال آخر صدارت اعتمادالدوله نوری) سپهسالار بخلعت خاص شاهي مخلص شده از طرف دولت بمنصب وزیر مختاری واقامت در دربار عثمانی مأمور گردید.

سپهسالار اولین وزیر مختاری است که از طرف دولت ایران بخارج اعزام شده و تا آنوقت عنوان وزیر مختاری در کار نبود اشخاص ذیل نیز بمضویت سفارت استانبول بر حسب پیشنهاد و انتخاب شدند: نریمان خان سر تپ مستشار سفارت - سلیمان خان فرزند مؤتمن الملک و وزیر امور خارجه نایب اول و چند نفر دیگر بسمت کار پرداز معین گردیدند. مأموریت سپهسالار در آنوقت مقارن بادوره شوکت و اقتدار دولت عثمانی و زمان سلطنت سلطان عبدالمجید بود و در اواخر سال ۱۲۷۸ سلطان مزبور وفات یافته بجای او پسرش سلطان عبدالعزیز بسلطنت برقرار شد.

این اوقات موضوع رقابت و اختلاف سرحدی بین دولت عثمانی و ایران بمیان آمد و تصفیه این کار از طرف دولت ایران بعهده سپهسالار واگذار گردید. مشارالیه انجام دادن این خدمت را هم بحسن کاردانی و کفایت از عهده برآمده بین دولتین روابط حسنه ایجاد و اختلافات موجوده را رفع کرد و مصالح و منافع تجارتهای ایران را تأمین نمود.

در همین سال از طرف سلطان عثمانی نشان مجیدی (کماندر) باو داده شده عملیات او در دربار عثمانی و در بار ایران منظور نظر اولیای

امور گردید و امنای دولت عثمانی بوی کمال احترام را مینمودند.

تشریف سپهسالار  
بمکه معینه  
در ۱۲۷۹ سپهسالار از استانبول بخاک حجاز رهسپار شد و بزیارت خانه خدامشرف گردید. در این سفر طرز رفتار و وضع کردار مأمورین عثمانی و شریف مکه را بازوار و حاجیان ایرانی تحت نظر آورده موجبات آسایش ایشان را فراهم کرد و باشریف مکه جهت ترفیه و آسایش خاطر حجاج و زائرین ایران مذاکراتی مفید و مؤثر بمیان آورد.

در نتیجه قرار شد که کنسول دائمی از ایران در جده برای سرپرستی و رسیدگی بامور ایرانیان برقرار گردد این هم یکی از قدمهای مفیدی بود که این شخص برای رفاهیت هموطنان خود برداشته و وسائل راحتی زائرین ایرانی را که تا آنوقت دچار تهاجم و حملات و غارت گری اعراب بدوی و دزدان صحرا بودند تأمین کرده است.

ضمناً شریف مکه را موافق و همراه نمود که از آن بعد با حاجیان ایرانی يك دسته عسکر محافظ بگمارد تا از مدینه بمکه و بالعکس از ایشان پاسبانی نمایند.

در ۱۲۷۹ سپهسالار بیکقطعه نشان تمثال شاهي مکلل بالماس نائل گردیده آوازه کفایت و شایستگی و اشتهار لیاقت او در دربار ناصری انعکاس تمام یافت.

عضویت سپهسالار  
در شورای دولتی  
در ۱۲۸۰ سپهسالار از استانبول بطهران احضار شده بمضویت شورای کبرای دولتی انتخاب گردید.

شاه که طرز حرکات و سکنات و هوش و استعداد او را دید و علاوه راستی و درستی او را در خدمتگذاری مشاهده نمود علاقه زیادی

بسپهسالار پیدا کرد خواست در پایتخت از وجود او استفاده زیادتری بنماید لیکن مقتضیات طوری بود که دیگر بار حضور او را باستانبول و باب عالی ایجاب مینمود.

سپهسالار در اواخر ۱۲۸۰ مجدداً از طرف دولت ایران بعنوان وزیر مختاری باستانبول برگشت در این مأموریت حامل يك قطعه نشان شیرو خورشید مکمل بالماس و حمایل آبی و تحف دیگر جهت سلطان عبدالعزیز خان بود.

از این سفر که سپهسالار بطهران آمد باغ بهارستان را خریداری و بعد در آنجا ساختمان نمود.

در ۱۲۸۲ که میرزا جعفر خان مهندس مشیرالدوله بدرود زندگانی گفت لقب او از طرف دولت بحاج میرزا حسینخان اعطاء و بمشیرالدوله ملقب گردید. مشیرالدوله در دوره وزیر مختاری خود بواسطه کاردانی و کفایتی که داشت محبوبیتی در ایران و عثمانی کسب کرده بود در سال ۱۲۸۵ از استانبول بعنوان مرخصی بطهران آمده در مراجعت بعنوان سفیر کبیر مفتخر گردید.

در ۱۲۸۲ ناصرالدین شاه از  
ایران بعنوان زیارت عتبات  
بغرات میرفت سپهسالار بعراق آمد  
بغرات عرب رهسپار شد. این  
مسافرت از ۲ جمادی الاخره ۱۲۸۷ تا غره ذی الحججه همانسال طول کشید.  
امور کشوری در غیاب شاه با کامران میرزا نایب السلطنه و میرزا  
یوسف مستوفی الممالک بود.

در این سفر برای شاه مشکلاتی روی داد و بین دولت ایران و عثمانی اختلاف نظری پیش آمد باین معنی که دولت عثمانی نظر بمصالح سیاسی سفر شاه را به بین النهرین صلاح نمیدانست زیرا عثمانی ها همیشه

ایران را تنها رقیب خود در بین النهرین میدانستند بدینجهت توقف شاه بین راه قدری بطول انجامید.

سپهسالار با کفایت و کاردانی و حسن سلوکی که داشت توانست رفع اشکال نموده و دولت عثمانی را مجبور کند رسماً از شاه ایران دعوت نماید و ناصرالدین شاه در ۲۱ رجب ۱۲۸۷ از خانقین عبور و باعده از قشون سوار و پیاده و همراهان در حدود هشت هزار نفر بجانب بغداد روانه گردیدند.

در این بین سپهسالار از استانبول حرکت و از راه حلب ببغداد آمده و از آنجا بکرمانشاه رفت و بشاه ملحق گردید. مدحت پاشا والی بغداد برای استقبال و پذیرائی تا خانقین آمده بود.

شاه که از دیرگاهی بکفایت و کاردانی سپهسالار آگاه شده این خدمت مهم که سیاست ایران را در آن موقع پیش انداخت در نظر شاه جلوه نمود خواست که اینمرد کافی را ترقی دهد لئان دستخطی صادر و وزارت عدلیه را بضمیمه وزارت اوقاف و وظائف بسپهسالار واگذار کرد و او را باعطای جبهه شمس دار و یک حلقه انگشتری الماس خاصه سرفراز گردانید. در موقعی که شاه بنجف اشرف تشریف یافته بود خزانه مبارکه علوی (ع) در آنوقت ممنوع از مشاهده و سقف خزانه از سرب پوشیده شده بود.

برای گشایش خزانه بین دولت و علماء و سفارت ایران و مدحت پاشا با دولت عثمانی تلگرافاتی مخابره شد و بالاخره خزانه را باز و از تمام محتویات در حضور سپهسالار و مدحت پاشا و کمال پاشا و میرزا کی نایب مستوفی دیوان و وزیر حرمخانه صورت برداشته در کتابچه مخصوصی ثبت و هریک از نمایندگان دولتین نسخه برداشتند.

دوره وزارت  
سپهسالاری و صدارت  
در ۲۹ رمضان ۱۲۸۷ در بغداد فرمان وزارت  
سپهسالار (۱) صادر و از آنجا باشاه بجانب  
طهران حرکت نمود اولین امری که به تصفیه  
آن مأمور شد رفع اختلاف بین عمادالدوله فرزند محمدعلی میرزادولت‌شاه  
و برادران او در گرامانشاه بود که سپهسالار چند روزی در آنجا توقف  
نموده و پس از رفع اختلاف بطهران آمد.

مشارالیه در وزارت عدلیه و اوقاف خدماتی شایسته نموده  
بدعاوی حقوقی و تنظیم امور اوقاف ووظایف مستمریات رسیدگی و  
موجبات رضایت عموم را فراهم آورد امور دیوانخانه عدلیه بوجود  
این وزیر پیشرفت نموده هیچگونه حکمی در آنجا معطل و بدون  
اجراء نمیماند.

میرزا حسینخان طبق قوانین شرع و فقه اسلامی و عرف و عادت  
و نظامنامه های داخلی بامور قضا رسیدگی مینمود. در آن زمان  
حکام و دیگر مراجع صلاحیتدار احکامی صادر میکردند که باعث اذیت  
و آزار مردم میشدند از اینرو سپهسالار طبق معمول فرنگ در صدد  
برآمد که در قوانین ایران تجدید نظر نموده و از تعدی و آزار نسبت  
بمردم جلوگیری بنماید. بدینجهت متحدالمالی صادر نمود که حکام

#### (۱) سواد دستخط همایون بافتخار مشیرالدوله

بنا بر خدمات عدیده که در ممالک خارجه خاصه در دوزبار دولت عثمانیه بخصوص  
در آمدن مابصره عراق عرب و زیارت قبور مطهره منوره آئمه هدی علیهم السلام از میرزا  
حسینخان مشیرالدوله سمت ظهور یافته است و بنا بر التفات مخصوصی که نسبت بشخص  
اوداریم لازم شد يك التفات خاصی نسبت باو بفرمائیم که جوهر کاردانی خود را در آن  
روز بینه ظهور برساند و لیاقت خود را عاقل و باطل نگذارد لهذا از تاریخ بیست  
ونهم رمضان سنه ۱۲۸۷ یون تمیل اورا بمنصب وزارت عدلیه اعظم کل ممالک ایران  
بعلاوه وزارت وظایف و موقوفات ایران هم ضمیمه وزارت عدلیه کرده سرافراز فرمودیم  
انشاءالله بصل این سه وزارتخانه کمال نظم را بدهد  
از بغداد نوشته شد.

طبق آن دستور که بامضای شاه موشح شده بود حق ضرب و شکنجه  
و قتل را نداشتند و این عمل بقدرت و نفوذ آنان صدمه زد و جلو تعدیات  
آنها را گرفت و چنانکه اعتماد السلطنه میگوید عدل دوره خلفاء را  
تجدید کرد و در بین مردم محبوبیتی حاصل نمود و بیش از پیش مورد  
مرحمت شاه قرار گرفت.

در سیزدهم رجب المرجب سال ۱۲۸۸ که مصادف با روز تولد  
حضرت علی ابن ابی طالب امیر مؤمنان علی علیه السلام بود سلام عام  
در تالار تخت مرمر منعقد شد. ناصرالدین شاه در این روز میرزا  
حسین خان را به سپهسالاری قشون منصوب کرد.

در این تاریخ وضع قشون ایران نامرتب و امور لشکری از هم  
گسیخته شده بود و با تحولاتیکه در جهان آنروز بوقوع می پیوست  
لازم بود که در سازمان لشکری و کشوری ایران تجدید نظری شود.  
ناصرالدین شاه در سلام عام باحضور عدده زیادی که جهت عرض  
تبریک بکاخ مرمر آمده بودند نطق ذیل را ایراد نمود:

« البته امروز خیال میکنید که چرا من مابس بلباس نظام شده ام علت آنست  
که چون امروز روز عید مولود امیرالمؤمنین علیه السلام است و روز فرخنده  
و مبارک است ریاست کلیه قشون را بعهده گرفته ام و از امروز ببعد داخل خدمت  
قشون محسوب خواهم بود و سبب این را البته میدانید که در این سنوات گذشته آنطور  
که باید و شایسته دولت ایران است و آن قسمی که منظور نظر ما بود ترقیات  
در شعبات نظامی و غیر نظامی حاصل نشده بخصوص آن ترقیاتیکه در اسلحه جدید  
یورپ و در قواعد مشق و درس نظامی آنآ فائدا در تزیاید است سرایت بایران نکرد  
و سرکردگان و صاحب منصبان از بزرگ و کوچک تکالیف حدود و خدمات خود را  
کم کرده شأن و احترام نظامی ازمیان رفته بود و سرکردگان و رؤسا و کسانی که  
راضی در خدمت لشکریه بودند و بعضی اعمال ناشایسته عادت کرده و قوانین نظامیه را  
فراموش نموده بودند و ازدو هائی که دایم در مشق و حرکت باید باشند چه در  
سرحدات چه در داخله و نقاط معینه بی حرکت مانده کم کم فراموش شده بود و همچنین  
بعضی معایب دیگر که رفع آنها الزم امور دولتی است این است که ریاست

نظامی را بنفس نفیس لازم دانستم در کار و انتظام آنرا بمهده گرفتم و چون یکنفر نوکر دولتخواه صدیق قاعده دان لازم است که واسط میان ما و امور قشون باشد لهذا حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله را که حاضر حضور است از جانب خود نایب کرده ملقب بسپهسالار اعظم و وزیر عسکریه میفرماتم و این دو کتاب قانون نظام را که سابقاً نوشته شده و هنوز اجرا نیافته بود بدست خودمان بدو میدهم که انشاءالله تعالی الی نقطه آخر مجری دارد و نکته ای فرو نگذارد و از این روز بعد القاب و مناصب نظامیه باستحقاق باید باشد نه بواسطه وراثت و از امروز خدمت را پاداشی نیک خواهیم داد و هر خیانت را تنبیه و سیاست و گذشت و اغماض بهیچوجه نخواهد شد خادم محروم نخواهد ماند مقصر آزاد نخواهد گردید»

سپهسالار در جواب ناصر الدین شاه چنین گفت:

«نهایت مفاخرت و کمال مباحات افراد و آحاد قشون ایران را حاصل است که از امروز بعد احترامات لایقه و اکرامات مستحقه خود واصل و نایل خواهند گشت مقدار عنایت در تقدیم خدمت دانسته و انداز سیاست را در ظهور خیانت شناخته اند تکالیف شخصیه و امور معینه هر یک معدود و محدود گشت انشاءالله بهین وسیله از ترقیات منظوره خاطر مبارک عنقریب مست ظهور و بروز خواهد یافت»

بعد از اتمام نطق وزراء و شاهزادگان و امراء و صاحب منصبان نظام و غیر نظام بانفاق سپهسالار با طاق مخصوص رفتند و معیر الممالک در آنجاست تخت ناصر الدین شاه را بشرح زیر به میرزا حسینخان ابلاغ نمود.

#### سواد دستخط

«چون میل خاطر ما در ترقی دولت خاصه قشون و نظام است و حالا میخواهیم که یک قرار و انتظام تازه در این امر بدهیم که هیچ دخل و شباهتی بسابق نداشته باشد انشاءالله تعالی جزئاً و کلاً امور عسکریه موافق دستور العمل باید در تحت قاعده و قانون باشد لهذا در اواسط سنه قوی نیل خیریت دلیل مشیرالدوله میرزا حسینخان را که یکی از وزراء خاص دولت و از دولتخواهان این دولت است بوزارت اعظم عساکر منصوره نظام و غیر نظام و بلقب سپهسالاری اعظم ملقب فرمودیم که در اجرای قوانین مستحسنه عسکریه مختار کل باشد از جانب ما آنچه صلاح دانسته حکم بکنند همان حکم ماست بی تخلف ۱۲۸۸»

لقب سپهسالار قبلاً مختص میرزا محمدخان سپهسالار بود و بعد

از فوت او تا آنوقت بکسی داده نشده بود در همانسال یک قبضه شمشیر مرصع الماس نشان که در آن موقع ده هزار تومان ارزش داشت بسپهسالار اعطا شد و مشاغل قبلی را کمافی السابق عهده دار بود.

سپهسالار که از امور نظام و ترتیب سپاه و مقررات و قوانین ارتش خارجه بخوبی آگاه بود و نظامات عسگری را بحد کافی میدانست باصلاح سپاه ایران پرداخت و در اندک مدتی توانست ارتش ایران را سر و صورتی دهد.

برنامه اصلاحی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم در امور سپاه

عبارت بود از:

اجرای قوانین نظام و برقراری انضباط سر بازی بوسیله اردو کشی و دیدن سان و آماده کردن قشون و تحت سلاح داشتن آن و الغاء امتیازات قشونی که بوسیله وراثت معمول بود و تشویق حکام به برقراری قوانین جدید و آوردن معلمین و متخصصین نظامی از اروپا و تأسیس مدارس نظام در غالب از شهرها و تنظیم امور نظامی بسبک اروپا و ساختن قلاع محکم در سرحدات و مخصوصاً تنظیم دخل و خرج و رسیدگی کامل بمحاسبات قشون و رساندن چیره و مواجب سر بازان با افراد سپاه سرلوحه برنامه اصلاحی سپهسالار را تشکیل میداد.

سپهسالار برای امور مالی و طریقه گرفتن مالیات و طرز جمع آوری عوارض و منال دیوانی که زمان میرزا تقی خان امیر کبیر شالوده آن ریخته شده و بحالت وقفه در آمده بود ترتیبی داد و برای تعلیمات نظامی و تربیت افراد سپاه و سر بازان ایران مستشارانی از اطریش استخدام نمود و مدرسه نظام آن زمان را تأسیس کرد و خلاصه در کمتر مدتی بقشون ایران انتظام و قوایی بروش نظام اروپا برای این کشور مهیا گردانید.

شاه که از قتل و نفی امیر کبیر پشیمان و متأسف بود در این

موقع از خدمات و زحمات سپهسالار و قدمهائیکه این مرد بزرگ برای حفظ شئون و ترقی مملکت و تقویت ملت بر میداشت تا حدی متنبه شده میخواست با او بقدر امکان مساعدت و همراهی نموده باشد. لذا روز ۲۹ شعبان همان سال ۱۲۸۸ سپهسالار بمنصب صدارت عظمی انتخاب گردید.

عصر آن روز با حضور جمیع شاهزادگان و رجال دولت و اعیان و اشراف مملکت معتمدالمالك وزیر مخصوص چپه ترمه و شمشیر مرصع که از لباسهای خاص شاه بود با دستخط مطرز از طرف ناصرالدین شاه را به سپهسالار ابلاغ نمود.

#### سواد دستخط صدارت عظمی

« چون در هر دولت رسم و قرار این است که یک نفر از نوکران کافی و رجال دولت را مسئول امور دولت مینمایند و نظم جمیع امور لشکر و کشور و مالیات و جمع و خرج آسودگی حال رعایا را از او میخواهند و چون این امر در دولت ایران متروک و مهمل مانده بود و بدین واسطه بعضی اختلالات در امور دولت پیدا شده لهذا در بنوقت که سنه ۱۲۸۸ قوی نیل خیریت دلیل است چنانچه مصلحت دانستیم که تا عده متداوله سابق را مجری داشته و شخص کافی دولتخواهی را مسئول کرده امور دولت را کلیه باو بسپاریم میرزا حسینخان سپهسالار اعظم را که از چاکران آزموده دولت است بلقب صدارت اعظم سرافراز و نیک و بد جمیع امور دولت را از قشون و مالیات حکام و ولات و کل رتق و فتق دولت از او خواهیم خواست.

امیدوار هستیم که انشاء الله تعالی قصد تازه ملوکانه ما را امداد نماید. در ذیل این دستخط اختیارات سپهسالار در ده فصل قید گردیده بود و از این فصول بتجویی بر میآید که بین شاه و صدر اعظم قبلا قرار و مداری گذاشته شده و شاه تمام اختیارات حتی مداخله در بیوتات سلطنتی را هم از خود سلب کرده و باو واگذاشته است.

سپهسالار که مردی وطن پرست و عشق بترقی کشور و انتظام امور در او جبلی بود و برای این جمله احکام و دستورهای او که در کارهای کشور داده دلیلی بس هویداست با هر چه کهنه بود دشمن و در

همه چیز بنوی و تازگی معتقد بود و بافکار پوسیده و رسوم قدیم و قعی نمیگذاشت.

این مرد هوشمند و تربیت شده و با فراست و آزموده که در حقیقت دست پرورده امیر کبیر بود دنباله کار و افکار بلند و نیت خیر خواهانه و ترقی طلبانه استاد خود را گرفته با فراغ خیال باطمینان اینک که شاه از هر جهت با او همراه است در کمال فداکاری باصلاح امر قشون و داد گستری و جلو گیری از ظلم و بیدادگری پرداخته جور و ستم را رفع و موجبات راحت مردم و سر بلندی ملت و مملکت را فراهم مینماید. از جمله برای بیداری مردم بنشر روزنامه و تأسیس مدرسه و تشکیل دارالترجمه و ایجاد کارخانه چراغ گاز و اصلاح دربار و وزارتخانهها و وصول و ایصال مالیات و ازدیاد عوائد کشوری و جلو گیری از حیف و میل مالیه مملکت مبادرت و حقوق و مستمریات بیمورد را حذف و دست شاهزادگان درباری و اشخاص مفت خوار را از خزانه دولت کوتاه نمود.

پس از یکی دو ماه متحدالمالی بنام کارکنان اداری دولت و حکومت های ولایات نوشت و از رشوه خواری عمال دولت که سابقاً موجب خرابی کارها بوده است نکوهش کرد و از اینکه این رسم بد را رؤسای دولتی ترک گفته اند اظهار خوشوقتی و حکام و عمال ولایات را تهدید نمود که اگر این رویه را ترک نگویند با اصرار از حضور همایونی استدعای عزل و مجازات آنها را خواهد کرد در این نامه مخصوصاً قید میکند که « چشم من همه جا با شما است دولت بشما بقدر اعاشه حقوق میدهد و ضامن متمول کردن شما نیست شما هم برای متمول شدن در خالصجات دولتی که تحت اختیار شما ست آبادی کنید از اضافه حاصل آن برخوردار شوید تاخیر آن بخلق خدا هم برسد ».

این متحدالمال بدون اینکه عنوانی و خطابی داشته باشد در حقیقت

اولتیماتومی بود که بامضای صدر اعظم برای تمام حکام و عمال فرستاده شد. از سال ۱۲۶۸ که امیر کبیر از کار برکنار شده بود تا این تاریخ بیست و یکسال میگذشت و در این مدت از این قماش احکام هیچ بگوش مردم نخوده بود.

سپهسالار باجدیتی خستگی ناپذیر دنبال اقدامات خود را برای اصلاح قشون و مالیه مملکت و سایر دوائر دولتی گرفت و بزودی کارها نظم و نسق مرتبی پیدا کرد.

سپهسالار در نشانها هم اصلاحاتی بعمل آورد و از روی نشان «لژیون د'نر» فرانسه نشان پنج درجه ای با اسم نشان شیر و خورشید برقرار کرد و برای هر يك نظامنامه ای نوشت و در اعطای نشان و رتبه نظامی بسیار کفایت میکرد.

سابقاً زمینه بیرق شیر و خورشید ایران معین نبود حاشیه ای برنگ سرخ یا سبز یا ملمع از این دور رنگ بعرض چهار انگشت بیش و کم در دوره پرده سفید قرار میدادند و اجمالاً رنگ سرخ و سبز و سفید سه رنگ برده بیرق ایران بشمار میآمد. تقسیم این سه رنگ سه قسمت که از سبز شروع و بسرخ ختم شود و شیر و خورشید در وسط رسم گردد از کارهای میرزا حسینخان سپهسالار است.

خلاصه سپهسالار در اندک وقتی امور این کشور را بقدری که توانست سروصورت داده دست بکارهایی زد که طلیعه مشروطیت از آن نمودار میشد شاید که او از همان وقت شالوده این اساس را میریخت. در سال ۱۲۸۹ با اسم گزارش یا راپرت و قانون و آئین نامه سه فقره مشروطه بعرض شاه رسانده است که در اولی روزها و ساعات و محل رسیدگی بکارها را معین و مخصوصاً برای جلوگیری از تلف وقت ورود اشخاص بیکار را در هیئت دولت سخت قدغن و روزهای پنجشنبه را برای پذیرائی اشخاصی که با او کار خاصی داشته باشند تعیین کرده است

دومی گزارشی است که در اواخر شعبان سال مذکور از کارهای انجام شده یکساله زمان صدارت که فوق العاده مورد تحسین ناصرالدین شاه قرار گرفته است.

سومی لایحه قانونی است در باب محسنات دزبار اعظم که از نه وزار تخانه (۱) و یک صدارت تشکیل میشد و شرایط مشورت وزراء و اصول ترتیب وزار تخانه ها از این لایحه بخوبی معلوم میشود که نظر مشیرالدوله برای اداره کشور ایران طرز حکومت مقننه بوده است زیرا مسئولیت مشترک وزراء در کلیات و مسئولیت اختصاصی آنها در وزار تخانه خود در آن مصرح است.

از سوء اتفاق در آغاز صدارت سپهسالار قحطی شدید ۱۲۸۸ پیش آمد که از مهمترین حوادث تاریخی آن دوره بود.

وقوع این حادثه در آغاز کار شکست بزرگی بکار سپهسالار وارد آورد لیکن آن وجود خیر خواه برای آسایش حال بیچارگان به محمد علیخان سر تپ رئیس نظمیه (شهربانی) طهران دستور داد تا فقرا و بینوایان را از غریب و بومی گرد آورده در قلعه نصرت آباد جا و مأوی دهد. در سال قحطی سپهسالار کمکهای عمده ای بدرماندگان و قحطی زدگان مینمود تا این سال پر خطر باخر رسید.

بواسطه این خدمات عموم مردم نسبت باور غبته زیاد پیدا نموده راضی و سپاسگزار گردیدند و هر روزه تمایل عمومی نسبت بساو زیادتر میگردد.

سپهسالار با مخالفت و ضدیتی که از دشمنان وی در مورد عمل و اقدامات او میشد و کار شکنی هایی که همواره از بدخواهان و مفسدان نسبت بساو انجام میگرفت دل سرد نشده با فعالیت تمام وجدیت زیاد مشغول کار بود

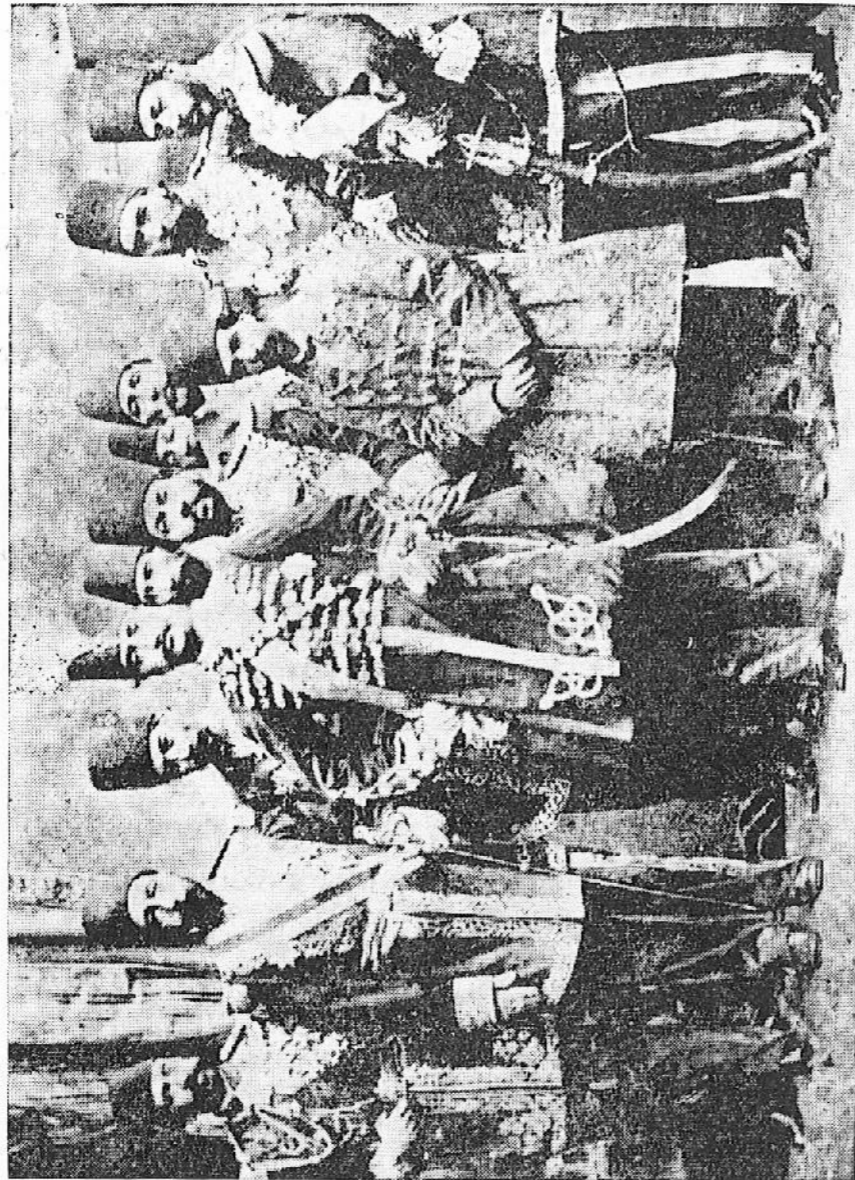
۱- نه وزار تخانه عبارت بود از: وزار داخله - وزار خارجه - وزار جنگ و وزار مالیات - وزار عدلیه - وزار علوم - وزار فوائده - وزار تجارت و زراعت - وزار دربار.

و این اندازه اقدام و عملیات را جهت پیشرفت و ترقی کشور کافی ندانسته نظر خود را بطرف امور مهمتری معطوف نمود باین معنی که خواست ترقیات ملل اروپا و اختراعات حیرت آور مردم مغرب زمین و کارهای عجیب و غریب دانشمندان فرنگ را بشاه معلوم و جریان امور آن سرزمین را خاطر نشان وی سازد و تمدن غرب را با نتایج عدل و داد و انتظام قوانین و اجرای آن و رفاهیتی که برای اروپاییان پیدا شده آشکار نماید لهذا متدرجاً خیال شاه را بعزیمت فرنگ متوجه و ضمناً زمینها را برای عملی نمودن این تصمیم حاضر و نظامات کشوری را باین طرز و روش مهیا مینمود و در ۱۲۸۹ مدرسه مجانی دولتی باسم (مدرسه مشیریه) افتتاح کرد (۱)

بنا بمراتب سابق الذکر سپهسالار جهت تشیید میبانی دوستی و ایجاد روابط حسنه بین دولت ایران و دول اروپا و طرح اتحاد دولت متبوعه خود بادول مترقی غرب و بالاخره برای هوشیاری و بیداری شاه موجبات سفر اروپا را فراهم آورد و در ۱۲۹۰ هجری قمری سپهسالار بهمراهی شاه و عده از رجال درباری باروپا رهسپار گردیدند . اودر هر جا شاه را راهنما و دلیل و برای مملکت خود موجبات سر بلندی و افتخار را فراهم مینمود زرنگی و کاردانی صدراعظم و متانت و وقار ایرانیان با اینکه تقریباً همه از آداب اروپائی بی اطلاع بودند همه جا چراغ راه آنها بوده برانگی ایرانی را در تمام عالم منتشر کرده است .

با این وصف در غیاب شاه و نبودن سپهسالار دوباره در مرکز از پس برده همان نیرنگها و کارشکنیها و موجبات پیشین پدیدار شد و فتنه جویان دیگر بار لوازم خرابی کار را فراهم آوردند .

۱ - مدرسه مشیریه در دارالترجمه تأسیس شد و اعیان زاده ها و اولاد رجال دولت و شاهزادگان در آن مدرسه زبان خارجه و علوم جغرافیا و ریاضی و هندسه تحصیل مینمودند .



از راست بچپ : یحیی خان معتمد الملک - عماد الدوله - عز الدوله - نصرت الدوله - میرزا قهرمان امین لشکر - مشیر الدوله - حسینعلی خان - ناصرالدین شاه - اعتضاد السلطنه - حسام السلطنه - اللهقلی میرزا ایلخانی .  
این عکس در لندن برداشته شده است

سپهسالار نظر بکفایت و استعدادی که داشت میخواست که با تدابیر عاقلانه وطن خود را از فشار نفوذ اجانب نجات دهد بدینجهت برای پاره‌ای از امور مهمه و رفع احتیاجات لازمه مملکتی از قبیل ایجاد راه آهن و استخراج معادن و تأسیس بانک و بنای کارخانجات و غیره مبادرت نمود و مقدمات این کارها را فراهم آورد و امتیازاتی ببعضی از کمپانیها بین المللی که جزو تبعه دولتین همسایه نبود داد و با آنها برای بستن قرارداد و اقدام باین امور مذاکره نمود من جمله در ۱۲۹۰ قمری امتیاز کشیدن راه آهن از طهران بحضرت عبدالعظیم علیه السلام را بیک کمپانی بلژیکی واگذار کرد.

در اینوقت دولت تزاری تحمل این امور را ننموده موقعیکه شاه در فرنگ بود بنای زمینه سازی و نیرنگ را ساخته با بعضی از متنفذین و شاهزادگان درجه اول که در آنوقت در طهران و در غیاب شاه امور کشوری را عهده دار بودند مشغول کار شدند چند نفر از علماء و روحانیین طراز اول طهران را نیز با خود همراه و برضد سپهسالار قیام نمودند. موقعی که خبر ورود شاه بپندر انزلی (پهلوی) رسید حضرات در دربار و تالار برلیان جمع شده و صورت تلگرافی ترتیب داده برشت بشاه مخابره کردند که قریب باین مضمون بود «اگر با قزوینی بطهران میآئید نیائید که ما شمارا نمی پذیریم».

باتفصیل مذکور وقتی که این اقدام جسورانه

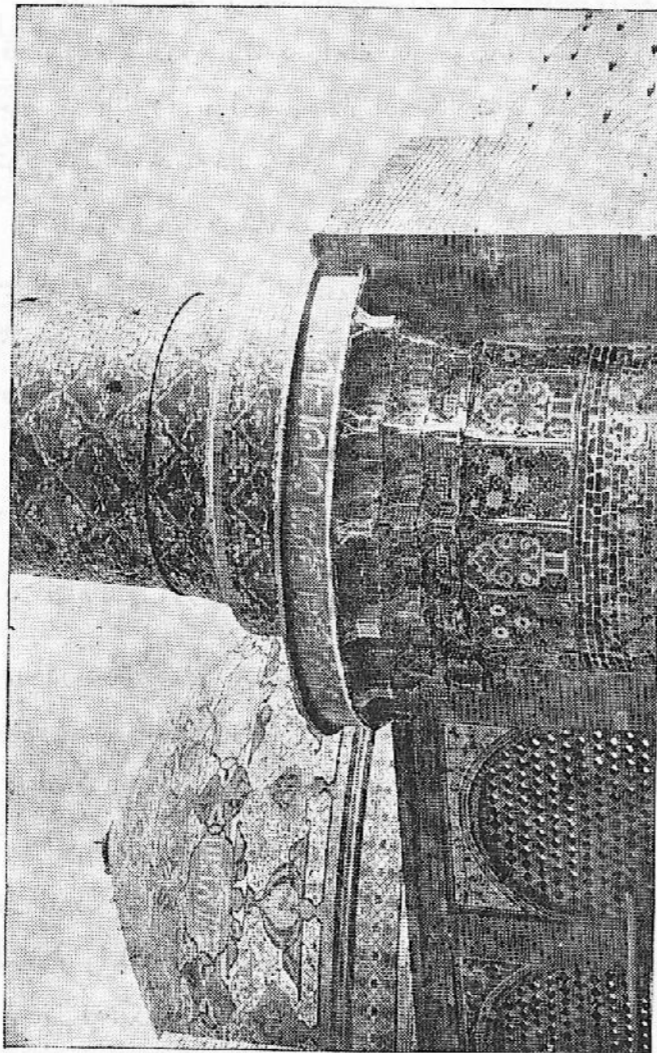
و مخالفت از طرف متنفذین بعمل آمد شاه

از اقتدار روحانیون و شاهزادگان قاجاریه

که در تحت نفوذ بودند ترسیده ناچار سپهسالار را در رشت از کار معزول و کلیه عملیات ترقی خواهانه آن مرد خدمتگذار درستکار را عاقل و باطل نمود و امتیازاتی را که بکمپانیهای خارجه داده بود الفنا کرد.

مردم غافل آنروز که ملتفت محسنات کار و حسن تدبیر و رفتار شایسته

و خیر خواهانه سپهسالار نبودند بدستیاری و اغفال بیگانگان و اغوای آنان عنوان مذهب و دیانت را بهانه کرده عملیات شایسته و ترقی خواهانه



در اطراف کلبه و گلستانه های مدرسه عالی سپهسالار آیاتی از کلام الله مجید نوشته شده است

اورا منافی دیانت دانستند و در فراهم کردن موجبات عزل و انفصال او از هیچگونه اقدامی فروگذار نکردند.



در نتیجه زحمات و منویات عالیّه اینمرد کافی ضایع و در حقیقت دست و پایی او را بستند و یکباره از هر کاری مأیوس و بی رغبت نمودند. شاه باین وضع بر حسب مصلحت آنی و دفع مفاسد و رفع اختلاف، موقه بمیل مغرضان رفتار نموده راحت آنی خود را بر خرابی آنی کشور ترجیح و غائله را بعزل سپهسالار از صدارت و نصب میرزا یوسف مستوفی الممالک خاتمه داد.

باینوصف چون شاه سپهسالار را شخصی شایسته و کافی میدانست و قلباً باو مایل بود باندیشه و بیمی که از متنفذین داشت سپهسالار را بیکار نگذاشته در همانجا ایالت گیلان و طوالش و فرمانفرمائی آن حدود را واگذار کرد.

پس از چند ماه که فتنه تا حدی خوابید و صداها افتاد شاه سپهسالار را بطهران خواسته شغل وزارت خارجه را باو واگذار نمود. در رجب ۱۲۹۱ قمری بموجب دستخط شاه تجدید مقام سپهسالار اعضای هیئت دولت از شش نفر وزیر تشکیل گردید در تشکیلات جدید برای انتظام سپاه امور لشکری را علاوه بر منصب وزارت خارجه بسپهسالار تفویض و عنوان سپهسالاری دوباره باو اعطاء گردید.

این نوبت سپهسالار بیش از پیش موجبات رضایت شاه را فراهم ساخت تا آنکه در ۱۲۹۳ امور ایالت خراسان هم ضمیمه مشاغل فوق الذکر بسپهسالار واگذار گردید.

طولی نکشید که امور ایالت استرآباد و فارس هم علاوه و هرروزه درجه و مقام او فزونی میگرفت.

در ۱۲۹۳ سپهسالار جشن صاحبقرانی شاه را برپا نمود در این موقع خدماتی شایسته و قابل تقدیر انجام داد ناصرالدین شاه گاهگاهی بانهایت

محافظه کاری در نگهداری و تقویب کار سپهسالار قدمهایی بر میداشت ولی از عاقبت کار بیمناک و متوحش بود سپهسالار هم آن شوق و رغبت اولیه را از دست داده و این موضوع را احساس مینمود.

سپهسالار میدید با نفوذیکه بدخواهان او در وجود و روحیات شاه دارند کاری از پیش نمیروند و زحمات و جانفشانی او بیفایده است منتهی حس فعالیت و عرق وطن پرستی برای آخرین دفعه او را وادار نمود که جدیت بخرج داده تا حدی که مقدر بود بوطن خود خدمتی مفید نماید.

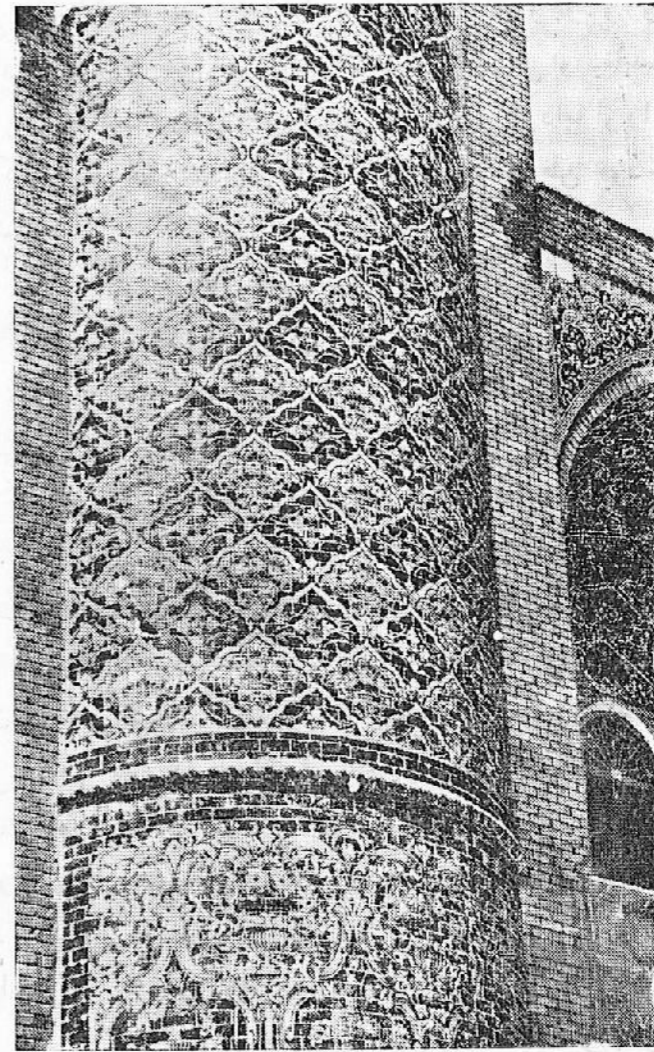
در ۱۲۹۴ سپهسالار برای تعیین حدود و تکالیف حکام و رؤسای قشون و امور کشوری و آسایش خاطر عموم لایحه و مقرراتی برای حکام و دستور عملیات و طرز رفتار و وضع مجازات آنها در مورد ارتکاب جرم تهیه نموده بعرض رسانید.

اجرای آن لایحه چون از نفوذ شاهزادگان و حکام و کارکنان میکاست و راه استفاده را برای آنها مسدود میکرد دو باره در صدد مخالفت برآمده دسایس و حیلها بکار بردند که لایحه مزبور عملی نشود و چون از طرفی مستمری و نیول اشخاص بنفع مالیه مملکت و بعنوان هزینه و مصارف ارتش بریده میشد بیشتر موجبات مخالفت و دشمنی فراهم آمده مغرضان هر يك بنوبت خود مانع انجام عمل و پیشرفت کار سپهسالار گردیدند و در صدد برآمدند بوسیله علماء و دستیاری ایشان سپهسالار را تکفیر کنند این نسبت نامتناسب مناسب وجود سپهسالار نبود از این بابت کوشش بی مورد و تدابیر و اغراض بدخواهان او بجائی نرسیده مساعی ایشان نقش بر آب گردید.

سپهسالار باتمام این مشکلات مواجه و از کار خسته نشده مقاومت و پایداری مینمود تا برای دومین دفعه در سال ۱۲۹۵ بهمراهی

مجدداً سپهسالار با  
شاه بفرنگ میرود

شاه عازم اروپا باشد موجبات این سفر را نیز سپهسالار فراهم آورد زیرا تمام سعی وجدیتش بیداری شاه و ازدیاد آگاهی و مشاهدات او از ترقیات اروپا بود.



کاشی کاری بدنه کلدسته های مدرسه عالی سپهسالار مورد توجه هر بیننده ایست

در غیاب سپهسالار برادرش یحیی خان مشاغل لشکری و وزارت جنگ و کفالت وزارت خارجه را عهده دار بود.

در مراجعت شاه از فرنك تصمیم بر این شد که وزارتخانه ها و ادارات را تکمیل و تکلیف کار هر وزارتخانه محدود و معین گردد لذا شاه از نایب السلطنه کامران میرزا فرزند خود و سپهسالار و مستوفی الممالک اصلاح این امور را خواستار گردید.

در روز ۱۲ شوال ۱۲۹۵ مجلسی از شاهزادگان درجه اول و وزراء و رجال و اعظام تشکیل شده دستورالعمل ادارات مستقله را که قبلا بانظر سپهسالار تهیه شده بود قرائت کردند.

با تمام این اقدامات بالاخره زحمات سپهسالار بی نتیجه ماند شاید که اگر عزل سپهسالار در این بین روی نمیداد کشور ایران که مستعد ترقی شده و موجبات و مقتضیات تعالی از برای آن فراهم آمده بود از آنروز میتوانست مدارج عالیه را طی نماید.

عزل سپهسالار در ۱۲۹۷ اسباب چینی و سعایت مخالفین و کارشکنی شاهزادگان قاچاریه و دسایس

دیگران که در هر لحظه خاطر شاه را باندیشه تازه تری مشوب مینمودند کار خود را کرده بدگمانی و سوء تدبیر آنها در وجود شاه تأثیر تامی کرد و شاه را از سپهسالار ظنین و بدگمان نمود و در نتیجه شاه از خدمات او صرف نظر و او را از امور لشگری و مشاغل وزارت خارجه برکنار کرد و مستوفی الممالک صدراعظم و زمامدار امور شد.

شاه تنها باین امر اکتفاء ننموده بلکه بمستوفی دستور داد که سپهسالار را هر چه زودتر بقزوین روانه نماید.

در این وقت بیش آمدنا گواری روی داد و آن حادثه کردستان و ظهور فتنه شیخ عبیدالله کرد در ساوجبلاغ مکرری (مهاباد) بود که بتدریج صفحه کردستان ایران و قسمت آذربایجان را دچار آشوب و اغتشاش کرد.

دامنه فتنه شیخ عبیدالله روز بروز بالا میگرفت تا آنکه تبریز مورد خطر واقع شد .

مظفرالدین میرزا ولیعهد برای رفع و دفع این فتنه در مانده و سر بگریبان شده بمرکز متوسل گشت و حشمت الدوله حمزه میرزا را با پانزده هزار نفر قشون مأمور دفع فتنه کرد ولی نامبرده هنوز با اشرار مشغول مبارزه و بیکار نشده که بناخوشی گرفتار و بدرود زندگانی گفت و نیروی دولتی که تحت فرمان او بود بی سرپرست ماند . این پیش آمد بیشتر اسباب تشویش خیال شاه را فراهم آورد و چنین صلاح دانست که دوباره سپهسالار با همان عنوان سپهسالاری به پیشکاری کل آذربایجان و سرکردگی قشون آنجا انتخاب شود سپهسالار بحسن تدبیر و کفایت فتنه آذربایجان را خوابانید .

بعد از امنیت حدود آذربایجان سپهسالار مختصری در تبریز ماند ولی خرابی اوضاع دستگاه ولایتعهد بخاطر او ناپسند آمده اصلاح آنرا با اطرافیان نامتناسب مشکل دانست لذا مکرر از شاه تقاضای آمدن بمرکز رامی نمود و بالاخره تقاضای او پذیرفته شده بطهران آمد .

در ماه ربیع الثانی سال ۱۲۹۸ ناصرالدین شاه سپهسالار را برای تسلیت و تهنیت به الکساندر سوم بدربار روسیه مأمور کرد . سپهسالار پس از این مأموریت بطهران بازگشت ولی دسیسه و سعایت درباریان مفسد ناصرالدین شاه را بر آن داشت که سپهسالار را از مرکز دور سازد .

بدینجهت او را بعنوان فرمانفرمایی ایالتین خراسان و سیستان و تولیت آستان قدس رضوی بخراسان مأمور ساخت .

بدخواهان نیز در اخلال کار همراهی نمودند تا بمقصود خود که تبعید و نفی او بود موفق گردیدند . سپهسالار در هفتم ماه شعبان ۱۲۹۸

از طهران بمشهد عزیمت نمود و در ماه ذی القعدة همانسال بر حسب دستور ناصرالدین شاه برای سرکشی و مشاهده سرحدات به کلات رفت و در پنجم ذی الحججه بمشهد مراجعت و در لیله سه شنبه ۲۲ ماه ذی الحججه سال ۱۲۹۸ در مشهد بسن پنجاه و هفت سالگی جهان را بدرود گفت میرزا ناصر اصفهانی در ماده تاریخ سپهسالار گفته (۱) .

سپهسالار ایران از جهان رفت      که نایب باز چون تیراز کمان رفت  
یکی شمشیر سرتا پای جوهر      زدست خسرو صاحبقران رفت  
پی تاریخ فوتش گفت ناصر      سپهسالار صد حیف از جهان رفت  
( ۱۲۹۸ )

دیگری گفته : « حسین پای رضا زذبوس و آسود »

( ۱۲۹۸ )

سپهسالار را در مقبره خودش در مشهد که قبلا آنرا ساخته بود دفن کردند .

برای ساختن این مقبره سپهسالار زیاد عجله میکرد و در مدتی که در مشهد بود بیشتر اوقات خود را بساختن آن مصروف میداشت .

راجع به فوت سپهسالار روایات بسیاری هست از جمله ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان مینویسد :

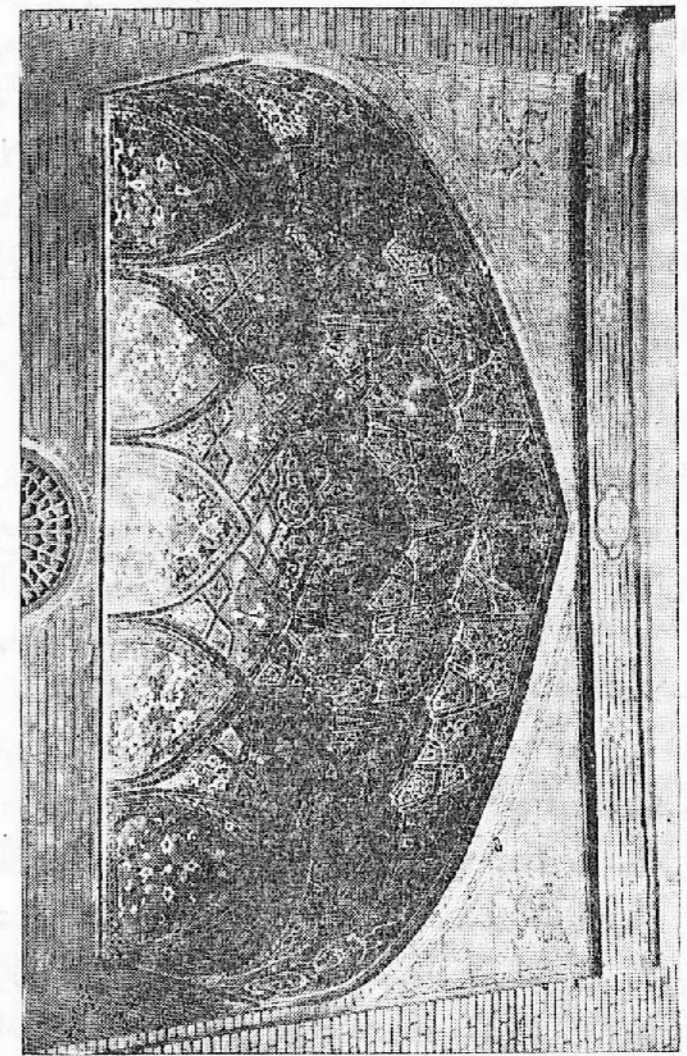
« مرحوم حاج میرزا حسینخان سپهسالار از کار خلع و بحکومت خراسان برقرار گردید پس از یکسال حکومت و تمام شدن مقبره او بمرض مفاجاة در گذشت و با آنکه بامر ناصرالدین شاه او را معدوم نمودند . در اواخر زندگانی خود اصرار و عجله زیادی داشت در اتمام و مرمت شدن مقبره اش همان روزیکه تعمیر مقبره او در دارالسیادة ارض اقدس بآخر رسید در گذشت » صاحب منتظم ناصری مینویسد :

۱ - در تاریخ بیداری ایرانیان ناظم الاسلام کرمانی این شعر را بنام ناصرالدین شاه

نسبت داده ولی البته صحیح نیست .

کتابخانه  
موزه و مرکز اسناد  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

« میرزا حسینخان سپهسالار والی مملکت خراسان در ۲۱ ذی الحجه ۱۲۹۸ بمرض درد پا و سوء مزاج در سن ۵۷ سالگی دعوت حق را بیک گفت » .



کاشی کاری سردر یکی از حجرات مدرسه - در اطراف صحن مدرسه عالی سپهسالار شمت حجره ساخته شده  
ولی کاشی‌های سردر هر یک از حجرات از نوع خاصی است

مرحوم حاج پیرزاده که با مرحوم سپهسالار روابط صمیمانه‌ای داشت در یکی از یادداشت‌های خود چنین نوشته : « مرحوم مغفور سپهسالار

اعظم رحمة الله علیه در شب هیجدهم ماه ذی حجه سال ۱۲۹۸ که شب عید غدیر است ناخوش شدند . در ارك شهر مشهد مقدس يك ساعت بغروب مانده به حمام تشریف بردند و غسل کردند و بدرشکه نشسته که بیایند بحرم مشرف شوند در بین راه تب کردند وارد حرم مطهر شده زیارت نمودند و در بالاخانه ایوان طلای صحن نو تشریف آوردند تب شدت نمود تا وقت صبح ابدأ نخواهیدند وقت صبح باز زیارت نموده مراجعت بارک نمودند روز عید برای استقبال خلعت حضرت شهریارى بسا حالت تب تا بیرون دروازه تشریف بردند و از آنجا وارد صحن مقدس شده بعدبارک تشریف آوردند سه شب دیگر ناخوش بودند و مرحوم شدند » .

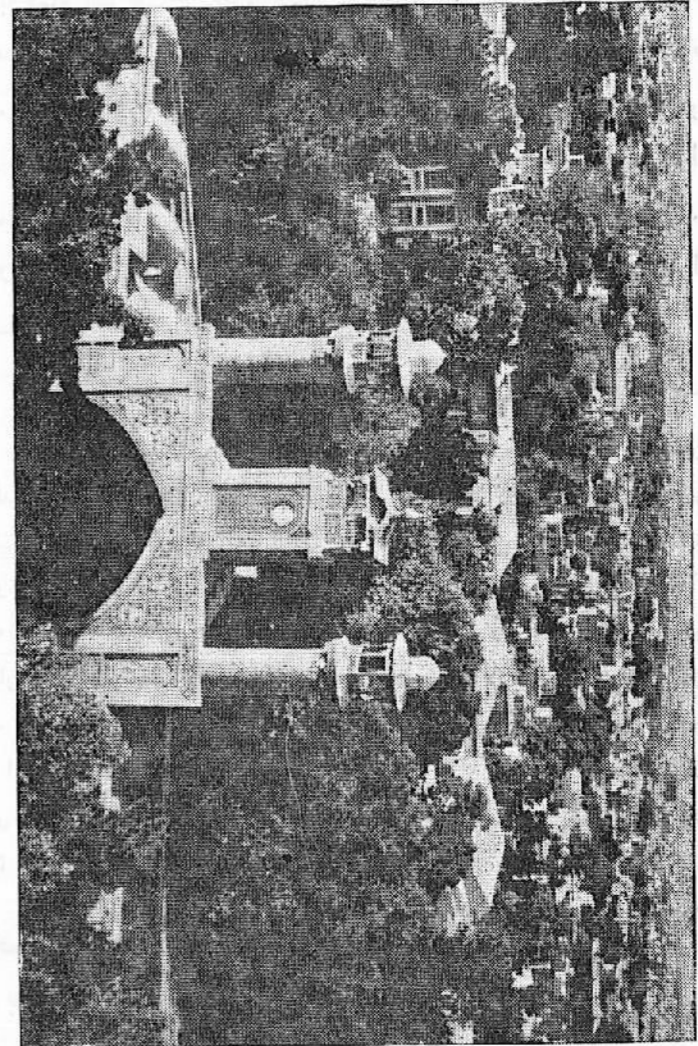
زندگانی سپهسالار در لوحه مزارش اینطور نگاشته شده است :

« جناب غفران مآب طوبی مکان خلد آشیان افتخارالحاج میرزا حسینخان مشیرالدوله سپهسالار اعظم و صدر اعظم دولت علیه ایران ولد اسمعذ ارجمند امیر بی نظیر میرزا نبی خان طاب نراه وصل الجنة متواه بعد از آنکه از دستگاه سلطنت بمقام قوام صدارت عظمی رسید از خدمات دین و دولت چنان محسود خاص و عام شد که در ۱۲۹۸ بوزارت تولیت جلیله عظمی و ایالت کبرای مملکت خراسان و سیستان مفتخر گردیده برتبه مؤتمن الحضرة الرضویه علیه آلاف التحیه که اعلی ترین مراتب است رسید و بانی مبانیها شد که کسی را دست بآن مقام نرسد یکی از اینبه خیریه او واقعه در دارالخلافه باهره ناصری میباشد که در ایران تاکنون بنائى باین محکمی و استواری دیده نشده و بحکم اذا جاء اجلهم لا یستأخرون ساعة ولا یستقدمون در یوم ۲۱ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۹۸ از این دار فنا بکشور بقا رحلت نمود » .

سپهسالار مردی نیک سیرت  
و کریم النفس و متدین و درعین  
حال باتمدن جدید تربیت شده  
اوصاف پسندیده سپهسالار  
و بعضی آثار خالده او

بود با معاشرت های طولانی و آمیزش و اختلاطی که از اول جوانی تا آخر عمر با مردمان مختلف اروپائی داشت در مجالس و محافل و مهمانیهای رسمی ایرانی و فرنگی خود را از بسیاری از اعمال نکوهیده

برکنار داشته ممنوعات شرعی و محظورات مذهبی را همواره رعایت میکرد .  
بطوریکه معروف است سپهسالار در سیر و سلوک قدم میزده و



ساعت مدرسه عالی سپهسالار و منظره قسمتی از باغ بهارستان محل مجلس شورای ملی ایران  
که منزل مسکونی مرحوم سپهسالار بوده است

طریقه عرفان و تصوف می پیموده و شخصی درویش مسلک و در عین  
گرفتاری بمشاغل و مناصب وزارت و صدارت خود را از اهل صفا و

تجربید میسر کرده و بخاکساری افتخار داشته است .

مشارالیه در دوره مأموریت در استانبول بمرحوم حاج میرزا  
صفا عقیده و اخلاص پیدا کرده خود را سرسپرده و مرید او میدانست .  
حاج میرزا صفا در باره سپهسالار و ترقیات آینده او پیش بینی هائی  
نموده که اغلب بحقیقت پیوسته است .

سپهسالار مردی سحر خیز و نابت قدم و پشتکار دار و روشنفکر  
بود هر کاری را بامتانت و ملایمت انجام میداد و ناملایمات را تحمل  
میکرد همه روزه پیش از طلوع آفتاب مشغول رسیدگی بامور شده  
عرایض و شکایات ارباب رجوع و دادخواهان را شخصاً و ارسی مینمود  
و سپس بامور اداری و کار های سپاهی می پرداخت .

سپهسالار در زندگانی خود آثار خیریه زیاد بیادگار گذارده  
و چون بواسطه نداشتن اولاد همواره مایل بود اثر جاویدانی برای خدمت  
بایران از خویش باقی گذارد پس از پنجاه و چند سال زندگانی که قسمت  
عمده آنرا صرف خدمت باین آب و خاک نمود تشخیص داد بهترین خدمت  
بایران بسط فرهنگ و دانش و آشنا کردن مردم بملموم معرفت است لذا امام  
دارائی خود را وقف ساختن و نگهداری بنای بزرگ و جاودانی مسجد و  
مدرسه ای کرد که امروز از مجلل ترین و معظم ترین بناهای ایران و  
شرح آن در بخش بعدی بتفصیل خواهد آمد .

قسمت عمده مؤسسات اروپائی که از دوره گذشته در ایران مانده  
از کار های سپهسالار است تنظیم امور مالیه بسبک اروپائی ، استخراج  
معادن ، ایجاد طرق و شوارع ، تسیطح راهها ، تحت نظم و قاعده در آوردن  
کمرکات ، تأسیس کارخانه چراغ گاز ، مرتب کردن پست و تلگراف و  
ضرابخانه ، و ادار کردن متصدیان موقوفات بمران و آبادی رقبات وقف ،  
ترویج زبان خارجه ، اصلاح دار الفنون و مؤسسه آثار علمی امیر کبیر

و تشکیل مدرسه نظام نتیجه زحمات میرزا حسینخان سپهسالار است .  
عمارت بهارستان که اکنون محل مجلس شورایی است و در قسمت  
شمالی مدرسه سپهسالار واقع شده از آثار میرزا حسینخان سپهسالار و  
منزل مسکونی او بوده است .

چنانکه قبلاً گفته شد یکی از آرزوهای سپهسالار ایجاد مشروطیت  
و حکومت پارلمانی در ایران بود و باید گفت که بواسطه نیت خیر و پاک  
سیرت وی بود که بعد از مرگ خانه اش محل پارلمان و قوه قانونگذاری  
ایران گردید . بنای مقبره مقداد بن اسود صحابی بین شهبان و یعقوبیه  
نیز از آثار سپهسالار است .

## بخش دوم

تاریخ بنا و طرز ساختمان مسجد و مدرسه عالی سپهسالار

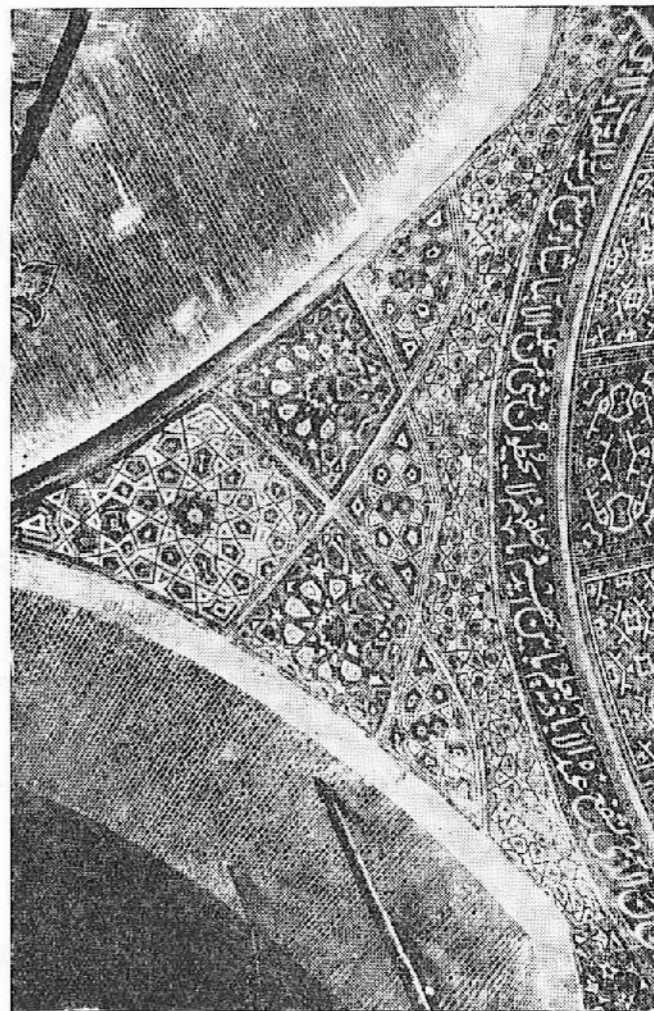
مهمترین اثر ابدی مرحوم حاج میرزا  
حسینخان سپهسالار بنای مدرسه و مسجد  
رفیع‌البنیانی است که روی عقیده پاک  
و نیت حسنه و خالص او بنا شده و از باشکوه ترین آثار اسلامی و شاهکار  
معماری قرن اخیر این کشور بشمار میرود .  
در وصف این بنای مجلل گفته اند :

زمجد ساخت بطهران مهین سپهسالار  
شگفت مدرسه رشک صحن خلدبرین  
که از حقیقت و انصاف و خالی از اغراق  
نساخته است نظیرش کسی بروی زمین

مرحوم سپهسالار در نقشه کشی و طرز معماری و وضع ساختمان  
این بنای بزرگ شکل بنا و نقشه ابنیه شرقی اسلامی را در نظر داشته و در  
حقیقت در این بنا حسن سلیقه معماری دوره اخیر شرقی بحدی که بایست  
انجام گرفته است .

سپهسالار در باره این بنا بهیچوجه از سعی و اهتمام و صرف مال  
مضایقه نموده و برای استحکام و متانت آن سعی وافیه مبذول میداشته است .

در موقع پی‌ریزی این بنا بطوری که شنیده شده سپهسالار شخصاً  
مراقبت میکرده زیرا منظورش از بنیاد این بنای اسلامی آن بوده که



نمایی از کاشی کاری‌های زیر کتیبه

قرنها دوام نماید لذا بدو ۱۷ متر تمام محوطه بنا را حفر کرده و  
شفته ریزی محکمی نموده است.  
آنچه که معلوم است سپهسالار بنای مدرسه و مسجد را از دارائی

شخصی و عواید املاک موروثی پدری ساخته و موقوفاتی برای مصارف  
و مخارج دائمی و حفظ رقبات آن بر طبق وقفنامه مختصر و مفصل که شرح  
آن بجای خود نگاشته میشود تعیین کرده است.

در سال ۱۲۹۶ هجری قمری سپهسالار شروع  
مسجد و مدرسه  
بساختمان مدرسه و مسجد نموده و در موقع  
بنا قسمتی را شخصاً حاضر و امور بنائی را  
مراقبت و مواظبت میکرده و تا سال ۱۲۹۷ باینکار اشتغال داشته که موجبات  
عزل او از کار فراهم و بقزوین رهسپار شده.

از آنوقت بنائیمه کار ماند تا آنکه سپهسالار مجدداً روی کار آمده  
و به پیشکاری کل ایالت آذربایجان و فرماندهی قوای آن حدود برقرار  
گردید عمل بنام دوباره بجزریان افتاد و در موقع مأموریت خراسان تقریباً  
بعضی از ابنیه تحتانی مدرسه قابل سکونت شده ولی او با حسرت و تأسفی  
تمام از تکمیل و اتمام این آثار بدیده محروم ماند.

سپهسالار مقدمات تأسیس کتابخانه مدرسه را هم خودش شخصاً  
فراهم و مجلدات زیادی از کتب نفیسه و گرانهای خطی و غیره چنان که  
در ظهر بعضی از آنها نگاشته شده بسعی خود گرد آورده و تهیه نموده بود.  
در سال ۱۲۹۸ سپهسالار از طرف دولت مأمور حکمرانی خراسان  
و فرمانفرمائی آنحدود و تولیت آستان اقدس رضوی علیه آلاف التحية  
و الثنا گردید و چنانکه قبلاً گفته شد در همانسال در مشهد زندگی را  
بدرود گفت.

بعد از فوت سپهسالار چون تولیت مدرسه و مسجد بر حسب وقفنامه  
بمعهده سلطان عصر و پادشاه وقت است ناصرالدین شاه در آنوقت برای  
استمالت و جبران رفتاری که بسپهسالار شده بود و برای اتمام و انجام  
ساختمان این آثار برجسته تاریخی یحیی خان مشیرالدوله برادر او را  
که در آنموقع وزارت عدلیه را داشت بانظارت خاصه مشارالیه بر حسب

وقفنامه مأمور انجام و تکمیل بنا گردانید (۱).

مشیرالدوله نیز اهتتامی وافی و سعی کافی در تسریع اتمام بنا بخرج میداد و با صداقت و صمیمیت در تکمیل آن میکوشید ولی روزگار باو مجالی نداده و قبل از اتمام بنا فوت کرد لذا قسمتی از تزئینات و تعمیرات لازمه مدرسه و ظرافت کاری و ساختمان مسجد ناتمام ماند.

این مدرسه و مسجد که در متانت اساس و رفعت و رزانت بنا و وسعت فضا و منظره عالی و ساحت دلگشا اولین و بزرگترین

### وضع بنای مدرسه و مسجد

۱ - مخارج ساختمان - یکی از مطلعین برای نگارنده اینگونه عنوان نمود که مطابق صورت هائی که برای ساختمان مدرسه و مسجد توسط میرزا یوسف علاء الملک منشی احمد علیخان سرتیپ (که مدتها در حیات مرحوم سپهسالار و بعد در زمان یحیی خان مشیرالدوله بامور ساختمانی مدرسه رسیدگی مینموده) ترتیب داده شده بود قسمتی از بنا در حدود ۲۴۰ هزار تومان در زمان سپهسالار و یحیی خان مشیرالدوله مخارج پیدا نموده و بدین قرار که بنای قابل و معمار لایق از قرار نفی ۲ قران اجرت یومیه و بناهای جزئی نفی سی شاهی و عمله ازده شاهی و دو عباسی و ناوه کش در حدود چهارده بآسی مزد داده میشد آجرهای مرغوب و محکمی که در این بنا بکار رفته از قرار هزاری سه تومان - کیچ خرواری ۲ قران و نیم و سه قران آهک خرواری پنج قران بصرف میرسیده است.

بعداً هم در زمان نائب التولیه های بعدی در حدود چهل هزار تومان بصرف تعمیر رسیده است که جمعا بالغ بر ۳۰۰ هزار تومان آن زمان بوده و مرحوم احمد علیخان بواسطه کاردانی و مهارتی که درین باب داشته مخارج و مصارف را خیلی بانهایت صرفه و دقت بصرف میرسانده.

و باز از مطلعی شنیده شد که مشیرالدوله مصدقینی برای برآورد مخارج بنائی و مصارف مدرسه از قبیل آقا ابراهیم وزیر نظام معمارباشی متوفی ۱۳۰۸ قمری و حاج ابوالحسن معمار و معماران دیگر جهت تفریغ و مقاصد حساب احمد علیخان سرتیپ خواسته و بعد از رسیدگی مخارج بنای مدرسه را تا آنوقت در حدود ۴۵۰ هزار تومان و سه هزار تومان هم جهت رفع نواقص و تکمیل بنا تصدیق نمودند که مجموع چهارصد و هشتاد هزار تومان میشده است با این تفصیل اکنون مخارج تزئینات و تکمیل طاق مقصوره وزیر کتبد و توسیع کتابخانه و رفع دیگر نواقص امروز در حدود هفت میلیون ریال بیول امروز خواهد شد.

مسجد و مدرسه عالی پایتخت بشمار میرود روی وضعیت و طرز ذیل بنا شده است.

صحن مدرسه طولاً ۶۱ ذرع و عرضاً ۶۰ ذرع است و از چهار



قسمت دیگری از کاشی های زیر کتبد که هنوز ناتمام مانده

جهت دو طبقه ساخته شده و مشتمل بر حجرات فوقانی و تحتانی است که تعداد آنها در حدود شصت حجره طلبه نشین است و طلاب علوم دینی در



آنها سکونت میکنند و مابین چهار طرف بنا چهار ایوان رفیع البنیان در مقابل یکدیگر ساخته شده که یکی از آنان مقصوره مسجد و رو بقبله است و بالای آن گنبدی مدور و عالی بصورتی زیبا برپا نموده اند. گنبد بطرزی خاص ساخته شده که بادبگر گنبدهای ابنیه قدیمی تفاوت دارد.

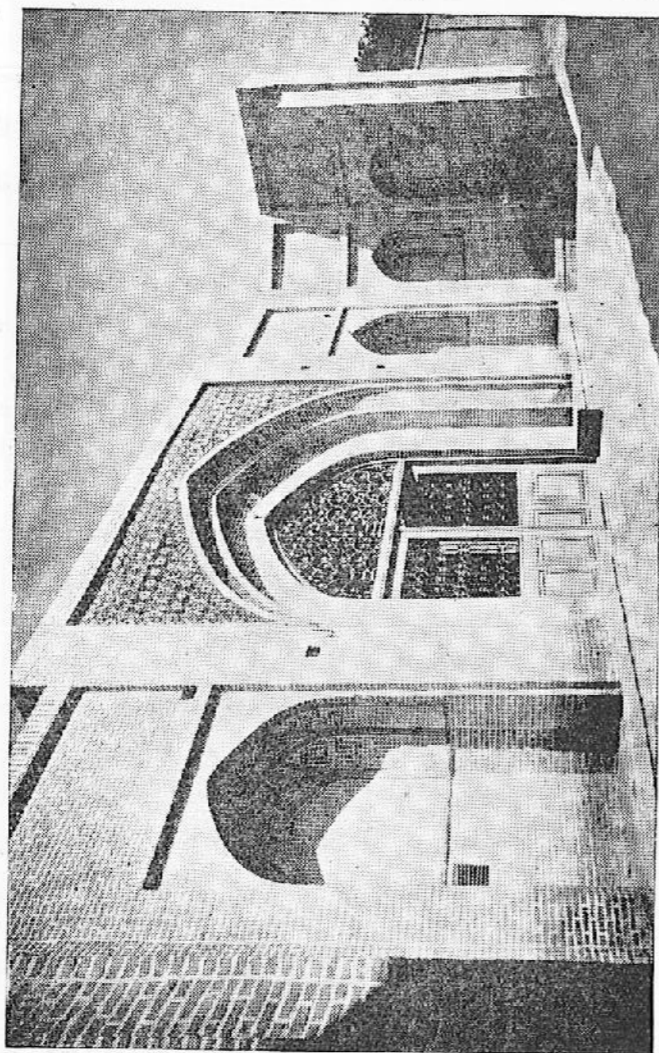
چهار مناره بلندتر که پایه های هر يك تا کمر از سنگ و بطرزی مستطرف و مطبوع حجاری گردیده و در مفاصل و رخنه سنگهای تراش برای متانت و محکمی بناسربریزی و در طرفین مقصوره بالا رفته و دو مناره پیوسته بدو پهلوی ایوان و دو دیگری بر کنار تر است و گلدسته یا مناره ها تمامی کاشی مصور و منقوش میباشد.

در زوایای در بزرگ و ردی و طرفین جلو خان غربی هم دو مناره یا مأذنه که نسبت بمناره های جنب مقصوره کوتاه تر است بنا شده.

در اثر مرور زمان کاشی های گنبد که متلاشی شده بود مجدداً در سال ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ قمری هجری (۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ شمسی) بطرز ظریف و زیبایی کاشی کاری گردیده و در اطراف گنبد کلمه (لا اله الا الله محمد رسول الله) بخط کوفی خیلی واضحی منقوش شده است داخله مقصوره هم که ناتمام بوده اخیراً تا حدی در تکمیل آن بذل اهتمام نموده اند و شبستان های وسیع و عالی اطراف مقصوره را بوضعی خاص برای مدرس تعیین و در بهای شیشه متناسب در جلوی آن نصب گردیده است. سطح مقصوره و گنبد از حدود محراب تا مجاذی صحن مسجد ۴۲ ذرع و عرض آن ۴۰ ذرع و ارتفاع گنبد ۳۶ ذرع است.

نماز خانه یا چهل ستون این مسجد در قسمت شرقی صحن واقع و مشتمل بر ۴۴ ستون سنگی یکپارچه مرتفع و در وسط هر چهار ستون طاقی محکم بر افراشته شده است.

جلو خان طرف در غربی مدرسه باروح و جالب نظر و انواع سلیقه و ظرافت را در صنعت کاشی سازی آن بخرج داده اند و با نقش و نگارهای



سردر و جلو خان شرقی مدرسه

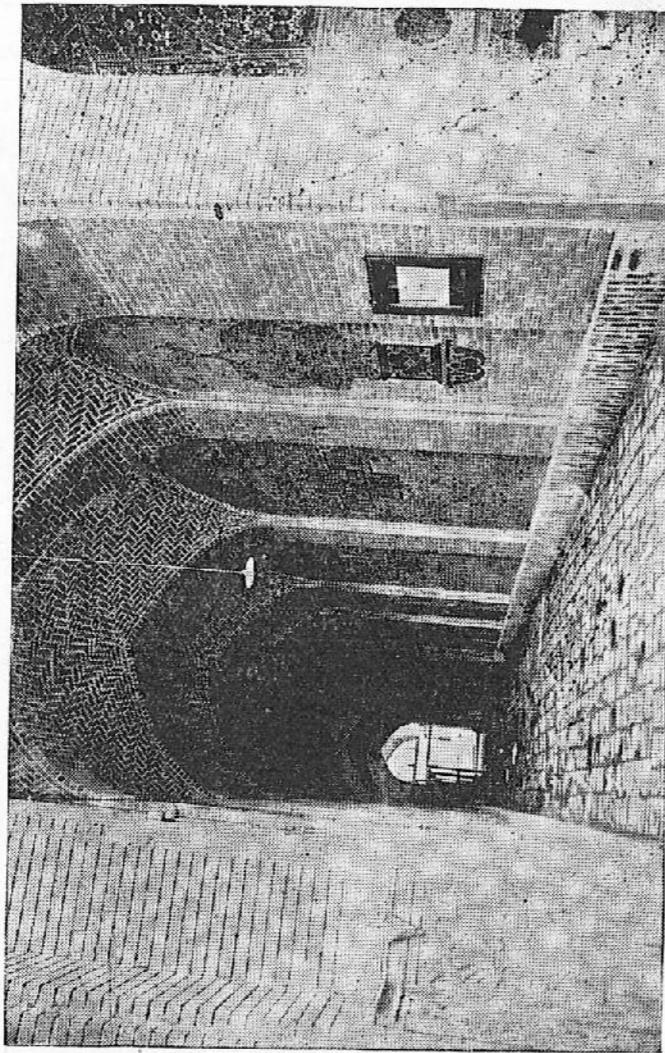
متناسب زینت گردیده در کتیبه ها شرح اهتمام و انجام بنا و نام متصدی و تاریخ اتمام را روی کاشی بخط سفید و متن آبی مسطور داشته و طاقهای

چنانقی قابل توجه در آن بکار برده شده است (۱) و طرفین این درب را با طاق نما های فوقانی و تحتانی که بکاشی های زیبا تزئین شده جلوه داده اند .

کریاس در بزرگ و رودی طرف غربی از دو سمت بواسطه دهلیز متحدالشکل داخل صحن مدرسه میشود در طاق و رواق این کریاس هم کاشی کاری ممتاز معرق و مینا کاری با الوان مختلفه و صور بدیعه و مستظرف و نقوش و رسوم زیبا بعمل آمده و حجاری های ممتازی در این قسمت انجام

۱ - کتیبه جلوخان سردرب غربی بخط میرزا غلامرضای خوشنویس و قسمتی بخط میرزا حسین عمادالکتاب سیفی در نهایت ظرافت و زیبایی این عبارات نگاشته شده: در عهد دولت معدلت آیت و نوبت سلطنت دوران عدت روز افزون شاهنشاه کامکار دین پرور تاجدار معدلت گستر مایه امن و امان و مستغاث مظلومان اعظم الملوك قدرأ و ارجهم صدراً و از مهم مجدأ و اسعدهم جدأ السلطان السلاطین و خاقان الخواقین » بر حسب امر بندگان اعلیحضرت اقدس هایون شاهنشاه ایران « رضاشاه پهلوی » ( این قسمت در زمان شاهنشاه ققید هنگام تعمیر مدرسه اضافه شده است ) خلد الله ملکه و ابد الله دولته این مدرسه تکمیل و مقر دانشکده علوم معقول و منقول گردید « این مسجد رفیع البنیان و منبع الارکان را که فضایش از نهایت وسعت دلگشا و بتایش از کمال زینت جانفزا و غم زوا است . جناب مستطاب رضوان باب اکرم افخم سپهسالار اعظم حاج میرزا حسینخان صدراعظم و وزیر امور خارجه بدستیاری و استظهار برادر اکرم خود حضرت اجل ارفع اشرف امجد آقای مشیرالدوله یحیی خان وزیر عدلیه اعظم دام مجده العالی رفعا لقواعد دعائم الاسلام ابقاء لرسوم السنن و الاحکام و تبعاً للرحمة و القفران بوجهیکه شاید وضعیکه باید از روی صدق نیت و صفای طویت بنا نهاد بدون امساک در خرج و تصرف اموال و تسامح عاملین اشتغال و اعمال بسی و مراقبت استادان نازک اندیشه و معماران سنهار پیشه و اهتمام مقرب الخاقان احمد علی خان سرتیپ کار فرمای مسجد جدید البناء مبارک ناصری صورت انجام داد و کان ذلك البناء فی سنة اثنتین و ثلاثمأ بعد الالف ۱۳۰۲ من الهجرة النبویه علی هاجرهما واله افضل الضلوة والسلام و اکمل التحية و الاکرام ( العبد الحقیر المذنب غلام رضا ) . بعضی حواشی و کتیبه های کوچک در اطراف سردرب جدیداً نصب شده و کاشیهای جدید برای آن تهیه نموده اند و در بعضی از زوایا اسامی استادان کاشی ساز و معمار و مباشر و غیره هم نگاشته شده است .

گرفته است و دری آهنین و باشکوه که صنایع بدیعه در آن بخرج داده اند نصب شده و جبهه و نمای این در دارای آویز های مقرنس زیبا و



دهلیز شرقی مدرسه عالی سیه الار

دلربائی است .

درب طرف مشرق مدرسه دارای کریاسی کوچکتر و جلوخانی

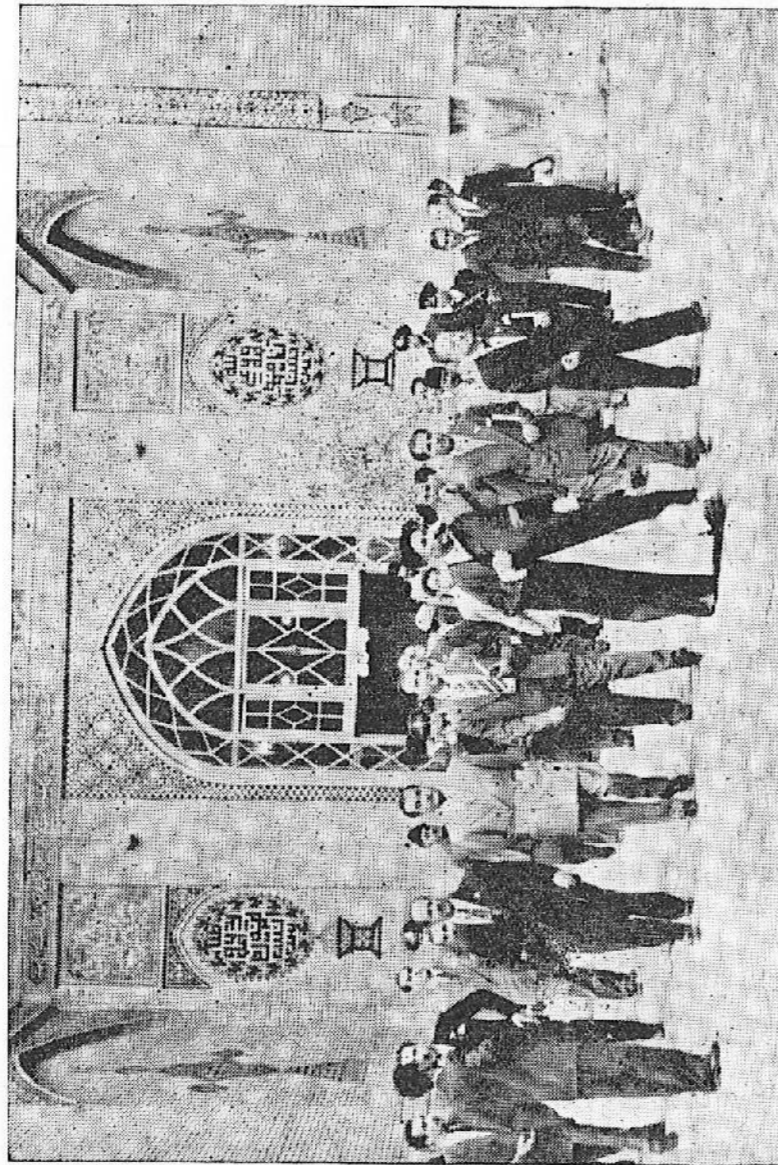
متناسب و دهلیزی طولانی است که مستقیماً بصحن مدرسه داخل میشود. طاق هفت کاسه معروف بطاق معلق در مدخل و کریاس در سمت شرقی واقع شده که از جمله عملیات برجسته و شاهکارهای معمار معروف دوره اخیر طهران استاد جعفرخان معمار باشی کاشانی (متوفی بسال ۱۳۵۲ قمری - ۱۳۱۲ شمسی) میباشد که آنرا در دوره شاگردی خود ساخته و عمده کار معماری را حاج ابوالحسن معمار انجام داده است.

جدیداً برای مدخل شرقی مدرسه و مسجد در متناسب جدیدی ساخته و نصب نموده اند از مدخل در و جانب جنوبی بدو حیاط خلوت این مدرسه داخل میشود که ساختمان آنها هم متناسب با وضعیت دیگر مدرسه است و در بدنه جنوبی دهلیز سه در بزرگ بداخل شبستان و چهل ستون باز میشود و در بزرگ دیگری برای چهل ستون است که در ایوان بزرگ سمت شرقی صحن قرار گرفته و در جانب جنوبی آن نیز دری است که بطرف حیاط خلوت جنوب شرقی مفتوح میگردد و در قسمت فوق ایوان شمالی دو گلدسته و مأذنه برپا شده که در وسط آن ساعت بزرگ مسجد و مدرسه نصب گردیده است.

این ساعت دارای دو صفحه است که یکی بطرف صحن مدرسه و دیگری بجانب عمارت بهارستان (مجلس شورای ملی) مواجه شده گنبد مسجد و مناره ها که در طرف قبله و جهت جنوبی باغ مجلس شورای ملی و رو بروی عمارت پارلمان واقع شده منظره فوق العاده باشکوه و جالب توجهی دارد و در انظار عموم بزرگی و علو همت و خلوص نیت سپهسالار را مجسم مینماید.

در دنباله ایوان شمالی و قسمت زیر ساعت که سابقاً گلخانه زمستانی مدرسه بوده از سال ۱۳۱۰ شمسی (۱۳۵۰ قمری) مبدل بتالار بزرگ و مدرسی گردیده که فعلاً محل سخنرانی و تدریس درس و عظ

و تبلیغ میباشد یکی از تمثال های قلمی با جلال و وقار سپهسالار که از شاهکار های مرحوم کمال الملک است باین تالار زینت و شکوه خاصی داده است.



منظره خارجی تالار بزرگ مدرسه که محل سخنرانی و تدریس درس و عظ و تبلیغ میباشد در این عکس حضرت علامه آقای سیدالعرفین نیابت تولیت عظمی باعده ای از نمایندگان کشور های اسلامی که برای ملاقات معظم له بمدرسه آمده اند دیده میشوند

حیاط کتابخانه مدرسه که در قسمت شمال شرقی صحن بزرگ واقع شده با کاشی های مرغوب تزئین گشته و محل دفتر مدرسه عالی سپهسالار با تشکیلاتی متناسب در این قسمت میباشد.

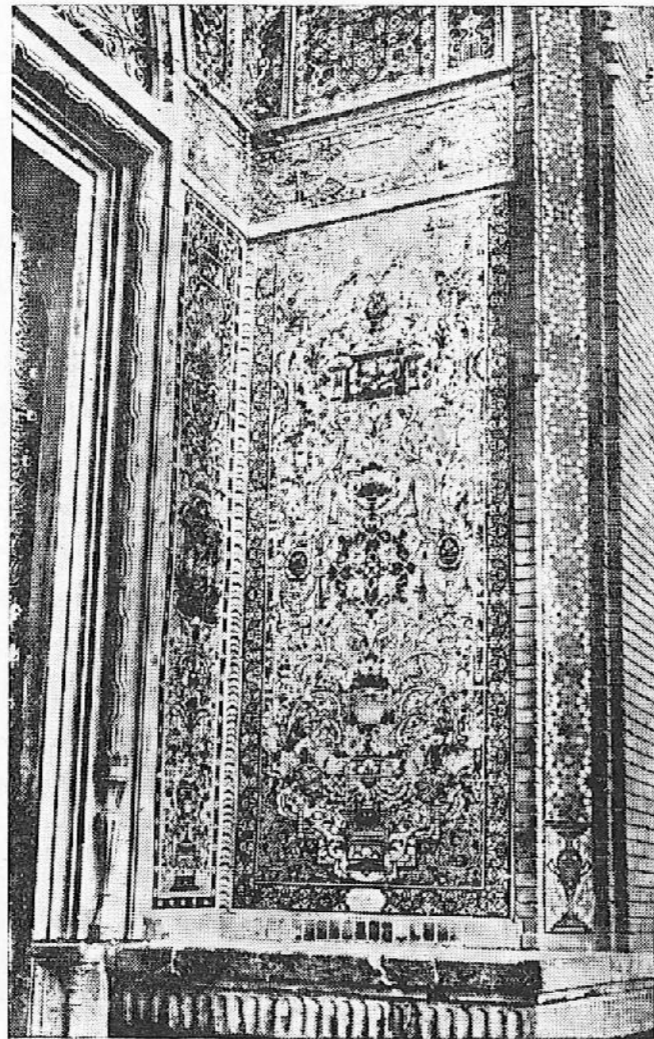
بنای کتابخانه در قسمت مشرقی این حیاط قرار گرفته مخزن کتب در عقب و تالار قرائت خانه در جلو آن مبله و مفروش گردیده است در قسمت شرقی کتابخانه بنای بزرگ و زیبایی برای کتابخانه ساخته شده که فعلا محل فرهنگستان ایران میباشد و در نظر است کتابخانه مدرسه با آنجا انتقال داده شود.

در پشت کتابخانه محل مکتب خانه سابق است که اکنون در آنجا دبستان ابتدایی دولتی دائر است در یکی از زوایای جنوب شرقی حیاط خلوت کوچکی است که از سمت جنوبی آن نیز دری بکوچه پشت مسجد باز میگردد و اکنون محل کلاس های درس در این قسمت می باشد.

صحن مدرسه دارای چهار باغچه مشجر و چهار خیابان و حوض بزرگی است که آب جاری قنات مهران اختصاصی مسجد و مدرسه و عمارت بهارستان در آن روان و طراوت و صفای صحن دلگشای مدرسه را چندین برابر مینماید.

از مدخل در بزرگ غربی ( طرف خیابان نظامیه ) در جانب شمال غربی محل چهل شیر است که بسلیقه خاصی ساخته شده و آب انبار یا جای ذخیره آب مشروب مدرسه محسوب میگردد و از قنات اختصاصی مجرائی دارد. این بنا بواسطه ستون های هشتگانه سنگی ضخیمی بالارفته و مخزن آب را از چهار طرف با سنگهای تراش ساخته و شیرهایی بر آن نصب نموده اند و اطراف مخزن را از قسمت فوق نرده آهن کشیده و این مخزن در وسط قرار گرفته و از چهار جانب طاق نما میباشد.

در حواشی داخلی و خارجی و بالای ایوان های چهار طرف و غیره و بالای گلدسته ها و قسمت داخل شبستان مقصوره و محراب چهل ستون



منظرهای از کاشیکارهای جاویدان در بزرگ غربی

کتیبه هایی روی کاشی مسطور و در اغلب مناظر و مرایا با خطوط

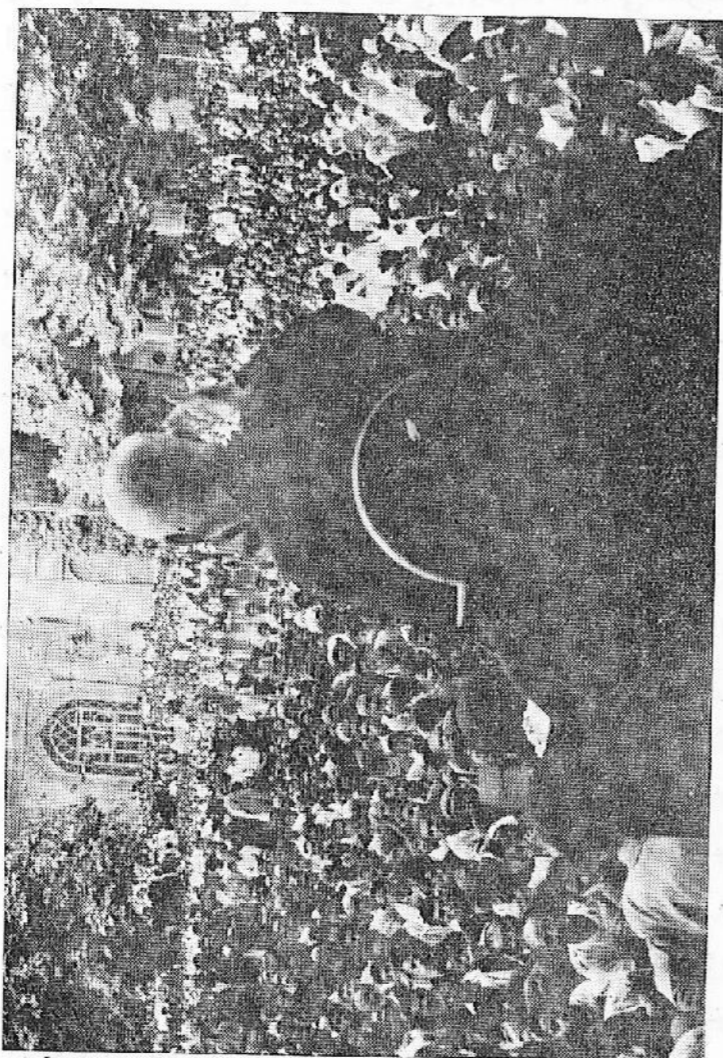
کوفی آیات قرآنی و اسامی مقدسه منقوش گردیده و برزیبائی و شکوه بنا افزوده است. (۱)

و قشنامه ها  
مدرسه و موقوفات آن دارای دو وقفنامه  
مختصر و مفصل است و قشنامه مختصر در کتیبه  
صحن مدرسه از قسمت بدنه راست جهت غربی شروع شده و بسمت بدنه  
چپ طرف غربی منتهی میشود بدین مضمون :

« بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الواثق على الضمائر والمطلع  
على السرائر و الصلوة والسلام على اشرف خلقه محمد و آله سيد الاوائل  
والاواخر و اهل منزل الوحي و مدارس الايات ماوقفت الارضون و دارت

۱ - کتیبه دور طاق شیستانهای اطراف مقصوره بخط کوفی بسیار جلی  
( انافتحننا لك فتحاً مبيناً ) - کتیبه زیر کلدسته طرف شرقی - یا ایها الذین آمنوا اذا نودى  
للمصلوة الخ - طرفین طاق جلو مقصوره : طرف غربی - قال رسول الله صلى الله عليه وآله  
الصلوة قربان كل تقى ۱۳۴۵ طرف شرقی قال الرسول (ص) الصلوة معراج المؤمن  
( عمل محدود و محمد ) - اطراف طاق - عجلو بالصلوة قبل الفوت - کتیبه مابین کلدسته  
جلو خان مقصوره و ایوان جنوبی - الحمد لله الذى لم يتخذ صاحبة ولا ولداً الخ کتیبه  
بالای کلدسته طرفین مقصوره و ایوان جنوبی قال الله تعالى - ما كان محمد صلى الله عليه وآله  
ابا احد من رجالكم - کتیبه بالای کلدسته های طاق مقصوره - ان الله وملكه يصلون  
على النبي الخ - کتیبه قسمت داخلی ایوان شمالی - بسم الله الرحمن الرحيم لم يكن الذين  
كفروا الخ - کتیبه بالای قسمت خارجی ایوان سمت غربی سورة - اذا جاء نصر الله و انما  
يعمر مساجد الله - کتیبه بالای قسمت خارجی ایوان سمت شرقی انافتحننا لك فتحاً مبيناً -  
کتیبه بالای قسمت خارجی ایوان جنوبی بین دو کلدسته الله نور السموات و الارض مثل نوره  
الخ - کتیبه پایه کلدسته طرف جنوبی جلو ایوان مقصوره - بتوفيقات سبحانى وسعى  
واهتمام مقرب الخاقان احمد عليخان سرتيب سرکار مسجد جدید البناء ناصری مرحوم  
حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم طلب نراه اتمام بذيرت - کتیبه بالای قسمت خارجی  
ایوان قسمت خارجی ایوان شمالی بین کلدسته ها و ساعت قل اللهم مالك البلد الخ - کتیبه  
پایه کلدسته طرف شرقی جلو ایوان مقصوره انما يعمر مساجد الله من امن بالله و اليوم الاخر  
الخ (مرقوم بخط میرزا عمو ۱۳۰۶) کتیبه جلو محراب چهلستون سورة سبح اسم ربك الاعلى الخ

السموات در عهد سلطنت اعلی حضرت قدر قدرت خاقان الامم خلیفه الله  
و حامی شریعة الاسلام و داعی الملة البيضاء سلطان السلاطین الزمان و



منظر مای از صحن مدرسه در یکی از روزهای سوزگاری هنگامی که یکی از واعظان معروف تبران برای مردم مشغول بود عظه میباشند

خاقان خواقین الدوران کهف الاسلام و المسلمین نصره الدنيا و الدین طراز  
کسوت سلطنت و جهانداری سایه بلند پایه عدل و رحمت حضرت پروردگاری

( این مدرسه بنا و در عهد سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران رضاشاه پهلوی ادام الله سلطنته مرمت و تعمیر گردید ) (۱) در ساعتی مسعود و زمانی محمود و طالعی همایون و تاریخی میمون بندگان عالی خداوند معالی الامیر الباذل و صاحب العادل جناب مستطاب اجل ارفع امجد اشرف اکرم آقای مشیر الدوله الحاج الافخم میرزا حسینخان سپهسالار اعظم دولت علیه ایران حرسه الله عن طوارق الحدثن این جامع کبیر و مدرس منیع را بتمام از حجرات فوقانی و تحتانی و مقصورات تابستانی و زمستانی که بر حسب اشاره و اختیار اعلیحضرت همایونی که عهد سلطنتش پاینده و مہر معدلتش تابنده باد بمسجد و مدرسہ ناصر یہ نامیده بعلاوه مارستانی حصین و دبستانی رزین و گرمابه و آبگیری متین و انبار آب و المیضاء ( کذا ) و الحوض و المطبخ و الانبار و المرافق و الدروب و الابواب و الدهالیز و غیرها باعرصه مشتمله بر آنها مع جمیع ما يتعلق بها و یحتاج الیه فیها از نسخ قرآن مجید و صحف دعوات و تصانیف علوم و فنون و مؤلفات من کتب الفقه و الاصول و التفسیر و الحدیث و الکلام و الحکمة و الطب و الادب و سائر الفنون الرسمیه موجوده در کتابخانه علمیه مدرسہ و اثاث و بساط و ادوات و ظروف محتاج الیها من السرج و القداور و المصافی و القصاع و البواطی و الانماط و الزلیات و غیرها من الاسباب و الالات اللزومه که از برای مسجد و مدرسہ و سائر ابنیه مسطور است که مصداق حقیقی صدقات جاریاتست مہیا و مہمد نموده همه اینها را کلا و ارقاماً اصولاً و فروعاً بانضمام سه دانک مختصی خود از کل شش دانک قنات مشهوره بقات مہران وقف مؤبد و حبس مغلد شرع نمودند متقرراً بالی الله و طلب المرضات الله بالطوع و الاختیار دون الاکراه و الاجبار در حالتیکه جمیع اقرار شرعیہ از آن موضی و نافذ بود بر جمیع طلاب علوم و مصلیان مرضای سکان مدرسہ و اطفال

۱ - این قسمت در زمان شاهنشاه فقید هنگام تعمیر نوشته شده است .

مسلمین و اشخاصیکه نوعاً مقرر فرموده اند از امام جماعت و نایب امام و یکنفر مدرس منقول از فقه و اصول و یک نفر معلم ریاضی و یک نفر مدرس معقول از حکمت و کلام و یک نفر تالی مدرس منقول و یک نفر تالی مدرس معقول و یک نفر معلم مقدمات و یک نفر معلم ادبیات و یک نفر حکیم باشی دارالشفاء که هشت نفر مجموع مدرس و معلم و یک نفر مستوفی و یک نفر ضابط موقوفات و یک نفر واعظ و یک نفر کتاب دار و یک نفر خادم باشی و شش نفر خادم و دو نفر قاری و یکصد و بیست نفر طلاب و چهار نفر معلم مکتب خانہ اطفال و دو نفر خوشنویس مشاق مکتب خانہ اطفال و دو نفر طبیب دارالشفاء و یک نفر دواساز و یک نفر شاگرد دواساز و یکنفر ناظر مطبخ و یکنفر طبابخ و چهار نفر پرستار مریض و ده نفر رختشوی مرضی و یکنفر ساعت ساز و دو نفر حافظ کتب و چهار نفر مؤذن و دو نفر مکبر و سه نفر چراغچی و یکنفر دربان و یکنفر باغبان یکنفر خادم مکتب خانہ اطفال با شروط هر یک که خواهد آمد بعلاوه عامه مسلمانان و صورت موقوفات مسجد بدین تفصیل است :

در طهران قیصریه مع سی و پنج باب دکانین بانضمام دو باب حمام زنانه و مردانه نزدیک کی آن و هیجده باب دکانین واقعه در بازار امیرو قریه گرک تپه شش دانک در ورامین و قریه میان آباد شش دانک در غار قریه شهرک سه دانک واقعه در طالقان .  
املاک واقعه در قزوین قریه کمال آباد شش دانک و قریه فیض آباد چهار دانک و نیم و قریه آقا بابا دو دانک و نیم الی نیم فرد .

املاک واقعه در خمسه : قریه حمید آباد شش دانک - قریه داشلوچه شش دانک و قریه علی گز بر شش دانک و ارهان شش دانک بانضمام یک باب کاروانسرای ذغالی جدید البناء نزدیک مسجد مع شش دانک دکانین که همه ساله منافع املاک مزبور را در وجه مخصوصین مذکورہ بتفصیلی که اشاره میشود در فتاوی نمایند آخر کتیبه - عمل استاد صادق کاشی .

دیگری و قفنامه تفصیلی که اصل نسخه خطی آن مسجل و مهور  
بمهر مرحوم سپهسالار میباشد .

اصل و قفنامه کتابچه‌ای است مشتمل بر ۷۹ صفحه و یک ورق سفید  
پشت جلدی که با خط خوب و کاغذی  
مرغوب و جلدی و غنی پشت بوته‌دار  
مقوا که قسمت داخلی آن برنگ  
لاکی ساده درست شده در کتابخانه  
مدرسه مضبوط است .



مرحوم احمد علیخان سر تیپ  
که مدتها در امور ساختمانی مدرسه نظارت داشته

در صفحه آخر این و قفنامه سجلات  
و مهر مرحوم واقف با امپار علماء  
مسجل و مهور گردیده ولی نکته  
قابل توجه این است که تاریخ متن  
وقفنامه در سال ۱۲۹۷ مسطور گردیده  
ولیکن سجد علماء مورخ بتاریخ شهر  
ربیع الاول ۱۲۹۹ چندی بعد از وفات  
واقف است و این موضوع معلوم  
میدارد که ابتدا و قفنامه مسوده  
شده و بمهر رسیده و بعد از آن

پاکنویس و اجرای صیغه در هفت شوال ۱۲۹۲ بعمل آمده سپس سوانح و  
حوادثیکه برای سپهسالار روی داده باو مجال نداده است که و قفنامه را تکمیل  
کند و در صفحه ۱۶ و قفنامه ذیل صورت املاک و رقبات مسجل و مهر مرحوم  
حاج آقامحمد نجم آبادی رازی است و آخر و قفنامه بمهر رسمی سپهسالار  
( حسین ) مهور گردیده و از این قرار و قفنامه رامشیرالدوله بعد از فوت  
برادرش تکمیل نموده است .

## وقفنامه مفصل

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على السرائر والضمان، والصلوة على محمد سيد  
الاول والالا واخر، وآله اهل منزل الوحي ومدارس الايات، ماوقفت  
الارضون ودارت السموات.

« اما بعد »

فقد علمت قيس بن عيلان اننى اذا اقلت اما بعدانى خطيبها ،  
ترا زنده بنیان دار ایجاد و فرازنده ایوان سبع شداد چون بر  
اقتضاء حکمت بالغه بسر پنجه قدرت کامله خویش قواعد بیت پیکر  
جنس انس بر افراخت و مشعل روان هیکل معشر بشر بیقر وخت تولیت  
حل و عقد امور و قبض و بسط مهمات آن با سلطان عقل باز گذارد که  
سالار سپاه نشاء آفرینش است ، و واقف رموز مدرس دانش و بیمش ،  
تا زوایای صحن خاطر آن از تعلقات اطلاق این سرای مزخرف پیردازد ،  
و سراپای حجره درونش بقروغ معرفت صانع خویش منور سازد . قال الله  
عزاسمه و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون در ذیل تفسیر این کریمه  
بسند شیخ صدوق رضی الله عنه از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت  
میکند که گفت : ریحانه نبی حسین ارواحنا فداء از سرای معالی خویش  
بر آمد و با اصحاب چنین خطاب نمود : که ایها الناس ان الله جل ذکره  
ما خلق العباد الا ليعرفوه فاذا عرفوه عبده و اذا عبده واستغنوا بعبادته عن عبادة

من سواه. ای وری، هر که را دولت شناخت بانی اعیان عرصه غیب و شهود  
 آنچنانکه باید نصیب افتاد، و سعادت پرستش عامر دیار خطنه ملک و ملکوت  
 بدانسان که شاید روزی گشت، در هوای وی تار و پود ز نار پرستش در هم  
 و دینار از هم گسیخت. و در رضای او عرض و طول غبار بستگی ملک  
 و عقار در هم درید، و سپس آئینه ضمیر حقیقت پذیرش هیچگاه ز نك  
 تعلق از این دار غرور نپذیرفت، و شاهباز همت و الانهتش هر گز  
 سایه التفات بر این قنطرة عبور نینداخت، فان الدینار نق مشربها ردغ  
 مشرعهایونق منظرهاویوبق مخبرها غرور حائل وضوء آفل و ظل زائل  
 و سناد مائل، و این گونه مردم سعادت مند بالفرض اگر بتمام کنوز دنیا  
 و خزائن ارض مما تنفست عنه معادن الجبال و ضحکت عنه اصداغ البحار  
 من فلز اللجین و العقیان و نثاره الدر و حصید المرجان دست استیلا پیدا نموده  
 و در جمیع مزارع معموره و املاک عالم من کل بره سمره و روضه خضراء  
 و اریاف محدقه و عراض منقده و زروع ناضرة و جنات عامرة حق تصرف  
 بهم رسانیده باشند هم در طعنشان نمیتوان گفت که سودای سیم و زردر  
 سر دارند، و عشق آب و گل در دل، چه این گروه عاقبت بژوه وقتیکه  
 بی بازار تحصیل رضای ملک الملوك هر دو جهان گذرند و خواهند که سپاس  
 عوارف ولی نعمت کل عوالم امکان گذارند تمامت آن منقول بر درد که  
 دلاله هل ادلکم علی تجارة تنجیکم در ساعتی مصروف سازند، و جمله  
 این اصول در خریداری کالای شجرة الخلد و ملک لایلی تا ابد موقوف  
 دارند، امام ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق سلام الله علیه در مدح اینگونه  
 زخارف ستوده فرموده: که نعم العون علی الآخرة الدنيا و امیر المؤمنین  
 علی علیه و علی اله صلوات الله که این عجز و شوها را سه طلاق فرموده بود  
 در خطبه این چنین کریمه حسناء گفته: که الدینار صدق لمن صدقهه  
 و دار عنی لمن تزود منها، مسجد احباء الله و متجر اولیاء الله، اکتسبوا فیها  
 الرحمة و ادخروا منها الجنة. و از جلائل همتها و شرایف عزیمتهای این

طایفه در اکتساب رحمت و ادخار جنت عمارت مساجد است، و انشاء  
 مدارس، که خدای تعالی در تصدیق ایمان بانی آن عمارت فرموده انما  
 یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر و رسول صلی الله علیه و اله تقدیر  
 مزدوی این چنین نموده که من بنی مسجد فی الدنيا اعطاه الله بکل شبر منه  
 مسیرة اربعین الف عام مدینة من ذهب و فضة و در و باقوت و زمرد و زبرجد  
 و لؤلؤ و در خبر دیگر آمده که من بنی مسجد ا کمفحص قطة بنی الله له  
 بیتاً فی الجنة، و در حوالت اجرت خداوند آن انشاء پیغمبر صلی الله علیه  
 و آله فرموده:

من اعان طالب العلم و لو بالقلم المكسور فکانما زار الکعبة سبعین مرة  
 و جبرئیل خیر داده که یا محمد صم ان الصدقة علی خمسة اوجه الواحدة  
 بعشرة و الواحدة بسبعین، و الواحدة بسبعمائة، و الواحدة بسبعین الفاً،  
 و الواحدة بمائة الف ختم رسل میفرماید: بالامین و حی گفتم اخبرنی عن  
 الواحدة بعشرة گفت:

ان تدفعها الی رجل صحیح البدن و الیدین و الرجلین و العینین  
 و الواحدة بسبعین ان تدفعها الی زمن و التی بسبعمائة ان تدفعها الی الوالدین  
 و التی بسبعین الف ان تدفعها الی الاموات و التی بمائة الف ان تدفعها الی  
 طالب العلم. الحاصل اصول این دو بنیان از مسانید صحاح اخبار و  
 مراسیل صراح آثار در کتب و افواه بسیار است، بلکه بیرون اندازه  
 شمار، ولی در خصوص مدارس جمله از عموم ایاتند، مانند: تعاونوا  
 علی البر و التقوی و شمول روایات الا ان الله یحب بغاة العلم، چه این  
 عنوان مخصوص را اختراع تخطیط اساس در اواسط خلافت آل عباس  
 اتفاق افتاد قاضی القضاة شمس الدین احمد بن خلیگان اربلی در شرح  
 مآثر نظام الملك حسن وزیر سلطان ملک شاه سلجوقی گفته: «و بنی المدارس  
 و الربط و المساجد فی البلاد و هو اول من انشأ المدارس فاقتدی به الناس»



و برخی از متتبعین اهل سیر بچند سال قبل از تاریخ نظامیه بغداد از چند مدرسه نامی نشان داده اند، و گفته اند: نخستین مدرسه اسلام بیهقیه است که آنرا مردم ایرانشهر بنیاد نهاده اند، لیکن چون در مدرسه خواجه وظایف و مرسوم مقرر بود، و جرایبات معلوم مستمر، مجمع فحول رجال گردید، و منتجع رواد کمال، و از این روی نامش در آفاق چندان مذکور شد که در عداد اولیات مسطور گشت.

حیاک من لم تکن ترجو تحية لولا الدار هم ماحیاک انسان تقی الدین احمد بن علی مقریزی در کتاب المواعظ والاعتبار میگوید که: « والمدارس مما حدث فی الاسلام ولم تکن تعرف فی زمن الصحابة ولا التابعین، وانما حدث عملها بعد الاربع مائة من سنی الهجرة واول من حفظ عنه انه بنی مدرسة فی الاسلام اهل نيسابور، فبنیت بها المدرسة البیهقیة وبنی بها ایضا الامیر نصرین سبکتکین، اخو السلطان محمود مدرسة، وبنی بها ایضا المدرسة السعیدية واشهر ما بنی فی القديم المدرسة النظامية ببغداد، لانها اول مدرسة قرر بها للفقهاء معالیم، و کیفما كان عمارت مدارس از آثار رواج علم است، و رواج علم از آثار عمارت ملک، قالت الفلاسفة فی فن السياسات ان الصنایع والعلوم انما تکمل بکمال العمران الحضری ».

جناب مستطاب اجل ارفع امجد اشرف اکرم مشیر الدوله الحاج میرزا حسین خان سپهسالار اعظم وزیر امور دول متحسابه خارجه و ملل مختلفه داخله جمع الله بين العمر المديد، والعیش الرغید، و محامات الايمان، و موالاته السلطان، چون براقضای سالاری غازیان خون آشام، سرداری حافظان بیضه اسلام، وجود عاقبت محمود را همواره آماده جهاد با اهل طغیان و فساد میدارد، خواست که کالای کنوز اموال نیز ضمیمه متاع ذات بیهمال بماند، تادر بازار ان الله اشتری من المؤمنین

انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة « با مبیع کامل در آید. و ثمن تمام دریابد. پس در ساعتی مسعود و طالعی میمون وزمانی مبارک و تاریخی همایون، که امیر دین پرور و صاحب داد گستر را.

جهان بکام و فلک بنده و ظفر همدم امید تازه و دولت قوی و بخت جوان بود بفرمود تا مهندسان اقلیدس اندیشه و معماران سنمار پیشه؛ در قبه الاسلام طهران، از اراضی مجاوره سرای محروس وی، عرصه را که خاکش چون زمین یونان دانش انگیز است و فرهنگ آمیز، و هوایش مانند نسیم چنان مایه نشاط است و روان انبساط، برای تأسیس ابواب البربری شکر فاختطاط کردند و سرکاران نکته گیر و مباشران مشکل پذیر، بنایان شیده حرفت و استادان میکلائو صنعت، و حجاران فرهادشعار و نجاران بدیع کردار و جصاصان کار آزمون و مزدوران عفریت نمون از هر نقطه در آن خطه حاضر آوردند و هریک را در سر شغل مخصوص خویش منصوب داشتند و برصفت سیاراتشان هیچ دقیقه از حرکت مهمل نگذاشتند، تا پس از حمل بسی رنج فراوان، و بذل بسی گنج شایگان؛ جامعی کبیر و مدرسه منیع و مارستانی حصین و دبستانی قویم و کتابخانه محیط و گرمابه وثیق و آبگیری عمیق، بلواحقها، ایجاد کردند که از بریق صخرهای مصقول، و لمعان رخامهای املس، و تلالو مرمرهای شفاف و شعاع حجارهای مسنون آن آئینه عقول تیره است و دیده او هام خیره و در ارتفاع طاق عظیم و امتداد دعائم متین و عرض ایوان مشید و طول مآذنهایی رفیعش مهندس خیال در حیرتست و مساح اندیشه در دهشت، گوئی آصف روزگار آیا صوفیه بوزنطیای روم را بطرفه العین در این مرزو بوم احضار نمود و یا از جانب سلیمان زمان مستخرات الشیاطین را بنیاد مسجد اقصای دیگر فرمود:

اکل بنا، انت بانیه معجز بنیت المعالی ام بنیت المنازل  
اصائلها للنور اضحت هو اجرا هو اجرها للطیب اضحت اصائلا  
هی الدار امست مطرح العلم فاغتدی بهانا هل الا مال ریان ناهلا  
وانگاه از نفایس نسخ قرآن مجید، و صحف دعوات، و تصانیف  
علوم، و مؤلفات فنون، من کتب الاصولیین، و الفقه، و التفسیر، و الحدیث،  
و الحکمة، و الطب، و الادب، و غیرها، بقدر حاجت، و از امتعه و اناث  
و بسط و اعراض لازمه من القدر، و المصافی، و القصاع، و البواطی، و  
الانماط، و الاوانی، و الزلیات، و القوالی، و غیرها، باندازه ضرورت  
که تفصیل آنها نگارش خواهد یافت، از اموال خاصه خویش، برای آن  
ابنیه مشید، معد و مههد داشت. پس بر حالیکه متکلم عقل در عنوان  
صدقات جاریات از در استشهاد کریمه: « و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون »  
تلاوت میکرد و مستمع رضا در خاصه باقیات صالحات بلسان تصدیق  
صحیحه « لم یکن احد من الصحابة ذو مقدرة الا وقف » روایت مینمود،  
به نیتی آنچنان صافی که نه در دیم عذاب نار جحیمش آلوده تواند ساخت،  
و نه آمیغ خلود جنت نعیمش تیره تواند داشت، بل خالصا لوجه الله و ابتغاء  
رضوانه، و وقف مؤبد و حبس منخلد نمود، تمام عرصه و اعیان این صفحه  
مشمول بر مسجد، و مدرسه، و دار الشفا، و بیت التعلیم، و مخزن کتب و  
انبار آب، و حمام، و مایه تعلق بهارا: من المطبخ؛ و المیضا (کذا) و الانبار  
و المرافق و الدروب، و الابواب، و الدهالیز، و غیرها « مما ذکرنا لم  
یند کروز برام بزبره که محدود است بحد و دار بعه مسطور ذیل، بضمیمت  
یک دانگ و نیم از سه دانگ مختصی خود از کل شش دانگ بکرشته قنات  
مشهور بقنات مهران، باضافت تمامت آن کتب و اسباب معینه، و بسط  
واوانی معلومه، بر عموم اهل اسلام، و مصلیان مسجد، و اصناف طلبه  
علوم، و مرضای سکنان مدرسه، و اطفال مسلمین، علی ماتقرر فی الفصل  
الاول من الفصول الاربعه الاتیه.

(ومغبة ذلك) از میان رساتیق و رقبات، و مزارع و مستغلات،  
و عیون و قنوات، و دکا کین و خانات، خاصه متصرفه خود، املاک مفصله  
ذیل را اختیار نموده و جمله را:

#### املاک واقعه در دار الخلافه طهران و توابع

املاک واقعه در دار الخلافه  
قیصریه حالیه بانضمام دو باب حمام زنانه و مردانه نزدیک آن دو باب  
دکا کین نزدیک قیصریه سی و پنج باب.  
دکا کین واقعه در بازار معروف ببازار امیر هجده باب.  
املاک واقعه در توابع دار الخلافه.  
قریه گل تپه واقعه در ور امین شش دانگ.  
قریه میان آباد واقعه در غار شش دانگ.  
قریه شهرک واقعه در طالقان سه دانگ.

#### املاک واقعه در قزوین و خمسه

واقعه در قزوین  
قریه کمال آباد شش دانگ.  
قریه فیض آباد چهار دانگ (و) نیم.  
قریه آقا بابا دودانگ الانیم فرد.  
واقعه در خمسه  
قریه حمید آباد شش دانگ.  
قریه داشلوجه شش دانگ.  
قریه علی گز بر شش دانگ.  
قریه اربال با توابع شش دانگ.

#### بسم الله خیر الاسماء

بتاریخ روز هفتم شهر شوال المکرم سنه ۱۲۹۷ در خانه مرحوم  
واقف خیر مواقع صیغه وقف املاک مفصله بجهت عموم و جوه خیریه که

در کتابچه شریفه ذکر شده بطور عموم و اطلاق بتو کیل مرحوم واقف قدس الله نفسه سمت جریان پذیرفت .

حرره فی ۲۶ ربیع الاول ۱۲۹۹ محل مهر مرحوم حجة الاسلام حاجی آقا محمد نجم آبادی اعلى الله مقامه الشريف در ظهر ورقه محل مهر حاجی ملا احمد محرر .

بضمائمها الشرعیه و توابها العرفیه بالطوع والرغبة والاختیار ناویالمنقرب الی الله تعالی واقف مؤبد، و حبس مخلد نمود، برارباب مناصب و اجزاء دایره اوقاف، مسطوره و مصارف معینه متعلقه بآنکه همه ساله منافع و محاصیل آنها در وجه وظایف نایب التولیه، و ناظر، و امام، و مدرسین، و نایب امام، و حکیمباشی، و مستوفی، و ضابط، و حفظة کتب، و واعظ، و طلاب و معلمان و مکتبیان، و طبیبان، و ممرضان، و مؤذنان، و مکیران، و چراغچیان، و خادمان، و در وجه اخراجات آبادی خرابیهای موقوفات، و نسق املاک، و اصلاح کتب، و ظروف، و فرشها، و اتباع عوض تفریط شده، و تعزیه داری (۱) عشر اول محرم، و لیالی متبر که، و احیای لیالی مخصوصه، و تهیه اغذیه و اشر به مرضی، و لوازم مکتب خانه، و چراغخانه، و حمام، و باغچه، و امتحان طلاب، و غیر ذلك، پرداخته شود، علی ما تقرر فی الفصل الثانی من الفصول الاربعه الاتیه، و تولیت حل و عقد امور این موقوفات را برمتها (۲) و قبض و بسط مراتب مسطورات را بازمتها مدت (کذا) الحیوة که مانند اظله رآیات ظفر آیات شاهنشاه عهد همی ممدود باد بخود اختصاص داد و پس از خود تولیت اوقاف مزبوره را که بحقیقت حفظ ناموس شریعت است و حراست سفینه سعادت، تا پایان دهر بساطان دهر مفوض داشت،

(۱) ذیل جمله تعزیه داری: مهر (حسین ۱۲۹۳) واقف است .

(۲) ما بین مسطور در این موضوع که مطابق ظهر صفحه قبل است: ثبت شده یا احدی خط و مهر حاج ملا احمد محرر است .

که آنچه مقتضای کرایم خصایص داد گستری، و شرایف خصال عنصر دین پروریست، در ایراد و اصدار احکام معدلت، و امضاء و انفاذ تکالیف تولیت، مبدول فرمایند، و چون تصدی تمامت آن تکالیف من حیث المباشرة منافی حفظ احترام سلطنت است، مقرر گشت که سلطان عصر یکی از رجال دولت را که بکفایت و امانت و صلاح موصوف باشد، بتصدیق ناظر و امام و مدرسین منقول و معقول، از جانب خود بنیابت منصوب فرمایند، تا انجام تکالیف متعلقه بتولیت را که در اول فصل سیم مسطور است مباشرت نماید، ولی بخصوص تغییر ناظر و امام و مدرسین منقول و معقول را بحکم صریح و توقیع مبارک خود اختصاص دهند، و ارجو که خدای توانا بر حسب قدرت نگاهداری این اثر جمیل؛ و پاسبانی این حماء جلیل را، بدرازی دوران، و فراخی زمان بر عهده شاهنشاه عهد همی موکول دارد و نظارت اوقاف مزبوره را شخصاً با برادر والا گهر خویش روان پیکر مجد و شهامت، جوهر شمشیر عزم و صرامت، مؤسس از کان عظمت و جلال، و مشید بنیان حشمت و اقبال، مقرب خاقان، صهر سلطان، جناب جلالتمآب امیر الامراء العظام بجیحی خان معتمد الملک، وزیر مخصوص، دام اقباله العالی مفوض داشت، و مقرر نمود که نظارت مادام الحیوة با معزی الیه باشد، و پس از او نوعاً با ارشد و اصلح اولاد ذکور او و اولاد ذکور از اولاد ذکور او، و هکنذا با رعایت تقدم طبقه اولی بر ثانیه و ثانیه بر ثالثه، و هکنذا الی ماشاء الله، و در صورت فقدان واجد و صفین در طبقات اولاد او و یا العیاذ بالله انقراض ایشان، مفوض باشد بارشد و اصلح از دو برادر دیگر واقف معظم مقرب بی الخاقان و معتمدی السلطان نصر الله خان نصر الملک و حاج میرزا عبدالله خان علاء الملک، دام اقبالهما، و بعد از فوت احد هما بادیگری و پس از هر دو باصلح و ارشد اولاد ذکور ایشان و اولاد ذکور از اولاد ذکور ایشان، و هکنذا با رعایت ترتیب مابین طبقات اعقاب ایشان و در صورت انقراض یا فقدان واجد و صفین معاً؛ در ذکور اعقاب

هر دو واگذار است بشخصی از اماناء در بار سلطنت که بوصفین مذکورین متصف باشد و متولی او را بتصدیق نایب التولیه و امام مسجد و مدرسین منقول و معقول منصوب فرماید، و مقام امامت و محراب عبادت را شخصاً بوجود حقیقت نمود علامه العلماء و استاد الفقهاء عمادالمحققین و فخرالمجتهدین قبله الانام و حجة الاسلام (۱) منور داشت و بعد از ایشان نوعاً با کسی است از اولاد ایشان که صلاحیت مقام امامت را داشته باشد با رعایت ترتیب ما بین طبقات اعقاب، در صورت تعدد با کسی است که بقرعه محضر نایب التولیه و ناظر و مدرسین منقول و معقول معین شود، و بر تقدیر انقراض اعقاب ایشان یا عدم وجدان صالح این مقام در آنها بشخصی است که واجد شرایط امامت باشد، و متولی بتصدیق نایب التولیه و ناظر و مدرسین منقول و معقول و جمعی از ثقات طلاب مدرسه او را تعیین فرمایند. و مسند تدریس منقولات شرعیه را من الفقهاء والاصول و ما يتلوها شخصاً بوجود فاضل نحیر و محقق خیر جامع المسموع والمعقول، و مجتهد الفروع والاصول، مروج الاحکام، مرجع الانام من الحاضر والبادی، تاج الحاج حاج آقا محمد النجم آبادی (لازال نادی ایادیه غاصاً بالمستفیدین) مزین ساخت و بعد از ایشان نوعاً واگذار است با علم اولاد ایشان در اصول و فقه که اهلیت تدریس طلاب مدرسه مزبوره را داشته باشد با رعایت تقدیم طبقه اولی بر ثانیه، و ثانیه بر ثالثه، و هكذا الى ماشاء الله و در صورت تساوی ایشان در اهلیت و علم، مفوض است بآنکه بقرعه محضر نایب التولیه و ناظر و امام و مدرس دیگر معین گردد، و در صورت انقراض و یا فقدان واجد وصفین واگذار است بر کسی که اهلیت تدریس طلاب مدرسه مزبوره را داشته باشد و متولی او را بتصدیق نایب التولیه و ناظر و جمعی از ثقات طلاب مدرسه تعیین فرماید، و مجلس افاضت مطالب معقوله را شخصاً بجلوه جمال حکیم اعلم، و فیلسوف اعظم قطب المرئضین و لب المکاشفین

(۱) بیاض است در اصل :

صدرالدين الثاني الا (قا) ميرزا ابو الحسن اصفهانی لا زال طول حضوره آهلاً بالمتبیین آراسته داشت، و بعد از ایشان نوعاً واگذار است با اولاد ایشان، یا غیرهم، بشرحی که در نوع مدرس فقه و اصول مقرر گشت. و نیز نوعاً یکنفر نایب امام، و یک تالی مدرس منقول و یک تالی مدرس معقول و یک معلم ریاضی، و یک معلم مقدمات، و یک معلم ادبیات و یک حکیم باشی دارالشفاء و یک مستوفی و یک ضابط موقوفات و یک کتابدار و یک خادم باشی و یک واعظ و دو قاری، و یک کصد و بیست نفر طلاب و چهار معلم مکتب خانه اطفال و دو خوشنویس مشاق مکتب خانه اطفال و دو طبیب دارالشفاء و یک دواساز و یک شاگرد دواساز و یک ناظر مطبخ و یک طبخ و چهار پرستار و دو رختشوی مرضی و دو حافظ کتب و یک ساعت ساز و چهار مؤذن و دو مکبر و سه چراغچی و یک دربان و شش خادم و یک باغبان و یک خادم مکتب خانه اطفال برقرار نمود. و برای هر یک از موقوف علیهم تکالیف چند مقرر داشت که مطابق آن عمل نمایند. (علی ماتقر فی الفصل الثالث من الفصول- الاربعة الاتیه) و مقرر نمود که همه ساله در لیالی عشر اول محرم و شبهای جمعه و لیالی متبر که در مسجد مجلس تعزیه داری منعقد و ذکر مصیبت ائمه اطهار سلام الله علیهم بشود، و در لیالی مزبوره و روز عاشورا طلاب و غیرهم اطعام شوند و در لیالی احیا ده نفر از طلاب و شبهای اعیاد عموم طلاب اطعام شوند، و در آخر هر سال طلاب مدرسه امتحان شده بهر کس ترقی بین در تحصیل علم کرده باشد هدیه یا خلعت داده شود و استمراراً بیست نفر مریض از موقوف علیهم و غیرهم در دارالشفاء نگاهداری و پرستاری شود و مستمرأ یک صد نفر یا کمتر اطفال مسلمین در مکتب خانه تربیت شوند، و شبهای عشر اول محرم و احیا یکصد و شصت چراغ و سایر لیالی تمام سال یکصد چراغ در چراغدانهای معلوم بمدت معین در مسجد و مدرسه روشن

باشد و حمام و باغچه موقوفه دایر و با صفا باشد (علی ما تقرر فی الفصل الرابع من الفصول الاربعة الاتیة) و نیز مقرر نمود که هر گاه بر بناء مسجد و مدرسه و مایتلوها و مستقلات و املاک موقوفه قسمی خرابی وارد شود که یک عشر از کل منافع املاک موقوفه که برای چهار فقره اسباب انتظام و بقای موقوفات در اوایل فصل دویم مقرر شده و با اصلاح آن ننماید خرج اصلاح چهار فقره مزبوره هر قدر بشود کلاً بر تمام سهام موقوف علیهم سوای نیم عشر حق الزحمه نایب التولیه و ناظر مقدم باشد باین قسم: که از کل منافع یکساله املاک موقوفه بعد از وضع نیم عشر حق نایب التولیه و ناظر اصلاح آن چهار فقره تا هر مبلغ باشد کاملاً شده آنچه میماند تقسیم بسهام شده بطوریکه در فصل دویم مقرر است معمول شود و هر گاه خرابی فاحش بموقوفات مزبوره وارد شود چنانکه مخارج اعداد آن بصورت اولی مستوعب حاصل و منافع یکساله املاک موقوفه باشد تمام منافع املاک بعد از وضع نیم عشر حق نایب التولیه و ناظر در تدارک خرابی مزبور مصرف شود تا بصورت اولی آباد گردد و در صورتیکه خرابی قسمی وارد شده باشد که منافع یک ساله نیز بشرح مسطور کافی نشود در چند سال متوالی بشرح مسطور عمل شود تا بحالت اول آباد گردد.

و هر گاه اتفاقاً حادثه روی دهد که ظالماً و عدواناً و بوجه آخر اعیان مسجد و مدرسه و مایتلوها (کذا) بکلی منهدم و معدوم و عرصه آن هم از دست برود در هر چند سال که کافی شود از منافع و محصول املاک موقوفه بعد از نیم عشر حق نایب التولیه و ناظر در مکانی دیگر جامع و مدرسه و دارالشفاء و کتابخانه و مکتب خانه و حمام و انبار آب و ملحقات آنها ساخته و دایر شود اگر چه مختصرتر و کم زینت تر از بناهای اول باشد، و فقط باستحکام بنا اکتفا شده باشد با رعایت (الاقرب مکاناً فالاقرب) و صیغ و قوف حسب مارقم فی السطور السالفه و الفصول الاتیة

حاویة لجميع شرایطها الشرعية و قیودها المقررة بالفارسیة و العربیة جاری و واقع گردید و تحقیقاً للزوم الوقف قبض و اقباض بعمل آمد، و تصرفات مشروعه بعنوان وقفیت در هر یک از موقوفات حاصل گردید، (فصارت کل ما ز بر فی تلك الورقات من الجامع و المدرسة، و دارالشفاء، و المخزن، و بیت التعلیم و الحمام و المطبخ، و المستراح و المرکز و ما یتعلق بها، و الکتب، و الدفاتر؛ و البسط، و الاوعیه، و الامتعة و الاثقال، و الضیاع، و القنوت، و الحوانیت، و غیرها من اللواحق و التوابع و الضمایم و التوالی مما سمی ام لم یسم ورقم ام لم یرقم و قفاً صحیحاً شرعياً لازماً دائماً بحیث لا یباع و لا یشتری و لا یوهب و لا یرهن و لا یرتفع فممن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلون ان الله سمیع علیم .

### « الفصل الاول »

#### « فی تبیین الاوقاف و آدابها »

مسجد بتمامه از مقصوده و شبستان و مایتهما وقف است بر عموم مسلمانان که در آن بصلوة و اعتکاف و دیگر وظایف عبادات و اعمال مباحه قیام نمایند.

مدرسه بتمامها از حجرات فوقانیه و تحتانیه و زوایا و مایلهحقها وقف است بر طلبه علوم و محصلین فنون تا بر طبق تکالیف مقرر در حق ایشان که در فصل سیم مرقوم است در آنها سکنتی گرفته بتحصیل و تکمیل اشتغال جویند، هشت مدرس معین وقف است برای تدریس مدرسین و تالیان ایشان و معلمین ریاضی و مقدمات و ادبیات و حکیمباشی دارالشفاء و مباحثه و مذاکره طلاب و متعلمین، صحن مدرسه و دهلیز و حوض و حیاط خلوت و تخانها و مایتلوها عیناً و عرصه وقف است بر جمهور مسلمین که از منافع متعارفه هر یک از آنها منتفع گردند.

مخزن کتابخانه وقف است برای حفظ کتب موقوفه مدرسه و  
سکنای کتابدار و مرادۀ امین صندوق نقد و دونفر حافظ کتب، و سایر  
بیوت آنجا و صحن آن وقف است بر کتابدار و امین صندوق نقد و دونفر  
حافظ کتب و بر صنف اشخاصیکه اهلیت انتفاع من حیث المطالع و تصحیح  
النسخه و استنساخ از روی کتب موقوفه را داشته باشند، و اشخاصیکه  
برای اصلاح و استنساخ کتب برای مدرسه باذن کتابدار بآنجا دعوت  
میشوند از قبیل صحاف و کاتب و مذهب و مصحح و امثال ایشان.

مکتب خانه وقف است بر چهار نفر معلم و دونفر مشاق و یکصد  
نفر شاگرد از اطفال مسلمین و یک نفر خادم مخصوص آنجا و اشخاصیکه  
ضرورتاً بآنجا مرادۀ مینمایند.

دارالشفاء بجمیع مافیها من الحجرات و غیرهها وقف است بر حکیم  
باشی و دو طبیب و عملجات دارالشفاء و بیست نفر مریض نوعاً از طلاب و  
سایر عملجات و خدمۀ مدرسه و اطفال مکتب خانه و سایر مرضای مسلمین  
بارعایت تقدیم الاخص ثم الاخص و اشخاصیکه ضرورتاً بآنجا مرادۀ نمایند.

حمام وقف است بر خصوص طلاب مدرسه و سایر موقوف علیهم  
و کسانی از مسلمین که در مسجد احیاء و بااعتکاف بدارند یا بر موقوف  
علیهم مهمان شده در مدرسه بیتوته کرده باشند یا متولی و نایب التولیه و  
ناظر و مدرسین منقول و معقول احدی بآنها اذن داده باشند.

مطبخ بآلاته و اسبابه وقف است بر طلاب و اهل مریضخانه و سایر  
موقوف علیهم و برای طبخ روضه خوانی مخصوص واقف و طبخ کسانی که  
بخواهند اهل مدرسه را در مدرسه اطعام نمایند و یا در مسجد و مدرسه  
تعزیه داری سیدالشهدا ارواحنا الفداء برپا دارند ولی روضه خوانی باشد  
نه شبیه سازی.

انبار آب وقف است بر عامه مسلمین که از آن رفع حاجت نمایند،

انبار وقف است برای حفظ اسباب متعلقه بمسجد و مدرسه و دارالشفاء  
و سایر لواحق آنها ( و ما يتعلق بالاقواف المزبوره ) ، يك دانك و نیم  
از سه دانك قنایه مختصی واقف از کل شش دانك یکرشته قنایه مهران  
وقف است بر حوض و حمام و انبار آب و باغچه های مدرسه و سایر انتفاعات  
موقوف علیهم در محل وقف، و فاضل آن وقف است فقط برای شرب  
و استعمال اهل بلد عموماً بارعایت الاقرب فالاقرب، باغ و باغچه های  
اهل بلد را حق الشرب از آب مزبور نخواهد بود، قر آنها و کتب ادعیه  
و سایر نسخ جمیعاً وقف است بر خصوص اهل علم مدرسه از طلاب و  
مدرسین و غیرهم، و بر صنف کسانی که لیاقت انتفاع از آنها را استنساخاً  
و تلاوة و مطالعه و تصحیحاً داشته باشند، مشروط بر اینکه مطلقاً از مدرسه  
خارج نشود و اصلاح آنها هم عندالضروره در کتابخانه بشود، مگر  
کتابچه و قفنامه که از این حکم مستثنی است.

وزیلوهای مسجد وقف است بر عامه مصلیان و اهل عبادت مسجدین  
تابستانی و زمستانی که بر روی آنها بفرايض و سنن عبادات و اعمال مباحه  
قیام کنند.

فرشهای حجرات و مسینه آلات و سایر اسباب موقوفه وقف است  
بطلاب مدرسه و اهل دارالشفاء و دارالکتب و بیت التعلیم که هر يك از حصۀ  
مقررۀ خویش استیفاء منفعت کنند، مشروط بر اینکه فرشها و ظروف و  
سایر اسباب و آلات موقوفه از مدرسه خارج نشود، الا برای اصلاح و  
تفصیل کتب و اسباب و آلات موقوفه از این قرار است (١)

## الفصل الثانی

در متن عقد وقف املاك و رقیبات و مستغلات موقوفه مسطوره در ذیل تقسیم منافع و محصول آنها باین نحو مقرر شده است (۱)  
که همه ساله از کل منافع یکساله املاك مسطوره فوق و ملحقات آنها بدو یکعشر و نیم موضوع گردیده نیم عشر آن در عوض حق الزحمه نایب التولیه و ناظر بالسویه مقرر باشد و یکعشر در وجوه اخراجات این چهار فقره که اسباب انتظام و بقاء موقوفاتست عندالضرورة صرف شود.  
۱ - مصارف ساختن خرابی وارده بر مسجد و مدرسه و کتابخانه و مکتب خانه و مریضخانه و حمام و دکا کین و مستغلات موقوفه فقط.  
۲ - مخارج خرابی وارده بر قراء و قنواة و املاك موقوفه و بندر و تقاوی رعایا.  
۳ - مصارف اصلاح و استنساخ کتب و ظروف و فرشها و سایر اسباب موقوفه.  
۴ - ادای ارش و ابتیاع عوض اسباب و آلات تفریط شده با عدم تمکن مفرط آزادی عوض آن.

آنگاه آنچه از منافع مزبوره بعد از وضع یکعشر و نیم باقی میماند بهزار سهم مساوی منقسم گردد، و آن هزار سهم در وجه وظائف امام و مدرسین و نایب امام و تالیان مدرسین منقول و معقول و معلمان و حکیم باشی دارالشفای و مستوفی و ضابط موقوفات و واعظ و قاری و طلاب و عمله کتابخانه و عمله چراغخانه و عمله مکتب خانه و عمله مریضخانه و خدمه و مخارج تعزیه داری عشر اول محرم و روضه خوانی شبهای جمعه و ایالی متبر که و اطعام طلاب در ایالی مخصوص معین و امتحان طلاب و مریضخانه و مکتب خانه و چراغخانه و حمام و باغچه از این قرار داده شود:

۱ - شش سطر و نیم بیاض است.

- امام بیست و پنج سهم .
- مدرس منقول بیست و پنج سهم .
- مدرس معقول بیست و پنج سهم .
- نایب امام ده سهم .
- تالی مدرس منقول ده سهم .
- تالی مدرس معقول ده سهم .
- معلم ریاضی ده سهم .
- معلم مقدمات ده سهم .
- معلم ادبیات ده سهم .
- حکیم باشی دارالشفای پانزده سهم .
- مستوفی پانزده سهم .
- ضابط موقوفات پانزده سهم .
- کتابدار دوازده سهم .
- خادم باشی دوازده سهم .
- واعظ پنج سهم .
- قاری دو نفر ده سهم که هر یک پنج سهم باشد .
- طلاب یکصد و بیست نفر چهارصد و بیست سهم که هر یک سه سهم و نیم باشد .
- معلمین مکتبخانه اطفال چهار نفر شانزده سهم که هر یک چهار سهم باشد .
- خوشنویس مشاق دو نفر ده سهم که هر یک پنج سهم باشد .
- طبیبین دارالشفای دو نفر پانزده سهم که هر یک هفت سهم و نیم باشد .
- دوا ساز پنج سهم .
- شاگرد دوا ساز سه سهم .

ناظر مطبخ دارالشفای پنج سهم .  
 طبخ دارالشفای چهار سهم .  
 پرستار مرضای دارالشفای چهار نفر شانزده سهم که هر يك چهار سهم باشد .  
 رخت شوی مرضای دارالشفای دو نفر پنج سهم که هر يك دو سهم و نیم باشد .  
 حافظ کتب کتابخانه دو نفر هشت سهم که هر يك چهار سهم باشد .  
 ساعت ساز پنج سهم .  
 مؤذن چهار نفر ده سهم که هر يك دو سهم و نیم باشد .  
 مکبر دو نفر پنج سهم که هر يك دو سهم و نیم باشد .  
 چراغچی سه نفر هفت سهم و نیم که هر يك دو سهم و نیم باشد .  
 دربان دو سهم .  
 خدام مسجد و مدرسه شش نفر دوازده سهم که هر يك دو سهم باشد .  
 باغبان دو سهم (و) نیم .  
 خادم مکتب خانه دو سهم .  
 اخراجات تعزیه داری عشر اول محرم و روزه خوانی شبهای جمعه و لیالی متبر که پنجاه سهم .  
 اخراجات اطعام طلاب در لیالی مخصوصه ده سهم .  
 اخراجات امتحان و هدیه طلاب ده سهم .  
 اخراجات دارالشفای هفتاد سهم .  
 اخراجات مکتب خانه پنجاه سهم .  
 اخراجات چراغخانه بیست و پنج سهم .  
 اخراجات حمام و باغچه پانزده سهم .  
 و نیز در متن عقد مقرر شده : که از يك عشر موضوعه از کل

منافع یکساله املاک موقوفه برای چهار فقره اسباب انتظام و بقای موقوفات هر گاه چیزی فاضل آید در صندوق دخل موقوفه ذخیره شود بصلاح دید متولی یا نایب التولیه بمصارف خیریه از قبیل کدخدائی عزبان از فقرای سادات و انفاق بفقرای مسلمین و کفن و دفن اموات فقرای اسلام و امثال آنها از اعمال خیر صرف شود .

و نیز مقرر شده : که از صاحبان حقوق مفصله مقررده فوق عموماً هر وقت بعضی از ایشان متوفی یا علاوه بر اندازه غیبت که برای هر يك مقرر شده غیبت نمایند یا بجهت دیگر که خلاف تکالیف ایشان است حقوق ایشان ساقط شود و از مسجد و مدرسه و غیره خارج گردند تا زمانی که عوض آنها بجای ایشان مستقر گردد . و هر يك از موقوف علیهم که مریض و جزو مرضای دارالشفای گردد هر چند روز توقف او در دارالشفای طول کشد و خرج او در دارالشفای داده شود سهام ایشان کم یا زیاد در صندوق کتابخانه ضبط شود .

و نیز از مخارج مقررده اطعام طلاب در لیالی مخصوصه و امتحان طلاب در دارالشفای و مکتب خانه و چراغخانه و حمام و باغچه اگر چیزی فاضل آید در آخر سال از آن حقوق و این فاضل اگر اتفاقاً بواسطه مرض عام عدد مرضای موقوف علیهم از مأخذ روزی بیست نفر علاوه شده باشد و در دارالشفای پرستاری شده باشد و هفتاد سهم مقررده دارالشفای و با مخارج آنها نکرده باشد هر چه کسر داشته باشد داده شود .

و نیز چیزی مختصر که نایب التولیه صلاح داند بطلاب خارج مدرسه ناصریه که روزها بمدرسه مزبوره بیایند و درس بخوانند هدیه داده شود و آنچه علاوه بماند بقدریکه کتب جدید برای کتابخانه ضرور باشد اکتیاع و وقف شود و اگر از آن نیز فاضل آید املاک اکتیاع شود ، و بقواعدی که مقرر شده و علاوه موقوفات گردد و تقسیم منافع



و حاصل آن املاك جدید بنحویست که در موقوفات اصلی حالیه مقرر شده است.

### الفصل الثالث

#### تکالیف نایب التولیه

اول: در انتظام و رونق موقوفات عموماً بذل توجه نموده بدخل و خرج آن قسمی دقت کند که رعایت صرفه و غبطه و وقف کاملاً شده باشد.

دویم: اخراجات چهار فقره اسباب انتظام و بقای موقوفات را که در فصل دویم قبل از تقسیم سهام یک عشر برای آن معین و مقرر گردیده است باطلاع ناظر و تصدیق امام و مدرسین منقول و معقول بنماید.

سیم: حقوق موقوف علیهم را که در فصل دویم معین و مشروحاً مسطور است هر قدر بوظایف طلاب و خرج دوا و غذا و ملزومات فوری دیگر مرضای دارالشفاء ماهیانه نقدی و لوازم تعلیم اطفال مکتب خانه و خرج چراغخانه و حمام مقرر است ماه و هر قدر برای لباس و بستر مرضای دارالشفاء و لباس اطفال مکتب خانه مقرر است در اول سال و نیمه سال در موقع و وقت خود و هر قدر برای مصارف تعزیه داری معین گردیده در عشر اول محرم و ایالی متبر که از اجاره مستغلات و محصولات املاك که سریع الوصول است رسانیده باقی حقوق را به قسط: در سرطان و عقرب و حوت از کلیه حاصل و منافع موقوفات عاید دارد.

چهارم: تغییر در اعیان املاك موقوفه را برای زیادتی منافع آنها باقتضای صرفه و وقف اگر صلاح بدانند میتواند داد مشروط بر آنکه عرصه آن تغییر نکند، مثل اینکه دکان را خراب کرده بجای آن حمام بسازد، و یا دکان خبازی را خراب کرده قنادی بسازد او بالعکس.

پنجم: در اجزای اداره وقف تخلیط و تداخل در اشغال را

مطلقاً تجویز ننماید که یکنفر خود را دارای دو مقام و صاحب دو حق بداند، بلکه فقط هر شغل را راجع بشخصی و حق مقرر آن شغل را بآن شخص مخصوص دارد، که هر شخص یک مقام داشته و مستحق یک حق معین باشد.

ششم: در صورتیکه عمل هر یک از موقوف علیهم با تکالیفی که در حق او مقرر شده مطابق نباشد خود را قادر بر تغییر او بوجه مسطور در ذیل بداند:

بر تغییر هر یک از ناظر و امام و مدرسین بتصدیق جمعی از نقات و عدول طلاب و صدور حکم صریح از شخص متولی.

و بر تغییر نایب امام و هر یک از تالیان مدرسین و معلمین ریاضی و مقدمات و ادبیات بتصدیق امام و مدرسین.

و بر تغییر هر یک از حکیم باشی دارالشفاء و مستوفی و ضابط موقوفات و کتابدار و خادم باشی بتصدیق ناظر و امام و مدرسین.

و بر تغییر واعظ و قاری و خدمه مسجد بتصدیق امام و نایب امام.

و بر تغییر طلاب و معلمین و خوش نویسان مشاق مکتب خانه اطفال و خدمه مدرسه بتصدیق مدرسین.

و بر تغییر اجزاء دارالشفاء بتصدیق ناظر و حکیم باشی دارالشفاء.

و بر تغییر سایر عملجات عموماً بتصدیق ناظر.

هفتم: کتب و سایر اسباب موقوفه هر گاه بتفریط من هی فی تصرفه تلف یا معیوب (کذا) شود امتیاز ارش و قیمت عوض را از مفرط در صورت تمکن او نموده در تحصیل مثل یا اصلاح صرف نمایند که ضرر وقف نشود.

هشتم: در هر ششماه یکمرتبه کتب و لوازم کتابخانه و سایر اسباب موقوفه را باطلاع ناظر و حکیم باشی دارالشفاء و مستوفی و کتابدار

و خادم باشی و چهار نفر از ثقات طلاب بازدید کرده اگر مرمتی در جلود و اوراق کتب و اصلاحی در اسباب بحسب عادت لازم شده باشد یا چیزی از آنها تفریط شده باشد و مفرط تمکن ارش و قیمت عوض آنرا نداشته باشد از بابت يك عشر خرج چهار فقره خرج بقای وقف که در فصل دویم قبل از تسهیم سهام برای اینکار معین گردیده اصلاح و تحصیل مثل آنرا بنمایند .

نهم : از طلاب هر گاه احدی منشاء شرارت باشد و سه دفعه این عمل را تکرار کند بعد از تحقق او را از مدرسه اخراج نماید ، اگر چه استعداد و لیاقت تحصیل را کاملاً داشته باشد .

دهم : بهیچکس اجازه ندهد که کتب موقوفه را مطلقاً از مسجد و مدرسه بخارج برند ، مگر کتابچه وقف نامه را که از این حکم مستثنی دانسته بلکه بقدر میسر آنرا در میان مردم عامه منتشر نمایند ، و سایر اسباب موقوفه را نیز اجازه بیرون بردن از مکانهای خود ندهند مگر برای اصلاح و مرمت .

یازدهم : دو نفر مدرسین و دو نفر تالیان ایشان و سه نفر معلمین ریاضی و مقدمات و ادبیات و حکیم باشی دارالشفاهریک بخوانند در مدرسه حجره داشته منزل مخصوص خود قرار دهند حجره مناسب بآنها بدهد ، ولی ایشان را در عداد طلاب محسوب ندانسته و حقی بایشان از سهم مقرر در حق طلاب ندهد ، زیرا که حقوق ایشان در فصل دویم علیحده مقرر و معین گردیده است .

دوازدهم : در حجرات مخصوص بطلاب بهر حجره دو نفر طالب علم که متصرف بصفات مقرر در حق آنها باشند سکنی بدهد ، و سکون بیشتر و کمتر از دو نفر را در يك حجره تجویز نماید .

سیزدهم : طفل غیر ممیز را حق سکنی در حجرات ندهند .

چهاردهم : هر يك از طلاب که در خصوص بیتوته بشرحی که در تکالیف طلاب مقرر شده از قراریکه باشریک حجره خود برضایت یکدیگر داده اند تخلف کنند و بیتوته ننمایند و پنج مرتبه این عمل را تکرار کند در یکماه و محقق شود او را از مدرسه اخراج نماید .

پانزدهم : هر يك از طلاب در مدت یکسال علاوه بر تعطیلات عرفی عمومی و مدتی که در حالت اختیار و اضطرار برای ایشان در جزو تکالیف ایشان مقرر شده است از راه مسامحه در تحصیل از مدرسه غیبت نمایند حق سکنای او را ساقط دانسته مکان او را بدیگری از طلاب که صلاحیت داشته باشد بدهد ، اگر چه بطور حيله در مدت سال بتفاریق در ایام تحصیل غیبت نماید ، که مدت هر يك کم باشد ، همینکه غیبت او در سال چند دفعه و بقسمی شود که عرفاً گفته شود در تحصیل مسامحه دارد حق سکنای او را خارج بدانند .

شانزدهم : سواد و قفنامه که چاپ شده و نسخه جات متعدده در کتابخانه محفوظ و نزد موقوف علیهم و غیر هم هست هر زمان از صد نسخه کمتر شود نسخه دیگر چاپ کرده منتشر نماید که هیچوقت از صد نسخه کمتر نباشد و مخارج آنرا از بابت خرج کتابخانه که در جزو یکمشر اخراجات چهار فقره اسباب انتظام و بقای موقوفات در فصل دویم قبل از تسهیم معین و مقرر گردیده است محسوب نماید .

هفدهم : هر يك از طلاب که در دو امتحان متوالی در ظرف دو سال در علمی که تحصیل کرده ترقی نکرده باشد حق سکنای او را از مدرسه ساقط دانسته مکان او را بدیگری که استعداد تحصیل داشته باشد بدهند .

هیجدهم : تمام وجوهی که از مستغلات و املاک موقوفه عاید میشود در صندوق بزرگ آهنی که سه کلید مختلف دارد و در کتابخانه

موجود است ضبط کرده کلیدهای آنرا یکی خود نگاه دارد و یکی را بناظر بسپارد و یکی دیگر را بکتابدار و هنگام ادای حقوق مردم خود حاضر شده ناظر و کتابدار را نیز حاضر کرده با حضور هم درب صندوق را گشاده حقوق مردم را نقد بدهند.

**نوزدهم :** هنگام ادای حقوق اشخاص و وجوه اخراجات معینه قبض بهمهرا باب حقوق و مباشرین اخراجات که حاشیه آنرا امام و مدرسین مهر کرده باشند گرفته در صندوق دخل موقوفه ضبط کرده حقوق را بر طبق آن پردازند تا اشتباهی واقع نشود، و در آخر سال که کتابچه از جمع و خرج کل مینویسند و در کتابخانه ضبط میشود از روی اسناد و بدون اشتباه باشد.

**بیستم :** در مدت سال از اشخاصی که از منافع املاک موقوفه سهامی در حق آنها مقرر است هر کس تغییر یابد یا متوفی شود از روز تغییر یا وفات او تا روزیکه دیگری بجای او نصب شود حقوق آنها را در آن ایام متخلله ضبط نماید، و نیز هر کس از ایشان مریض و داخل مرضی دار الشفا شود از روز ورود ایشان بدار الشفاتا روز صحت و خروج ایشان از آنجا یا وفات ایشان حقوق مقرر آنرا ضبط نماید، و نیز هر گاه علاوه بر تعطیلات عرفی عمومی و چهل روز غیبت اختیاری موقوف علیهم را سفری اضطراراً یا زیارتی در پیش آید که متولی یا خود او اجازه سفر بایشان بدهد حقوق مدرسین و تالیان ایشان و معلمین را بعد از مضي ششماه از سفر ایشان ببعده، و حقوق حکیم باشی و مستوفی و ضابط موقوفات و کتابدار و خادم باشی و واعظ و قاریان و معلمین و خوشنویسان مکتبخانه اطفال را بعد از مضي سه ماه از سفر ایشان ببعده، و حقوق سایر موقوف علیهم را عموماً از اول سفر ایشان بعد از وضع حق نایب اشخاصی که موافق آنچه در تکلیف ایشان مقرر است حق سهامشان ساقط شده و در مدت معین حق سهامشان باقی است و باید از سهام مضبوطه ایشان در آن

مدت حق نایب داده شود تا زمان نصب منوب عنه ضبط نماید، و نیز از مخارج مقررہ اطعام طلاب در لیالی مخصوص و دار الشفا و مکتبخانه و چراغخانه و حمام و باغچه و امتحان طلاب اگر چیزی فاضل آید ضبط نماید، و آن وجوه را در صندوق دخل موقوفه محفوظ کرده و در آخر سال بر طبق آنچه در فصل دویم مسطور است معمول دارد.

#### تکالیف ناظر

**اول :** در نظارت فقط بمسمی اکتفا ننماید بلکه مراقبت تمام مبذول دارد و در اعمال نایب التولیه بدقت نظر کند که بر طبق وقفنامه باشد، و اگر خلاف آنرا مشاهده نماید حتی المقدور او را ملتفت کرده و ممانعت نماید، اگر قبول ننماید بعرض متولی رساند که متولی اصلاح فرماید.

**دویم :** صحت و فساد مباشرین جزو را همه وقت واقف باشد، و اگر چیزی از آنها بخلاف وقف ملاحظه نماید فوراً نایب التولیه را آگاه کرده مراقبت نماید که آن عمل اصلاح شود.

#### تکالیف امام و نایب امام

**اول :** امام باید در صورت امکان عادی در هر سه وقت نماز را بجماعت در مسجد بگزارد، و اگر مشقتی نسبت بحال او در استدامت جماعت باشد دو وقت را والا لامحاله یک وقت را برای اقامت جماعت حاضر شود، مگر آنکه عذر شرعی مانع شود.

**دویم :** در هر يك از اوقات که خود نمیتواند حاضر شد نایب امام را آگاه کند که بوظیفه جماعت قیام نماید، تا در هر سه وقت حتی الامکان انعقاد جماعت ترك نشده باشد.

**سیم :** شبهای جمعه و سایر لیالی متبرکه که بر طبق قرار وقف بعد از نماز جماعت در مسجد ذکر مصیبت میشود امام تا آخر مجلس بنشیند، مگر آنکه تکلیف شرعی دیگر مزاحم گردد.

چهارم : اگر زیارت یا بیلاق برود یا سفر دیگر بحسب ضرورت برای او پیش آید و باذن متولی یا نایب التولیه غیبت نماید قرار دهد که نایب امام حتی المقدور نماز جماعت را ترک نکند ، در این صورت اگر سفر او از ششماه تجاوز نکند خود را مستحق سهم امامت که در جزو سهام در فصل دوم مقرر است بداند و الا فلا ؛ اگر غیبت او از یکسال بیشتر شود حق امامت خود را نیز ساقط بداند .

تکالیف مدرّسین منقول و معقول و تالیان ایشان و معلمان ریاضی و مقدمات و ادبیات

اول : در این جماعت عموماً شرط است که دارای ملکه خروج از عهده تدریس کتب مشکله متعلقه بفن هر یک باشند ، مثلاً : مدرس منقول باید کتاب ریاض سید طاب ثراه و قواعد علامه اعلی الله مقامه را در فقه و فراید شیخ مرتضی رضوان الله علیه و فصول شیخ محمد حسین را در اصول کما هو حقه بتحقیق بتواند درس گفت ، و مدرس حکمت شفاء شیخ رئیس و اسفار ملاصدرا ( کذا ) را و معلم ریاضی شرح چقمینی ( کذا ) و شروح تذکره خواجه ، و عیون الحساب ، و تحریر اقلیدس را ، و تالی مدرس منقول شرح لعمه ، و اصول معالم و قوانین میرزا رفیع الله در چته را و تالی مدرس معقول شوارق الالهام ، و شرح مطالع را ، و معلم مقدمات مغنی ، و مطول را ، و معلم ادبیات مقامات بدیع الزمان و حریری و دیوان ابوالطیب را ( و مایخذ و حذو تلك الكتب فی کل من تلك الفنون ) .

دویم : در صورتیکه شاگرد از اهل مدرسه یافت بشود و طالب باشد باید هر روز از ایام تحصیل هر یک از عهده درس در کتب صناعات خاصه خود بر آید ، ( و ان كان الاقل فالاقل ) .

سیم : هر یک از شاگردان هر یک اگر در درسهائی که نزد او خوانده اشتباهی داشته باشد و سؤال نماید بر استاد اوست که بقدر میسر رفع اشتباه او را بنماید .

چهارم : در تعیین اوقات و تقدیم و تأخیر دروس و آنچه از این قبیل است رأی خود را منطاط دانند نه رأی تلامذ را .

پنجم : هر یک از این جماعت را علاوه بر تعطیلات عرفی عمومی و چهل روز غیبت اختیاری که از حقوق عامه موقوف علیهم است اگر سفری اضطراراً یا زیارتی پیش آید و باذن متولی یا نایب التولیه سفر کنند تا ششماه از جانب خود نایبی تعیین نمایند که در غیاب ایشان درس طلاب تعطیل نشود ، و حق نایب را از سهام مقرر خود بدهند ، در این صورت اگر سفر ایشان از ششماه تجاوز کند حق سهم مقرر خود را ساقط بداند ، و اگر از یکسال تجاوز کند حق مقام مدرسی و معلمی خود را نیز ساقط بدانند .

ششم : هر یک از مدرّسین و تالیان آنها و معلمین علاوه بر علوم مخصوصه خود دارای علوم مدرس و معلم دیگر باشند و طلاب آن علم بخوانند نزد آنها درس بخوانند ، مثل اینکه : نزد مدرس منقول درس معقول بخوانند و نزد معلم ریاضی درس مقدمات و غیرها ، و بالعکس ، در صورتیکه مشقتی برای ایشان نباشد مضایقه از تدریس و تعلیم آنها نمایند و تدریس را منحصر بعلم مخصوص خود ندانند .

تکالیف حکیم باشی

اول : هر گاه از طلاب مدرسه بعضی مایل بتحصیل علم طب باشند میباید روزی تاسه درس از کتب طبی برای آنها بگوید ، ( و ان كان الاقل فالاقل ) ، و از گفتن اشتباهات طلاب مضایقه نکند .

دویم : مراقبت و سرکشی تمام بامور اجزای دارالشفای و مرضای آنجا داشته باشد که در هیچ مورد در پرستاری مرضی غفلت و در امور آنها بی احتیاطی نشود .

سیم : حتی المقدور در معالجه مرضای دارالشفای خود مباشرت نماید ، و در صورت عدم امکان عرفی در بعضی از اوقات رجوع باطیبای دارالشفای

نماید، لیکن خود نیز بکلی غفلت نداشته باشد، و از معالجات آنها آگاه باشد که خطائی واقع نشود.

**چهارم:** قرار بدهد از دو نفر طبیب بطور کشیک و نوبه روزی یک نفر به دارالشفاحاضر شده مراقب احوال مرضی باشد.

**پنجم:** هر شب که در میان مرضای دارالشفای مریضی سخت باشد قرار بدهد یک نفر از دو طبیب در دارالشفای بماند.

**ششم:** بدو اسازو شاگرد او قدغن کند که همیشه یک نفر از آنها در دارالشفای باشند که هیچوقت دارالشفای خالی از وجود یکی از ایشان نباشد.

**هفتم:** اطلاع از امور ناظر و طبایخ مطبخ دارالشفای داشته باشد که غذای بیماران بوقت و موقع بآنها برسد.

**هشتم:** بیماران را قسمت کرده بهرستاران بسپارد، و مواظبت کند که هر يك غفلت از حالت مرضی سپرده بخود ننماید.

**نهم:** شست و شوی لباس و بستر و ملزومات مرضی را که بعهده دو نفر رختشوی محول است رسیدگی نماید که بقاعده بشود و عفونت در لباس و بستر و ملزومات و مکان ایشان پیدا نشود.

**دهم:** قدغن کند که همه روزه عدد واردین و مرخصین دارالشفای و همچنین متوفی را عصر در دوروزنامه نوشته، یکی برای نایب التولیه، و یکی برای مستوفی بفرستند.

**یازدهم:** قرار بدهد اگر ناخوشی یکی از مرضی مسری باشد مثل چناب و غیره او را در اطاقی جداگانه منزل بدهند، و بستر و ظروف و لوازم دیگر او را از دیگران جدا کنند، و بعد از بهبودی یا وفات آنچه را که برای او جدا کرده بودند از اسباب و آلات و غیره علیحده شسته و تطهیر کنند، و اگر لازم بدانند که سوخته شود قدغن کند بسوزانند تا سزایت بدیگری نکنند.

**دوازدهم:** در ایام چهل روز غیبت اختیاری که از حقوق عامه موقوف علیهم است، و نیز اگر سفری اضطراراً یا زیارتی او را پیش آید و باذن متولی یا نایب التولیه سفر کند از جانب خود نایبی تعیین نماید، و حق نایب را از سهام خود بدهد در این صورت اگر مدت غیبت او از سه ماه تجاوز کند سهم مقرر خود را ساقط بداند، و اگر سفر او از شش ماه تجاوز نماید حق سهام مقرر خود و حق مقام هر دو را ساقط بداند.

#### تکالیف مستوفی

**اول:** همه ساله دفتری مخصوص معاملات و محاسبات موقوفه در کمال صحت و اعتبار ترتیب داده در آخر هر سال آن دفتر را مرتباً و منظمماً بکتابدار بسپارد که در کتابخانه محفوظ دارد، تا هنگام ضرورت رجوع بجزو معاملات موقوفه توانند نمود.

**دویم:** دخل منافع مستغلات و رقبات و املاک موقوفه و ملحقات آنها را مطابق اجاره نامحبات و تمسکات مستأجرین و مباشرین باخرج متعلقه بموقوفه جزو بجزو در دفتر ثبت نماید.

**سیم:** همه ساله ثبت چهار فقره خرجی که تعلق ببقای وقف دارد و در فصل دویم مقرر شده قبل از تسهیم از يك عشر منافع موقوفه شود (کذا) با کمال دقت برداشته صورت صحیح آنرا در دفتر ثبت نماید که هر سال معلوم باشد چه مبلغ از آن یکمشر خرج آن چهار فقره شده است.

**چهارم:** اسامی تمام اشخاصی که از منافع موقوفات برطبق آنچه در فصل دویم مقرر شد حقی دارند در دفتر ثبت نموده هر وقت تغییری در هر يك داده شود اسم شخص ثانی را نوشته و اسم اولی را محو کند، تاریخ و علت تغییر را هم بنویسد، و نیز هر وقت کسی از آنها متوفی شود تاریخ وفات او و تاریخ نصب عوض او را در دفتر ثبت نماید، و نیز اگر از موقوف علیهم کسی مریض و داخل مرضای دارالشفای بشود تاریخ دخول و خروج او را ثبت کند، تا اگر يك مدتی فیما بین تغییر یافته و عوض

او ومتوفی ومنصوب بجای او فاصله شود بایک مدتی مریض در دارالشفای  
بماند حقوق مقررۀ آنها در آن مدت متخلله هر چه باشد کم یا زیاد معلوم  
ومضبوط گردیده مطابق آنچه در اواخر فصل دوم مقرر شده عمل شود .  
پنجم: مخارج اطعام طلاب و مریضخانه و مکتبخانه و چراغخانه  
و حمام و باغچه و امتحان طلاب را از روی دقت ثبت بردارد ، و مراقبت  
نماید از مباشرین افراط و تفریطی در آنها نشود ، تا هر گاه از سهامی  
که برای آن مخارج از منافع موقوفات در فصل دوم مقرر شده چیزی  
علاوه ماند ضبط گردیده مطابق آنچه در اواخر فصل مزبور مقرر گردیده  
عمل شود .

ششم: صورت املاك و اسباب موقوفه را تماماً در دفتر ثبت نموده  
هر وقت کتب و اسباب بر طبق آنچه در فصل دوم مقرر گردیده  
خریده بر کتب و اسباب و املاك موقوفه ملحق شود ثبت آنها را هم  
بتاریخ خود علاوه کتب و اسباب و املاك موقوفه نماید :  
هفتم: در آخر هر سال که جمع و خرج عمل یکساله موقوفه  
موافق آنچه در تکلیف نایب التولیه مسطور شده در مجلس مفروغ  
میگردد ، کتابچه جمع و خرج آنرا نوشته بامضاء و مهر اهل مجلس  
رسانیده بکتابدار بسپارد ، که در کتابخانه محفوظ بماند که عندالحاجه  
بآن رجوع شود .

هشتم: هر گاه از اشخاص موقوف علیهم کسی برای امور اتفافی  
یا زیارت با اجازه متولی یا نایب التولیه سفری کند تاریخ رفتن او بآن  
سفر و تاریخ مراجعت را ثبت کند که تمام مدت ایام غیبت او معلوم باشد  
تا هر يك بر طبق آنچه در تکلیف نایب التولیه مقرر است حق سهام  
ایام غیبت را نداشته باشند حقوق ایشان در آن مدت معین و ضبط گردد ،  
و مطابق آنچه در اواخر فصل دوم مقرر شده رفتار شود .

نهم: در ایام چهل روز غیبت اختیاری که از حقوق عامه موقوف

علیهم است و نیز اگر سفری اضطراراً یا زیارتی او را پیش آید و باذن  
متولی یا نایب التولیه سفر کند از جانب خود نایبی تعیین نماید که بامور  
محوّله باو رسیدگی کند ، و حق نایب را از سهام خود بدهد ، در این  
صورت اگر مدت غیبت او از سه ماه تجاوز کند سهم مقررۀ خود را  
ساقط بداند ، و اگر سفر او از شمشاء تجاوز نماید حق سهام مقررۀ و حق  
مقام هر دو راساقط بداند .

#### تکالیف ضابط موقوفات

اول: صرفه و غبطۀ وقف را هنگام اجاره و استجاره مستغلات  
( کذا ) و املاك موقوفه کاملاً منظور نماید .

دویم: سر کشی و مراقبت تمام دردهات موقوفه نموده اگر اتفاقاً  
یا طبعاً خرابی باملاك و قنوات ( کذا ) و مزارع موقوفه وارد شود  
بدون تأخیر نایب التولیه و ناظر را مطلع نموده خود نیز مواظبت نماید  
که بحکم نایب التولیه اصلاح خرابی وارده هر قدر زودتر ممکن است بشود .  
سیم: همه وقت توجه نماید که در حدود اراضی املاك ودهات  
موقوفه از همسایگان ملك تعدی و تخطی بهیچوجه نشود ؛ و اگر دفع  
این قسم امور را در قوه خود نبیند فوراً بعرض نایب التولیه و ناظر برساند و  
بحکم و تقویت ایشان رفع تعدی را بنماید .

چهارم: در ترفیه آسایش حال رعایا و مستأجرین موقوفه  
اهتمام داشته باشد .

پنجم: هر گاه املاك موقوفه کلام بعضاً باجاره کسی مقرر  
یا باقتضای صلاح وقت صرفه در اجاره دادن نباشد و بحکم متولی یا  
نایب التولیه بضبطی عمل شود باید باندازه امکان عادی و عرفی جاهد  
باشد که محصول موقوفه از میان نرود ؛ و حقوق موقوفه کاملاً استیفا  
شود ، و افراط و تفریطی در عمل املاك موقوفه و حاصل آن نشود .  
ششم: هر گاه از روی بصیرتی که در املاك و رعایای موقوفه

دارد بذر و تقاوی و مساعده لازم داند که بکسی داده شود با اجازه نایب التولیه بآن شخص داده تمسک بگیرد؛ و مراقب شده در موعد آن وصول و ایصال دارد.

هفتم: بر طبق فرمان جهان مطاع مبارک که صادر شده و مقرر است از مستغلات و املاک و رغبات موقوفه علاوه بر مالیات دیوانی که در فرمان مبارک معین و مشخص گردیده و بهیچ اسم و رسم دیناری مطالبه نشود میباید عمل نمود جز مالیات مقرر حبه و دیناری از نقد و جنس املاک خالصه بحکام ندهد و اگر حکام علاوه بخواهند از مدلول فرمان مبارک تقاعد ورزند بنایب التولیه اطلاع بدهد و بتقویت او جواب بدهد که تعدی و ضرر باملاک موقوفه وارد نشود.

هشتم: در ایام چهل روز غیبت اختیاری که از حقوق عامه موقوف علیهم است و نیز اگر سفری اضطراراً یا زیارتی او را پیش آید و باذن متولی یا نایب التولیه سفر کند از جانب خود نایبی تعیین نماید و حق نایب را از سهام خود بدهد؛ و در این صورت اگر مدت غیبت او از سه ماه تجاوز کند سهم مقرر خود را ساقط بداند و اگر سفر او از شش ماه تجاوز نماید حق سهام مقرر و حق مقام هر دور ساقط بداند.

#### کتابدار

اول: باید در محافظت و حفظ کتب و قفیه مدرسه اهتمام کامل نماید.

دویم: کتابها را از مدرسه مطلقاً بیرون نبرد.

و نیز نگذارد دیگری بیرون ببرد جز کتابچه وقف نامه که از این حکم مستثنی است

سیم: غیر از اهل مدرسه اگر کسی اهلیت انتفاع و تمتع از نسخ موقوفه مدرسه را داشته باشد مضایقه نمایند ولی نگذارد که آن شخص کتاب را از محوطه کتابخانه بیرون ببرد.

چهارم: کتاب بطلاب مدرسه نباید بدهد الا با قبض که بخط آن طالب مرقوم و بهر او مختوم باشد.

پنجم: در هر ماه یکبار ثبت کتب را با نسخ موجوده کتابخانه و صورت قبوض طلاب تطبیق کند؛ اگر عیبی وارد شده باشد رفع نماید. ششم: اگر در بعضی موارد لازم بداند قبض کتاب را بامهر طالب و دو نفر از مدرسین یا ثقات طلاب قبول کند آنقسم قبض گرفته کتابرا بدهد.

هفتم: اگر یکی از طلاب در باره کتب بر خلاف تکالیف مقرر خود رفتار کرده باشد اگر لازم شود بنایب التولیه اعلام نماید تا بهر نوع مقتضی داند در باره او رفتار نماید.

هشتم: دو نفر حافظ کتب را باید بعد از معرفت تامه بامانت و دیانت آنها بخدمت کتابخانه بگمارد و مسئولیت را بر عهده خود بداند. نهم: از هر يك از حافظین کتب اگر خیانتی بروز کند بنایب التولیه اظهار داشته و او را اخراج کند و شخص دیگر که موصوف بامانت و دیانت باشد بجای او نصب کند.

دهم: در میان دو نفر حافظ کتب نوبه قرار بدهد که هر شب یک نفر در کتابخانه بماند.

یازدهم: اگر یکی از طلاب کتب و اسباب موقوفه را تلف یا معیوب (کذا) کند باید بنایب التولیه اطلاع بدهد که ارزش یا قیمت عوض را از او بخواهد.

دوازدهم: هر گاه لازم شود کتب و اسباب کتابخانه را اصلاح و مرمت کنند کاتب و صحاف و منذهب و امثال ایشان را بکتابخانه حاضر سازد در کتابخانه اصلاح و مرمت نمایند.

سیزدهم: در صورتیکه کتب و اسباب کتابخانه بتفریط در

دست او تلف یا معیوب شود از عهده ارش و قیمت عوض خود باید بر آید.

**چهاردهم** - در چهل روز با اختیار که از حقوق عامه موقوف علیهم است و نیز تاسه ماه باضطرار یا برای زیارت باذن متولی یا نایب - التولیه اگر غیبت نماید نایبی امین که اهلیت حراست کتب را داشته باشد بجای خود بگذارد و حق نایب را از سهم مقرر خود بدهد و مسئولیت را بعهد خود بداند و در اینصورت اگر مدت غیبت او از سه ماه تجاوز کند سهم مقرر خود را ساقط بداند و اگر از شش ماه تجاوز نماید حق سهام مقرر و حق مقام هر دو را ساقط بداند.

#### تکالیف خادم باشی

**اول** : رسیدگی و سرپرستی بخدمات محوله ساعت ساز و مؤذنها و مکبران و چراغچیان و دربان و خدام مسجد و مدرسه و باغبان را کلیه بعهد خود داند.

**دویم** : مراقبت نماید که ساعت ساز مدرسه همه وقت سرکشی بساعت وقفی کرده اگر اصلاحی لازم داشته باشد بکند.

**سیم** - دو نفر از مؤذنان خوش صوت را قرار بدهد در شبهای احیا در اوایل شب و سحر مناجات کنند و در لیالی متبر که و شبهای جمعه نیز در صورت امکان عادی و عرفی هم در اوایل شب و هم وقت سحر هر دو مناجات نمایند و با عدم امکان در هر یک از آن دو وقت بکنفر از ایشان بنوبه که در میان آنها قرار داده شود مناجات کنند که هیچ یک از دو وقت مناجات ترک نشود و در ایام ماه رمضان هر دو در صورت امکان عادی و عرفی و الا بکنفر در مسجد اذان جماعت بگویند.

**چهارم** - قرار بدهد که دو مؤذن دیگر با امکان عادی و عرفی هر دو در هر سه وقت اذان بگویند و با عدم امکان لامجاله بکنفر اذان

سه وقت را بگویند یا بنوبه که در میان آنها قرارداد شده شود اذان سه وقت را ترک نمایند.

**پنجم** - قرار بدهد در صورتیکه جماعتی عظیم در مسجد منعقد شود و بتعدد مکبرین حاجت افتد هر چهار نفر مؤذن با امکان عادی و عرفی تکبیر نیز بگویند چه اینگونه جماعت در رمضان باشد نه غیر آن.

**ششم** - قدغن نماید دو نفر مکبر در صورت احتیاج بوجود هر دو بواسطه کثرت مأمومین با امکان عادی و عرفی در مسجد تکبیر بگویند و در صورت عدم احتیاج بنوبه که فیما بین آنها قرارداد شود بکنفر تکبیر بگویند و نیز محافظت سجاده امام و گستردن و برچیدن آنرا بر عهده دو مکبر واگذارند.

**هفتم** - مراقبت تمام نماید که چراغچیان عدد چراغهای مسجد و مدرسه را کمتر از آنچه در فصل چهارم معین گردیده است نمایند، و در مدتی که نیز در آن فصل مقرر شده روشن باشد.

**هشتم** - قدغن نماید دربان از مراقبت در بهای مسجد غفلت نموده شبها در اوقات معینه در بهارا بسته و قبل از اذان صبح بگشاید.

**نهم** - خدام مسجد و مدرسه را به تنظیم و پاکیزگی مسجد و مدرسه در هر روز و ازاله برف و پاک کردن و آب بستن حوضها و انبارهای آب عندالضروره مکلف دانسته قدغن نماید از این قسم خدمات کوتاهی نمایند و نیز حتی المقدور از خدمات امام و مدرسین و غیره از موقوف علیهم مضایقه نکنند.

**دهم** - مراقبت نماید که باغبان باغچه محوطه مدرسه را که منظر طلاب است پاکیزه و باصفا نگاهدارد.

**یازدهم** - بخادم مکتب خانه اطفال قدغن کند در خدمات معلمین و مشاقتها پاکیزگی مکتبخانه و مراقبت امور متعلق بانجا مسامحه نکنند.



دوازدهم - در ایام چهل روز غیبت اختیاری که از حقوق عامه موقوف علیهم است و نیز اگر سفری اضطراراً یا زیارتی او را پیش آید، باذن متولی یا نایب التولیه سفر کند از جانب خود نایبی تعیین نماید، و حق نایب را از سهم خود بدهد، و در این صورت اگر مدت غیبت او از سه ماه تجاوز کند سهم مقرر خود را ساقط بداند، و اگر سفر او از شش ماه تجاوز نماید حق سهم مقرر و حق مقام هر دو را ساقط بداند.

#### تکالیف و اعظ

اول - در ماه مبارک رمضان باید همه روز بعد از نماز ظهر و عصر موعظه کند مگر در صورتی که امام مسجد خود در شهر رمضان و عظمایند، که در این صورت عوض رمضان را در ماه رجب و شعبان سی روز موعظه نماید.  
دویم - در ایام جمعه بعد از نماز ظهر و عصر و عظمایند.

سیم - اگر او را سفری یا مهمی پیش آید و با اجازه متولی یا نایب التولیه سفر کند نایبی از جانب خود تعیین کند که در غیبت او و عظمایند ترک نشود و حق نایب را از سهم خود بدهد، و در این صورت اگر مدت غیبت او از سه ماه تجاوز نماید سهم مقرر خود را ساقط بداند و اگر سفر او از شش ماه تجاوز کند حق سهم مقرر و حق مقام هر دو را ساقط بداند.

#### تکالیف قاریان

اول - همه روزه یک نفر از قاریان بر طبق نوبه که فیما بین خود قرار بدهند بعد از نماز ظهر و عصر و بعد از نماز مغرب و عشاء مکانی که برای قاری معین است صعود نموده چند آیه از کلام الله مجید چهار آیه قرائت نماید.  
دویم - همه روز یک نفر بنوبه در وقت معینی بمسجد حاضر شده بر دم فن تجوید و وجوه قرائت تعلیم دهند.

سیم - هر يك را علاوه بر چهل روز اختیاری سفری پیش آید و باذن متولی یا نایب التولیه سفر کند نایبی بجای خود بگنارد و حق

او را از سهم خود بدهد و در این صورت اگر مدت غیبت او از سه ماه تجاوز کند سهم مقرر خود را ساقط بداند و اگر سفر او از شش ماه تجاوز کند حق سهم و حق مقام هر دو را ساقط بداند.

#### تکالیف طلاب

اول - در سکون مدرسه و حلالت و وظیفه اذن صریح نایب التولیه موقوفات را شرط بدانند.

دویم : در اشیا یکی که ما بین هر يك بار فیک منزلش بالاشاعه مشترك است زیاده از حق خود متصرف نگردد مگر با جاه شريك خود در استعمال شريك آنها را بقدر سهم خودش مزاحم نباشد.

سیم : در تحصیل ساعی و بدرس مواظب باشد لامحاله در غیر ایام تعطیلات متعارفه و اتفاقیه باید در هر روز دو درس بخواند و دو دفعه مذاکره بکند و حسب المقدور در فهم و اتقان آنها بکوشد و بصدق مسمی اکتفا ننماید.  
چهارم : در حفظ فرس و کتاب و اسباب موقوفه اهتمام تمام بکار ببرد  
پنجم : فرش و کتاب و اسباب راهیچوقت و برای هیچ مصرف از مدرسه خارج ننماید.

ششم : در کتب موقوفه چیزی ننویسد و جایی از آنها را سیاه نکند و اگر تصحیح غلطی بخواهد بکند باید بخط خوب و سلیقه خوش باشد و اگر فائده صحیح ملاحظه نماید و بخواهد در حاشیه کتابی بنویسد در خارج نوشته بمدرس آن علم بنماید اگر قابل دانست و تصدیق نمود در حاشیه کتاب بخط خوش بنویسد یا بنویساند.

هفتم : مادام که در اساتید خارج مدرسه مزید فائده من حیث العلم برای خود نمی بیند و ایشان را باستادان مدرسه در این باب یکسان و پلار جحان میدانند مأذون نیست که مدرسین و اساتید مدرسه را گذاشته در نزد خارجین مدرسه درس بخواند.

هشتم: اگر در مدرسه منشأ شرارت و نزاع کردند خود را از عداد موقوف علیهم باطناً و ظاهراً خارج بدانند.

نهم: اگر کتاب یا اسباب موقوفه را بتفریط تلف یا معیب نماید خورا مکلف بادای قیمت یا ارزش آن بداند.

دهم: در مدرسه شاگرد نگاه ندارند، چه ممیز باشد و چه غیر ممیز، ولی اگر طالب علمی مکلف از خارج بیاید و نزدیکی از شریکین حجره درس بخواند و یا با او مباحثه بکند و بخواهد بارضای شریک دیگر زیاده از زمان اشتغال بدرس و بحث هم در آن حجره متوقف گردد مانع نشوند بجز عاریه که اگر بخواهد بیاید و در آنجا بماند اجازه ندهند.

یازدهم: مهمان را که از خارج دارالخلافه برایشان وارد شده باشد بیشتر از سه شبانه روز نگاه ندارند.

دوازدهم: از اهل بلد یا امثال آن اگر یکی بعنوان دیدو بازدید و یا کاری که از این قبیل است بر اهل حجرات وارد شود او را از شش ساعت زیادتر در حجره نگاه ندارند که اسباب تعطیل آنها شود.

سیزدهم: هر روز باید هر یک حزبی از قرآن مجید قرائت کنند. و اگر روزی ترک شود قضاء فائت را در وقت دیگر بجا آورند.

چهاردهم: آحاد طلبه مدرسه باید در باره نایب التولیه و ناظر حق احترام و تبجیل بگذارند و طریق ادب و تکریم ایشان را از دست ندهند.

پانزدهم: اگر وقت ایصال مقرری طلبه رسیده باشد و از نایب التولیه و مباشر تسامحی بین بظهور برسد حق دارند که مطالبه حق خود کنند، ولی هم با رعایت شرایط حرمت و لوازم ادب.

شانزدهم: در طول یکسال اختیاراً علاوه بر تعطیلات متعارفه عمومی و یک اربعین که برای بیلاق یا امر دیگر ذیحق است از مدرسه غایب نشود، اگر زیاده از آن غیبت نماید خود را مستحق سکنی مدرسه

و وظیفه مقرر نداند الا باذن من الیه الاذن، و بعضی حیل را نیز اسباب مسامحه خود را در تحصیل قرار ندهد مثل اینکه بتفاریق از مدرسه غیبت کرده متعذر شوند که ایام غیبت ما زیاد امتداد نیافته زیرا که اگر در مدت سال سوای تعطیلات متعارفه عمومی و چهار روز مقرر چند دفعه غیبت کند که عرفاً گفته شود در تحصیل مسامحه دارند نیز از عداد موقوف علیهم خارج خواهند بود.

هفدهم: در صورتیکه ضرورتی داعی غیبت ایشان علاوه بر چهل روز مقرر بشود و یا بخواهند بزیارت یکی از مشاهد ائمه اطهار علیهم السلام بروند با اذن متولی و نایب التولیه باید بروند و در این صورت تا سه ماه فقط حق سکنی حجره خود را بدون وظیفه مقرر ثابت و علاوه بر سه ماه حق وظیفه و حق سکنی خود هر دورا از مدرسه و موقوفه ساقط بدانند.

هیجدهم: شریکین باید هر شب بلزوم کفائی در حجره خود بیتوته نمایند، و البته بدون ضرورت قویه هیچ شب از ادای تکلیف بیتوته سر نیچند، و اگر احد هما را در خارج خانه باشد و بخواهد شب بخانه خود برود باید شریک خود را بادای حقوق بیتوته او راضی سازد و الا خود از عهده تکلیف نوبه خود بر وجهی که با یکدیگر مقرر داشته اند بر آید،

نوزدهم: کتب موقوفه را زیاده از قدر ضرورت در پیش خود نگاه ندارد، و در صورت ضرورت از نمودن بغیر خود از طلاب مدرسه و غیرهم مضایقه نکند.

بیستم: هر یک از طلاب که در دو امتحان متوالی در علم خود ترقی نکرده باشد حق سکنی خود را در مدرسه ساقط بداند.

### تکالیف معلمین اطفال

اول: در تعلیم هر يك از بیست و پنج طفل در صورت امکان و کمتر در صورت عدم امکان که زحمت ایشان بر عهده اوست باید حق مواظبت و سعی بقصد ترقی ایشان بگذارند ،

دویم: در صورت لزوم تأدیب و سیاست خارج از مقدار مشروع اطفال را نیازارند .

سیم: سوای چهار روز مدت غیبت اختیاری اگر بخواهد باذن متولی یا نایب التولیه برای زیارت یا ضرورت دیگر سفر کند نایبی بجای خود بگذارد ، و حق او را از سهم مقررۀ خود بدهد و در اینصورت اگر مدت غیبت او از سه ماه تجاوز کند سهم مقررۀ خود را ساقط بداند و اگر سفر او از شش ماه تجاوز نماید حق سهم مقررۀ و حق مقام هر دو را ساقط بداند .

چهارم: هر يك از اطفال آنچه ضرور داشته باشند از کتاب درس و لوازم کتابت بنایب التولیه اطلاع بدهد و مراقب تحصیل آنها باشد .

### تکالیف خوشنویس مشاق اطفال

اول: همه روزه سوای ایام تعطیل چهار ساعت بغروب مانده بمکتب خانه حاضر شده تا یکساعت بغروب مانده شاگردانی که استعداد مشق و تعلیم را دارند مشق و تعلیم بدهند .

دویم: در صورتیکه عذر شرعی برای یکی از آنها پیدا شود دیگری از آن دورسیدگی بمشق و تعلیم تمام شاگردهای مستعد نماید که در کار آنها تعطیل نشود .

سیم: هر يك را علاوه از چهل روز اختیاری سفری پیش آید و باذن متولی یا نایب التولیه سفر کند نایبی بجای خود بگذارد ، و حق او

را از سهم خود بدهد ، و در اینصورت اگر مدت غیبت او از سه ماه تجاوز کند سهم مقررۀ خود را ساقط بداند ، و اگر سفر او از شش ماه تجاوز نماید حق سهم مقررۀ و حق مقام هر دو را ساقط بداند .

چهارم: هر گاه در کتابخانه برای کتب موقوفه حاشیه نویسی جزئی لازم شود و کتابدار اظهار کند از نوشتن آن مضایقه نماید .

### الفصل الرابع

#### تعزیه داری

اول: در لیالی عشر اول محرم همه شب مجلس روضه خوانی در مسجد منعقد شود و سه نفر ذاکر صادق اللسان دعوت شده ذکر مصائب ائمه اطهار سلام الله علیهم بشود .

دویم: یکنفر ذاکر موصوف بصفت مزبور معین شود که در طول سال هر شب جمعه و لیالی متبر که در مسجد بعد از نماز جماعت ذکر مصیبت نماید .

سیم: در هر يك از شب و روز دهم محرم پنجاه من هشت عباسی برنج باقدر متعارف آن از گوشت و روغن و ملزومات طعام طبخ شود و در مسجد بعموم فقرا اطعام گردد .

چهارم: از پنجاه سهم مقررۀ در فصل دویم که برای اخراجات تعزیه داری مقرر شده حق سه نفر ذاکر عشر اول محرم و یکنفر ذاکر شبهای جمعه و لیالی متبر که باخرج طبخ یکصند من برنج شب و روز دهم محرم موضوع شود . آنچه باقی بماند بالتمام صرف شام و قهوه و قلیان لایق ده شب عشر اول محرم شده هر شب تمام طلاب مدرسه ناصریه دعوت شده در مجلس روضه استماع ذکر مصیبت و صرف شام و قهوه و قلیان نمایند .

پنجم: در هر شب عشر اول محرم یک نفر از علمای دارالخلافه و اصحاب او بمجلس روضه و اطعام باید دعوت شود.

#### اطعام طلاب

اول: در شب اول جمعه رجب و شبهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بیست و هفتم رجب و در شبهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم شعبان و در شبهای نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و بیست و هفتم شهر رمضان هر دو اذنه شب شبی بده نفر از طلاب مدرسه ناصریه که مجموع یکصد و بیست نفر طلاب میشوند یک حقی داده شود که بنیت طلب مغفرت برای واقف احیا بدارند، و خرج آن از بابت ده سهم مقرر که در فصل دویم برای اطعام طلاب مقرر شده داده شود.

دویم: در شب عید فطر و عید اضحی و شب عید غدیر و شب عید مواد حضرت ختمی مآب و عید نوروز هر پنج شب تمام طلاب فقط بطعام پخته اطعام شوند و خرج آن نیز از بابت ده سهم مقرر در فصل دویم داده شود.

#### امتحان طلاب

اول: در آخر هر سال هر چند روز که کافی شود مجلس امتحان از چهار ساعت تقریبی بغروب آفتاب مانده تا غروب منعقد گردد در هر روز دوسه نفر از فضایی اهل بلد بمجلس امتحان دعوت شود و طلاب مدرسه در هر علم که تحصیل کرده اند یکن یکن امتحان شوند و اهل مجلس از ایشان سئوالات متعلقه بفن ایشان بفراخور حال هر یک نمایند و درجه ترقی ایشان را بدون اظهار بخودشان به تعیین اهل مجلس مستوفی ثبت کند تا مجالس امتحان پایان رسد و اجزاء آن مجالس از موقوف علیهم از این قرار باشند:

نایب التولیه ناظر مدس آن علم که امتحان میشود تالی مدرس علمی که امتحان میشود متعلم علمی که از آن امتحان میشود مستوفی.

دویم: چند نفر از طلاب که در علم و فن خود ترقی فوق العاده کرده باشند باندازه ترقی ایشان نایب التولیه بتصدیق اهل مجلس امتحان هدیه از بابت ده سهم که در فصل دویم برای اخراجات امتحان و هدیه طلاب مقرر شده از نقدی و خلعت آماده کرده و روزی مخصوص در حضور جمع بآنها بدهند، تا اسباب ترغیب و تشویق ایشان در تحصیل علم باشد. سییم: خرج چای و قهوه و قلیان مجلس امتحان در ایام امتحان از بابت ده سهم مقرر مزبوره داده شود.

چهارم: هر سال صورت امتحان را که حاکی ترقی و تنزل طلاب و هدایائی که بایشان داده شده باشد بعد از اتمام مجالس امتحان مستوفی در کتابچه ثبت کرده اهل مجلس امتحان مهر نموده در کتابخانه محفوظ شود که عندالضروره بآن رجوع گردد.

#### مریضخانه

اول: همه روزه در صورت امکان بیست نفر مریض از طلاب و اطفال مکتب خانه و خدمه و سایر اجزای اداره موقوفه باید در دارالشفای نگاهداری و پرستاری شود.

دویم: هر زمان عدد مرضای طلاب و غیره از اجزای اداره موقوفه اتفاقاً از بیست نفر متجاوز باشد علاوه بر بیست نفر نیز میباید نگاهداری و پرستاری شود و در عوض ایامی که عدد ایشان کمتر از بیست نفر باشد محسوب گردد تا مرضای طلاب و اطفال مکتب خانه و خدمه و سایر

اجزای اداره موقوفه محتاج رجوع باطبای خارج دارالشفای و نگاهداری و پرستاری کسی نباشند .

سیم : هر گاه اتفاقاً بواسطه مرض عام و غیره در تمام مدت سال که حساب شود فقط عدد مرضای طلاب و خدمه و اجزای اداره موقوفه از ازروزی بیست نفر روی هم علاوه شده باشد و هفتاد سهم مقرر که در فصل دویم برای خرج دارالشفای معین است و فباخراجات آنها نکرده باشد هر چه علاوه خرج آن شده باشد از بابت غایب و متوفی و غیره که در آخر فصل دویم مقرر شده محسوب شود .

چهارم : هر زمان عدد مرضای طلاب و خدمه و سایر اجزای اداره موقوفه کمتر از بیست نفر باشد و از مرضای ایام گذشته هم علاوه نباشد که در عوض کسر این زمان محسوب شود عدد بیست نفر مریض از فقرای شهر با رعایت الاقرب فالاقرب تکمیل شود .

پنجم : خرج دوا و غذا و فصد و زلو و امثال آنها که برای مرضی لازم است حکیم باشی و دو نفر طبیب دارالشفای نسخه کنند و دستور العمل دهند از بابت هفتاد سهم اخراجات دارالشفای که در فصل دویم مقرر شده داده شود .

ششم : در هر سال شصت دست پیراهن و زیر جامه چلواری و بیست دست پیراهن و زیر جامه کرباسی و چهل ثوب ارخالق چیت پنبه دار و بیست ثوب جبهه برك پنبه دار و چهل شمد چلواری و بیست فرد شب کلاه چلواری پنبه دار و بیست فرد شب کلاه ماهوت بطانه پوست یا نظیر آنها و یکصد دستمال چلواری از بابت هفتاد سهم اخراجات دارالشفای که در فصل دویم مقرر شده تهیه و تدارک نموده و در صندوقخانه دارالشفای و پاکیزه محفوظ شود که مرضای وارده بر دارالشفای بر طبق دستور العمل هر يك از حکیم باشی و دو نفر طبیب باقتضای فصل بیوشند

و استعمال نمایند . و بعد از صحت و خارج شدن از دارالشفای یا وفات باز پاك و پاکیزه کرده در صندوقخانه دارالشفای محفوظ شود که مرضای دیگر استعمال نمایند و این ملبوس و غیره هر قدر از سال قبل مانده و قابل اصلاح باشد اصلاح شود ، باقی جدید ایتیماع و تدارک شود که همیشه این مقدار ملبوس و غیره در دارالشفای موجود باشد .

هفتم : در هر سال سی عدد لحاف چیت یا قلمکار وسط و بیست دوشك هر دو روقدك و پنج دوشك رویه کتان و آستر قدك و پنج دوشك رویه مشمع و آستر قدك و سی متکای پنبه یا نظیر آنها از بابت هفتاد سهم مقرر تدارک شده در صندوقخانه مریضخانه محفوظ شود که برای مرضی بتفصیل فوق استعمال شود ، و از این مسطورات نیز هر قدر از سال قبل قابل اصلاح باشد اصلاح شود کسر آن جدید ایتیماع شود که این مقدار در دارالشفای موجود باشد .

هشتم : در آخر هر سال باز دید لباس و بستر و اسباب و آلات مریضخانه بشود هر چه قابل اصلاح است اصلاح شده برای سال بعد منظور شود و آنچه قابل اصلاح نیست بحکم نایب التولیه بققرای شهر با رعایت الاقرب فالاقرب بدل شود .

نهم : سوای اصلاح فرش و ظروف که حکم علیهمه دارد هر قسم اصلاحات در اسباب و آلات و ادوات طبی و جراحی و مطبخ و دواخانه و غیره و آنچه تعلق بدارالشفای دارد لازم است از بابت هفتاد سهم مقرر که در فصل دویم معین است بشود .

دهم : صرف روشنائیها و ذوغال و هیزم زمستان بقدریکه اطاقهای مرضی بر وفق دستور العمل حکیمباشی و دو طبیب دارالشفای گرم باشد ، و یخ تابستان و صابون و اشنان و غیره که بجهت پاکیزگی

لباس و تطهیر و شست و شوی بستر مرضی لازم است از هفتاد سهم مقرر داده شود.

یازدهم : از مرضای دارالشفاهر کس متوفی شود خرج غسل و کفن و دفن آن از بابت هفتاد سهم مقرر داده شود.

#### مکتب خانه

اول : در صورت امکان همه روزه یکصد نفر و اگر جمع آوری یکصد نفر ممکن نشود هر قدر مقدور است از اطفال مسلمین بلد در مکتب خانه موقوفه می باید درس فارسی و عربی بخوانند و خط بیاموزند و تربیت شوند.

دویم : از یکصد نفر و کمتر اطفال مسلمین هر چند نفر اولیای ایشان بضاعت کفالت غذا و لباس ایشان را داشته باشند و به مکتب خانه بپارند مجاناً ایشان را درس بدهند و خط بیاموزند و تربیت نمایند، غذا و لباس ایشان با اولیای ایشان خواهد بود، و هر چند نفر از فقرا باشند بهر کدام یک ماهیانه نقدی برای غذای روز ایشان باندازه که در مدت سه سال ماهیانه های کل اطفال مکتب خانه از بیست سهم موقوفه علاوه نشود داده شود و در هر سال بهر نفر دو دست ملبوس از اجناس مسطور در ذیل یا نظیر آنها بقرار تفصیل ذیل داده ماهیانه ها و خرج ملبوس مسطور از بابت پنجاه سهم مقرر در فصل دویم برای اخراجات مکتبخانه محسوب گردد :

#### تابستانی دست

پیراهن مدغال بلند رنگ کرده نوب  
زیر جامه مدغال رنگ  
کرده نوب کلاه چلواری پنبه دار فرد  
کفش زوج کمر بند  
چرمی عدد ندارد

#### زمستانی دست

پیراهن مدغال رنگ کرده نوب  
زیر جامه ایضاً نوب  
کلاه نمذ فرد  
کفش زوج  
کمر بند چرمی عدد  
ار خالق قدک پنبه دار نوب  
جبه کوتاه برک پنبه دار نوب  
ندارد

سیم: اصلاح کتب موجوده مکتب خانه که برای اطفال لازم است و اکتیاع عوض اسقاط شده و اکتیاع کتب جدیداً اگر لازم شود از عم جزو و کتب فارسی الی امثله و صرف میر و امثال آن از بابت پنجاه سهم مقرر در فصل دویم که برای اخراجات مکتبخانه مقرر شده داده شود.

چهارم : لوازم مشق از قلم و کاغذ و مرکب و دوات و امثال آن از بابت پنجاه سهم مقرر در فصل دویم آماده شود.

پنجم : هیزم و ذوغال مکتب خانه در زمستان و یخ در تابستان و سایر لوازم جزئی از قبیل کوزه و ابرق و غیرها از پنجاه سهم مقرر در فصل دویم مهیا شود.

#### چراغخانه

اول : در عشر اول محرم که شبهاروضه خوانی میشود هر شب در مسجد و مدرسه یکصد و شصت چراغ بتفصیل ذیل روشن باشد :  
از مغرب تا پنج ساعت تقریبی از شب گذشته یکصد و بیست چراغ  
در محراب مسجد دو چراغ در بله منبر مسجد دو چراغ  
در فضای مسجد هر جا مقتضی باشد ۵۰ چراغ در صحن مدرسه ۴۰  
چراغ در دهلیز و دالانها هشت چراغ در مطبخ و شربت خانه  
و دالانهای متعلق بان ده چراغ در مبال و دالانهای آن ۶ چراغ

در مناره‌های مسجد دو چراغ از یکساعت بطلوع فجر مانده تا روشنی روز چهل چراغ در محراب ۲ چراغ در پله منبر ۲ چراغ در فضای مسجد هر جا مقتضی باشد ۲۰ چراغ در درب دهلیز و دالانها ۵ چراغ در مطبخ و دالانها ۵ چراغ در مبال و دالانهای آن ۶ چراغ.

دویم: در لیالی احیا از اول مغرب تا روشنایی روز یکصد و شصت چراغ بتفصیل مسطور در فوق تمام شب روشن باشد.

سیم: در سایر لیالی تمام سال سوای عشر اول محرم و لیالی احیا هر شب در مسجد و مدرسه یکصد چراغ بتفصیل ذیل روشن شود: از مغرب تا سه ساعت تقریبی از شب گذشته ۶۵ چراغ

در محراب مسجد ۲ چراغ در منبر مسجد ۲ چراغ در فضای مسجد ۲۵ چراغ در صحن مدرسه ۲۰ چراغ در دهلیز و دالانها عموماً ۸ چراغ مبال و دالانهای آن ۶ چراغ منارها ۲ چراغ ندارد.

از یکساعت بطلوع فجر مانده تا روشنایی روزه ۳ چراغ در محراب ۲ چراغ در پله منبر ۲ چراغ در فضای مسجد هر جا مقتضی باشد ۱۸ چراغ در دهلیز و دالانها عموماً ۸ چراغ مبال ۵ چراغ

چهارم: در اوقات مقرر در فوق دو چراغ محراب و دو چراغ منبر از شمع گچی که در این زمان متداول است یا شموع دیگر که در نظافت نظیر آن باشد روشن شود و چراغهای مسجد و صحن مدرسه از شمع پیه یا پیه خالص، و در دهلیز و دالانها و مبال و مناره از روغن کرچک و نظیر آن.

پنجم: چراغهای محراب و منبر میبایست در لاله بلور و نظیر آن روشن شود و چراغهای مسجد و مدرسه در فانوسهای شیشه و نظیر آن و چراغهای درب دهلیز و غیره در هر چه خادم باشی صلاح بداند و مقتضی باشد.

ششم: اصلاح و مرمت اسباب و آلات چراغخانه از لاله و فانوس و غیره عندالضروره، و قیمت شمع و روغن و پیه و فتیله و غیره از لوازم چراغخانه باندازه مسطور در فوق کما و کیفاً در مدت سال از بابت بیست و پنج سهم که در فصل دویم برای اخراجات چراغخانه مقرر گردیده است داده شود.

#### حمام و باغچه

اول: اجرت یکنفر حمامی و یکنفر جامه‌دار و دو نفر دلاک و یکنفر گلخن افروز از بابت پانزده سهم مقرر در فصل دویم که برای اخراجات حمام و باغچه مقرر شده با رعایت صرفه وقف داده شود.

دویم: صرف روشنایی و سوخت حمام و قلیان و صابون از بابت پانزده سهم مقرر در فصل دویم بشود.

سیم: لنگ و کشگول و دلو و سیخ آهن و امثال آن بقدر ضرورت از پانزده سهم مقرر مزبوره تهیه شود.

چهارم: تخم گل و نهال و لوازم دیگر برای باغچه ها بقدر ضرورت که باغبان لازم بداند از پانزده سهم مقرر مزبوره داده شود. مورخه هفتم شهر شوال المکرم سنه ۱۲۹۷ لوی ثیل ترکی (حسین

در مجلس اجراء عقد وقف حاضر بودم که صیغه وقف بتفصیلی که جناب مستطاب شریعتمدار مجتهد الزمان آقای حاجی آقا محمد سلمه الله تعالی نوشته و مهر نموده اند .

جاری شد تحریراً فی ربيع الاول ۱۲۹۹ (عبده سید زین العابدین - بن ابوالقاسم الحسنی الحسینی) .

بسم الله خير الاسماء الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى و بعد در خوشترین وقتی از اوقات مقرونه بخیر و سعادت و برکات روز هفتم شهر شوال المعکم سنه ۱۲۹۷ در خانه مرحوم خلد مکان سپهسالار اعظم رحمه الله تعالی در مجلسی که اکثر علماء بلد باصنافهم زاد الله فی شرفهم حضور داشتند صیغه وقف املاک مفصله الاسلامی در صفحه پانزدهم و شانزدهم بتوکیل آن جنت آشیان بجهت عموم خیرات و میرات راجعه بعامه اهل ایمان از علماء و طلاب علوم دینی و مرضای مسلمانان و تعلیم اطفال ایشان و اهل عبادت و غیرهم سمت جریان پذیرفت بطوریکه تفصیل مصارف در نظر انور واقف خیرمواقف که متولی اول بود جلوه گر شود تقسیماً و تسهیماً و کیفیة و کمیة و مرحوم واقف اظهار داشت که من خود را من حيث المالکة للمفصلة تخلیه نمودم و من باب التولیه این املاک را نگاهداری مینمایم و در همان مجلس امر تولیه خود را بمرحمت شأن خلد آشیان اعتضاد السلطنه واگذار نموده و سجده شکر بجهت جریان عقد وقف بجای آورد حرره فی ۲۶ شهر ربيع الاول ۱۲۹۹ ( محل مهر مرحوم خلد آشیان حاج آقا محمد نجم آبادی اعلى الله مقامه )

بسم الله تعالی

بلی در حضور علماء اعلام عصر کثر الله امثالهم اجرای صیغه

موقوفه معینه مشخصه بنحویکه متروحاً در این کتابچه و قفنامه مرقوم شده ( در اینجا يك كلمه حك شده است ) با تفصیل سهام داعی در آن مجلس شریف حاضر بودم تمام بیان واقع است خداوند بتوجه اجداد طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين وجود مبارك اعلى حضرت شاهنشاه دین پناه را باقی و مستدام بدارد که انشاء الله این امور خیریه بزودی انجام پذیرد و سلامتی وجود مبارك با کمال استحکام تمام شود که در واقع شعار ملت و شکوه دولت است کتبه الداعی فی شهر ربيع الاول ۱۲۹۹ ( عبده سید مرتضی بن محمد محسن الحسنی الحسینی )

بسم الله تعالی

بلی در مجلس اجراء صیغه وقف این اقل دعا گوین دولت ابد مدت حاضر بود و املاک مزبوره را بر جهات مرقومه وقف فرمودند و من حيث التولیه بعنوان وقفیت اظهار انشاء قبض نمودند و بنهایت خرسندی سجده شکر بجا آوردند خداوند عالم حضرت ظل الله شاهنشاه اسلام پناه خلد الله ملکه و دولته را توفیق اتمام کرامت فرماید

حرره الاقل الراجی لرحمة مولاه عبدالرحیم النهاوندی

( سجع مهر آن مرحوم اعلى الله مقامه )

( الراجی عبدالرحیم )

هو

قد جرت صیغه الصدقة الجارية و وقف الاملاک و المقارات و الحمام و الحوائت المشخصة المعينة بتجسس اصلها و تسبیل منافعها فی مطلق - الخیرات و المیرات الراجعة الى اهل الايمان قاطبة و جعل تعیین السهام و المصارف کما و کیفاً و جهة موكولا الى نظر جنابه العالی من حيث



التولية و اقبضها من يد الملكية بيده التولية و كل ذلك كان بمحض  
جماعة من اعلام الطائفة و اقل الخليفة العبد الجاني ( امن المتوكلون  
محمد حسن بن علي )

ميان دو هلال سجع مهر شيخ محمد حسن قمي است

قوبل باصله و صحت المعارضة به في السلخ من رمضان المبارك

سنة ١٣٥٥

محمد الحسيني المشكوة

متن وقف نامه در کتابخانه مدرسه موجود و ضبط است

بسم الله واله الحمد هو الواقف على الضمائر و المطلع على السرائر  
والصلوة والسلام على محمد وآله خير القبائل والعشائر

مخفی ناماناد چون حضرت مستطاب اجل اکرم افخم اعظم آقاي  
یحیی خان مشیر الدوله وزیر عدلیه اعظم دام اقباله العالی در اراضی  
جنب جنوبی مدرسه جدیدہ جلیلہ مرحوم مغفور جنب مکان خلد آشیان  
طوبی مقام طائر روضہ جنان حاج میرزا حسینخان سپہسالار اعظم نورالله  
مضجعة الشریف یکباب کاروانسرا و پنج باب دکا کین بنا فرموده بودند  
و در تاریخ ذیل توفیقات ربانی و تأییدات سبحانی شامل حال و کافل احوال  
خیریت مآل حضرت اجل اکرم اعظم معظم گردید قربة الی الله و طلباً  
لمرضاته وقف مؤبد ملی و حبس مخلد شرعی نمودند همگی و تمامی  
من حیث المجموع کل شش دانگ یکباب کاروانسرا مرقومه جدید البناء  
ملکی خود را واقعه در خارج دروازه قدیم شمیران جنب جنوبی مدرسه  
مرقومه محدود محدود ذیل با کانه ملحقات شرعیه و منضمات عرفیه آن  
از مرمر و مدخل و حجرات و انبار و طویله و بهار بند و صحن و دالان  
حدی بغیابان حدی بمکتب خانه حدی بغانه کربلائی حدی بغانه  
و جلو خیابان حسن و رضا قلی

و کما یتعلق بهارا بحیث لایستثنی منها شیئی بانضمام کل شش دانگ پنج باب  
دکا کین متصله بسرا مزبور و دود که بر مدرسه جدیدہ مرقومه مرحوم  
مغفور جنت مکان علیم آشیان سپہسالار اطاب الله رمه از قرار در  
ورقه و قفنامه چہ سایر موقوفات مدرسه مرقومه و امر توایت را راجع نمودند  
با متولی سایر موقوفات مدرسه مرقومه و نظارت موقوفه مرقومه را  
قرار دادند باناظر سایر موقوفات مدرسه مرقومه از قرار تعیین و تفصیل

در ورقه وقفنامه چه سایر موقوفات مدرسه مرقومه و صیغه وقف مزبور مشتمله علی الایجاب والقبول بالفارسیه والعربیة واقع وجاری شدوعین موقوفه بتصرف وقف داده شد قبض واقباض که شرط صحت وقف است بعمل آمدن بدله بعد ماسمه فانه آثم وکان وقوع ذلك الوقف فی يوم دوازدهم شهر ذی حجة الحرام من شهر سنه ۱۳۰۷ هجری

( سجع مهر - مشیرالدوله ۱۲۹۹ )

بسم الله تعالی

وقع الوقف والقبض والتولية والنظارت حسبما سطر فی الورقه بايجاب منی فی ذی حجة الحرام ۱۳۰۷ - سجع مهر - افوض امری الی الله علی اکبر حسینی .

بسم الله خیر الاسماء

نعم قد جرت صیغه الوقف بشرایطها فی الثانی والعشیرین من ذی حجة الحرام ۱۳۰۷

( سجع مهر ) عبده علی اکبر

هو الواقف علی الضمان والاطلع علی السرائر

بسم الله رب الارض والسماء

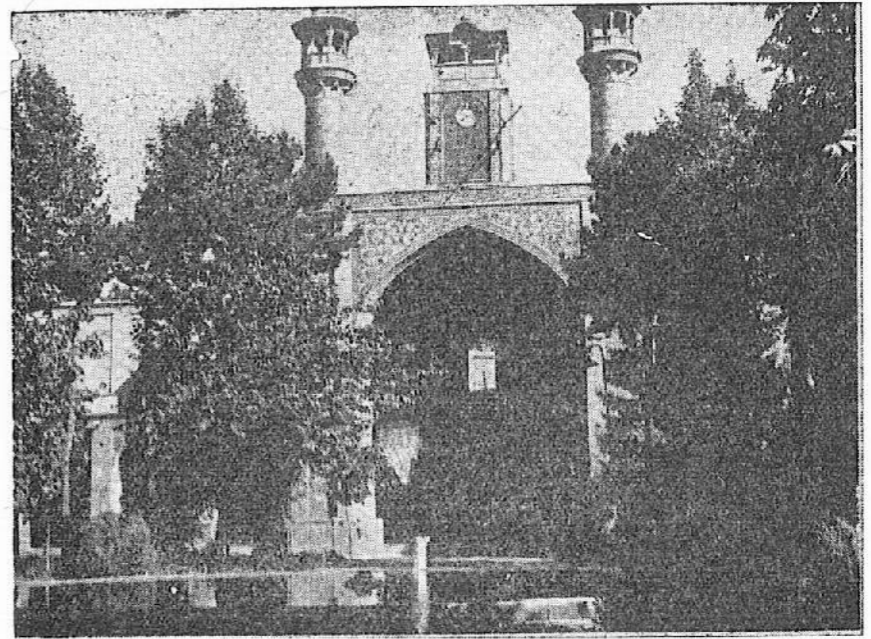
شکر و سپاس فزون از قیاس وقف بارگاه واقف الاسراری است که حوض خانه قلوب مجیان را بمیاه معرفت سیراب و بسرچشمه مرادرسانیده واقفان محکمت را که متولی بر عقد کینانند از سایر مخلوقات ممتاز و بعین مرادرسانیده و صلوة و سلام بی آغاز انجام بر آن یگانه گوهر دریای ولكن رسول اله و خاتم النبیین و مخاطب بخطاب و ما ارسلناک الارحمة للعالمین و رسالت گاه انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم

و تحیت و درود بی قیاس بر اهل بیت آن بزرگوار که عطوف رؤف اراضی صدور مخلصان را بولای ایشان مبتهج فرموده که گم شدگان دریای مناهی توسل بسفینه مثل اهل بیتی که مثل سفینه نوح من ركب فیها نجی ومن تخلف عنها غرق جویندور قمات صدور ارقام و کمال اذعان بجهت سیادت ایشان وصف نمایند .

غبالحمد و الصلوة چون از برای عالی مدرسه و مسجد جدید البناء مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه حاجی میرزا محمد حسین خان سپه سالار اعظم که در جنب عمارت و باغ مختصی خود بنا نموده و مسمی بمدرسه ناصری و از بناهای مستحکمه دولت جاوید آیت علیه ایران میباشد آبی لازم بود مختص بمدرسه و مسجد و حوضهای آنجا که ساکنین مدرسه و عابدین در مسجد از اهل علم و فضل کثر الله امثالهم همیشه اوقات لیلا و نهاراً از آن آب منتفع و بفراغت بتحصیل علوم دینی و مراتب کمالیه و دعا گوئی ذات اقدس همایونی اشتغال نمایند .

لینا بعد از آنکه از الطاف عمیمه و مراحم خسروانه از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه عالمیان پناه خلد الله ملکه و دولته سه دانگ ملکی مختصی شاهنشاه دین پناه مشاع از شش دانگ مجری بکرشته قنایه مهران بصلح شرعی منتقل و مرحمت شد بجناب جلالتآب اجل اکرم یحیی خان مشیرالدوله و دو نفر اخوان گرام و دو نفر همشیره های مکرمه ایشان که ورثه مرحمت و غفران مآب سپه سالار اعظم غفرله میباشند بازا مبلغ ده هزار تومان وجه ریال مسکوک بسکه مبارکه بالتمام تقدیم حضور مهر ظهور اعلی شد جناب معظم بمقاد آیه شریفه و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیر و اعظم اجراً قربة الی الله تعالی و طلباً لرضاه از جانب خود باذن و اجازه دو نفر اخوان گرام و دو نفر همشیره مکرمه خودشان وقف مؤبد و حبس مخلد

شرعی نمودند همگی و تمامی و جملگی این سه دانك را که از جانب  
اعلیحضرت ظل اللهی بایشان مرحمت و واگذار شد مشاع از شش دانك  
قناة موسومه فوق بر عالی مدرسه و مسجد ناصری که محل ظهور و بروز



قسمت شمال مدرسه که ساعت بزرگ بالای آن نصب است

آب این قنات در سه دانگی از بالای بنای مدرسه مرقومه باشد و جاری  
بشود در حوض خانه مدرسه و حوض صحن مدرسه و حوض مسجد و  
از بالاتر از محل ظهور آب احدی را حق بردن از این آب نمیباشد  
و اضافه از مشروب شدن مدرسه و مسجد و مملو شدن حوضهای آنها  
که از مدرسه و مسجد بیرون برود وقف است بر آبادیها و ابنیه  
و عمارات مسلمانان که در زیر مسجد بنا شده است که سکنه و مالکین  
آن بناها از آن اضافه منتفع و بهره مند شده ثواب آن عابد غفران مآب  
معظم شود و در بردن آب اضافه به آبادیها و بناهای زیر مسجد تعیین

و تعیین آن منوط است بصلاح متولی در هر زمان هر طور اصلاح و انفع  
بحال مسلمانان باشد معمول دارد و تولیت وقف مزبور کسایر موقوفات  
مسجد و مدرسه مفوض است بقبضه قدرت و اختیار اعلیحضرت قدر قدرت  
اقدس ظل اللهی لازال مؤیداً بالنصر والفتح و نظارت آن نیز از قرار  
ترتیبی است که در سایر موقوفات برقرار شده است وصیغه وقف ایجاباً  
و قبولاً جاری شد و قبض و اقباض بعمل آمد علی التولیه والنظاره فمن  
بدله بعد ما سمعه فانما اسمه علی الذین یدلونه و كان ذلك بتاريخ بیست  
وششم جمادی الثانیه سنه ۱۳۰۰

مهر - ورود بدفتر کل                      بتاريخ ۲۶ حمل اودئیل ۱۳۳۱  
۱۴ شهر حوت ۱۳۳۱                      در تحت نمره ۹۹ در دفتر شرعیات اداره  
نمره ۲۶۸۰                                      جلیله کل اوقاف ثبت شده

امضاء لایقره

جری عقد الوقف المؤبد حسبما فصل فیه مع الاقباض المعتمبر

بعد الا انتقال الیهم کما اشیر الیه حرره جمادی الاخره ۱۳۰۰

( سجع مهر - المحتاج الی ربه الفنی الاعلی علی )

وقع الوقف الصحیح المشتمل علی التولیه والنظاره

مع الاقباض ۲۶ ج ۲ - ۱۳۰۰

( سجع مهر - عبده الراجی حمزه )

« قنات مهران »

قنات مدرسه عالی سپهسالار از بهترین قنات طهران است و مرحوم سپهسالار این قنات را ۳ دانگ برای مدرسه و ۳ دانگ برای عمارتی است که اکنون محل مجلس شورای ملی میباشد ولی در اثر دخالت بعضی ، اکنون برخلاف امر واقف عمل میشود و با آنکه تصریح شده که استفاده از آب فقط باید از مظهر قنات پباین باشد قبل از مدرسه محل های دیگری از آن استفاده می نمایند و خلاصه با اینکه آب این قنات ۷ سنک است اکنون بیش از نیم سنک آب بمدرسه نمیرسد .

قصیده تاریخی که مرحوم فتح الله خان شیبانی (۱) در گزارش حال و نهایت روزگار مرحوم سپهسالار بنظم آورده و برای معتمد الملك ( تقی خان مشیرالدوله ) برادر او فرستاده تا بمرض شاه رسانده و شاه را از کردار خود متنبه سازد

|                                |                               |
|--------------------------------|-------------------------------|
| شاه فرستاد خواجه را بخراسان    | کار خراسان بساز کرد و بسامان  |
| لیکن اگر می نشاندیش بسر صدر    | کار دگر گونه بود و حال دگرسان |
| حشمت شه بر همگذشت بیوق         | دولت شه سر همی فراشت بکیوان   |
| شاه بیاید بتخت و خواجه بمسند   | تا نشود کار دین و ملک پریشان  |
| خواجه اگر نیستی بصدر وزارت     | ملك بسان تنی است کش نبود جان  |
| از تن بیجان چه آید ارچه بصورت  | هست قویتر زکوه جودی و سهلان   |
| روسیر خسروان رفته نگه کن       | از که گلشاه تا بدوره خاقان    |
| هر ملکی را بملك بوده وزیر      | واسطه کار دین و دولت سلطان    |
| با همه دست نوی که داشت بهارون  | کرد قوی پشت خویش موسی عمران   |
| ورچه بفرمانش بادودیو و بری بود | باز باصف نیاز داشت سلیمان     |
| احمد آخرزمان به بوالحسن آراست  | کار وزارت بحکم آیت قرآن       |
| شاه قویتر نهد زخسرو و کاوس     | داشت وزیر بدست ملك چوستان     |
| ورچه سکندر جهان گرفت ولی داشت  | همچو ارسطو یکی وزیر بیونسان   |
| نیز انوشیروان که شاه جهان بود  | خواجه بدش چون بزرجمهر بایران  |

فتح الله خان شیبانی - فرزند محمد کاظمخان ولد مرحوم محمد حسین خان کاشانی ادیب کامل و بیر طریقت و سر حلقه اهل عرفان از اهالی کاشان بود که او را ( ابونصر فتح الله خان ) می گفتند اشعاری شیرین و ادبیاتی دلنشین دارد که چاپ شده و قنات او در ۱۳۰۸ واقع شده .

ور خلفارا نظرکتنی همه را بود  
وز مدد رای فضل سهل بامون  
هم گه سامانیان زغزنویان بود  
احمد عبدالصمد بدانکه بخوارزم  
هم بگه آل بویه بود بصاحب  
ملکت سلجوقیان بخواجه ازطوس  
شاه هم آغاز پادشاهی خود داشت  
حشمت او تفته جان چینی ورومی  
وز پس او نیز خواجگان دگرداشت  
لیکن از آن بس که خواجه آمد از روم  
شاه نشاندش بصدر ملک و خرد گفت  
دولت ایران شد از کفایت و دانش  
شاه سفر کرد و آفتاب جمالش  
خواجه به همراه شاه رفت و پس آمد  
دولت ایران شب سیه بد و در شب  
ملکی آشفته بود و قومی هم رای  
شاه چو پروردگان نعمت خود را  
کشور و لشکر دو بهره کرد و مراورا  
خواجه فرزانه یوسف بن حسن را  
چند که آسوده بود ملک و همی داشت  
باز بتضریب چند ساعی تمام  
راست بقزوین و شهر قزوین گفتی  
مجلسی آراستند باز بسدر بار  
محضری انجا نبشته شد که به بندند  
شاه نپندرفت و یوسف بن حسن نیز  
عادل کل هم بعدل خود نپسندید  
مغرب ایران زگرد کرد بر آشوب  
از بی اصلاح کار کرد بتبریز

از هنر خواجگان زمانه بفرمان  
سهل شد آن کارهای مشکل ایران  
ایران از رای خواجگان چو گلستان  
کرد چنان کارهای خوب نمایان  
دولت ایران قوی قوام و ارکان  
بود بسان عروس خرم و خندان  
خوب یکی خواجه بزرگ بدیوان  
هیبت او رفته تا بپندو به برمان  
زبده ایران و برگریده کیهان  
راست چو از شرق آفتاب فروزان  
اینت جهانرا یکی بزرگ جهانان  
خوبتر از باغ و راغ درمه نیسان  
تافت بیاریس و روس ولندن و آلمان  
تا که زد ریا بر آمدند بگیلان  
بیش اثر میکنند و ساوس شیطان  
تا رمه شه دهد بدیگر چوپان  
دید همه رخ نهاده اند بکفران  
داد بلشکر بزرگواری و فرمان  
نیز بکشور وزیر کرد و نگهبان  
فتنه سر خویش را بزیر گریبان  
خواجه جدا شد زکار و رفت زطهران  
چرخ بد و خواجه آفتاب درخشان  
شسته در او زید و عمر و خالد و بهمان  
چند گناهی بخواجه از ره بهتان  
بود از این کار زشت سخت گریزان  
خواجه شود پایمال تهمت دونان  
نیز بشرق قفسان فتاد در افغان  
شاه بفرمود و خواجه رفت بفرمان

کرد در آن ملک آنچه در که کاوس  
باز پس خواند شاه و گفت که بکچند  
خواجه بیباغ اندرون نشست و نوگفتی  
مردم روس اندرین میانه بکشتند  
خسروی از نو نشست و واجب آمد  
هیچکس از خواجه شه ندید نکوتر  
کردش از ری کسبل روس سفارت  
باز پس آمد ز روس و شاه بدوداد  
رفت بدان ملک و مردمان همه گفتند  
گفت چو بونصر این حکایت بشنید  
خواجه حسین نبی سپید اعظم  
سخت دریغ است اگر نباشد پاشاه  
گرچه فزوتتر ز نیم ملک بدوشاه  
لیکن در خورد قدر خواجه نباشد  
خواجه بیاید بصدر ملک و به پیشش  
تیغ بدستی گرفته خامه بدستی  
بباز امید من آنکه شاه بیارد  
زانکه گرو پیش تخت شاه نباشد  
شاه به از هر که خواجه را بشناسد  
داند کایدر بملک او دوتن استند  
وان دگرانرا گمان که احمد مختار  
جمله گرفتار صورتند و ز توحید  
شب همه شب مست و بامدادان مخمور  
قاصد این سوی آن که همین چه بزی همین  
پیک فرستاده این بآن که بیازود  
آن بجواب این به پیک گوید کامروز  
شاه مرا خوانده بود نیز نرفتم

رستم دستان بپند کرد و بتوران  
باش چو بلبل بیباغ و سرو بیستان  
باغ بهشت است و خواجه راست چو رضوان  
خسرو خود را زچهل غفلت و عصیان  
تهنیت و تعزیت ز شاه بدیشان  
در خور این کار کار فهم و سخندان  
خوبتر از هر سفیر برد بیایان  
ملکت طوس و شهرهای خراسان  
مشتی آمد بقوس و زهره بیزان  
زان بس کاشگشت خود گزید بدنندان  
آن چو حسین علی ستوده دو جهان  
در سفر و در حضر بیزم و بیستان  
داد همان نیروز رستم دستان  
ملک خراسان و شهرهای بجستان  
صف بزرگان و ترک و تازی و دهقان  
درد بر اعداء و بر موافق درمان  
همچو بهارش بسر نرفته زمستان  
شاه نباشد زبخت خرم و خندان  
در هنر و رای و عقل و دانش و ایمان  
پیرو دین نبی و پاک و مسلمان  
نامدو ناورد امر و نهی زیزدان  
غافل و بی بهره از معانی قرآن  
زوتن اندر میان نوزی و کتان  
نامه آن سوی این که هان چه خوری هان  
مرغ و بره هست و خان و نعمت الوان  
بر سر خوان منند جمعی مهمان  
ورچه فرستاد چند حاجب و دربان

قومی دیگر زہر تاختن خلق  
نرم سخن میکنند لیک بسختی  
گرت بگویم زہر گروہ حکایت  
اینان خود را کفایت دیوان دانند  
شاه سلیمان دیگر است و دودویو  
لیکن اگر مملکت بدیو سپارد  
باد گر این چامہ را بمعتمد شاه  
ہست امیدم کہ مشکبوی بشگیر  
مژدہ بیارد کہ شاه خواند و بسندید  
باہمہ نیز آن ہی کنیم کہ او گفت  
متمدالملك شاه نیز بسا داد  
شاه بہاناد شادمان بسر تخت

جامہ بٹن بر ہمہ ساختہ خلقان  
جان رعیت ہی زندہ بسوہان  
ناید تا حشر این قصیدہ بیایان  
اینت عجب کافیان زادہ زدویوان  
بایدش او را بزیر طاعت و فرمان  
زود شود او ز فعل خویش پشیمان  
بدهد و گوید بہ پیش شاه فروخوان  
باز بیارد زری بچانب کاشان  
گفت ہماکس سخن نکرده بدینشان  
کاین سخنان است محض حکمت لقمان  
زانکہ بود اعتماد شاه بدیشان  
اختر بخشش بدین دوخواجہ دوران

### بخش سوم

متصدیان امور مدرسه و مسجد

نائب التولیہ ہا - نظار - مدرسین - ائمہ جماعت

امر تولیت و حل و عقد امور موقوفات مدرسہ  
و مسجد بطوری کہ در متن و قفنامہ اصلی

#### نائب التولیہ ہا

خطی مضبوط در کتابخانہ مصرح است مادام الحیاء با خود سپہسالار  
بودہ و در عین حال بطوریکہ و قفنامہ



تصریح مینماید و اوقف تولیت خود را  
بمرحوم شاہزادہ اعتضاد السلطنہ  
وزیر علوم و اگذار نمودہ و در  
مسافرت بآذربایجان و مأموریت  
خراسان سپہسالار شاہزادہ وزیر  
علوم بامور بنامی و تشکیل کتابخانہ  
و غیرہ اہتمام مینمودہ و نیز پس از  
خود تولیت را کہ بمنزلہ ناموس  
شریعت و سفینہ سعادت ملت دانستہ  
ابدال دہر بسلطان عصر و زمان  
مفوض داشتہ تا روی مقتضیات مراسم

مرحوم اعتضاد السلطنہ

داد گستری و خصائل صفات دین پروری عادلانہ در باب پیشرفت امور

موقوفه و امضاء یا اجرای تکلیف تولیت مبذول گردد .  
 ضمناً بیاس حفظ احترام سلطنت مقرر داشته که سلطان عصر  
 هر که را از رجال دولت که کافی و امین و صلاحیتدار بداند از جانب  
 خود بنیابت تولیت منصوب فرماید تا تکالیف مربوطه بتولیت را بتفصیل  
 مصرحه در وقفنامه مباشرت نماید .

در دوره ناصری اول کسی که از طرف دربار متصدی و  
 عهده دار امور این مؤسسه گردیده  
 مرحوم غلامعلی خان امین همایون  
 آبدار باشی شاه بود که بعد از وفات  
 یحیی خان مشیرالدوله بواسطه  
 بستگی و انتسابی که با او داشت  
 برای تکمیل و انجام قسمتی از ایشیه  
 و رسیدگی بامور موقوفه و تشکیلات  
 مدرسه تعیین شد ولی از وی کاری  
 پیشرفت نکرد و امر مهمی انجام نداد .



در سال ۱۳۱۳ مرحوم حاج  
 میرزا ابوالفضل مجتهد تهرانی (۱) از  
 طرف شاه برای عمل بوقفنامه تعیین شد .  
 مرحوم حاج میرزا ابوالفضل تکالیف مدرسه و مسجد را از

(۱) - حاج میرزا ابوالفضل (۱۲۷۳ - ۱۳۱۶ قمری) فرزند میرزا ابوالقاسم  
 کلانتری تهرانی نوری صاحب کتاب مطارح است که از علمای طراز اول مرکز بود  
 (متوفی بسال ۱۲۹۲ قمری) . پدرش از اکابر علمای تهران و از رجال متبحر زمان  
 خود بود - از آثار و تألیفات حاج میرزا ابوالفضل کتاب صدح الحماة فی شرح احوال  
 والدی العلامه و منظومه در علم تصریف و منظومه در نحو و رساله عشقیه و دیوان قصائد  
 و غزلیات بربی و فارسی و کتاب شفاء الصدور و حواشی بر اسفار و رسائل و مکاسب  
 و غیره است .

درس و بحث و محراب و منبر و غیره معین و پنجاه نفر طلبه در حجرات  
 تحتانی مدرسه سکنی گرفتند و مقرر گردید که بهر طلبه ماهی دو تومان  
 شهریه داده شود .

در سال ۱۳۱۶ قمری که مرحوم حاج میرزا ابوالفضل بدر و دزد گانی  
 گفت نیابت تولیت از طرف دربار بموثق الملک واگذار شد . در دوره  
 ایشان متدرجاً شهریه و تعداد طلاب فزونی یافته و مبلغ ماهیانه آنها  
 تا پنج تومان رسید و تقریباً امور مدرسه و مسجد سر و صورتی گرفت (۱)

پس از چندی از طرف مظفر

الدین شاه امر نیابت تولیت بحاجی  
 میرزا کاظم آقای تبریزی (۲) واگذار  
 گردید و در ضمن امامت جماعت مسجد  
 هم بایشان بود . ولی زمان او چندان  
 دوامی نیافته و بنیابت تولیت آستان  
 قدس رضوی (ع) انتخاب شد .



مرحوم موثق الملک

در اوایل سال ۱۳۲۴ قمری زمان  
 صدارت عین الدوله جناب آقای  
 حاج سید جواد ظهیر الاسلام بنیابت  
 تولیت از طرف دربار منصوب شدند .  
 در دوره ظهیر الاسلام موضوع  
 مشروطیت و انقلاب بمیان آمده

توپ بستن مجلس و مسجد اتفاق افتاد و تا مدتی مدرسه بحالت تعطیل  
 بود و مختصر خرابی نیز بواسطه تصادم گلوله توپ ببعضی از قسمتهای

۱- میرزا سیدعلیخان موثق الملک فرزند سیدحسن لواسانی وزیر صندوقخانه  
 مظفرالدین شاه و مکرر از طرف دربار در امور مدرسه مداخله داشته است تاریخ وفات  
 او سال ۱۳۴۲ قمری میباشد .

۲- حاج میرزا کاظم آقا تبریزی از علمای تبریز و داماد مظفرالدین شاه بود .

اینه از قبیل گنبد و گلدسته‌ها و جایگاه ساعت وارد آمد.

در زمان تصدی ظهیر الاسلام صحن مدرسه از آجر مفروش و حجرات آن سفید کاری گردیده باغچه بندی صحن مدرسه و غرس اشجار آن بعمل آمد.

ظهیر الاسلام در اوائل سال ۱۳۲۷ و قفنامه را از حاج معتمد الملک ناظر مدرسه گرفته و بطبع رسانیده انتشار داد.

در نهم شعبان ۱۳۲۷ حاج صدرالدوله (۱۲۷۰ - ۱۳۵۳ قمری) بنیابت

تولیت مدرسه انتخاب شد. مرحوم حاج صدرالدوله در ۱۲۲۹ باصفهان مسافرت نموده فرزند او عبدالحسینخان ظهیر همایون متصدی امور مدرسه و موقوفات گردید و در موقع تصدی او در ۹ جمادی الاولی ۱۳۲۹ مرحوم آقا حسین نجم آبادی مجتهد را بر حسب حقیقه دروقف نامه مدرسه از برای والدش مرحوم حاج آقا محمد نجم آبادی (۱) نسبت بتدریس منظور شده بود برای تدریس فقه



مرحوم حاج صدرالدوله

در نظر گرفته و از دربار تعیین ایشانرا تقاضا نمودند از طرف دربار سلطنتی و ناصر الملک نایب السلطنه وقت هم نظریه ایشان تأیید و استاد مذکور را برای تدریس بمدرسه دعوت نمودند. مرحوم آقا حسین تا ۱۳۳۰ قمری با آنکه مکاتباتی با ایشان

۱ - مرحوم حاج آقا محمد نجم آبادی رازی از علمای بزرگ و معروف دوره ناصری متوفی بسال ۱۳۰۲ قمری است که قفنامه مدرسه را صیغه خوانده و تسجیل نموده.

شده از حضور در مدرسه امتناع نمودند لذا ظهیر همایون مرحوم آقا سید



حسن مدرس اصفهانی را بمقام نیابت سلطنت پیشنهاد نموده و تدریس ایشان برای قسمت منقول تصویب گردید.

زمان نیابت تولیت حاج صدرالدوله ضابط مدرسه میرزا علیخان صنیع الملک زرگر باشی (متوفی ۱۳۴۳) و مستوفی مدرسه میرزا ابوالقاسم علاء الممالک بوده اند.

در ۲۳ رجب ۱۳۲۹ دوره مرحوم آقا میرزا محسن صدر العلماء

حاج صدرالدوله منقضى و چند روزی مشیر اکرم فرزند میرزا موسی وزیر بنیابت تولیت معین شدند. در اوائل ماه شعبان ۱۳۲۹ عبدالعلیخان نجم الدوله بانصوب وزارت دربار بنیابت تولیت برقرار گردید.

در ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ مرحوم سید حسن مدرس در امور مدرسه مداخلاتی داشته و برای رسیدگی بحساب مدرسه اقداماتی کرده است. در سال ۱۳۳۲ از طرف دربار سلطنتی امر نیابت تولیت مجدداً بمیرزا سید علیخان موثق الملک واگذار شده و مشارالیه چند ماهی



مرحوم عضدالملک



بامور مدرسه رسیدگی مینموده تا آنکه در همان سال مجدداً ظهیر الاسلام

نائب التولیه شده و تا ۱۳۳۴ کارهای

مدرسه و موقوفات را عهددار بود و

درین سال بنیابت تولیت آستان قدس

رضوی منصوب گردیده بخراسان

رفت در ۱۳۳۵ آقامیرزا محسن (۱)

که از علمای معروف تهران بود به نیابت

تولیت انتخاب و در سال ۱۳۳۶ مقتول

گردید پس از وی لطفعلی خان

قویم السلطنه از شوال ۱۳۳۶ تا

محرم ۱۳۳۶ از جانب دربار در

امور مدرسه مداخله مستقیم نموده

سپس در کابینه و نوق الدوله سلیمان



مرحوم موثق الدوله

خان عضدالملک در محرم ۱۳۳۶ نائب التولیه شده و تاذی الحججه سال

۱۳۳۷ مشارالیه باین سمت برقرار بوده است .

در سال ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ مرحوم قویم السلطنه و سپس شاهزاده

موثق الدوله وزیر دربار مستقیماً از طرف مقام سلطنت بامور مدرسه

رسیدگی مینموده اند .

در جمادی الاولی ۱۳۳۹ و قسمتی از ۱۳۴۰ مرحوم حاج شیخ محمد

معروف به ابن الشیخ نیابت تولیت یافته است در ۱۳۴۱ برای سومین دفعه

مرحوم موثق الملک از طرف دربار در امور مدرسه مداخله نموده و در سال

۱۳۴۲ برای سومین بار جناب آقای ظهیر الاسلام نائب التولیه گردیده

۱ - مرحوم آقامیرزا محسن صدرالعلماء فرزند سید محمد باقر صدرالعلماء است

که در ۱۳۳۶ قمری موقع عبور در بازار حلیی سازهای طهران بقتل رسید .

و تا ماه چهارم از سال ۱۳۴۴ قمری ( تیر ماه ۱۳۰۴ شمسی ) باین سمت

برقرار بوده اند .



مرحوم ابن الشیخ

در ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۴ مرحوم

آقا سید حسن مدرس از طرف

ریاست وزراء و دربار در امور

مدرسه و موقوفات آن مداخله نموده

و اقداماتی کرده اند از جمله ابتداء

موضوع امتحان طلاب را بمیان

آورده و از نوظلابی برای مدرسه

معین کرد مرحوم مدرس اولین

مؤسس برنامه رسمی این مدرسه

میباشد که باتهییه و تدوین نظامنامه ای

برای طلاب سر و صورتی بامور تحصیلی مدرسه عالی سپهسالار دادند

و مرحوم قراقرز او هم دنباله اقدامات مرحوم مدرس را گرفت ولی

بجائی نرسید .

مرحوم مدرس جهت اعضاء و کارکنان حقوق متناسب معلوم نمود

و عوایدی جهت مدرسه ایجاد کرده و برای ازدیاد در آمد موقوفات

زحماتی کشیده چنانکه عواید را در سال اول در حدود ۱۳ هزار تومان

و در سال دوم بالغ بر ۱۶ هزار و در سال سوم به ۲۴ هزار تومان رسانید .

مرحوم مدرس بیشتر هم خود را معطوف بتکمیل بنای مدرسه

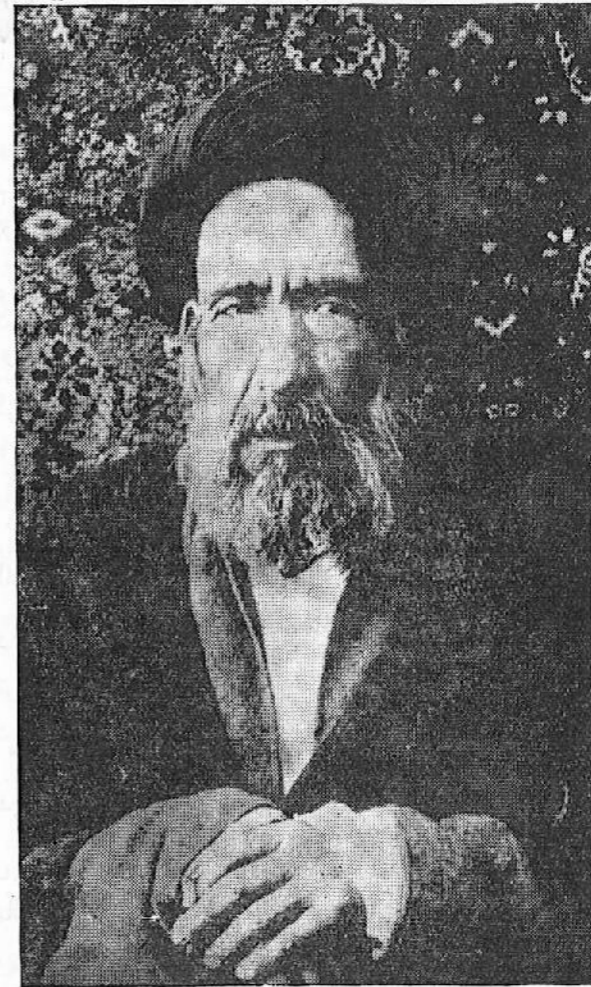
نموده و دکا کینی نیز در جنب مدرسه ساخته و در داخله مدرسه ایوان

غربی و ایوان جنوبی طرف مقصوره را با قسمتهای مختلف دیگر مرمت

و کاشی کاری کرده است .

در ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۴۷ ( ۱۳۰۷ ) جناب آقای صادق صادق

(مستشار الدوله) از طرف مقام سلطنت بنیابت تولیت مدرسه بر قرار گردیده و در دوره او گنبد مقصوره مسجد که کاشیهای آن ریخته



مرحوم آقاسید حسن مدرس

و رو بخرابی میرفت تعمیر و مجدداً گنبد کاشی کاری شد .  
در اول بهمن ماه ۱۳۴۹ قمری (۱۳۰۹ شمسی) حسب الامر ملوکانه

نیابت تولیت مدرسه و موقوفات آن رسماً بوزیران فرهنگ محول گردید و این امر تا شهریور ماه ۱۳۲۲ ادامه داشت.



جناب آقای صادق صادق  
مستشار الدوله

وزیران فرهنگ هر يك در دوران نیابت تولیت خود خدماتی باین مدرسه نموده و برای تنظیم امور آموزشی و افزایش درآمدها موقوفات آن زحماتی کشیده اند .

جناب آقای علی اصغر حکمت که از رجال برجسته و مطلع و دانشمند ایران بوده و در کشورهای خارج نیز شهرت فراوانی دارند در بین وزیران فرهنگ خدماتی شایسته بمدرسه عالی سپسالار نموده اند .

چنانکه در شهریور ماه ۱۳۱۲ که ایشان نیابت تولیت مدرسه را

عهده دار شدند ابتدا باز دیاد در آمد موقوفات پرداخته و بر حسب دستور ایشان برای مدرسه بودجه ای تنظیم و صورت دقیق عایدات و مخارج را تهیه کردند و سپس قروض مدرسه را مستهلک و نسبت به تعمیر و عمران رقبات موقوفه اقداماتی بعمل آوردند بنای دکا کین دارالشفاء واقع



جناب آقای علی اصغر حکمت در خیابان بوذرجمهری مقابل مسجد شاه و عمارت فرهنگستان که برای محل کتابخانه مدرسه ساخته شده نتیجه

زحمات ایشان است .

جناب آقای حکمت برای امور علمی مدرسه شورای مدرسین را تشکیل داده و شخصاً در جلسات آن شرکت میکردند تا اساسنامه و آئین نامه و برنامه‌ای مطابق مقتضیات روز تهیه و تدوین و طلاب مدرسه مطابق آن مشغول تحصیل شدند .

طبع جلد اول و دوم فهرست کتب خطی کتابخانه نیز از خدمات ایشان میباشد آقای حکمت تعمیراتی هم در قسمت‌های مختلفه مدرسه انجام داده و آثاری از خود بر جای گذارده اند (۱) .

در تاریخ پنجم شهریور ماه ۱۳۲۲ از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی جناب آقای محسن صدر (صدرالاشراف) که از رجال بافضل و متدین کشور میباشند و در آنه موقع عهده‌دار وزارت دادگستری بودند بسمت نیابت تولیت مدرسه منصوب و مشغول کار شدند .

در آبانماه همانسال جناب آقای صدر قانون اصلاح ماده ۱۴ قانون شورایعالی فرهنگ را تهیه و بتصویب مجلس شورای ملی رساندند . بموجب این قانون باید شورائی مرکب از ده نفر از علما و دانشمندان معروف کشور بنام شورای علوم دینی در مدرسه عالی سپهسالار برای اهتمام در تنظیم امور مدارس قدیمه و سعی در ترقی و تکمیل علوم دینیه تشکیل شود . جناب آقای صدرالاشراف سعی وافیه برای اجرای وقفنامه میداشتند و بهمین جهت چند نفر طلبه در مدرسه پذیرفته و مشغول تحصیل شدند .

در تاریخ دوم مرداد ماه ۱۳۲۵ شمسی برای چهارمین بار جناب

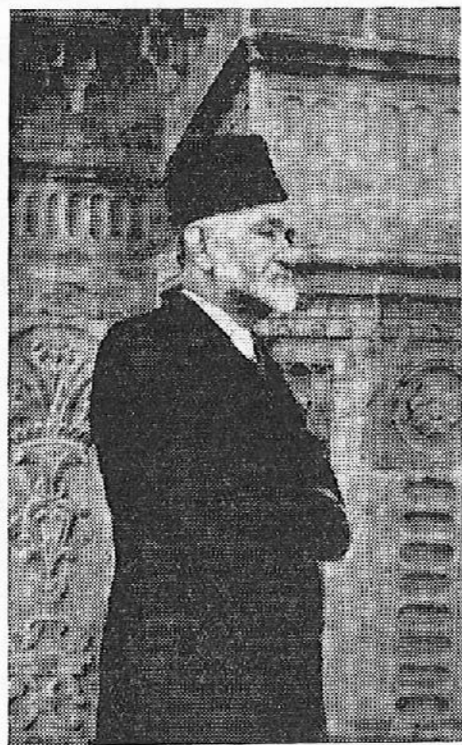
(۱) جناب آقای علی اصغر حکمت فرزند مرحوم میرزا احمد علیخان حشمت الممالک شیرازی متولد در ۲۳ رمضان ۱۳۱۰ قمری در شیراز میباشند که معلومات ابتدائی را در شیراز فرا گرفته و برای تحصیل دوره متوسطه بتهران آمده و سپس در سال ۱۳۰۹ شمسی از طرف وزارت دادگستری برای تکمیل تحصیلات عالی بار و بارفتند . در شهریور ۱۳۱۲ بکفالت و سپس وزارت فرهنگ منصوب شدند و در مواقع مختلف عهده‌دار وزارتخانه‌های بهداری - دادگستری - کشور - امور خارجه و غیره بوده اند .

آقای ظهیر الاسلام بنیابت تولیت مدرسه منصوب گشتند و در دوره نیابت تولیت خودشان مصدر خدماتی شدند .

از جمله برای ازدیاد موقوفات بتجدید اجاره رقبات اقدام و در

جلو دبستان سعدی در خیابان برق دکا کینی احداث و کاروانسرا و دکا کین جنب مدرسه واقع در خیابان نظامیه را خراب و بساختن چهل باب مغازه مشغول شدند .

بر حسب دستور ایشان در بنای مسجد و مدرسه تعمیراتی انجام و کاشی‌ها مرمت یافته است . در دوره جناب آقای ظهیر الاسلام حجرات مدرسه سیم کشی شده



جناب آقای ظهیر الاسلام

و مقرری طلاب افزایش یافته و برای امور آموزشی مدرسه هم اساسنامه و برنامه و آئین نامه ای تهیه و تدوین گردیده است .

بطوریکه در وقفنامه مصرح و مسطور است

نظار مدرسه

نظارت موقوفات، مدرسه و مسجد و جریان

اوضاع و عوائد و مخارج آن بقید مادام الحیوة با شخص یحیی خان مشیرالدوله بوده و ایشان بعد از سپهسالار مدتی را که حیات داشته‌اند

تا سال ۱۳۰۹ هجری قمری در تکمیل و اتمام بنای مدرسه با نهایت دلسوزی و مراقبت اهتمام نموده و در اثر جدیت و فعالیت او ساختمان این بنا تا حدیکه ممکن بوده انجام گرفته است.

پس از مشیرالدوله نظارت با ارشد و اصلح اولاد ذکور ایشان شد و مرحوم حاج میرزا حسینخان معتمدالملک باین سمت منصوب گردید. بعد از فوت مرحوم معتمدالملک چون ایشان اولاد ذکوری نداشتند در تاریخ دهم مهرماه ۱۳۲۲ بر حسب دستور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی جناب آقای ابراهیم آشتیانی که از رجال باتقوی میباشند برای نظارت موقوفات مدرسه عالی سپهسالار انتخاب و هم اکنون باین سمت اشتغال دارند.

بطوریکه در متن وقفنامه تصریح گردیده  
مدرسان مدرسه  
برای تدریس قسمت معقول مدرسه مرحوم

میرزا ابولحسن جلوئه اصفهانی (۱) حکیم عارف و دانشمند معروف و جهت تدریس منقول مرحوم حاج آقا محمد نجم آبادی رازی عالم و مجتهد مشهور انتخاب شده بودند.

موقعیکه بنای مدرسه قابل استفاده شد مرحوم حاج میرزا ابوالفضل مجتهد کلانتر تهرانی تا وقتی که بود در این مدرسه فقه و اصول تدریس مینمود. در دوره حاج میرزا ابوالفضل، آقامیرزا حسین حکیم سبزواری از شاگردان موجه مرحوم حاج ملاهادی حکیم سبزواری که از اساتید عالی مقام در حکمت و ریاضی بوده چند ماهی در این مدرسه علوم ریاضی و حکمت تدریس مینموده است.

۱ - میرزا ابوالحسن جلوئه حکیم عالی مقام و دانشمند و فیلسوف و متاله مشهور است. او فرزند سید محمد زواره اصفهانی است مرحوم جلوئه در دوره زندگانی منبع فیض و ریش لالی حکمت و عرفان بود و مدتها حکما و فضیای طهران از محضرش استفاده مینموده اند.

دانشمند مذکور را حاشیه بر اسفار آخوند ملا صدرا و تعلیقه بر شرح هدایه میبندی است و فاش در سال ۱۳۱۴ قمری و مدفنش در باغ ابن بابویه میباشد.

مرحوم آقامیرزا هاشم حکیم اشکوری گیلانی معروف هم مدت چندین سال در قسمت معقول مدرسه مدرس بوده اند و تا ۱۳۳۳ قمری پایان عمر خود بامر تدریس اشتغال داشته استاد مزبور اغلب در موقع حل و تصفیه امور مدرسه و مسائل لازمه آن اهتمام و توجیهد مساعی میکرده است. پس از وی مرحوم حاجی شیخعلی حکیم نوری که از اساتید مزوف وقت بوده برای تدریس معقول بجای حکیم گیلانی تعیین شد.

مرحوم حاج شیخ عبدالنبی که از معارف علمای عصر بوده نیز در این مدرسه قسمت منقول را از فقه و اصول و غیره تدریس مینمود. در دوره اخیر مرحوم آقا شیخ محمد حسین یزدی متوفی بسال ۱۳۵۲ بتدریس فقه و اصول در این مدرسه مشغول بود.

مرحوم میرزا طاهر تنکابنی (۱) (طبرسی) هم که از اساتید عالی مقام معقول بود مدتها در این مدرسه تدریس نموده است.

مرحوم آقا شیخ آقا بزرگ ساوچی که از بزرگان فضل و ادب بوده عهده دار تدریس قسمت ادبیات مدرسه بود و نیز مرحوم صدرالعلمای شیرازی متوفی در ۱۹ رجب ۱۳۳۱ قمری مدتی تدریس ادبیات در این مدرسه مینموده و جناب آقای میرزا احمد آشتیانی هم که از دانشمندان معاصر میباشند چندی در این مدرسه بتدریس معقول اشتغال داشته اند.

از جمله دانشمندانی که در این مدرسه بعنوان  
تالی مدرسان  
تالی مدرس تدریس نموده اند آقا شیخعلی نوری است که مدتها در قسمت مقدماتی فقه و اصول اشتغال داشته و دیگر مرحوم میرزا محمد تقی متوفی بسال ۱۳۳۷ فرزند سلطان العلماء بود که مدتی در این مدرسه تدریس مینمود.

مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی نیز رشته ای از تدریس را بعهده داشته

۱ - مرحوم میرزا طاهر تنکابنی از دانشمندان و اساتید معروف در کلام و حکمت و صاحب حاشیه بر کتاب جوهر النضید علامه و رسائل عدیده در منطق و غیره است.

قمری) بر حسب خواهش و دعوت مرحوم حاج ملاعلی کنی و یحیی خان مشیرالدوله بطهران آمده و ده روز آخر ماه رمضان را باقامه نماز جماعت در میان مقصوره مسجد قیام فرموده و در منبر افاضه میفرمودند.

زمان مراجعت از ارض اقدس مجدداً در ماه محرم در طهران چند روزی اقامت و بنماز جماعت و موعظه در شبستان مسجد سپهسالار قیام فرمودند.



بعد از آن مرحوم آخوند ملا محمدعلی رستم آبادی در زمان نظارت یحیی خان مشیرالدوله ماه رمضان المبارک را تا چند سال در مسجد امامت جماعت مینمود.

مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا ابوالفضل کلانتر طهرانی هم از دوره اشتغال بامور مدرسه اقامه جماعت و امامت کرده و بعد از وی

مرحوم آیت الله  
حاج شیخ محمد جعفر شوشتری

مرحوم حاج میرزا کاظم آقای تبریزی با عنوان نیابت تولیت امام جماعت بوده و در دوره نیابت تولیت ایشان پس از چندی مرحوم آقا سید کمال الدین فرزند مرحوم آقا سید اسماعیل بهبهانی بسمت امام جماعت مسجد انتخاب شده اند.

بعد از وی مرحوم حجة الاسلام آقا شیخ محمد آقا طالقانی که عالمی بزرگ و صاحب فضل و تقوی بود بامامت جماعت رسمی برقرار شده و سالها این مقام را عهده دار بودند و اغلب شبها را بعد از ادای فریضه به بیان مسائل لازم شرعی و تقریر مطالب واجبه عملیه مبادرت

و همچنین آقای شیخ احمد نوری تالی مدرس فقه و اصول بوده اند. آقا شیخ محمد حسین دامغانی و حاجی میرزا ابراهیم مازندرانی هم در این مدرسه تالی مدرس معقول و منقول بوده اند.

اول کسی که در مسجد سپهسالار اقامه نماز جماعت نموده و خلقی انبوه بحضورش اقتدا نموده اند مرحوم آیت الله حاجی شیخ محمد جعفر شوشتری (۱) اعلی الله مقامه بوده که آن عالم بزرگ در سفریکه از نجف اشرف بعزم زیارت آستان قدس رضوی بخراسان حرکت فرموده و بزایوه مقدسه حضرت عبدالعظیم درری ورود نمودند (ماه صیام ۱۳۰۲)

۱ - مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری فرزند مرحوم حاج ملاحسین بن حاج ملاعلی شوشتری از خاندان کبار اهل فضل و دانش و از فحول علمای اعلام و اکابر دانشمندان زمان خود بود.

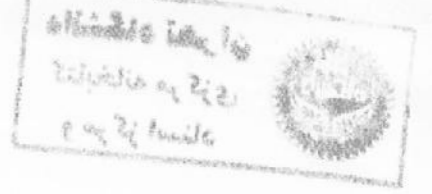
ولادت این عالم بزرگ در شوشتر بسال ۱۲۳۰ هجری قمری میباشد. مرحوم شوشتری در هشت سالگی از شوشتر با والد خود برای تحصیل و نیل بمقامات عالیّه بنجف اشرف مشرف شده در محضر علمای بزرگ از قبیل مرحوم شیخ حسن فرزند شیخ جعفر کبیر و مرحوم شیخ راضی نجفی و مرحوم سید عبدالله نواده سید نعمت اله جزائری و مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری تلمذ نموده است مؤلفات این دانشمند عالی مقام عبارت است از کتاب خصائل السنیّه - منهج الرشاد در فقه - کتاب مجالس و مواعظ - کتاب فوائد المشاهد و چند کتاب دیگر در فقه و اصول و غیره. مرحوم شیخ در موقع وعظ و منبر مانند بحری مواج بود و هزاران مردم از طبقات مختلف در اطراف منبر وی گرد آمده و از محضر شریفش استفاده مینمودند.

عالم مزبور در ماه رمضان سال ۱۳۰۲ هجری قمری برای تشریف بارش اقدس بحضرت عبدالعظیم وارد شدند و مرحوم حاج ملاعلی کنی که اعلم علمای طهران و نافذ الامر آن اوان بودند از حضرتش دعوت ضیافت بطهران نموده و از طرف دولت وقت هم نهایت احترامات لازمه از آن عالم بزرگوار بعمل آمد.

مرحوم شیخ ابتدا در مدرسه خان مروی و سپس بخواش مشیرالدوله در مسجد سپهسالار باقامه نماز جماعت قیام فرمود.

روزنامه شرف در شماره ۳۲ سال ۱۳۰۲ قمری مینویسد «روزی متجاوز از چهل هزار نفر از اهالی بایشان اقتدا مینمودند و بعد از نماز همه روز بنبر گرفته از مواعظ مردم رامستفیض و روز عید فطر بطرف مشهد حرکت فرمودند.»

وفاتش در سال ۱۳۰۳ هجری قمری موقع مراجعت از زیات روضه رضوی (ع) در قریه کرند کرمانشاه بود و جسدش را با تجلیلات زیادی بنجف اشرف انتقال دادند.



میفرمود بعد از ایشان مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ اسحق (متولد ۱۳۰۰ قمری هجری) فرزند مرحوم حاج میرزا حبیب الله مجتهد رشتی بامامت جماعت انتخاب گردیده و سپس در مرداد ماه ۱۳۱۷ حضرت حجة الاسلام آقای حاج آقا رفیع رفیع باین سمت منسوب شدند.  
از جمله کسانی که در این مسجد نیابت امام جماعت نموده اند مرحوم سید العلماء چهارانی است که در دوره نیابت تولیت حاج میرزا کاظم آقا تبریزی نایب امام بوده و نیز مرحوم آقا شیخ مسیح طالقانی تا چندی در دوره اول نیابت تولیت جناب آقای ظهیر الاسلام نایب امام بوده و بعدها خود امام جماعت گردیده است.

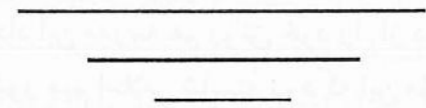
در دوره امامت مرحوم آقا شیخ محمد آقا طالقانی چندی حجة الاسلام آقا سید آقا بابا نایب امام مسجد سپهسالار بوده و بعد مرحوم حجة الاسلام شیخ جعفر نهاوندی باین سمت منصوب و فعلاً آقای حاج شیخ محمد جواد جبار اللهی نایب امام میباشند.

بعدها از مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری  
واعظ مسجد  
اعلی الله مقامه مدتی مرحوم حاج ملا باقر  
واعظ در مسجد سپهسالار موعظه مینموده و بعد از او چندی مرحوم  
شیخ رئیس و از سال ۱۳۳۰ قمری تا کنون آقای حاج میرزا عبدالله سبوحی  
واعظ مسجد سپهسالار میباشند.

مدیران کتابخانه و  
اطباء مدرسه  
در زمان مشیرالدوله اداره کتابخانه مدرسه  
با مرحوم حاج ملا محمد ابراهیم ملاحی  
لاریجانی معلم او بوده و بعد از او میرزا  
ابوالقاسم فرزندان شد ملاحی مدیر کتابخانه گردیده و سپس بدیع الحکما  
پسر دیگر ملاحی در اوایل مشروطیت حافظ کتب و ضمناً طبیب

طلاب هم بوده است و نیز سقراط الحکماء تا سال ۱۳۳۱ قمری طبیب رسمی مدرسه بود.

در سال ۱۳۳۸ قمری زمان نیابت تولیت عضد الملک آقای حاج آقا احمد آل آقا بریاست کتابخانه انتخاب و از آنوقت تا کنون با دو نفر کتابدار آقایان اسداله آل آقا و حاج سید فتح اله آل آقا امور کتابخانه را عهده دار میباشند.



## بخش چهارم

### اوضاع فعلی مدرسه عالی سپهسالار

چنانکه گفته شد هنگامیکه نیابت تولیت مدرسه عالی سپهسالار بوزیران فرهنگ تفویض شد، ابتدا دانشکده معقول و منقول و سپس مؤسسه وعظ و خطابه در این مدرسه تأسیس و در دانشکده معقول و منقول ۱۲ دوره و در مؤسسه وعظ و خطابه دو دوره فارغ التحصیل شدند. ساختمانی هم در زمینهای مدرسه سپهسالار شد که فعلاً انجمن فرهنگستان ایران است دانشکده معقول و منقول هم موقتاً در آن ساختمان میباشد و در نظر است این محل که متعلق بمدرسه عالی سپهسالار است بکتابخانه مدرسه و محل سخنرانیها اختصاص داده شود.

پس از حادثه شهر یور ۱۳۲۰ اخلاقی در امور مدرسه رخ داد و به تبعیت از سایر آشفتهگیهای که در اثر جنگ جهانی در کارهای کشور مارخ داد این مدرسه هم رونق خود را از دست داد و برای پایتخت يك کشور مهم اسلامی شایسته نبود که این مؤسسه دینی و علمی واجد عظمت و منشاء اثر نباشد و این موضوع بیش از همه مورد توجه شهریار داد گستر و معرفت پرور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی محمد رضاشاه پهلوی قرار گرفته بود و سال گذشته امر فرمودند که دانشگاه روحانی در این مدرسه تأسیس گردد و با اینکه در روز افتتاح دانشگاه روحانی شخصاً تشریف فرما شدند ولی آنطور که منظور نظر و موافق همت عالی شاهانه بود نشد و وضع مالی مدرسه نیز رو بخرابی گذاشته بود بطوریکه مبلغی مقروض بانکها و مؤسسات دیگر شده بود.

در تاریخ ۲۹ مرداد ماه ۱۳۲۹ اراده مبارک شاهانه تعلق گرفت که مصلح بزرگوار علامه حاجی سیدالعرفانین را که از شخصیتهای ممتاز

در کشور های اسلامی است و علماء و رؤساء و بزرگان عالم اسلام اهمیت بسزائی برای ایشان قائلند بنیابت تولیت عظمی برقرار سازند و فرمانی از طرف قرین الشرف شاهانه شرف صدور یافت .



نظر باینکه تولیت مدرسه عالی سپهسالار مطابق وقفنامه برعهده شخص ماست و ضرورت دارد برای رسیدگی بامور آنجا شخصی را که مورد اعتماد باشد تعیین نماییم لهذا بموجب این دستخط جناب سیدالعرفانین را بسمت نیابت تولیت مدرسه عالی سپهسالار منصوب و مقرر میداریم که در حسن اداره و نظم و ترتیب امور مدرسه کمال مراقبت بعمل آورده از اهتمامات خود خاطر ما را قرین خشنودی دارد بدیهی است امور مالی مدرسه باید کما فی السابق تحت نظارت وزارت دربار شاهنشاهی و تصویب ما انجام گردد .

کاخ سعدآباد . بتاريخ بیست و نهم مرداد ماه ۱۳۲۹

فرمان مبارک شاهانه

صدور این فرمان که مؤید توجه خاص همایونی باین مؤسسه

دینی و علمی بود تأثیر خاصی در میان مسلمانان ایران و جهان نمود و آنرا بفال نیک گرفتند.

حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء که آن اوقات در طهران تشریف داشتند صبح یکشنبه ۵ شهریور ماه بهمراهی نیابت تولیت عظمی بمدرسه عالی سپهسالار تشریف آوردند.

علماء و مدرسین مدرسه سپهسالار و جمعی از وزیران و نمایندگان مجلسین و استادان دانشگاه و مدیران جراید و گروه زیادی از تجار و اصناف برای تبریک و عرض خیر مقدم در داخل و خارج مدرسه ایستاده بودند و کثرت جمعیت بعدی بود که مأمورین انتظامی بزحمت انتظامات را برقرار میساختند.

حضرت حجت الاسلام کمره ای از جانب علمای طهران و آقای جلال اللهی امام مدرسه سپهسالار از جانب مدرسه سپهسالار و علامه آقای سید حسین کاشانی از جانب مدرسین و جناب آقای فروهر از جانب هیئت دولت و آقای همایون کفیل شهرداری بنمایندگی از اهالی طهران خیر مقدم گفتند. علمای زاویه مقدسه هم اعلامیه بشرح زیر صادر کرده بودند:

### نامه هیئت علمیه

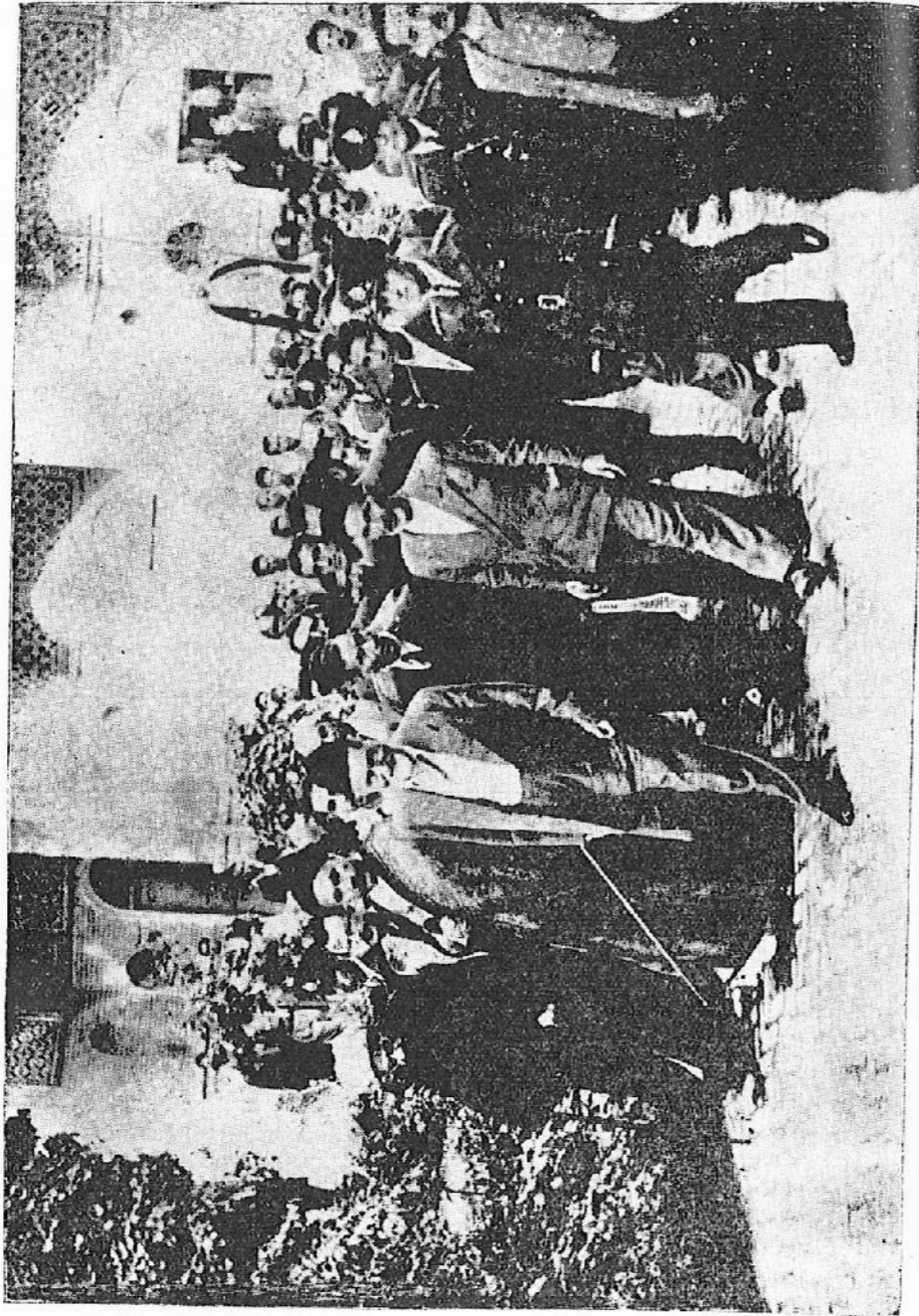
زاویه مقدسه

در باره انتصاب حجت الاسلام سید اعرافین

انتخاب حجة الاسلام سید اعرافین که از شخصیت های ممتاز بشمار میروند بر ریاست دانشگاه روحانی و نیابت تولیت مدرسه سپهسالار موجب امیدواری قاطبه مسلمانان و تشکرات عمومی است

هیئت علمیه زاویه مقدسه از بذل توجهات ملوکانه نسبت باین مؤسسه دینی سپاسگزار است و از خداوند جل جلاله مسئلت دارد که این حسن انتخاب را بسلامت مبارک گرداند.

الاحقر عبدالرحیم آیت الله کنی - الاحقر حاج برهان العلماء کنی - الاحقر سید اسمعیل موسوی الشیرازی - الاحقر سید مهدی صدر - الاحقر سید رضای مرتضوی حسینی - الاحقر سید حسن الموسوی - الاحقر الجانی ابراهیم قدسی - الاحقر امیر محمد رضوی - الاحقر سید محمود الموسوی - الاحقر ابوالحسن الحسینی فتوحی - الاحقر اسد الله دوروسی - الاحقر سید تقی صدر -



نیابت تولیت عظمی بهمراهی آیت الله کاشف الغطاء وارد محوط مدرسه میشوند



آننگاه استاد محترم آقای سید حسین کاشانی قصیده ذیل را در ستایش علامه بزرگوار سید الهراقین که سروده بودند خواندند

بسم الله الرحمن الرحيم

تلم فنون العلم يا طالب الهدى  
فتحصيله فرض على كل مسلم  
وما هو الا سلم يرتقى به  
ونور به كم نور الله قلب من  
فكم من حسيب طيب الاصل ماجد  
وامسى مهانا وهو من خير عنصر  
رعاش مسود اميت الذكر خامدا  
وكم خامل نال العلمى باقتناه  
وشفت اسماع الملا حسن صيته  
واصبح بحرأ بالفواضل مفعماً  
له الله من بحر خضم ومورد  
عوارفه وفر بها متلاطم  
لك الله يا قلب الاديب ام عن  
وتعزى نياط البيد فى ظهر متامر  
انخه رعاك الله وانزل لرشف ما  
من الشرع العذب الهنيئى ارتشافه  
ومن معهد العلم الذى امر به  
هو المدرس العالى الذى فى رجامه  
هو المدرس العالى الذى حجراته  
فكم من فتى فى العلم مجتهد بها  
مكب على تحصيله طول ليله

من المهد حتى للجد حما مؤبدا  
ليحظى بنيل المكرمات ليسعدا  
الى مرتقى فيه السلام تمهدا  
دنالسا برق له لاح فاهتدى  
تردى ردا، للذل اذعنه جردا  
زكا فى رياض المجد فرعا ومحمدا  
رآباه كم فاقوا علا، وسوددا  
وفى افق العليا، اشرق فرقدنا  
وغار باصقاع البقاع وانجدا  
وبدرا بأفاق الفضائل موقدا  
لوارده الظمان يهنى موردا  
معارفه زهر بها لاح مزبدا  
مناهل تتراد وهداً وفد قدنا  
من العيس فيها هائماً مترددا  
عدا لتليل الظالمين مبردا  
لرشف كم مسه الم الصدى  
اذا ما اتاه فى ارتقاه تعهدنا  
هزار رياض الفضل باليهن غردا  
بدت مبديات للهدى كل مقتدى  
ليصبح فى عقد العلوم مقلدا  
كما التذ فيه ان يكون مسهدا

بييت بها يدعو المهيم خاضعاً  
ملك العلمى الاسمى محمد الرضا  
وحامى حمى ملك المعالى بعزمه  
رجد بشر العلم فيه معارفاً  
وامسى عذا بأ للعدى مثلماغدا  
له العلم الحكى عن قرح السما  
يحاكين منه العضب فى الفتك بالعدى  
حوى العزازئاً والعلاء سجية  
يفرق شبل السمال يجمع حصده  
له قلم يستخدم السرمان جرى  
وسيف يرى فى كفه منه قائم  
تمثل روح العقل فى شخصه فتى  
ايا طالب العدل القويم اعدلن الى  
ربارائد المعروف جى بابه تجد  
فلاغروان حل امره فى حماه ان  
وينصب عنه نائباً فى نظام ما  
ويصبح مصباحاً بمدرسة العلمى  
د يجعل فيها للمكارم قائدا  
خزينة اهل الفضل لكنىا بدت  
له طلعة غراء فى مطلع العلمى  
له المجد ارت والعالى مزينة  
له اعتيد بسط الكف فضلا فلز هنا  
فكم خدم للاسلام اصدق خدمة  
وفرق شمل المال فى جمع شملهم  
لقد حاز مضاراً من المجد والعلمى  
قتل للذى فى عز علياه طامع  
له الشرف الوضاح من آل هاشم  
فيا حجة الاسلام والشرح والتقى  
عليك سلام الله مازر شارق

لتأييده من فيه اضحى مؤبدا  
الذى بوضاً الاوصاف راق محمدا  
اعز شياً من ان تسمى مهندا  
طوالح اخضعن الدرارى سجدا  
سحاب الندى الهامى لجيناً وعسجدا  
عقبقا جماناً ناصعاً و زبرجدا  
وغرته الغراء و الغضب فى الندى  
وعلق الثنا كسبا اذ المال بدنا  
ليبقى له فى النشأتين مخلصدا  
على الطرس فى شقيقه ارؤس العدى  
وفى حده اضحى البغاء محصدا  
يواليه فخر ما الحديد ان جددا  
حمى ملكه الزاهى تجده مهندا  
اليه حديث العرف يرفع مستدا  
يشل مولى للعراقين سيدا  
بروق لاهل العلم عقداً منضدا  
زجاجته فيها يضئى محمدا  
تسلمه منها زمناً و مقودا  
بلا رصد للمجتدى حينما اجتدى  
تراقبه زهر الكواكب حسدا  
وكسب الثن ادب به قد تعودا  
الى القبض كف الكف عن قبضها بدا  
بروق لهم فى كل يوم تجددنا  
وصونهم من ان ينالوا البددا  
على غيره ماجد فى السبق ابعدا  
هدواً اليه لم تجد قط مصعدا  
ومن جده اعلى النسبى محمدا  
ومحمود رب الحمد اذلحة احمدا  
ومامنك للاسلام لاح سنا الهدى

آقای شیخ ردیف الغزالی مقیم کربلا نیز قصیده‌ای بزبان عربی در  
تهنیت سروده بودند که در میان جمع خواندند .

### در ستایش سیدالعراقین

قدغنت الدنيا بانشادها  
و ابتهجت اوجه غيه العلي  
و اختالت العليا في مشيها  
بت لها الافراح يوم رات  
محمد و شرعة الفضل له  
أضحى العراقان به تزدهي  
مذاحرزانشاه به موثقاً  
ولده و فقا لسبه سالالنتي  
فاشرقت طلعتة بالنسبا  
حاز علومالم تزن للورى  
هذى رياض العلم في كربلا  
لقد بنى في كربلا مكتباً  
فقيه الاسلام فيه اعتلت  
مصر و لبنان و ايران زهت  
خزانة و جده سقى الورى  
فهو قسيم النار و الخلد في  
من مثله و هو ابن خير الورى  
له الهامالي انصتت كلما  
مناقب حفت به جمعة  
سيد العراقين له حكمة

و اوفت العهد ببيادها  
و البشر قدحل با كبادها  
ساحبة اذيال ابرادها  
فيه الورى مبهج ارشادها  
بت قوى الحق بافرادها  
تجسبه اعظم اعيادها  
فاختاره من بين عبادها  
قد كان من ارفع عبادها  
و الشهب امت بعض حسادها  
الا فيباعداً باحادها  
تشفى به ادواء انكادها  
مندرجاً يطوى بافرادها  
نفاخر الشهب بنوادها  
وكان من اثبت اوتادها  
تروى ظمأ احشاء و رادها  
الحشر زهت روضاً لروادها  
اصلحها من بعد افسادها  
قام خطيباً فوق اعوادها  
قلت لها الشهب باعدادها  
انور من كوكب وقادها

قصائد و منظوماتی هم بزبان فارسی خوانده شد که یکی از آنها

درج میگردد :

شهنشاه دین پرور و دین بناه  
محمد رضا شاه ایران زمین  
جوان و جوان بخت و روشن ضمیر  
بروزی خجسته ، بقالی نکو  
که میر خردمند و الا کهر

که بر قلب ملت بود پادشاه  
که نازد بدو تاج و تخت و نگین  
بدولت جوان و بتدبیر پیر  
رقم کرد کلکش مثالی نکو  
محمد گزین پور خیر البشر

امیر العراقین ذوالاحترام  
بگیرد بکف امر روحانیان  
بدین جامع فرخ و جانفزای  
بلی از چنین شهریار بزوک  
نماینده شاه باید چنین  
نه تنها در ایران بود مستطاب  
در این ملک محبوب خاص است و عام  
همه پیشوایان مشرق زمین  
غنیمت شمارند گفتار او  
پذیره شونش بیجان هر کدام  
بزرگی که در دانش و در نسب  
زباکی و رادی بهر کس سرامت  
بهر جا که نام گرامش برند  
زهی مکتب فرخ علم و دین  
زهی مصلح راد و آذاده مرد  
خردمند و فعال و نام آوری  
بدین فکر و الای و طبع بلند  
بدین و بدانش تو خدمت کنی  
بدست توانای صدر اجل

جهان یادگاری ز قائم مقام (۱)  
فزاید از آن قدر ایرانیان  
شود نایب شاه و فرمانروای  
ندیده است گس غیر کاد بزوک  
هم او دانشی مرد و هم مرد دین  
بخاور بود شهره چون آفتاب  
بدینسان بسوریه و مصر و شام  
بزرگان دانش امیران دین  
ستایند رفتار و کردار او  
که هم نیک مرد است و هم نیک نام  
امیر عجم هست و فخر عرب  
که از دوده پاک پیغمبر است  
بزرگان بتعظیم نامش برند  
که پرورده مردی بدامان چنین  
بتدبیر و هشیاری از جمله فرد  
سیاست مداری و دین پروری  
یقین است در پیش هر هوشمند  
بسا خدمت ملک و ملت کنی  
شود مشکلاتی در این ملک حل

جناب آقای ظهیر الاسلام که قبلاً نیابت تولیت را عهده دار بودند  
صدور فرمان همایونی را دایر بانتصاب مصلح بزرگوار سیدالعراقین  
باطلاع حاضران رسانیدند و گفتند امیدوارم که نواقص این مؤسسه  
بدست حضرت سیدالعراقین مرتفع گردد و این مدرسه همدوش جامع  
الازهر مصر شود .

سپس آیت الله کاشف الغطاء رشته سخن رادر دست گرفتند و فرمودند

اشاره باین است که نیابت تولیت عظمی از احفاد مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام  
وزیر مشهور و دانشمند قاجاریه است .

من رجاء واثق دارم که باسر پرستی حجت الاسلام سیدالعراقین  
آرزو و انتظاری که مسلمانان ممالک دیگر از ایران و ایرانی ها دارند  
بر آورده شود .

توجه اعلی حضرت همایون شاهنشاه باین مؤسسه شریف ، اسباب  
خوشوقتی و امیدواری همه است و این پادشاه تنها پادشاه ایران نیست  
بلکه پادشاه تمام شیعیان جهان است ، خداوند بطول عمر و عزتش بیفزاید  
بسیار متوجه امور دینی یعنی معارف و حکم اسلامی بمعنی واقعی خودش  
میباشد و همین انتصاب جناب سیدالعراقین بهترین حجت است که این  
پادشاه توجه خاصی بدیانت حقه اسلام دارد زیرا جناب سیدالعراقین هم  
صاحب شخصیت بزرگ هستند و هم احتیاج بامور مادی ندارند و خداوند  
ایشان را بی نیاز کرده است .

اینکه اشاره شد که مدرسه عالی سپهسالار هم دوش جامع الازهر مصر  
شود ، من قبول ندارم زیرا معنویت این محل بیشتر است و من آرزو مندم  
که مجاهدت جناب سیدالعراقین بزودی ثمر دهد .  
پس از بیانات آیت الله آل کاشف الغطاء ، جناب سیدالعراقین بیاناتی  
بشرح زیر ایراد کردند .

#### بیانات جناب سیدالعراقین نیابت تولیت عظمی

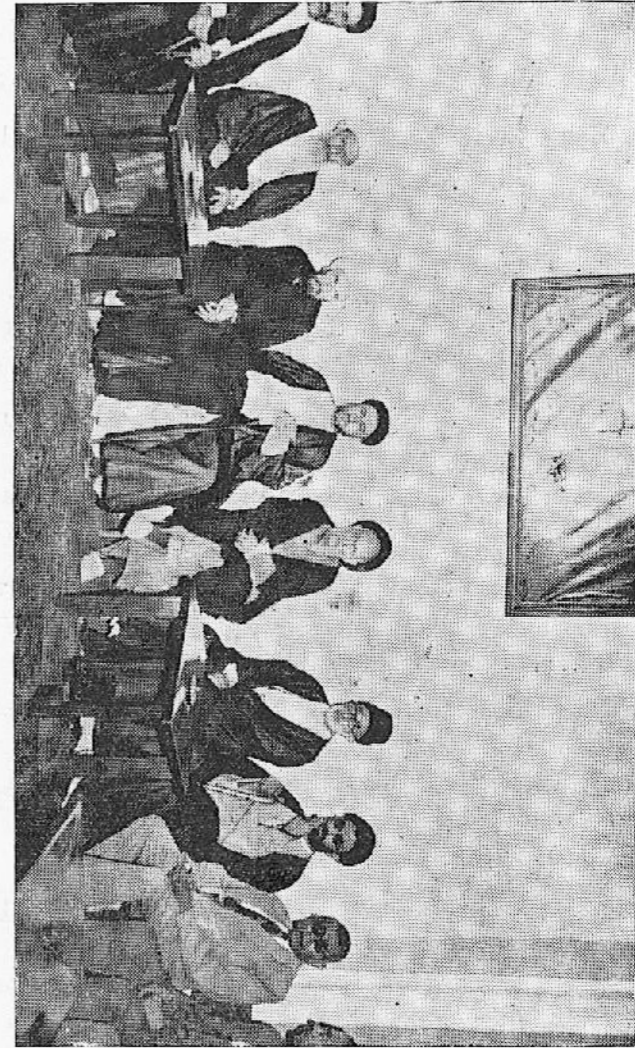
منظور من از قبول این مقام ، نخست امتثال امر شاهنشاه میباشد  
که اطاعت امر ایشان بر هر مسلمانی فرض است اطیعوا الله و اطیعوا الرسول  
و اولی الامر منکم .

سپس منظور من این است که باین دانشگاه و این مؤسسه دینی سرو  
صورتی بدهم و اینکار محتاج عنایت و همراهی آقایان است که بحول و  
قوه الهی و توجه شاهنشاه و مساعدت کسانی که در این امر دخیل و ذیمدخل  
هستند بخدمتی بعالم اسلام و در نتیجه بعظمت کشور موفق شویم .



حضرت آیت الله کاشف الغطاء و حضرت حجة الاسلام سیدالعراقین

من از این احساسات برادرانه و حسن ظن آقایان متشکرم و امیدوارم  
شکرانه این محبت ها را بتوانم با خدمت باین مؤسسه دینی و علمی ادا نمایم



منظره‌ای از تالار مدرس در حالی که آیت الله کاشف الغطاء بیاناتی میسر مایند

سپس نیابت تولیت عظمی به همراهی آیت الله کاشف الغطاء مدرس را  
بازدید کردند و چون عده زیادی برای عرض تبریک از طبقات مختلفه

آمده بودند تا یک ساعت بعد از ظهر آن روز پذیرائی و عرض تبریک ادامه داشت.  
عصر روز دوشنبه هم مجلس ضیافتی در مدرسه عالی سپهسالار



صف جلو آیت الله کاشف الغطاء و نیابت تولیت عظمی و جنابان سفیر کبیر عراق و سفیر دولت  
سعودی و سفیر کبیر افغانستان و سفیر کبیر مصر و وزیر فرهنگ دیده میشوند

بر پا شد که در آن تمام سفیران ممالک اسلامی مقیم طهران و بسیاری از رجال مهم و دانشمندان حضور داشتند .

در این ضیافت چند تن از نمایندگان کشور های اسلامی بیاناتی راجع بعظمت اسلام و اتحاد و یگانگی مسلمین و اینکه علمای ایران



آقای سعید نفیسی و نیابت تولیت عظمی و آقای دهمد او آ آی فروزانفر و آقای احمد حامد عراقی خدمات گرانبھائی بعالم اسلام نموده اند ایراد و از توجه شاهانه بامور دیانت و انتصاب حجة الاسلام سید المراقین بنیابت تولیت مدرسه عالی سپهسالار و ریاست دانشگاه روحانی ستایش کردند و مجلس بدعای خیر ذات مبارک شاهانه خاتمه یافت و آیت الله کاشف الغطاء نیز باحاضرین تودیع نموده صبح آنشب بعقبات عالیات مراجعت کردند .

### النظافة من الايمان

یکی از کارهایی که روزهای اولیه انجام شد تمیز کردن حجرات و تهیه آب مشروب برای طلاب بود

حجرات که غالباً تاریک و کثیف بود بهیچ وجه شایستگی سکونت برای طلاب را نداشتند و هنگامیکه بنظافت آنها پرداختند دو بست کامیون خاک و خاشاک و زباله که سالها در حجرات و گوشه و کنار مدرسه بود بخارج شهر بردند و حجرات را ضد عفونی کردند و نواقص کلی حجرات را مرتفع کردند

کنتور برق مدرسه از دفتر مدرسه مجزی شد که در حجرات اضافه از موقع لزوم برق مصرف نشود و بعلاوه حجرات مدرسه طبق دستور واقف فقط بطلاب علوم دینی اختصاص داده شد و از ورود کسانی که بعنوان مهمان و غیره در حجره ها بیتوته میگردند جلو گیری گردید . ورود و خروج اشخاص خارجی « جز در موقع نماز برای کسانی که میخواهند بمسجد بروند » در تمام مدت ممنوع است و طلاب نیز بایستی قبل از ساعت نه بعد از ظهر در حجرات خود باشند .

بدیهی است برای دانشمندانی که بکتابخانه میخواهند مراجعه کنند و سیاحان و مستشرقینی که میخواهند این بنای اسلامی را مشاهده یا عکس برداری نمایند با اجازه و اطلاع قبلی هیچ گونه ممانعتی بعمل نخواهد آمد . دفتر حاضر وغایبی هم برای آقایان طلاب علوم دینی گذاشته شده که در آخر هر ماه بامضای مدرسین مربوطه میرسد و چنانچه غیبتی داشته باشند از حقوق آنها کسر خواهد شد و بعلاوه در شورای مدرسین که هر هفته با حضور نیابت تولیت عظمی تشکیل میشود پیشرفت تحصیلی و حسن اخلاق طلاب هم مورد بحث قرار میگیرد .

علاقه مندی شدید آقایان مدرسین در جلسات شوری و همچنین

حضور متوالی و بدون غیبت آنان در ساعات‌های مقررہ قابل تقدیر است  
و در این چندماه بیش از پیش علاقه باصلاح و عظمت این مؤسسه دینی  
و علمی بخرج میدهند متأسفانه تاکنون مدرسه عالی سپهسالار نتوانسته



نیابت تولیت عظمی در طرفین ایشان آقای دکتر سیاسی  
طهران و آقای سفیر کبیر عمران

است شخصیت‌های علمی چنانچه منظور نظر واقف است بجامعه اهداء  
نماید امسال کلاس ششم که مرحله نهائی است بدستور نیابت تولیت عظمی  
تشکیل و چهار نفر از اساتید مدرسه که از شخصیت‌های بزرگ علمی و عبارت  
از جناب شیخ محمد علی لواسانی و جناب سید کاظم عصار و جناب آیت الله  
زاده مازندرانی و جناب آقای وحید گلپایگانی هستند صبح و عصر در این  
کلاس مشغول افاضه و تدریس میباشند و سال آینده چندتن مجتهد بجامعه  
اسلامی اهداء مینمایند .

روز افتتاح درمانگاه و نصب بلندگو و اتصال مدرسه سپهسالار  
بدستگاه فرستنده رادیو تهران

روز عید غدیر که از اعیاد بزرگ شیعیان است دوکار مهم در  
مدرسه سپهسالار بدست توانای حضرت علامه بزرگوار حاجی  
سیدالمرقین انجام گرفت که هر کدام قابل یاد آوری و ضبط در تاریخ  
است : نخست ایجاد درمانگاهی بنام درمانگاه مدرسه عالی سپهسالار  
که عموم طلاب علوم دینی و اهل علم مقیم طهران بتوانند از طبیب و  
داروی آن بر ایگان بهره‌مند شوند .

آقای دکتر فقیهی شیرازی و آقای دکتر سید جعفر شمس  
پزشکان مشهور ، متصدی این درمانگاه هستند که سرویس صبح و عصر  
را بنوبت اداره میکنند و دارو نیز تا آنجا که ممکن بوده است در دسترس  
آنان گذارده شده است .

هنگام افتتاح این درمانگاه نیابت تولیت عظمی بیانات ذیل را  
ایراد نمودند :

بسم الله الرحمن الرحيم

در نتیجه تأکیدات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دست بیک  
رشته اصلاحات زده ایم که آقایان مدرسین و طلاب از آن آگاهند .

امروز که روزی مبارک و فرخنده است این درمانگاه را افتتاح  
میکنم و امیدوارم که روز بروز بتوانیم بکیفیت و کمیت آن بیفزائیم .  
توجهات همایونی بجامعه روحانیت ما را تشویق میکند که وسایل  
آسایش ساکنان مدرسه سپهسالار را فراهم کنیم و اکنون با ایجاد این  
درمانگاه ، یکی از کارهای لازم و ضروری این مؤسسه انجام شد .

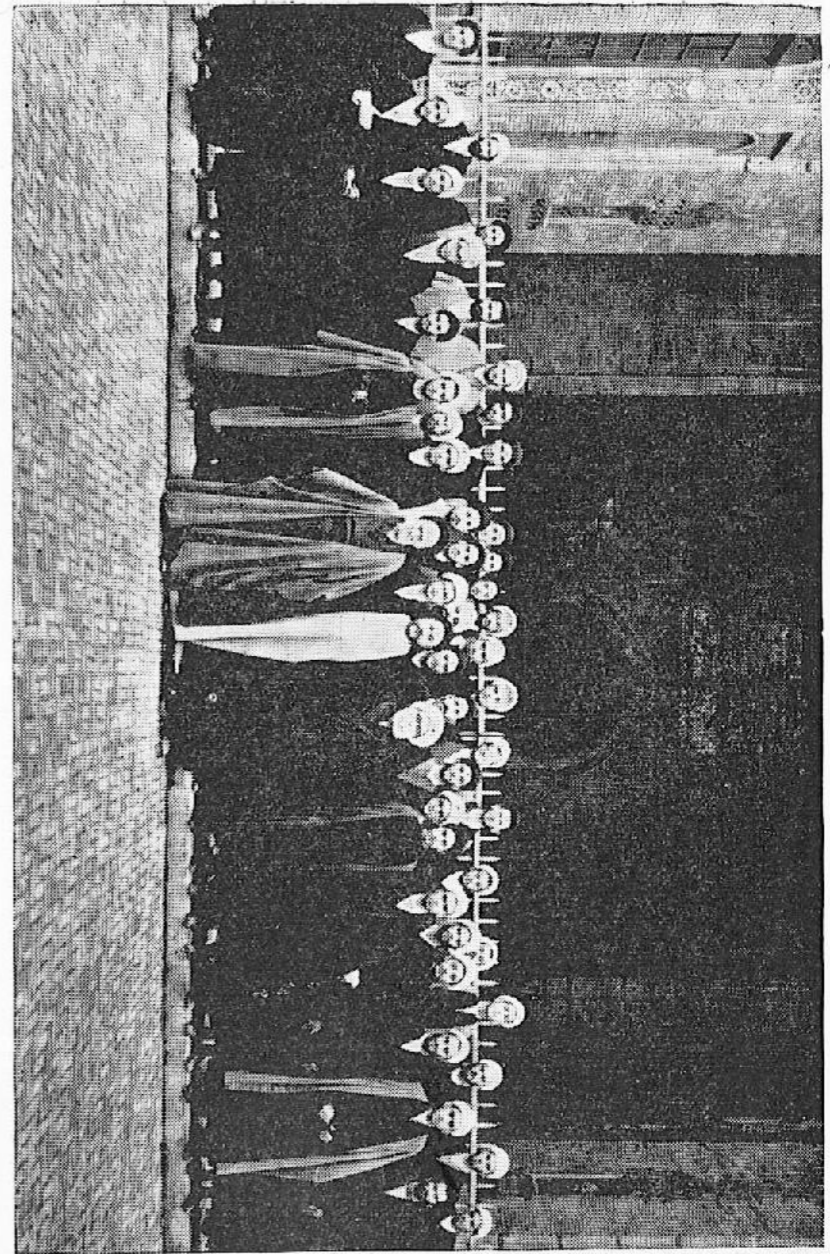
در هیچیک از ادیان مانند دین حنیف اسلام برای حفظ بهداشت تأکید  
نشده است و در این دین مبین است که دانش بهداشت را در شمار علم  
دین آورده و فرموده است : العلم علمان الادیان و علم الابدان

فعلاً خوشوقتیم که آب مشروب و گوآرا و روشنائی و نظافت  
حجرات تأمین شده و با این درمانگاه هم میتوانیم هر کدام از مدرسین  
و طلاب علوم دینیہ را که بیمار شوند معالجه کنیم و مخصوصاً دستور  
داده ام که پزشکان این درمانگاه صبح و عصر حاضر باشند و شب نیز  
تلفن مخصوص در اختیار آقایان طلاب است که در موقع لزوم



آقای دکتر فقیہی شیرازی از اطباء مشهور و مدیر روزنامه پرچم اسلام

طیب معالج را احضار نمایند و بعلاوه چون قصد بانی اولیه و نیت پاک  
اعلی حضرت همایون شاهنشاهی تولیت عظمی رفاه اهل علم و دانش است



حضرت آقای سیدالعراقین نبات تولیت عظمی در میان طلاب علوم دینیہ  
جناب آقای لواسانی و جناب آقای سید حسین کاشانی طرفین ایشان

علماء و دانشمندان خارج از مدرسه نیز میتوانند برایگان از طبیب و دارو استفاده کنند.

من امیدوارم همانگونه که شبانه روز کوشش میکنم تا آقایان طلاب علوم دینی در رفاه باشند آنها نیز سعی بلیغ کنند که دانشمندی برجسته و صاحب ملکات فاضله باشند و برای خدمت بکشور و شاهنشاه عضو مفیدی بشمار آیند سپس آقای محسن نقوی از طرف طلاب علوم دینی خطابه زیر را خواندند:

مدعوین محترم این بنده از طرف عموم طلاب و محصلین مدرسه عالی سپهسالار موقع را غنیمت شمرده و از توجهات مخصوصه اخیر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بامور این بنگاه بزرگ روحانی و اوامر مؤکدی که برای اصلاح اساسی و وضع تحصیلی ماصادر فرموده و شخصیت بارز ولایقی مانند حضرت حجة الاسلام آقای حاج سیدال عراقین را برای انجام این امر انتخاب فرموده اند تشکرات قلبی خود را تقدیم میدارم. خواجه آنست که باشد غم خدمتکارش از چنین شاهنشاه رؤف و دانشمندی جز این انتظار نمیرفت و ما امیدواریم بتوانیم این بذل توجه و ابراز مرحمت مخصوص ذات اقدس ملوکانه را با سعی و کوشش بسیار برای استفاده از وسائلی که در دسترس ماست تحت سرپرستی نیابت تولیت عظمی و تعالیم مدرسین عالیقدر خود جبران و خود را فرزندان میهن پرست و شاهدوست تربیت نمائیم.

حضرت آقای حاج سیدال عراقین در اینمدت کوتاه که از طرف ذات ملوکانه مأمور اصلاح این مؤسسه مهم روحانی شده اند قدم های بزرگی در اصلاح وضع عمومی مدرسه مخصوصاً قسمت بهداشت آن برداشته اند اطاقهای ما پاك و تمیز گشت فرشها که سالهای متمادی گردوغبار مذلت بر روی آنها جایگزین شده بود شسته شد آب آشامیدنی

ما که واقماً قابل خوردن نبود و مورث امراض گوناگون بود مبدل بآب گوارا و پاك گردید بطوریکه نگرانی مامحصلین و طلاب را مرتفع ساخته است حقوق ما با اینکه وضع مالی مدرسه کاملاً سروصورتی بخود نگرفته پرداخته شده است و قطع دارم در آینده نیز مرتباً پرداخت خواهد شد و وسائل آسایش ما فراهم خواهد گشت از همه بالاتر تذکرات اخلاقی و اندرزهای حکیمانه ایست که حضرت تعالی بمامیدهد و ما را در طی طریق کمال هدایت میفرماید و اثرات این راهنماییها در اینمدت کوتاه ظاهر شده است



حضرت آقای سید  
العراقین در ما نگاه  
مدرسه عالی سپهسالار که  
بامر مبارک اعلیحضرت  
همایون شاهنشاه و با  
همت و تصمیم حضرت تعالی  
افتتاح میشود خود قدم  
مهمی است که در بهبود  
وضع بهداشت و حفظ

آقای دکتر سید جعفر شمس از پزشکان مشهور

صحت مامحصلین و طلاب علوم دینی بر داشته شده ما تا بحال هر موقع بیماری و کسالت دچار میشدیم مجبور بودیم در خارج بطیب مراجعه کنیم ولی اکنون که با تأسیس این درمانگاه و وجود پزشکان حاذق و دانشمند و وسائل طبی و دارو فراهم شده میتوانیم هر موقع که دچار بیماری شدیم با کمال سهولت بمعالجه پردازیم سایر طلاب مدارس از اینه مؤسسه خیریه بهداشتی میتوانند استفاده کنند چون بهمت و توانائی حضرت تعالی و اوقیم



یقین داریم سایر اصلاحاتی که در نظر دارید بتدریج عملی خواهد شد در خاتمه مجدداً از طرف خود و سایر محصلین بحضرتعالی اطمینان میدهم که برای جبران مساعی و زحمات شبانه روزی سعی خواهیم کرد که در تکمیل معلومات خود جدیت شایان بنمائیم تا پس از ختم تحصیلات بتوانیم تحت توجهات اعلیحضرت‌هایون شاهنشاه جوانبخت محمد رضا شاه پهلوی در خدمت بجامعه و دین مقدس اسلام اقدام نمائیم.

#### نصب بلندگو

ظهر روز عید غدیر صدای مؤذن مدرسه عالی سپهسالار بگوش همه جهانیان رسید و مردمی که در آن روز برای تبریک عید غدیر بحضور مصلح بزرگوار نیابت تولیت عظمی آمده بودند شاهد یک منظره دلپذیر و مستمع یک سلسله بیانات شدند که اینک بشرح آن می پردازیم پس از اینکه مدرسه سپهسالار بدستگاه رادیوی طهران نصب شد و این مؤسسه بزرگ علمی و دینی بدنیای خارج متصل گردید ابتدا مؤذن اذان گفت و سپس قاری سوره مبارکه «هل اتی» را تلاوت کرد و در میان شادی و مسرت عموم نیابت تولیت عظمی بیانات زیر را ایراد فرمودند:

#### اینک هتق بیانات

بسم الله الرحمن الرحيم

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالتک.

شنوندگان محترم امروز روز هیجدهم ماه ذیحجه الحرام و روز عید غدیر خم است امروز یکی از بزرگترین روزهای اسلامی و مهمترین افتخار عالم تشیع است بانفاق محققین علمای مسلمین از عامه و خاصه در چنین روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم موقع مراجعت از



آقای مهندس فراهانی متخصص فنی دستگاه فرستنده مدرسه سپهسالار و معاون ایشان

حجۃ الوداع در غدیر خم بین مکه و مدینه در برابر جمع کثیری خطبه‌ای را انشاء و حضرت علی علیه السلام را بمقام ولایت در جامعه مسلمین معرفی فرمود و در باره آن حضرت فرمود است اولی بکم من انفسکم قالوا بلی پس فرمودند من کنت مولاه فہذا علی مولاه پیغمبر راستگوی که جز از طریق وحی سخن نمیگوید مقام ولایت و اولویت خود را که خداوند در کتاب مجید برای او مقرر نموده برای علی علیه السلام اثبات و او را جانشین خود نمود.

اینجانب افتخار دارم که در چنین روز مقدسی از مدرسه عالی سپہسالار کہ مدرس فقه و معارف جعفر بن محمد علیہ السلام است تہریکات صمیمانہ خود را در این عید سعید تقدیم کلیہ شیعیان جہان نمودہ و ضمناً شہای از این مدرسہ اسلامی باطلاع شنوندگان محترم برسانم مدرسہ عالی سپہسالاریکی از بہترین ابنیہ اسلامی در کشور ایران است این مدرسہ فعلا دارای ۹۰ نفر محصل است کہ در حجرات آن سکنی دارند و ۱۸ نفر از علماء و دانشمندان استاد این مدرسہ هستند کہ در رشته‌های مختلف علوم دینی تدریس میکنند.

در این چند ہفتہ ای کہ اینجانب با مر اعلی حضرت ہمایون شاہنشاهی عہدہ دار تنظیم امور مدرسہ هستم در مانگاہی بنام در مانگاہ مدرسہ عالی سپہسالار تأسیس یافتہ این در مانگاہ در صبح و عصر برای مراجعہ کلیہ آقایان علماء و طلاب علوم دینیہ تہران و ولایات آمادہ است و داروہای لازم مجاناً در دسترس آقایان گذارده شدہ است . بہترین امر مورد توجہ تہیہ و وسیلۂ تبلیغ و معرفی مذهب مقدس جعفری ب مردم جہان بخصوص کشورہای اسلامی میباشد زیرا دیر زمانی است کہ در اثر بارہای تبلیغات مسمومہ و خلاف واقع عالم تشیع را نزد ملل اسلامی متہم و بعقاید سخیفہ منتسب نمودہ اند .

در حالیکہ شیعیان حقیقی کسانی هستند کہ تعلیمات رسول اکرم را از بہترین و مقدس ترین منبع فضیلت و کمال یعنی اہل بیت طہارت



آقای راشد خطیب مشہور از فرستندہ مدرسہ عالی سپہسالار جہانیان را بعظمت اسلام آگاہ میکند

اخذ نمودہ اند شیعیان درس توحید و خدا پرستی را از بزرگترین شاگرد مکتب رسول اسلام مولی الموحدین علی علیہ السلام آموختہ و دستورات اخلاقی و عملی اسلام را از بیانات اہل بیت بخصوص حضرت جعفر بن محمد علیہ السلام گرفته اند مذهب مقدس جعفری مذهب بحث و تحقیق در کتاب و سنت و دقت در مبادی اسلام است . علی التحقیق مذهب شیعہ از نظر بحث علمی در فقه و احکام زندہ ترین فرق اسلامی است و پیوستہ از قرون اولیہ اسلام تا کنون مجتہدین بزرگ و علمای عالی مقامی در این مکتب تربیت شدہ و در کتاب و سنت تعمق و دقت نمودہ و فقه اسلام را زندہ نگاہ داشته اند مع الاسف کسانی ندانستہ یا از روی عناد سخنان ناروایی در بارہ پیروان مذهب جعفری علیہ السلام گفتہ و اذہان بسیاری از مسلمین جہان را مشوب نمودہ اند .



آقای صدر بلاغی خطیب مشهور از فرستنده مدرسه عالی سپهسالار مشغول افاضه و تبلیغ  
جهانیان بدیانت حنیف اسلام میباشد

بدیهی است چون برای مبارزه با آن تبلیغات دروغ و برای معرفی عقاید حقه و احکام منزّه مذهب شیعه جز بسط و انتشار حقایق راهی نیست لذا از پیشگاه اعلیٰ حضرت همایونی که پیوسته بنشر معارف اسلامی و تجلیل مقام روحانیت ابراز علاقه فرموده اند استجازه نموده که دستگاه بخشی در داخل مدرسه نصب و در دسترس علماء و مدرسین محترم گذارده شود که لدی الاقتضاء آقایان علماء و دانشمندان محترم اسلامی بتوانند مقالات عالمانه خود را بجمع عموم برسانند.

امید است بدینوسیله بتوانیم مذهب مقدس جعفری را که مذهب رسمی کشور ایران است بعالم معرفی نموده و بانشر مقالات دانشمندان عقاید جامعه را تحکیم و افراد را بدین مقدس اسلام که دین عقل و علم است بیش از پیش متوجه نماییم.

شنوندگان گرامی چون بیشتر اوقات اینجانب در این چند هفته مصروف تنظیم امور داخلی مدرسه عالی سپهسالار و ترتیب امور تحصیلی طلاب و غیره بود فرصتی برای تهیه و ترتیب برنامه فرستنده مدرسه و ساعات سخنرانی نبود. امروز فقط بمناسبت عید غدیر بافتخار مدرسه دستگاه فرستنده را افتتاح نموده امید است در آتیّه نزدیکی برنامه سخنرانیهای مدرسه مشروحاً با اطلاع شنوندگان محترم برسد.

در خاتمه افتخار دارم که این مدرسه اسلامی مورد توجه مخصوص حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی دام برکاته که در رأس روحانیت عالم تشیع است واقع شود و از کلیه علماء و دانشمندان درخواست مینماید که با کمک های علمی و قلمی خود وسائل نشر و حقایق اسلامی را فراهم نموده و باعث سر بلندی و اعتلای این مؤسسه فرهنگی اسلامی گردند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

عزاداری مدرسه سپهسالار و اقامه سوگواری  
از طرف دربار شاهنشاهی در این مدرسه

سال گذشته بر حسب امر شاهنشاه روز روضه خوانی در چهل



ستون مسجد منعقد گردید و فقط  
مجلس تعزیت محدود و در داخل  
چهلستون بود که متأسفانه حادثه  
شومی رخ داد و مرحوم عبدالحسین  
هژبروزیر دربار شاهنشاهی مقتول  
گردید ولی امسال ده شب از طرف  
نیابت تولیت عظمی مجلس عزاداری  
برپا گردید که بغیر از اطعام مسا کین  
همه شب نیز عده‌ای از وجوه اهالی  
هیئت دولت و نمایندگان مجلسین  
و سفیران ممالک اسلامی و سایر  
رجال و دانشمندان پذیرائی شدند

جناب آقای حاج میرزا عبدالله همدانی واعظ  
شهرهنگام وعظ در مدرسه عالی سپهسالار

و از بیانات و عاظ و اهل منبر مستفیض  
گردیدند: بجز مجلس سوگواری از

طرف مدرسه عالی سپهسالار شهریار دین پرور ایران مقرر فرمودند که  
سه روز نیز از طرف اعلیحضرت ایشان، مجلس سوگواری برپا شود  
و در تمام این ایام و لیالی کثرت جمعیت بحدی بود که تا کنون سابقه  
نداشته و تمام صحن مدرسه و حجرات مملو از جمعیت بود و بیشتر مردم  
تهران در این سوگواریها شرکت کردند و انتظامات بقدری برقرار



آقای امیر ناصر خدایار مسئول قسمت رادیویی

بود که مورد تحسین همه واقع شد و جلسات با نظم و ترتیب پایان یافت  
بسیاری از واعظ و اهل منبر مقیم طهران در این جلسات مستمعین



جناب آقای حاج محمد تقی فلسفی واعظ شهیر هنگام وعظ در مدرسه عالی سپهسالار

را مستقیض کردند و چون بلند گو هم نصب شده بود در خیابان های  
اطراف نیز جمعیت کثیری بیانات واعظ را که ذکر محامد اهل بیت و  
ارشاد مردم برای خدمت بکشور و پادشاه بود استماع میکردند

عده ای از رجال و دانشمندان خارجی که در این سه چهار ماه  
مدرسه عالی سپهسالار را بازدید کرده اند از نظم و ترتیب مدرسه و  
نظافت آن تمجید و تقدیس نموده اند در تمام ایام ساعت هشت صبح  
کلیه حجرات و مسجد و صحن بزرگ مدرسه و حیاط دفتر و کتابخانه  
و بهداری پاکیزه شده و هر کس بکار خود مشغول است و میتواند  
ادعا کرد که نظم و ترتیب و نظافت این مؤسسه از هر مؤسسات ملی و  
دولتی بهتر میباشد

مطلبی که شایان یاد آوری است طرز رفتار آقایان طلاب  
علوم دینی است که در انرا شاد و سخن رانی ها و پندهای مصلح بزرگوار  
نیابت تولیت عظمی بشخصیت اجتماعی خود بهتر پی برده و هر کدام  
نموداری از وقار و متانت میباشد

از گفتگوها و هایپوبائی که غالباً در دانشکده های دیگر  
دیده میشود ساحت این مدرسه مبری است و همین مقدمات درست ،  
آینده درخشان و سودمندی را نوید میدهد.

این اصلاحات که مورد تقدیس عموم قرار گرفته است مورد توجه  
خاص همایونی واقع شده و در جواب تبریکی که بمناسبت میلاد مسعود  
مبارکشان عرض شده ، بخط مبارک دستخط ملاطفت آمیزی بعنوان نیابت  
تولیت عظمی مرقوم و شرف صدور یافته که عکس آن از نظر خوانندگان  
گرامی میگردد .



هنگام مسافرت علامه بزرگوار سیدالعراقین بکشور هاشمی اردن از طرف اعلیحضرت ملک عبداللہ  
پادشاہ ماوراء اردن تجلیل و پذیرائی شایانی از ایشان بعمل آمد .  
در این عکس اعلیحضرت پادشاہ ماوراء اردن و حضرت سیدالعراقین دیده میشوند



جناب سیدالعراقین نایب التولید مدرسہ عالیہ <sup>سلسلہ</sup>

از تبریکات و ادعیه خالصانہ ان جناب بمناسبت روز تولد آن بزرگوار

۱۳۲۹  
صبر نمودیم و ابانہ س

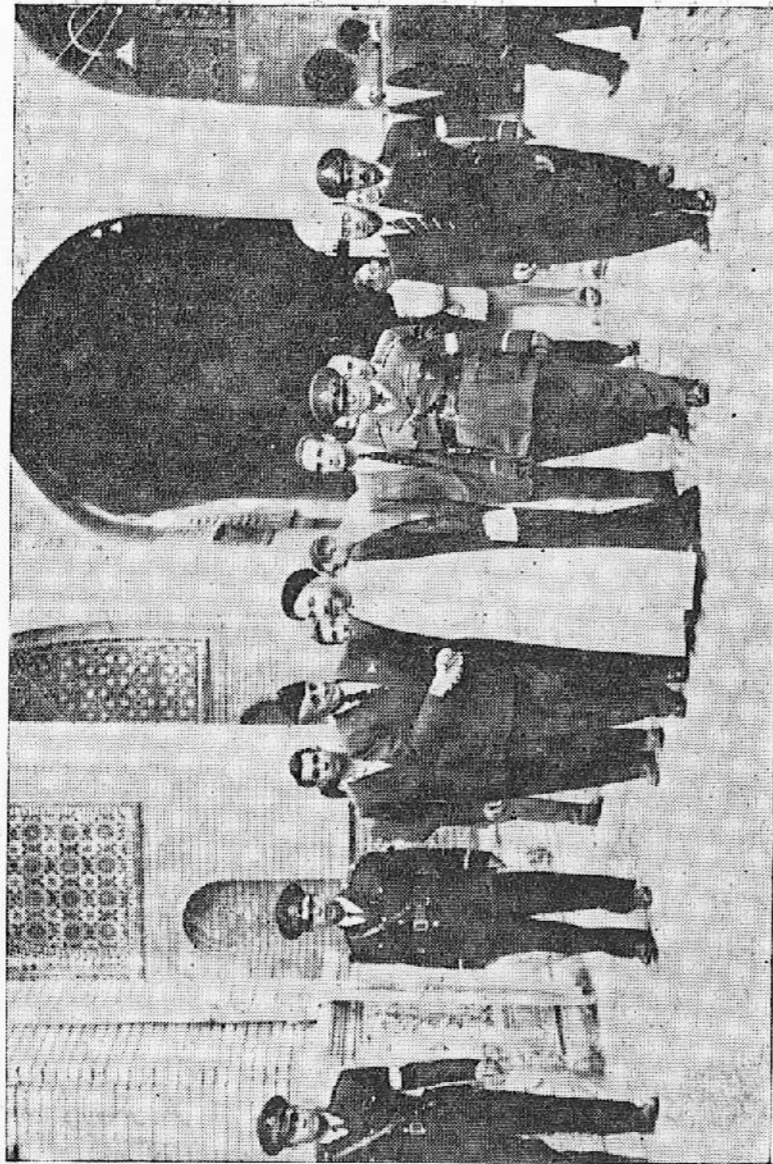
دستخط ملوکانہ

نمایندگان فوق العاده دول اسلامی در مدرسه سپهسالار یکی از وقایع مهم امسال که طهران بخود دید تشکیل کنفرانس اقتصادی اسلامی است که طبق تصمیم دول اسلامی دومین جلسه آن در طهران منعقد شد و نمایندگان دولت های مسلمان برای آشناسدن بامور اقتصادی و نزدیک شدن بهم در طهران گرد آمدند و يك روز هم برای مشاهده این بنای تاریخی و ملاقات حضرت سیدالعراقین بمدرسه سپهسالار آمدند . ساعت چهار بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۲ مهرماه ۱۳۲۹ عموم نمایندگان اعزامی دولت های مسلمان در این مدرسه پذیرائی شدند هنگام ورود بمدرسه ، جناب آقای علامه وحیدی بنمایندگی از طرف نیابت تولیت عظمی هیئت را استقبال کردند و خیر مقدم گفتند و آنان را بداخل مدرسه راهنمایی کردند سپس در داخل مدرسه ، مقام نیابت تولیت عظمی خیر مقدم گفتند و استادان مدرسه عالی سپهسالار را معرفی نمودند .

آنگاه آقایان طلاب علوم دینی که در محوطه مدرسه بحال اجتماع بودند با فریاد زنده باد شاهنشاه اسلام و پاینده باد اتحاد اسلامی ابراز احساسات نمودند و بعداً جناب آقای سیدحسین کاشانی قصیده ذیل را که سروده بودند خواندند .

بسم الله الرحمن الرحيم

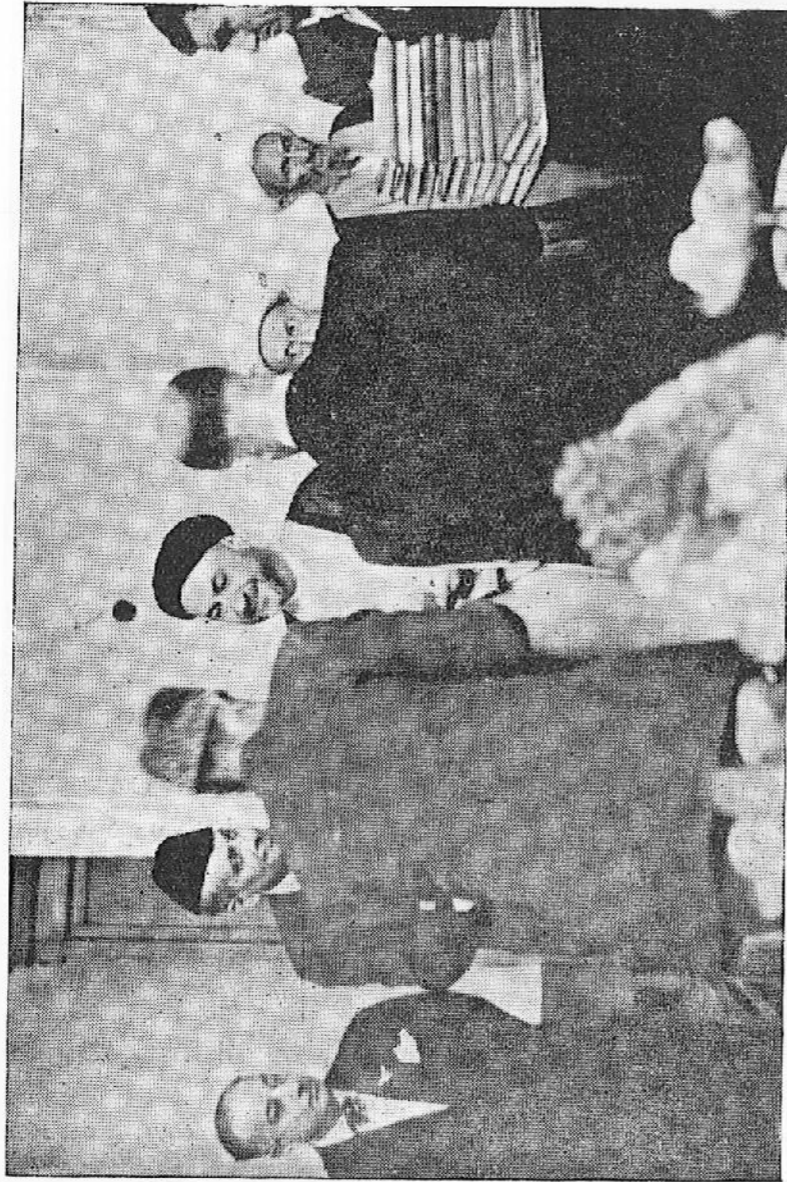
|                           |                          |
|---------------------------|--------------------------|
| اهلا با ضیاف ذوی الاقدام  | نحو اقتصاد طوائف الاسلام |
| اکرم بهذا الاقتصاد ولجنة  | فی نشره قامت اتم قیام    |
| یامرحبا فیکم و فیما دتم   | من مقصد زاه شریف سامی    |
| لذتم بحبل الاعتصام فلاحتم | لمجامع الاسلام خیر عصام  |
| وبما تمسکتکم به کم ارغمت  | بکم انوف ضراغم الاجام    |



در داخل مدرسه هنگامیکه نیابت تولیت عظمی بنمایندگان خیر مقدم میگویند

تبعا لوقده من تفرد عنكم  
يا حسن هذا المقصد الاسنى الذى  
قوت به عين الهدى وتهللت  
وبه استسر فواد طه اذراى  
ابرمت امرأ به فرح العلى  
يا خاصنى الدين المبين تنافسوا  
بحماية الاخوان فى دين الهدى  
وتبادر و التناول المجد النبى  
فى نشر انواع الصناعات التى  
وبها اعدوا ما استطعتم من قرى  
كمصانع و معامل و مناسج  
بالعلم نال الخصم كل مزية  
لولا اقتنا هم فنون العلم لم  
هنى فلسطين العزيزة افلتت  
والهند اصبح صارخا اسلامها  
والرزق فى كشمير اضحى مولما  
يا ملة الا سلام ان لم تنهضوا  
شمتت بنا اعدائنا يا بوس من  
فالى متى هذا التفرق سائد  
يا ايد الله المهيمين ديننا  
هذا واشكر غراضيف اتوا  
عنى وعن زملائى العلماء فى  
وتقدم الشكر الجزيل الى حمى  
ذى الطلعه الغرا محمد الرضا  
بتقابل الاضياف فى فرح وفى

مثلنذا بسفا سف الاحلام  
سينال فيه الدين كل مرام  
فيه وجوه قوابل الاعوام  
منكم زوال النقض بالابرار  
فرح الكفى بقائم الصمصام  
لنقائس الاعزاز والاكرام  
لكم فليس لكم سواها حامى  
فيه تمام العزو الاعظام  
تجمو الى الاسلام عز مقام  
فيها تؤيد ملة الاسلام  
و متاجر و محابرا الاعلام  
حاز المرام بها غداة خصام  
تنهب بلاد الله بالا رغام  
لعواثب الا وهام فى الافهام  
هل من معين او مجير حام  
اكبادنا بلواعج الالام  
فى نصرهم لستم من الاسلام  
كف الرمى له يصير الرامى  
فى جمعنا يدعوا الى الاعدام  
بمواعظ الخطباء والعلام  
للاتتلاف ورفع كل تحامى  
ذا المعهد العلمى للاعلام  
حامى الرعيه ملكنا المقدم  
الزاهى بافق الجعد بدر تمام  
وجه يبشرهم بنيل مرام



هنگامیکه علامه کبیر بهر کدام از نمایندگان محترم دول اسلامی کلام الله اهداء مینمایند



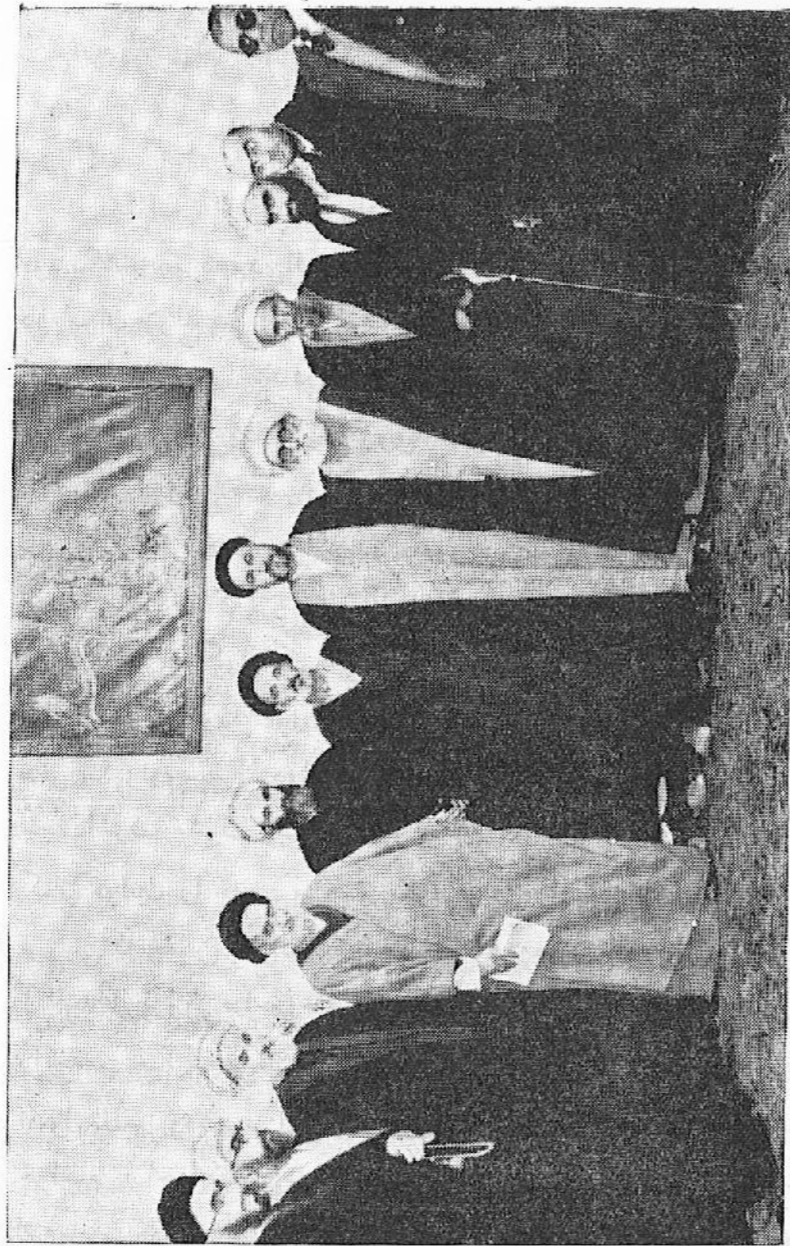
و بامره بالاحتقال بهم لیدی  
 فی معهد العلم الوضئین بنائب  
 مولی العراقین المحلق فی العلی  
 سیما السیادة لامع بجبینہ  
 دامت به ازیافہ مسرورۃ  
 ترحابہم بالفضل والانعام  
 عنہ لنظم الامرای نظام  
 بدرا وضیاً حجة الاسلام  
 متللاً فیہ اغرو سام  
 ما اطرب الاعضان سجع حمام

سپس بسالن پذیرائی هدایت شدند و در ضمن پذیرائی نطق های  
 بلیغی از جانب نمایندگان دول اسلامی و علامه حضرت سیدالعراقین و  
 دانشمندان دیگر ایراد شد آنگاه علامه بزرگوار نیابت تولیت عظمی  
 بهر کدام از نمایندگان دول اسلامی یکجگلد کلام الله مجید هدیه کردند  
 و اضافه نمودند برای ما مسلمان ها و برنامه اجتماعی ما این کتاب الاهی  
 کافی است و آرزو مندیم که این رشته ارتباط ، و واسطه آسمانی روز بروز  
 مارا بهم نزدیک تر سازد و بآن عظمتی که اسلام وعده فرموده نائل شویم

فاعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا

پس از پذیرائی شایان، میهمانان گرامی کتابخانه و سایر مؤسسات را  
 بازدید کردند و خواستند که در این بنای مقدس و تاریخی و با حضور علامه  
 سیدالعراقین عکسی از آنان برداشته شود .

این مجلس پذیرائی در این محیط روحانی بسیار باشکوه برگزار  
 شد و نمایندگان دول پس از ابراز خوشوقتی و خدا حافظی با فیلسوف  
 بزرگوار سیدالعراقین محیط مدرسه عالی سپهسالار را ترک گفتند .



از راست بچپ چنابان صادق نشأت - علامه وحیدی - میرزا حسین شیرازی - لواسانی -  
 عصار - نیابت تولیت عظمی . شیخ محمدعلی طالقانی - سید حسین کاشانی - نجم آبادی -  
 ابن الدین - سید محمود طالقانی اساتیه و مدرسین مدرسه عالی سپهسالار

### شرح حال جناب آقای لواسانی بقلم خود ایشان

بسم الله تعالى : احقر را شرح حال بطور اجمال بدین منوال است  
یوم یکشنبه سیزدهم ذی الحجه سال یکهزار و دو بیست و نود و هشت هجری  
در طهران متولد پس از ایام کودکی برسم معمول آن زمان در منزل  
خدمت چندین نفر استاد درس خوانده و در سن چهارده تاحدی از کتب  
معموله عربیه فارغ و در مدرسه مروی مشغول بتکمیل تحصیل علوم ادبیه  
گردیدم و نظر بعلاقه بسیار که با اشتغال علمی داشتم جدمبرورم عالم او اه  
حاجی ملاشکرالله طاب ثراه و پدر مغفور بزرگوارم مرحوم حاجی شیخ  
عیسی قدس سرهما که شرح حال و تألیفات آن دو در کتاب آنروالآنارو کتاب  
ذریعه علامه بزرگوار طهرانی ثبت و ضبط است من را با عدم قابلیت  
سنی از مدرس خود مشمول لطف و ترشحات علمیه میفرمودند در چهاردهم  
صفر یکهزار و سیصد و دو ازده هجری خدمت مرحوم والد برای تحصیل  
بنجف اشرف مشرف و بکتاب سطوح فقهیه و اصولیه مشغول گردیدم  
کتاب قوانین را خدمت مرحوم تحریر بزرگوار آقای حاجی سید آقا  
قزوینی که تخصص بسزادر این کتاب داشت و در محضر نادره زمان مرحوم  
آقا سید علی قزوینی صاحب حاشیه تلمذ فرموده بودند فرا گرفتم کتاب فصول  
را خدمت حکیم صمدانی مرحوم حاجی شیخ احمد شیرازی صاحب حاشیه  
فصول تلمذ نمودم سپس از محاضر آیات عظام آن اعوام مرحومین علامه  
خراسانی صاحب کفایه و سید طباطبائی بزدی صاحب عروة الوثقی و شریعه  
اصفهان قدس الله اسرار هم بقدر استعداد استفاده و استمداد نمودم و  
پس از هفت سال تشرف در ربیع الاول یکهزار و سیصد و نوزده هجری  
بطهران باز گشتم چون شوق معقول را هم تا اندازه داشتم و سنوات معدوده

از محضر درس حکیمین بارعین مرحومین حاج شیخ علی نوری صاحب  
حاشیه شوارق و حکیم الملهی ثانی مرحوم میرزا شمس الدین شاگرد  
مرحوم حکیم جامع و متکلم بارع حاجی سبزواری نورالله مضاجهم  
حاضر و از کتب مشهوره حکمت و کلام مستفید گردیدم و در مدرسه مروی  
بتدریس مطول و سطوح فقهیه و اصولیه مشغول شدم و در شعبان یکهزار  
و سیصد و چهل و یک هجری در مدرسه عالی سپهسالار بتدریس رسمی مشغول  
وسه رساله فقهیه و قضائیه در درایه حدیث را در آن مدرسه تالیف و تدریس  
نمودم و تا حال بیست و نه سال است بآداء و وظیفه تدریس منقول مشغول و  
از خداوند ترقی و تعالی این جامع اعظم روحانی را خواهانم .  
لاحقر الجانی ورهین الامال والامانی محمد علی اللواسانی

### استاد علامه سید کاظم عصار

حضرت آقای سید محمد کاظم فرزند آیت الله مرحوم حاجی  
سید محمد عصار در ۱۳۰۵ قمری هجری در کاظمین بدنیا آمده و در  
سال ۱۳۰۶ بمعیت والد ماجد خود بطهران وارد شده اند از سال ۱۳۱۰  
شروع بتحصیل نموده اند

تا سال ۱۳۲۳ در طهران بتحصیل ادبیات فارسی و عربی و سطوح  
فقه و اصول و کلام و فلسفه مشغول و بعداً باصفهان مسافرت نموده اند  
سه سال نیز در آن شهر بتحصیل فلسفه مشغول بودند و پس از مراجعت  
شش سال نزد مرحوم میرزا شهاب الدین شیرازی که از اساتید فلسفه  
بودند و نزد میرزا هاشم رشتی عارف مشهور و مرحوم آقا میرزا حسن  
کرمانشاهی فلسفه و عرفان خواندند و در همین اوان بتکمیل فقه و اصول  
نزد والد بزرگوارشان و آقای سید عبدالکریم شفتی و میر سید محمد  
تنکابنی اشتغال داشتند

در سال ۱۳۳۰ بعقبات عالیات مشرف شدند و ابتدا در سامره در

محضر آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی و پس از آن بنجف اشرف از محضر آیت الله مرحوم شریعت اصفهانی و مرحوم نائینی و آقا ضیاء عراقی و سید کاظم یزدی اعلی الله مقامهم استفاضه نمودند و از مرحومان آیت الله شیرازی و آیت الله شریعت اصفهانی و آیت الله عراقی اجازه اجتهاد دارند. استاد علامه عصار بسال ۱۳۴۰ هجری بطهران مراجعت و در مدرسه صدر و مدرسه عبدالله خان بتدریس و افاضه پرداختند و اکنون مدرس فلسفه در مدرسه عالی سپهسالار میباشند

تالیفات ایشان آنچه بطبع رسیده علم الحدیث و تفسیر کلام الله مجید و مسئله بد او آنچه تاکنون چاپ نشده نتایج الافکار و دوره فلسفه و نتایج الانظار در منطقیات و مقاضات در اصول فقه و غیره

#### جناب آقای آیت الله زاده مازندرانی

آقای حاج شیخ محمد باقر آیت الله زاده مازندرانی در سال ۱۳۰۳ هجری قمری در کربلا معلی در خانواده فقه و تقوی متولد و پرورش یافته اند شرح حال والد بزرگوار و جد عالی مقامشان در کتاب مآثر و الآثار و ملحقات روضات و سایر کتب تراجم احوال مشاهیر رجال و مراجع تقلید شیعه مذکور و این خاندان در عراق عرب و هند و ایران مشهورند علوم ادبیه و فقه و اصول را در کربلا و نجف نزد فحول مدرسین زمان خود خصوصاً آیات الله خراسانی و اصفهانی و حکمت و معقول را نزد مرحوم آقا شیخ احمد شیرازی و آخوند ملا علی محمد اصفهانی تحصیل نموده نبوغ علمی و دقت نظرشان از زمان جوانی مشهور و در عین حال که بدریافت اجازه اجتهاد از اساتید عظام خود موفق شده بودند بتکمیل مدارج آن اشتغال داشته و دچار کسالت مزاج گردیده ناچار بایران رهسپار و پس از معالجه در تهران بزیارت ارض اقدس رضوی سلام الله علیه نایل و در مراجعت بتقاضای دوستان خاندانشان به مازندران رفتند و مدتی

در ساری و سپس در بابل متوقف و در مدرسه صدر آنجا بتدریس فقه و اصول مشغول و در ماه مبارک رمضان باقامه نماز جماعت و افاضه تفسیر آیات قرآن باطرز مؤثری بدون اینکه بمنبر بروند اهالی را بحقوقشان آشنا فرموده و جوه طلاب و دانشمندان از بیاناتشان استفاضه مینمودند سبجات و مرقوماتشان در نهایت اتقان و یگانه محضر شرع مورد اطمینان بودند تا در سال ۱۳۰۶ شمسی هجری بابلاغ تلگرافی وزارت عدلیه برای تشکیل محکمه شرع خراسان به مشهد مقدس عزیمت نموده و با کمال قدرت قضایای مهمه متراکمه راحل و فصل فرموده و پس از مدتی بتهران مراجعت و در دادگستری تا کنون بوظائف شرعیه اشتغال دارند و مدتها در دانشکده حقوق استاد درس فقه بوده رساله دکتری ایشان مورد تقدیر و جزوات تدریس قانون مدنی و قانون ثبت در مجموعه حقوقی وزارت دادگستری و جدا گانه طبع و منتشر شده یادداشت های دیگر هم از نکات و دقائق علمی دارند که هنوز تنظیم و طبع نگردیده است.

در مدتی که بتدریس در مدرسه سپهسالار جدید اشتغال دارند از افکار صائبه ایشان در شورای مدرسین معظم استفاده شده و فوق العاده مورد علاقه مقام نیابت تولیت عظمی و آقایان اساتید عظام و عموم محصلین میباشند

#### جناب آقای وحید گلپایگانی

استاد محترم هدایت الله وحید گلپایگانی نسب ایشان منتهی میشود بمالك اشتر نخعی از بزرگان صحابه امیر المؤمنین علی علیه السلام و در سلسله آباء ایشان اغلب از علما و عباد و زهاد و بعضی صاحب مقامات و کرامات بودند و فعلاً هم قبور بعضی از آنها در گلپایگان مورد توجه عموم اهالی است ولادت ایشان روز سیزده ماه رجب سنه هزار و سیصد و هشت قمری در قریه گوگد که از قراء گلپایگان است در سال سوم تولد پدر ایشان برای تکمیل تحصیلات خود بنجف اشرف مشرف شده و کفالت ایشان

را بر عهده یکی از اعمام استاد که از بزرگان علماء گلپایگان بودند قرار دادند و پس از هفت سال اقامت در نجف و تکمیل تحصیل خود در حوزه درس مرحوم آیت الله علامه خراسانی و علامه سید محمد کاظم یزدی مراجعت بگلپایگان نموده در حالی که ایشان بسن ده بودند در همان اوان نوشتن و خواندن فارسی را آموخته و وارد مقدمات ادبیات شده و پس از فراغ از تحصیل علم نحو و صرف و منطق و ادبیات باندازه لزوم وارد سطوح گردیده سطح را نزد والد ماجد خود تلمذ نموده و در سنه هزار و سیصد و سی و شش قمری که مرحوم خلد آشیان آیت الله العظمی آقای شیخ عبدالکریم حایری یزدی از عراق هجرت بایران نمودند و در اراک اقامت نمودند ایشان هم هجرت بآراک نموده و از بدو شروع جناب معظم له در تدریس، ایشان هم در حوزه درس جنابشان حاضر و در خدمت ایشان اشتغال بتحصیل داشتند تا در سنه هزار و سیصد و چهل که حضرت آیت الله محل اقامت خود را تبدیل بارض اقدس قم نموده و تأسیس حوزه علمیه قم را نمودند ایشان هم بصحابت حضرت آیت الله مشرف بقم و تا ده سال هم در قم خدمت علامه حایری تلمذ می نمودند و در سال سیصد و پنجاه والد ایشان در گلپایگان مرحوم و بر حسب خواهش اهالی گلپایگان و امر حضرت آیت الله حائری بمحل اصلی خود معاودت نمودند و بامر ترویج و ارشاد مردم برداختند و در قریه گو گد که مسقط الرأس ایشان است و تا شهر گلپایگان شش کیلومتر فاصله است تأسیس مدرسه نمودند و در ظرف اقامتشان در آن محل متجاوز از چهل نفر محصل تربیت کردند که همه فعلا در قم مشغول بتحصیل و اغلب از فضایی حالیه قم بشمار میروند و در حدود سنه هزار و سیصد و شصت و شش از گلپایگان هجرت بطهران نموده و فعلا در مدرسه عالی سپهسالار بتدریس فقه اشتغال دارند .

### جناب آقای میرزا عباس حایری

استاد محترم آقای میرزا عباس حایری بواسطه حادثه ای که بر ایشان پیش آمده پای راستشان شکسته و چندی است در بیمارستان



فیروزآبادی بستری هستند شرحی از بستر بیماری تقریر کرده اند که ذیلا نگاشته میشود .

اسم من عباس حایری و فرزند میرزا عبدالجواد میباشم که بسال ۱۳۰۳ هجری قمری در کربلا متولد شده ام .

تحصیلات مقدمه تیم را در کربلا انجام و نزد مرحوم شیخ غلامحسین مرندی و مرحوم شیخ علی گنابادی سطوح فقه و اصول را خواندم .

و از درس خارج فقه و اصول آیت الله سید اسماعیل صدر اصفهانی نیز استفادہ کرده ام و دو سال هم در نجف رسائل و کفایه را نزد آیت الله خراسانی خوانده ام و از آیت الله صدر اصفهانی دارای اجازه اجتهاد هستیم . در جنگ اول جهانی بایران آمدم و در طهران مدرسه سعادت

و مدرسه نریا را تأسیس کردم و در مدرسه محمدیه مقابل مسجد جامع بتدریس رسائل شیخ مرتضی انصاری و کفایه اخوند خراسانی و جواهر پرداختم و شاگردان بسیاری تربیت کردم که اغلب آنها از مبرزین اهل علم و منبر هستند .

از سال ۱۳۲۴ شمسی که دانشکده معقول و منقول از مدرسه سپهسالار منتزع شد من کلاسهای روحانی را ترتیب دادم و آئین نامه برای مدرسه و دروس نوشتم و با سمت ریاست علمی مدرسه بتدریس کفایه و رسائل پرداختم .

عقیده من درباره این مؤسسه علمی و دینی این است که با اساتید بزرگ فعلی و استعداد طلاب میتوانیم موفقیت های بزرگی بدست آوریم و اگر تا حال مسامحه شده در اثر نداشتن سرپرست دلسوزی بوده است و اینک که جناب حجت الاسلام سیدالعراقین منصوب بنیابت تولیت شده اند آینده درخشان و مهمی نصیب خواهد شد زیرا سیدالعراقین شخصیتی باهوش و کیاست و شجاع و بهر فضیلتی آراسته است و اوست که میتواند از همه حیث این مدرسه را اداره کند من امیدوارم که بزودی از این بستر بیماری برخاسته و بتدریس مشغول شوم و در قدمهایی که این سید جلیل القدر برای دین و دانش بر میدارد بسهم خود همراهی نمایم

#### علامه سید حسین کاشانی

جناب آقای سید حسین کاشانی « ضواء الرشید » که در سیزدهم ماه شعبان ۱۳۰۰ در نجف اشرف متولد گردیده و تا سن بیست سالگی در آن شهر در خدمت علامه نحریر مرحوم شیخ عبدالرضا دشتی بتحصیل مقدمات پرداخته سپس در خدمت مرحوم سید محمد سعید خوئی بتکمیل ادبیات عرب و سطوح فقه اشتغال داشته بعداً در خدمت پدر بزرگوارش مرحوم آیت الله آقای حاج سید محمد کاشانی بکربلا

مهاجرت و در آنجا در دو درس خارج اصول فقه و فقه پدر بزرگوارش و نگاشتن آنها مشغول بوده است .

در سال ۱۳۴۲ یکدوره فقه از آغاز کتاب طهارت تا انجام کتاب دیبات نظماً تألیف فرموده و ترجمه آنرا بفارسی هم نگاشته اند « مسماة بضوء الرشیدی احکام النبی الامجد » که بچاپ رسیده و نظم منظومه در ایه الحدیث که دو تقریظی که آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری طاب ثراه و آیت الله کاشف الغطاء مدظله به مؤلفه ایشان نوشته اند کمال دلالت بر علوشان و اقتدار استاد محترم در علوم دینی و ادبیه دارد .

استاد کاشانی مصنفات دیگر هم نشرأ و نظماً در موضوع های مختلف دارند از قبیل بعض مباحث اصول و معانی و بیان و بدیع و از آن جمله دیوانی است در مدایح و مرانی ائمه هدی با اندازه دیوان سید رضی اعلی الله مقامه که هنوز بچاپ نرسیده است .

#### شرح حال جناب آقای حسینعلی راشد بقلم خود ایشان

اینجناب در ماه تیر از سال یکهزار و دوست و هشتاد و چهار شمسی هجری در شهرستان تربت حیدری ( یکی از شهرستانهای خراسان ) متولد شده و اکنون که ماه آذر از سال یکهزار و سیصد و بیست و نه میباشد در چهل و ششمین سال از عمر خود میباشم .

پدرم مرحوم آقای حاج شیخ عباس تربتی مردی روحانی و بسیار زاهد بود که با دست خود کشاورزی میکرد و از آن راه نان میخورد و تمام عمر در راه ارشاد مردم و بر آوردن حوائج مستمندان شب و روز میکوشید و در این راه مشقتها را با رضایت خاطر تحمل میکرد .

اینجناب تا سن شانزده سالگی در همان تربت حیدری مقدمات فارسی و عربی را یعنی نحو و صرف و قسمتی از معانی و بیان با منطق و مقداری از فقه و اصول فقه خواندم و چون هوش و حافظه ام خوب بود و

بدرم نیز در کار درسم توجه می‌کرد و خودم علم را دوست میداشتم آنچه میخواندم با دقت میخواندم و اغلب آنها را از بر می‌کردم.

در سال یکهزار و سیصد شمسی هجری برای ادامه تحصیلات علمی خود بمشهد رفتم و در مدت ده سال که در مشهد بودم معانی و بیان را مجدداً نزد مرحوم میرزا عبدالجواد معروف بادیب نشابوری و سطح فقه و اصول فقه را که عبارت بود از شرح امله و قوانین الاصول و فصول و مکاسب و فرائد الاصول معروف بر سائل شیخ انصاری و کفایة الاصول بترتیب نزد مرحوم آقامیرزا محمد باقر مدرس رضوی و آقا شیخ آتابزرگ شاهرودی و مرحوم آقا سید جعفر شهرستانی و مرحوم حاج شیخ حسن برسی و آقای حاج شیخ محمد نپاوندی و پس از آن خارج اصول را دو دوره نزد مرحوم حاج میرزا محمد معروف باقازاده خراسانی و مرحوم آقای حاج آقا حسین قمی و مرحوم آقامیرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آقا شیخ موسی خوانساری و کتاب شرح اشارات را در فلسفه قدیم با امور عامه اسفار نزد مرحوم آقا بزرگ شهیدی خواندم و در سالهای آخر کتبی را که خوانده بودم درس می‌گفتم.

در مدت مزبور بتحصیل بعضی از علوم دیگر نیز مانند قسمتی از ریاضیات و مختصری فیزیک و تاریخ طبیعی و تشریح پرداخته و در کتب ادبی و تاریخی و اجتماعی مخصوصاً تاریخ ادیان و مذاهب و مباحثات و مجادلات دینی و همچنین تفاسیر قرآن مجید مطالعات نسبتاً فراوان کردم.

در سال یکهزار سیصد و ده شمسی هجری برای تکمیل تحصیلات عالی خود بنجف اشرف رفتم و نزدیک یکسال در آنجا بودم و بدرس اصول فقه مرحوم آقامیرزا محمد حسین نائینی و درس فقه مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر میشدم لکن بر اثر کسالتی که عارض شد و ممتد گشت ناچار شده بایران برگشتم.

در سال هزار سیصد و دوازده که برای گردش بشیراز رفته بودم ایام ورودم مصادف با ماه محرم بود و چنین پیش آمد که روزی در یکی از مجالس مرا تکلیف منبر کردند و پذیرفتم و چون مردم حسن استقبال کردند این کار ادامه یافت و نزدیک یک سال و نیم در شیراز ماندم و بمنبر میرفتم و مورد محبت فراوان مردم آندیار گشتم.

پس از آن در حالیکه عازم تهران بودم بعضی که مرا در اصفهان می‌شناختند دعوت باقامت در آن شهر کردند و در آنجا نیز در حدود پانزده ماه منبری رفتم و مردم توجهی داشتند تا آنکه در ماه رمضان سال یکهزار و سیصد و چهارده بر اثر سوء تفاهم یا اعمال غرض دچار حادثه‌ای گشتم که روحم را بسیار فشار داد و تا اوایل بهار سال یکهزار و سیصد و شانزده بطور غیر آزاد در اصفهان ماندم.

در بهار سال یکهزار و سیصد و شانزده بتهران آمدم و بکارهای مختلفی از قبیل گفتن درسهای خصوصی و نوشتن مقالات در جرائد و مجلات و تنظیم فهرستی برای کتب عربی کتابخانه مجلس شورای ملی و رفتن منابر محدودی در مجامع خصوصی پرداختم و در آن اثناء بعضی از یادداشتهای علمی خود را در باب دو نظریه فلسفی: یکی نظریه حرکت در جوهر منتسب بصدر المتألهین شیرازی و یکی نظریه نسبیت منسوب بانیشتمین در صورت کتابی بنام: « دو فیلسوف شرق و غرب » چاپ و منتشر کردم.

در سال یکهزار و سیصد و بیست از طرف اداره رادیو تهران از این جانب دعوت شد که برای شبهای تاسوعا و عاشورا و یازدهم محرم گفتارهای مناسبی نوشته در رادیو ایراد کنم و چون مردم از این عمل حسن استقبال شدید و تقاضای ادامه این سخنرانی را کردند مقرر شد شبهای جمعه مدت نیم ساعت در رادیو تهران سخنرانی کنم که تا

کتابخانه اهدائی علی اصفهانی  
۱۳۴۰

چندی قبل از این سخنرانی های مزبور ادامه داشت و قسمتی از آنها در پنج مجلد بنام : « سخن رانی های راشد در رادیو تهران » چاپ و منتشر شده است .

در آخر سال یکهزار و سیصد و بیست و پنج و آغاز سال يك هزار و سیصد و بیست و شش سفری بعتبات عالیات کرده و از آنجا بشام و بیروت و فلسطین و مصر رفتم و تا حدی که ممکن بود در آن کشورها مطالعاتی که باید کردم .

در آغاز سال یکهزار و سیصد و بیست و نه برای معالجه مرض حمله ای که پس از حادثه اصفهان بآن مبتلا گشته ام باروپا رفتم و در این سفر که مدت هفت ماه و نیم طول کشید کشورهای فرانسه و انگلستان و آلمان و سوئیس و ایتالیا را سیاحت کردم .

فعلاً سه سال است که در مدرسه عالی سپهسالار افتخار تدریس فقه و فلسفه و فن خطابه را دارم و مایلیم که زندگی علمی آرامی داشته باشم .

جناب آقای حاج میرزا محمد حسین شیرازی فرزند مرحوم آیه الله آقا میرزا مهدی شیرازی که از اجله و میرزین حوزه مرحوم آیه الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی بوده است

معظم له در حدود سال ۱۳۰۱ قمری در سامرا متولد گشته فارسی و ادبیات عربی را نزد مرحوم شیخ حسین گروسی و سطوح فقه و اصول را در سامرا نزد مرحوم میرزا یحیی نوری اصفهانی و مرحوم شیخ محمد کاظم شیرازی و مرحوم شیخ علی اصغر کشمیری و مرحوم ملا ابراهیم مازندرانی و مرحوم حاج محمد حسن کعبه که هر کدام آنها از مشاهیر علماء بودند تلمذ نموده و پس از فراغ از سطوح در سن ۲۰ سالگی بنجف مسافرت نموده و در حدود شش ماه در حوزه فقه و

اصول مرحوم آخوند خراسانی حضور یافته و پس از آن بواسطه عدم مساعدت آب و هوا بسامرا مراجعت نموده و نزد مرحوم آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی دائمی والد معظم خود تلمذ کرده و خارج فقه و اصول را حدود ۱۸ سال که منتهی بفوت آیت الله گردید فرا گرفته پس از فوت ایشان بنجف مسافرت نموده باخذ اجازه از علمای نجف آیات الله مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم شیخ مهدی مازندرانی و آقا ضیاء الدین عراقی و مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی و مرحوم حاج شیخ حسین حائری مازندرانی و آقا شیخ محمدعلی شاهرودی نایل گردیدند و از آنجا مسافرت بایران نموده و در همدان اقامت گزید و بامور روحانیت و تدریس اشتغال داشتند و در سال ۱۳۲۳ شمسی از همدان بطهران مسافرت نموده و بسمت مدرس مدرسه عالی سپهسالار معین شدند و چهار سال است تدریس در این مدرسه را دارا میباشند .

#### شرح حال جناب آقای علامه وحیدی بقلم خود ایشان

محمدعلی معروف بعلامه وحیدی متولد ۱۳۲۴ قمری هجری در کرمانشاه ناظم اصول منطق بفارسی و احسن الاساس در منطق بهربی و حاشیه بر کفایه الاصول تا پایان مشتقات و مؤلف حکمت علامه و سراینده اشعار بسیار بزبانهای فارسی و عربی و دارای نگارشهای سیاسی و علمی و ادبی فرزند ابوالقاسم ابن محمد ابراهیم ابن احمد ابن محمد علی ابن آقا محمد باقر بهبهانی استاد الكل فی الكل ده بسلسله مراتب بشیخ مفید و سعید ابن جبر می پیوندم و بر حسب تحقیقات مرحوم حاج محنتم السلطنه اسفندیاری پدر بر پدر رشته اجتهاد در خانواده احقر قطع نگردیده است پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه ادبیات را نزد مرحوم شیخ محمد تقی شیرازی که از اجله دانشمندان عصر بود فرا گرفتم و در عصر

مرحوم آية الله العظمى ميرزا محمد تقی شیرازی بکربلا رهسپار گردیده و در محاضر مرحوم شیخ محمد سعید فارسی و مرحوم سید محمد سعید شیرازی و مرحوم سید مرتضی شهرستانی سطوح را تعلیم گرفتیم و برای آشناسدن بتتقیح مسائل و طرز استدلال و انتقاد بدروس خارج مرحوم آية الله حاجی میرزا علی شهرستانی و مرحوم آية الله شیخ محمد حسین مازندرانی حاضر میشدم سپس بنجف اشرف مشرف شده و از محاضر درسی آیات الله نائینی و اصفهانی و عراقی و غروی استفاده نمودم ولی بیشتر از محاضر آية الله مرحوم حاج شیخ محمد حسین غروی معروف بکهمپانی استفاده اصولی و فلسفی نموده بجدی که از متقرین و مقررین درس معظم الیه محسوب بودم تا علاوه بر نیل باجازات اجتهاد مطلق از نواحی مقدسه اکثر آیات الله نجف اشرف در تشرف بقم هم موفق بدریافت اجازه اجتهاد از ساحت مقدس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یزدی شده و اکنون باسمت مشاورت وزارت فرهنگ افتخار تدریس در مدرسه عالی سپهسالار را دارم.

#### شرح حال جناب آقای ابن الدین

آقای عبدالحسین ابن الدین فرزند مرحوم علی اصغر . بسال ۱۲۸۳ در قم متولد شده و در حدود هفت سالگی شروع بتحصیل نموده و پس از تکمیل ادبیات فارسی و عربی بتحصیل سطوح فقه و اصول و فلسفه پرداخته و پس از آن حدود دوازده سال بدرس خارج فقه و اصول مرحوم آية الله حاج شیخ عبدالکریم یزدی حایری در قم حاضر شده و باخذ اجازه اجتهاد از معظم الیه مفتخر گردیده است و بسال ۱۳۱۶ پس از فوت مرحوم آية الله حایری بطهران آمده و مشغول تدریس گشته و اکنون حدود ۵ سال است که در مدرسه عالی سپهسالار اشتغال بتدریس دارد .

از آثار مشارالیه نشر مقالات دینی عربی در مجلات مصر و بیروت

و عراق است و نیز ترجمه کتاب اعجاز قرآن مرحوم رافعی و باورقی بر آنست که بطبع رسید و دوره تاریخ ادبیات عرب و تاریخ ادبیات ایران و رساله در صنایع بدیعیه و بکرشته سخنرانی های دینی در رادیوی طهران که مستقلا بطبع رسیده است .

#### شرح حال جناب آقای بهزادی

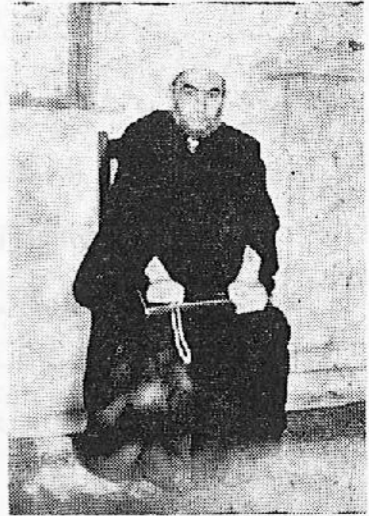
میرزا علی بهزادی نواده مرحوم آية الله آقای حاج میرزا حسین محدث نوری در سال ۱۲۷۰ شمسی در سامره متولد شده مقتضات و ادبیات را در نجف تحصیل کرده سطوح فقه و اصول و فلسفه را در طهران تلمذ نموده اند مدتی هم در اصفهان اشتغال بتکمیل فلسفه و اصول داشته اند چندین سال در محضر حضرت آية الله حاج شیخ عبدالکریم حایری و مرحوم آية الله آقای میرزا حسین نائینی در قم اشتغال بتحصیل داشته اند و یکسال هم از محضر آية الله آقای بروجردی و آية الله آقای حجة استفاده نمودند و از سال ۱۳۲۶ در مدرسه عالی سپهسالار بتدریس ادبیات و فقه و اصول مشغول اند .

#### شرح حال جناب آقای طالقانی

آقای سید محمود طالقانی فرزند مرحوم آية الله حاج سید ابوالحسن طالقانی در سال ۱۲۹۹ شمسی در طهران بدینا آمده اند پس از طی مراحل تحصیلی مقدماتی در خدمت والد ماجدشان در سالهای اول تأسیس حوزه علمیه قم در تحت سرپرستی مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری بقم عزیمت نمودند .

سطح را نزد اساتید نامی آنحوزه خوانده و در پنج سال اخیر زندگانی مرحوم آیت الله حایری از درس خارج ایشان استفاضه کرده اند در این اوقات نیز چندی بعقبات عزیمت نمودند و از درس خارج آیت الله





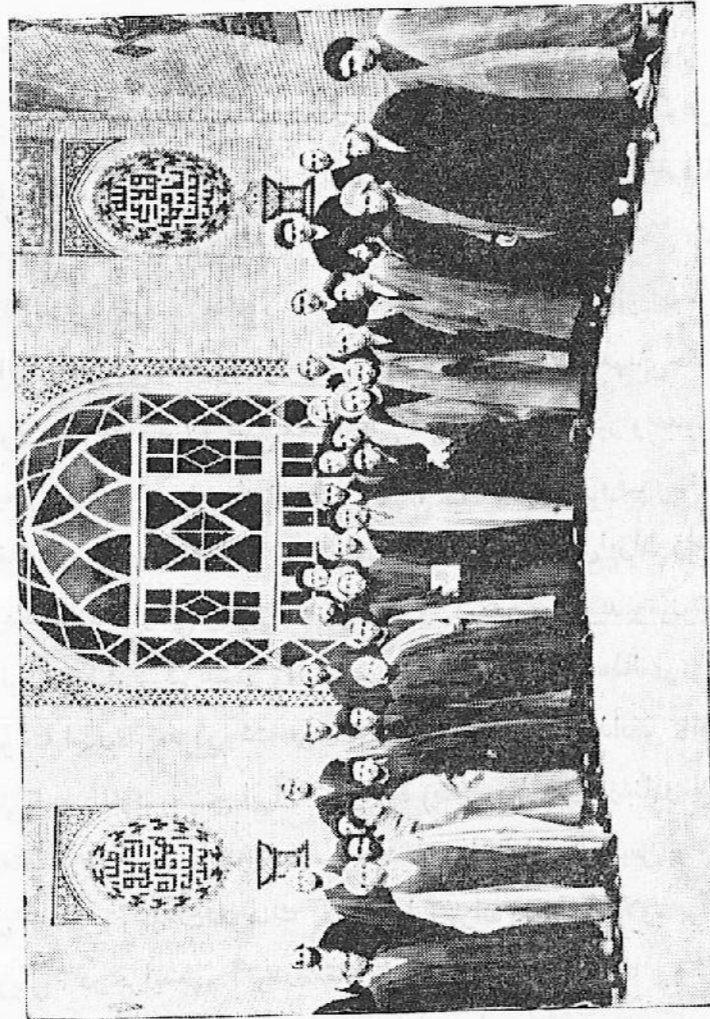
### جناب آقای حاج میرزا مهدی

#### مجتهد آشتیانی

مدرس محترم معقول در مدرسه عالی سپسالار  
 واز اساتید بزرگ و نامی ایران میباشند  
 متأسفانه بعلمت کسالت مستدی که مبتلا  
 شده اند ناگزیر باروبا مسافرت نمودند  
 از طرف نیابت تولیت عظمی مساعدت لازمه  
 شد که انشاء الله بزودی معالجه و بایران  
 بازگشت نمایند

اصفهانی و حاج شیخ محمد حسین غروی « معروف بکمپانی » و آقا  
 ضیاءالدین عراقی استفاده کردند .

از مرحومان آیت الله حایری و آیت الله اصفهانی باخذ اجازه  
 اجتهاد نائل شده اند و پس از رحلت آیت الله حایری بطهران آمده و  
 بتدریس و افاضه مشغول و امام جماعت مسجد هدایت (خیابان اسلامبول) هستند  
 در زمان نیابت تولیت آقای صدرالاشراف که دانشکده معقول و  
 منقول از مدرسه منتزع شد و دوباره حوزه درس روحانی این مدرسه  
 تشکیل گردید آقای طالقانی عهده دار تدریس فقه و تفسیر و منطق  
 شدند و تاکنون باین خدمت ادامه میدهند .



علامه بزرگوار حضرت سیدالعراقین  
 در میان آقایان طلاب علوم دینی

### شرح حال جناب آقای سید محمد صادق نشأت بقلم خود ایشان

این بنده از ابتدا با خانواده خود در کربلا اقامت داشته ادبیات فارسی و عربی را نزد شیخ غلام نحوی، شیخ عبدالرحمن گویتی، شیخ احمد اصفهانی تحصیل کرده و اصول و فقه را در محضر شیخ مهدی کرمانشاهی، شیخ محمد سعید فارسی، و حجة الاسلام شیخ محمد علی قمی، و آية الله شیخ عبدالکریم یزدی و حکمت و اخلاق را در نزد مرحوم شیخ مهدی حکمی معروف به (علاقیند) و شیخ محمد علی قمی، دیده و تفسیر و حدیث و تاریخ را هم از محضر پدر خود سید محمد مهدی حسینی معروف به مهندس استفاضه نموده است و مطالعات مفصلی در تاریخ و جغرافیای ایران و اسلام دارد علاوه بر فارسی و عربی که بهر دوی آنها سخن میگوید و مینویسد و تألیف میکند ترکی عثمانی و انگلیسی را هم بقدر کافی در مطالعه و ترجمه آموخته است. بعد در رشته فرهنگ وارد در کربلا و بغداد و کاظمین مدتی خدمت نموده سپس بایران منتقل شده (مدت چهار سال در بنادر جنوب خدمات فرهنگی مهمی انجام داده و مجدداً بعراق معاودت و پس از چهار سال اقامت و خدمت بفرهنگ آن محیط بتهران منتقل و علاوه بر شغل تدریس، در جراید مهم آنوقت مقالاتی نوشته در ۱۳۰۹ بنا بر پیشنهاد سفارت شاهنشاهی از طرف وزارت فرهنگ بسرپرستی آموزشگاههای ایران بآن سامان اعزام گردید و مدت ۱۸ سال دیگر یعنی از (۱۳۰۹ - ۱۳۲۵) آموزشگاههای نامبرده را بامنتهای جدید اداره نمود و در اواخر سال (۱۳۲۵) بنا به اصرار خود بتهران منتقل گردید و از آن تاریخ تا



حضرت آقای رفیع رفیع  
امام مسجد سپهسالار



جناب آقای شیخ محمود جارالهی  
نایب امام مسجد سپهسالار

حال بانجام خدمات فرهنگی و علمی و مطبوعاتی از جمله تدریس تاریخ و جغرافیای اسلامی در مدرسه عالی سپهسالار اشتغال دارد تا کنون ۲۱ جلد کتاب در موضوعات تاریخی و اجتماعی و اخلاقی و دینی بدوزبان عربی و فارسی ترجمه و تألیف نموده

- ۱- کتاب عمران بغداد فی العصر العباسی به زبان عربی. که در عراق و کشورهای عربی دیگر معروف گردید. ۲- ترجمه رساله فتح بغداد بقلم خواجه نصیرالدین طوسی از فارسی به عربی. ۳- ترجمه توحید اهل توحید علامه هبة الدین شهرستانی ۴- ترجمه مقدمه تاریخ عمومی احمد رفیق مورخ ترك ۵- راهنمای تربیت جوانان در تعلیم و تربیت ۶- (دستور کامیابی) ترجمه از انگلیسی ۷- کتاب معلم جدید در تدریس زبان عربی بطرز جدید ۸- تاریخ روابط ایران و عراق و ترکیه. ۹- تاریخ تربیت در ایران و جهان. ۱۰- تاریخ طبیعی انسان ۱۱- خواندنیهای کهنه و نو. ۱۲- جغرافیا و تاریخ مفصل کشور ایران. ۱۳- تاریخ و جغرافیای ممالک عرب مرادفات و اضداد لغوی فارسی و عربی

### کتابخانه

کتابخانه مدرسه سپهسالار یکی از کتابخانه‌های مهم ایران است که دارای نسخ کم نظیر و بی نظیری است.

این کتابخانه نزدیک به یازده هزار جلد کتاب دارد که بیشتر آنها خطی است و تعداد زیادی از کتب خطی بخط خود مؤلفین است.

هنگامیکه مرحوم سپهسالار در سال ۱۲۹۷ هجری در صدد بنای مدرسه و مسجد بزرگی برآمد در نظر گرفت که کتابخانه مهمی هم در آن ایجاد کند تا طلاب علوم و سایر اهل فضل از آن بهره مند شوند و کتابخانه خود را که شامل بسیاری کتب نفیسه و پر بها بود وقف این کتابخانه نمود و بعداً کتابخانه علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه وزیر علوم را که مردی دانشمند بود در شعر هم فخری تخلص میکرد یکجا خریداری کرد و وقف این کتابخانه نمود بنا بر این دو کتابخانه مهم و مشهور بنیان کتابخانه مدرسه سپهسالار شدند.

کلیه این کتب را سپهسالار باخط خود منتقل و وقف مدرسه نموده است و با این اندیشه پاک این دو کتابخانه از دستبرد دزدان و صادر کنندگان کتب بخارچه مصون ماند.

ناگفته نماند که در قرن گذشته کتابخانه‌های خصوصی بسیاری متعلق برجال و افاضل در ایران بوده است که پس از فوت آنها متفرق و پراکنده شده و بیشتر آنها از ایران بکشورهای دیگر منتقل گردیده است بطوریکه اکنون در کتابخانه‌های لندن و پاریس و لنینگراد و مسکو و استانبول و گراچی و بمبئی و غیره کتب خطی فارسی

بسیاری است که در ایران نسخه‌های آن نایاب است و غالباً وزارت فرهنگ یا فضلاء و محققین مجبورند بوسائلی عکس از آن کتاب‌ها بردارند و استفاده نمایند و اگر مرحوم سپهسالار نسبت بکتابخانه خود و اعتضاد السلطنه این عمل را نمیکرد اکنون بیشتر از این کتب در ایران نبود. از مندرجات وقف نامه هم چنین برمیآید سپهسالار که میخواسته بتدریج کتب این کتابخانه افزون تر شود قسمتی از عوائد رقبات موقوفه را برای خرید کتاب اختصاص داده است ولی متأسفانه از این محل که سالها تاکنون میگردد مقدار قابل توجهی کتاب خریداری نشده و از طرف عموم هم چندان کتاب بکتابخانه اهدا نگردیده است و کتب قابل ذکری که باین کتابخانه رسیده بشرح زیر است:

|   |          |
|---|----------|
| مرحوم احمد خان مشیر السلطنه (۱)                             | ۶ جلد    |
| مرحوم شیخ مصطفی فیروز کوهی                                  | ۳۸ جلد   |
| علامه سید محسن جبل عاملی شامی (۲)                           | ۳۱ جلد   |
| علامه سید هبیب الدین شهرستانی (۳)                           | ۲۰ جلد   |
| آقای حاج آقا احمد کرمانشاهی رئیس کتابخانه                   | ۲۴۰۰ جلد |
| از وزارت فرهنگ  | ۱۱۴ جلد  |
| از نثرت مرحوم محمد علی کاتوزیان                             |          |
| بوسیله آقای محمد درخشان                                     | ۲۲۵ جلد  |
| از نثرت حیدرقلی خان شاملو «عون الوزاره»                     |          |
| بوسیله آقای محمد درخشان                                     | ۳۸۰ جلد  |
| مرحوم شیخ الرئیس محمد هاشم میرزا افسر رئیس انجمن ادبی ایران |          |
| بوسیله جناب آقای بدیع الزمان فروزانفر                       | ۲۰۷ جلد  |

(۱) پس از سپهسالار اولین کسیکه در سال ۱۲۲۲ کتاب باین کتابخانه هدیه کرد  
(۲) بیشتر از مؤلفات خود ایشان است  
(۳) بیشتر از مؤلفات خود ایشان است

کتابخانه بنام آنها ثبت گردیده و مقداری هم مدرسه سپهسالار کتاب مورد لزوم و مطالعه طلاب را خریداری کرده است ولی چنانچه گفته شد کتب خوب و نفیس این کتابخانه همان کتبی است که مرحوم سپهسالار وقف نمود است و کتبی که بعد از سیده اکثر چاپی است آنچه در اینجا یاد آوری



جناب آقای حاج آقا احمد در وسط و طرفین ایشان آقای آقا اسدالله آل آقا کتابدار و آقای سید فتح الله کتابدار در کتابخانه

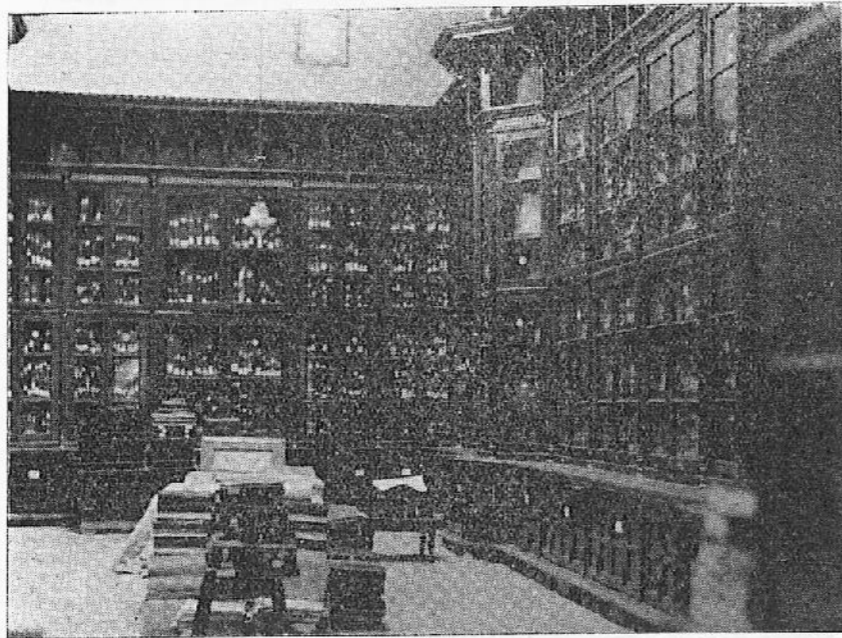
و تقدیر از آن لازم است وجود مرد دانشمند و امینی است که ۳۱ سال است رئیس این کتابخانه میباشد و آن جناب آقای حاج آقا احمد کرمانشاهی است که میتوان گفت وجود این کتب بیشتر مرهون امانت و درستکاری این شخص است.

آقای حاجی آقا احمد گذشته از اینکه خود ۲۴۰۰ جلد کتاب باین کتابخانه بخشیده در حفظ کتب باحوادث و آسیبی که معمولاً برای کتاب و کتابخانه زیاد است و تغییرات و تحولاتی که در این مدت بوجود آمده است بانهایت امانت و صداقت و مقاومت از این گنجینه هنری نگاهداری نموده اند و باینکه محل کتابخانه متناسب نیست در حفظ کتب بسیار اهتمام کرده اند.

- کتب مرحوم سید احمد ادیب پیشاوری  
 بوسیله جناب آقای شیخ الملک اورنگ ۱۱۷ جلد  
 مرحوم شیخ علی مدرس نوری ۱۲۲ جلد  
 مرحوم یحیی قریب بوسیله بانورقیه مادر آن مرحوم ۱۹۴ جلد  
 هدیه جناب سیدالاعراقین نیابت تولیت عظمی ۱۰۰ جلد  
 از حقوق استاد محترم آقامیرزا مهدی آشتیانی  
 خریداری شده ۳۲ جلد  
 از مؤسسه و عطف و خطابه ۳۰ جلد  
 از جامع الازهر مصر ۲۲ جلد  
 ارسالی از لندن ۲۰ جلد  
 ارسالی از سفارت انگلیس مقیم ایران ۱۷ جلد  
 ارسالی از انستیتوی شرقی کامابجی ۱۴ جلد  
 هدیه دانشکاه طهران ۲۲ جلد  
 مرحوم میرزا ابوالقاسم امام جمعه تهران ۱۵ جلد  
 جناب آقا شیخ محمد خالصی مجتهد ۱۳ جلد  
 جناب آقای فاضل تونی ۱۱ جلد  
 انجمن فرهنگستان ایران ۹ جلد  
 جناب آقای سید کاظم عصار ۷ جلد  
 آقای کاظم زاده ایرانشهر از برلین ۶ جلد  
 آقای پارسا نویسرکانی ۵ جلد  
 مرحوم وحید دستگردی مدیر مجله ارمغان ۵ جلد  
 آقای محمد تقی مدرس رضوی استاد دانشگاه ۵ جلد  
 آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه ۵ جلد  
 و بجز این اشخاص، غالب مؤلفین و ناشرین کتب نیز از تالیفات و نشریات خودشان هر کدام یک نسخه بکتابخانه فرستاده اند که در فهرست

شرح حال جناب حاج آقا احمد رئیس کتابخانه بقلم خود ایشان

این بنده احمد ابن هادی ابن محمود ابن محمد علی ابن آقا محمد باقر البهبهانی قدس سرهم در سنه ۱۲۹۱ قمری در طهران تولد یافته و در سن شباب مثل سایر احباب اشتغال رسمی به تحصیل و مباحثه نحو و صرف و ادبیات و غیرها داشته و فقه و اصول و کلام سطحی را خدمت اساتید عصر مثل مرحوم حاج شیخ محمد حسن نهاوندی و مرحوم آقا سید عبدالکریم مدرس لاهیجی و مرحوم آخوند ملا محمد آملی و مرحوم حاج شیخ علی نوری و غیرهم استفاده نموده و بعد به نجف اشرف مشرف و مدتی در مدرس مرحوم آقا شیخ حسن تویسرکانی و مرحوم محقانی و مرحوم آخوند ملا علی نهاوندی و غیرهم اشتغال داشته و بعد بواسطه عرض کسالت و ناخوشی بر حسب امر علماء و مرحوم والد قدس سره ناچار بمراجعت و معالجه در طهران شده و به تحصیل و تکمیل علوم کلام و معقول و منقول پرداخته و مدتها در خدمت آقایان مرحوم حاج شیخ عبدالنبی نوری و آقا میرزا حسن کرمانشاهی و مرحوم آقا میرزا هاشم رشتی و مرحوم حاج شیخ محمد قوچانی قدس سرهم اشتغال داشته و در تاریخ ۱۳۲۸ بر حسب امر پدر بزرگوارم در مدرسه و مسجد مرحوم جد مرحوم آقا محمود بشدریس و امامت و امور راجع بوظیفه روحانیت مشغول و در سنه ۱۳۳۷ بموجب فرمان ملوکانه امور کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار به اعی تفویض و اسباب سرگرمی و اشتغال بکتاب و کتابخانه و خدمت به علم و علما گردید و اینک ها ناذا و نعوذ بالله من السهو و النسیان و ارجو منه العفو و من الاحباء طلب الغفران



نمای داخلی کتابخانه که کتب خطی در این قفسه ها گذاشته شده

قدیمترین نوشته ای که در این کتابخانه است قسمتی از کلام الله مجید میباشد که در قرن سوم هجری نوشته شده . این قرآن بخط کوفی و نلک در ۱۷۸ ورق نوشته شده . اسامی سور و تقسیمات قرآنی را با طلا نوشته اند و اطراف آنها نقاشی قدیم مخصوص شده .

اولین آیه اش « آیه ۱۲۲ از سوره بقره » کتب علیکم القتال وهو کره لکم « و آخر آن آیه ۲۸ از سوره احقاف میباشد « صر فنا الیک نقرأ من الجن یستمعون القرآن » .

کاغذ این قرآن حنائی خیلی قدیمی بقطع وزیری کوچک میباشد این قرآن از جمادی الاولی ۱۲۹۲ داخل کتابخانه علی قلی میرزا

اعتضاد السلطنة قاچار شده و در ذی الحججه ۱۲۹۷ مرحوم سپهسالار آنرا وقف کتابخانه مدرسه نموده است و بشماره ۱۰۱۷ در دفتر کتابخانه ثبت گردیده و بالاینکه هزار سال از تاریخ کتابت آن گذشته بسیار سالم نگاهداری شده است .

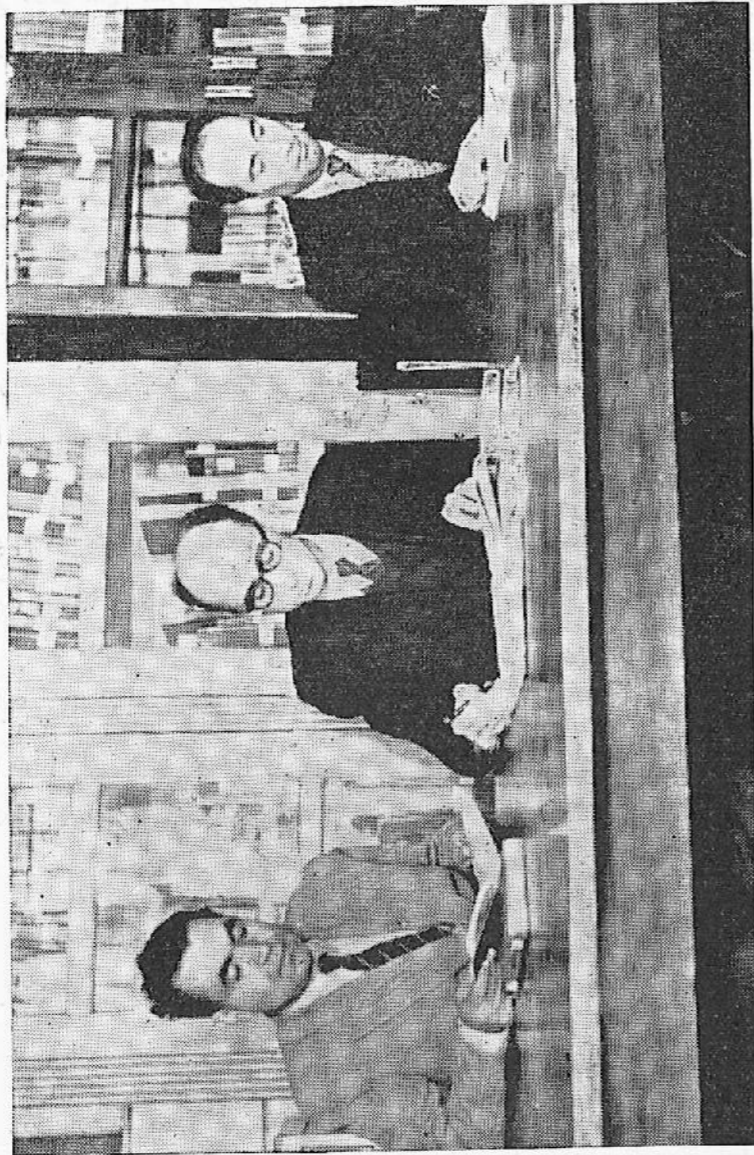
نقیس ترین کتابی که در این کتابخانه است يك جلد خمسه حکیم نظامی ( ابو محمد بن ویس بن یوسف بن زکی مؤید مطرزی گنجوی ) از اعظام شعرا و حکمای ایران و از نوابغ ادبی قرن ششم هجری است .

این کتاب گرانها و بی مانند را بسال ۹۵۶ مرشد شیرازی پسر خواجه میرک شیرازی نوشته و گذشته از خط زیبا و دلفریبی که دارد دارای سی مجلس بسیار ظریف نقاشی و صورت سازی است و گذشته از مجالس نقاشی که هر مجلس بطول و عرض صفحه کتاب میباشد پیش از شروع بکتاب دارای دو صفحه مینا کاری بسیار زیبا و ظریف میباشد که در وسط آنها مرغ های ماهی خوار چندی بشکل های گوناگون رسم شده و در میان این مرغان در هر صفحه ترنجی است که در میان آنکه از لاجورد پوشیده شده این رباعی نوشته شده :

گنجینه گشای گنجه آن مؤیدراد      کامد زازل سخن و ران را استاد  
دریای مهانی از گهر کرد تپی      روزی که بنای پنج گنجینه نهاد

و برترنج دیگر نیز این رباعی که نامهای خمسه را بیان کرده  
خمسه که به مخزنش بود زیب تمام      از خسرو شیرینش فزوده است نظام  
لیلی مجنون و هفت پیکر ز عقب      تاریخ سکندرش دهد ختم کلام  
بخط نلث نگارش یافته و تمام دو صفحه اول که هر يك شش بیت

از مخزن الاسرار را شامل میباشد با کمال ظرافت نقاشی و مینا کاری گردیده میان سطر های دو صفحه بعد از این دو صفحه و هر صفحه ای که مقابل یکی از مجالس نقاشی میباشد و دو صفحه اول هر يك



آقای دکتر صدیقی استاد دانشگاه که برای جشن هزاره ابن سینا مشغول مطالعه در اطراف رسائل ابن سیناست در طرفین ایشان آقای پارسا نویسرگانی و آقای مدرسی نویسندگان فهرست کتابخانه نشسته و در باره چند رساله ابن سینا که در این کتابخانه است بحث مینمایند .

از کتاب های خسرو شیرین و اقبال نامه که نیز دارای سرلوح های « پنج سرلوح » زیبایی است طلا اندازی و نقاشی شده و دو صفحه آخر نسخه بطرز جالب توجه مینا کاری و نقاشی و طلا اندازی شده است و گذشته از اینها دو صفحه آخر خسرو شیرین و یک ورق از میان لیلی و مجنون و دو صفحه آخر آن و دو صفحه هفت پیکر مینا کاری های ظریف دارد (۱) تمام صفحات با کمال استادی و مهارت متن و حاشیه گردیده و مجدول بطلا و لاجورد و شجر فوغیره میباشد عنوانین مطالب این کتاب بر سر سوره هاییکه از طلا پوشیده شده با سفید آب نگارش یافته و اطراف آن نگارش هم برک و گل نقاشی شده است.

بر حسب یاد داشتی که پشت نخستین برک کتاب است بسال ۱۲۸۴ اعتضاد السلطنه مالک این کتاب بوده و سپهسالار آنرا خریده و بکتابخانه وقف کرده است و بشماره ۴۰۰ ثبت دفتر کتابخانه شده است. فاضل محترم آقای ابن یوسف که در جلد دوم فهرست کتابخانه این کتاب را بشرحی که گذشت معرفی کرده در باره آن مینویسد: اگر ایرانی هیچگونه دلیل و برهانی بر لیاقت و شایستگی زیاد خود نداشت با سلیقه و صنایعی که در این نسخه بکار برده نیاز مند بگواه

(۱) عنوان خمه روی مثنویات نظامی بعد از درگذشت وی گذاشته شده و کرانه مثنویات نظامی، شش کتاب است مخزن الاسرار - خسرو و شیرین - لیلی و مجنون - هفت پیکر - اسکندر نامه - اقبال نامه که هر کدام کتابی جداگانه است و انجمن ادبی حکیم نظامی در طهران این کتاب را تصحیح و جلد هفتم آنرا نیز شرح حال نظامی و غزلیات و قصائدش قرار داده است. این انجمن بدستگیری فضلائى. چون مرحوم وحید دستگردی - مرحوم عبرت نائینی - مرحوم تقی بینش - مرحوم مایل توپسرکانی - آقایان هادی حائری - احمد اشتری - علی اصغر حکمت - سعید نفیسی - هادی اشتری - محمد علی بامداد - محیط طباطبائی - مجدالعلی بوستان - یارسا توپسرکانی - محمد علی ناصح - محمد علی نجاتی - امیر فیروز کوهی - رهی معیری - احمد مهنبد - قویم الدوله - احمد سهیلی خوانساری - احمد گلچین - صادق انصاری - محمد درخشان از ۱۳۰۸ شمسی تأسیس و تاکنون هم دایر است.



طلاب مدرسه سپهسالار در تالار کتابخانه هنگام مطالعه

دیگر نبود و معتقد است معرفی این کتاب از عهده قلم خارج است .  
« یدرک ولا یوصف »

اوقات مطالعه در کتابخانه از ساعت هشت صبح تا ظهر میباشد ولی در نظر است که بعد از ظهرها نیز این گنجینه علمی و ادبی برای مطالعه کنندگان باز باشد .

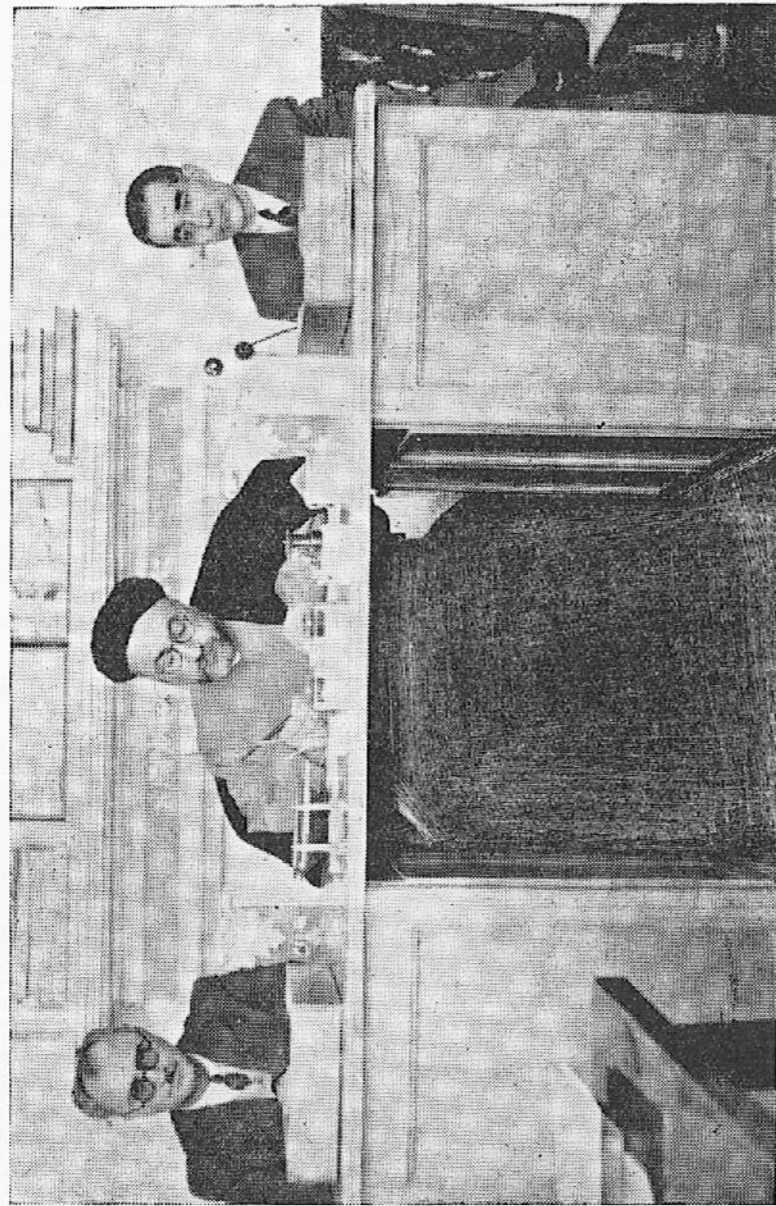
بواسطه رسائل نایاب و کتب کم نظیر غالب اساتید و دانشمندان نیز باین کتابخانه مراجعه و استفاده مینمایند .

طبق دستور واقف از این کتابخانه کتاب بخارج از مدرسه نباید بیرون ببرند ولی آقایان طلاب میتوانند کتب مورد نیاز خود را در برابر رسید گرفته و در حجرات خود مطالعه کنند .

تاسال ۱۳۳۸ قمری این کتابخانه دفاتر منظمی نداشته ولی از آن سال بعد که جناب آقای حاج آقا احمد عهده دار ریاست کتابخانه شده اند کلیه کتب را در دو دفتر « یکی بترتیب شماره و دیگری بترتیب حروف تهجی » نوشته اند .

جزء اصلاحاتی که حجة الاسلام و مصلح معظم حاجی سیدال عراقین نیابت تولیت عظمی فرموده اند یکی هم تهیه فهرست جامع کتابخانه است که از جلد دوم بعد باید نوشته شود و بهشت جلد خواهد رسید اکنون دو نفر از فضیلا مشهور « آقای پارسا نویسرکانی و آقای مدرس چاردهی » مشغول تهیه این فهرست میباشد و جلد سوم آن در هزار صفحه قریباً منتشر میشود .

ناگفته نماند که بسیاری از کتب کتابخانه هر کدام شامل چند کتاب و رساله میباشد و اغلب این رسائل نایاب و کمیاب و از غنائم علمی و ادبی قرون گذشته است و نیابت تولیت عظمی در نظر گرفته اند نسخ منحصر بفرود را بتدریج چاپ و در دسترس عموم بگذارند و از هم اکنون اجازه داده اند که از نسخ نایاب عکس برداری شود و بکتابخانه های مهم جهان و مجامع علمی بفرستند .



مقام نیابت تولیت عظمی در طرفین ایشان آقای موسی شاهرخی ناظر امور مالی دربار شاهنشاهی و آقای پزشکان رئیس حسابداری دربار شاهنشاهی که بامور مالی سنوات گذشته مدرسه عالی سپسالار رسیدگی مینمایند

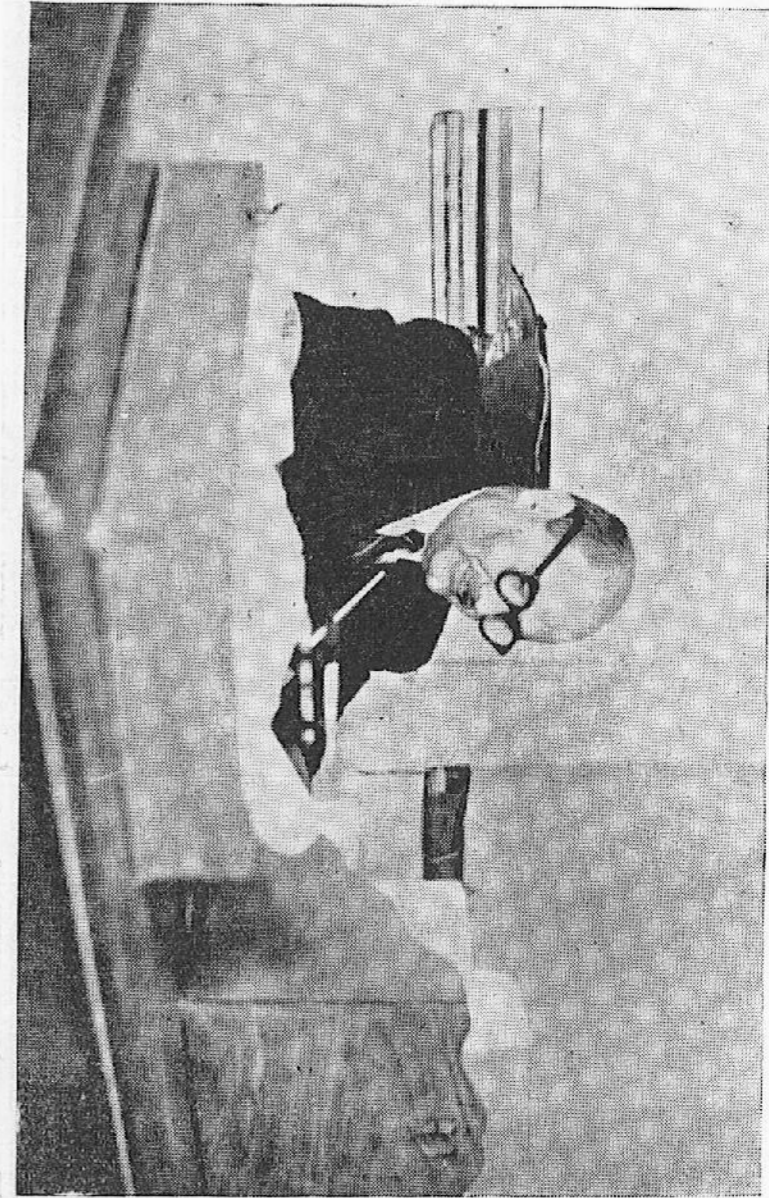




آقای حسن نوری حائری رئیس دفتر مدرسه عالی سپهسالار

باید دانست که در گذشته برای این مدرسه خرج هایی پیش بینی کرده اند که اگر عواید مدرسه وصول شود، مطابق همان مخارج است و وجهی باقی نمی ماند که بتوان با آن اصلاح جدیدی را آغاز کرد و مخصوصاً امسال پیش آمده است که عواید بموقع و درست بدست نیامد و در اجاره بندی های مدرسه هم که قبلاً صورت گرفته است چنانچه باید و شاید رعایت صرفه مدرسه نشده است ولی نیابت تولیت عظمی با دعوت از اصحاب معامله و نصایح با آنها که نباید موجب زیان موقوفات گردند و اینکه اگر مستأجرین حق مدرسه را بدهند بمصرف خیر و صلاح جامعه میرسد تا حدی این تقیصه را جبران کردند و در سالهای آینده که مدرسه عالی سپهسالار از قید تعهد گذشتگان آزاد خواهد شد طبعاً عواید افزونی خواهد یافت

اینک صورت جمع و خرج فعلی مدرسه نگاشته میشود



آقای احمد راد رئیس حسابداری «مستوفی» مدرسه عالی سپهسالار

صورت خلاصه وصولی سال ۱۳۲۸ مدرسه عالی سپهسالار

| شماره ترتیبی | شرح  | مبلغ وصولی |       | ملاحظات  |
|--------------|--|------------|-------|--|
|              |  | ریال       | تومان |  |
|              | (مستغلات)  |            |       |  |
| ۱            | اجاره بهای مستغلات                                 | ۸۴۴۴۰۰     | -     |  |
| ۲            | اضافه اجاره بهای سال ۱۳۲۷ محل دبستانهای سعدی و آزر | ۶۶۰۰۰      | -     | (۱) ۸۰۰۰۰۰ ریال دیگر بابت سرقفلی باید در سال ۱۳۲۹ بپردازند   |
| ۳            | سرقفلی (۱)   | ۶۰۰۰۰      | -     |  |
| ۴            | آب بهای قنات مهران                                 | ۶۶۰۰۰      | -     | (۲) مبلغ ۲۴۰۰۰ ریال هم بابت سال ۱۳۲۸ در سال ۱۳۲۹ وصول شده است  |
|              | (املاک مزروعی)                                     |            |       |  |
| ۱            | عواید میان آباد (۲)                                | ۱۰۱۰۰۰     | -     | (۳) ۳۲۰۰۰ ریال هم بابت سال ۱۳۲۸ در سال ۱۳۲۹ وصول شده است   |
| ۲            | « شهرک طالقان (۳) »                                | ۱۰۸۰۰۰     | -     |  |
| ۳            | « املاک زنجان (۴) »                                | ۳۶۲۰۰۰     | -     | (۴) ۱۳۱۰۰۰ ریال هم باقیست  |
| ۴            | « د قزوین »  | ۱۹۰۰۰۰     | -     |  |
| ۵            | عواید املاک خالد آباد و شویه (۵)                   | ۲۵۸۴۰۰     | -     | (۵) ۴۸۰۰۰ ریال هم در سال ۱۳۲۹ بابت سال ۱۳۲۸ دریافت شده و در حدود یکصد هزار ریال دیگر نیز باید مستاجر پس از تصیفه حساب بابت سال مزبور بپردازد |
|              | (متفرقه)   |            |       |  |
| ۱            | وصولی از بقایای سنوات گذشته                        | ۲۴۵۵۳۹     | -     | (۶) مبلغ ۲۶۴۰۰۰ ریال از این قرض بابت در همان سال ۱۳۲۸ برگشت شده و باقی باید در سال ۱۳۲۹ پرداخته شود  |
| ۲            | اعانه وزارت فرهنگ                                  | ۶۰۰۰۰      | -     |  |
| ۳            | فروش اشیاء اسقاط                                   | ۶۲۵۰       | -     |  |
| ۴            | موجودی آخر سال ۱۳۲۷ که به سال ۱۳۲۸ نقل شده         | ۳۲۴۶۵      | ۴۰    | ۳۴۴۲۵۴   |
|              | (جمع وصولی)  |            |       |  |
|              | دوققره از بانک ملی ورهنی قرض شده (۶)               |            |       | ۲۴۰۰۱۰۴  |
|              | ودایع مزایده اجاره میان آباد (۷)                   |            |       | ۳۵۰۰۰۰   |
|              | جمع کل واردات سال ۱۳۲۸                             |            |       | ۵۵۰۰۰۰   |
|              |  |            |       | ۲۸۰۵۱۰۴  |

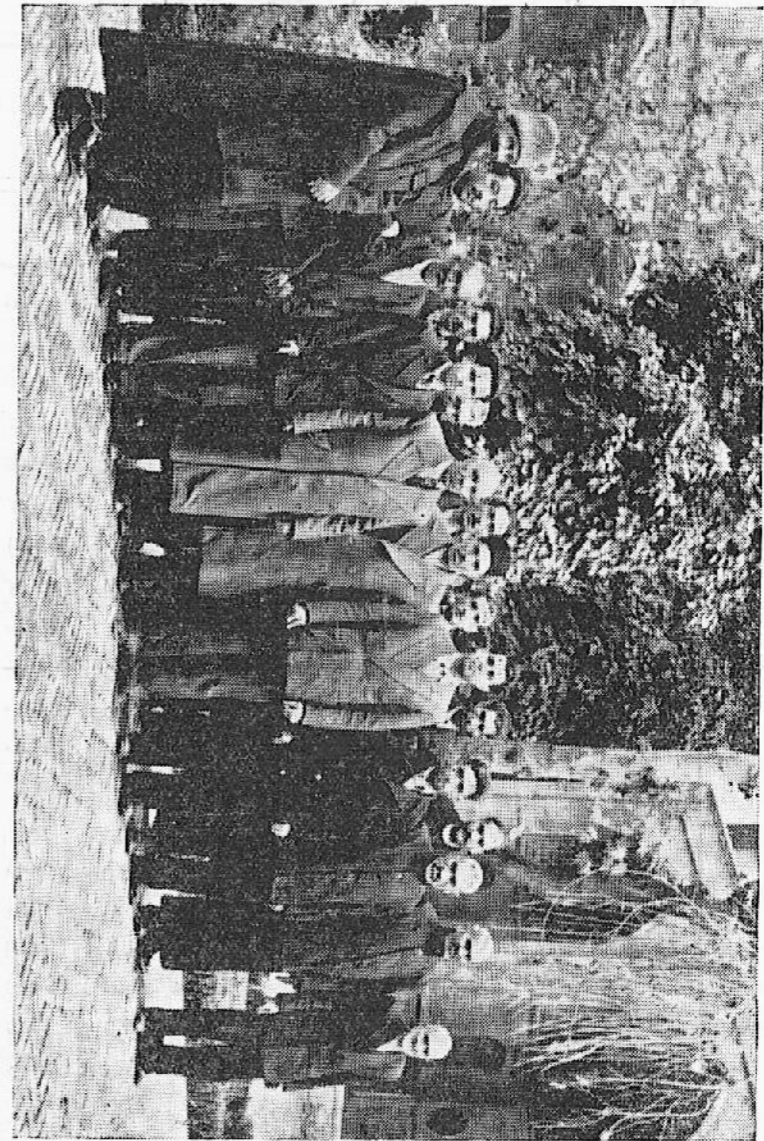
صورت خلاصه مخارج سال ۱۳۲۸ مدرسه عالی سپهسالار

| شماره ترتیبی | شرح  | مبلغ سالانه |       | ملاحظات |
|--------------|--|-------------|-------|---------|
|              |  | ریال        | تومان |         |
|              | (مخارج املاک)  |             |       |         |
| ۱            | تعمیرات مدرسه و مسجد و مستغلات شهری  | ۲۱۵۴۰۸      | ۵۰    |         |
| ۲            | مخارج فنائی و بنائی املاک  | ۸۷۹۰۸       | ۰۵    |         |
| ۳            | « قنات مهران (حقوق) »  | ۲۵۰۳۵       | -     | ۲۲۸۳۵۱  |
| ۱            | نایب التولیه   | ۸۶۰۰۰       | -     |         |
| ۲            | ناظر رقبات   | ۵۳۴۰۰       | -     |         |
| ۳            | کارمندان دفتری   | ۱۷۰۶۰۰      | -     |         |
| ۴            | امام مسجد و نایب امام  | ۳۶۰۰۰       | -     |         |
| ۵            | کارمندان کتابخانه  | ۴۴۷۶۰       | -     |         |
| ۶            | طیب  | ۱۸۰۰۰       | -     |         |
| ۷            | خدمتگذاران جزء   | ۲۲۸۴۰۰      | -     |         |
| ۸            | مستمری و روات  | ۲۸۹۲۰       | -     |         |
| ۹            | مدرسین   | ۳۸۰۷۴۰      | -     |         |
| ۱۰           | کمک هزینه طلاب (متفرقه)  | ۵۸۸۵۰۰      | -     | ۱۶۳۵۳۲۰ |
|              | (متفرقه)   |             |       |         |
| ۱            | مخارج اطعام و انعام و انانیه و نوشت افزار و غیره                                   | ۲۹۴۵۸۴      | ۴۰    |         |
| ۲            | اقساط وام بانک رهنی از بدهی سابق   | ۱۰۰۰۰۰      | -     |         |
| ۳            | تنه طلب مدرسه خیریه  | ۵۰۰۰۰       | -     |         |
| ۴            | تنه بهای فرش مسجد  | ۴۲۰۰۰       | -     |         |
| ۵            | برگشت قروض بانک ملی  | ۲۰۰۰۰۰      | -     |         |
| ۶            | « قسمتی از قرض بانک رهنی بهره و کار مزد و امهائی محسوب برگشت و دایع مزایده اجاره » | ۸۹۸۹        | ۲۵    | ۸۱۴۵۷۳  |
|              | جمع کل مخارج   |             |       | ۲۷۷۸۲۴۵ |
|              | موجودی آخر سال ۱۳۲۸ برای موازنه  |             |       | ۲۶۸۵۹   |
|              |  |             |       | ۲۸۰۵۱۰۴ |

## لطفاً این اغلاط مطبعی را قبل از مطالعه

تصحیح فرمائید

| صفحه | سطر | غلط                  | صحیح                       |
|------|-----|----------------------|----------------------------|
| ۱    | ۱۸  | بترتیب               | بترتیب                     |
| ۵    | ۱۳  | قتل و نفی            | نفی بلد و قتل              |
| ۶    | ۲۰  | انجام دادن           | انجام                      |
| ۱۰   | ۲۳  | روز بهمنه            | بهمنه بر روز               |
| ۲۰   | ۱۸  | نسی پذیرم            | نمیپذیریم                  |
| ۲۳   | ۱   | تقویت                | تقویت                      |
| ۳۵   | ۱۰  | حدود                 | حدود                       |
| ۳۵   | ۱۵  | نفسیه                | نفسیه                      |
| ۱۰۸  | ۴   | عمارتی است           | عمارتی                     |
| ۱۰۸  | ۴   | میباشد               | میباشد و قف کرده است       |
| ۱۱۱  | ۲۳  | نوزی                 | نوزی                       |
| ۱۱۱  | ۲۵  | خان                  | خان                        |
| ۱۱۲  | ۹   | بدینشان              | بدینسان                    |
| ۱۲۸  | ۴   | منسوب                | منسوب                      |
| ۱۵۷  | ۳   | روز روزه خوانی       | ۳ روز روزه خوانی           |
| ۱۵۷  | ۱۶  | میرزا عبدالله همدانی | میرزا عبدالله مسیحی طهرانی |
| ۱۵۹  | ۶   | از هر مؤسسات         | از مؤسسات                  |
| ۱۵۹  | ۱۲  | هایپویاتی            | مشاجراتی                   |
| ۱۶۶  | ۱   | بالاحتفال            | بالاحتفال                  |



کارکنان مدرسه عالی سپهسالار که در وسط  
 آقای محمد کرمانی مدیر امور داخلی دیده میشوند

۱۳۳۸

۴۸۷۹

چاپخانه سپهر